

# باکاروان مہمان

مؤلف: علی کپالہا



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کیالها، علی، ۱۳۴۵ -

با کاروان مهدی (عج) / مولف علی کیالها -  
قزوین: سلام، ۱۳۸۱.  
۱۶۷ ص.

ISBN: 964-9118-3-2

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص. ۱۶۷؛ همچنین به صورت زیر نویس.

۱. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق.

۲. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق.

-- غیبت، ۳. مهدویت -- انتظار، الف. عنوان.

۲۹۷/۹۵۹

ب ۲ ب ۹ ک / BP۵۱

۳۵۰۳-۸۱ م

کتابخانه ملی ایران

### \* با کاروان مهدی (عج) \*

تألیف: علی کیالها

ناشر: انتشارات سلام

طرح جلد: آتلیه آبی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ الهادی قم

نوبت چاپ: اول، تابستان ۸۱

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۶۴-۹۱۱۸-۳-۲

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

قزوین - خیابان شهدا - جنب شیخ الاسلام - تلفن: ۲۲۹۰۱۹

## تقديم به پیشگاه:

سليمان دوران، رحمت واسعه بر مؤمنان،  
كاشف غم و اندوه مستضعفان، صاحب العصر  
والزّمان، حجّت قاطعه الهی و قانع الحاد و  
گمراهی، مظهر قائم بالقسط، مشرق شمس ابدی،  
مطلع انوار ازلی، حافظ دین مبين و نگهبان  
شریعت سیّد المرسلین حضرت حجّة بن الحسن  
العسکری عجل الله تعالی فرجه الشّریف.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ  
وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ ناصِراً وَ دَلِيلاً وَ عَيْناً حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلاً.

خدایا برای نماینده خاصیت حجت بن الحسن که درودهایت بر او و بر پدرانش باد، در این ساعت  
و در هر ساعت، سرپرست و نگهبان و پیشوا و یاور و راهنما و دیده بان باش تا که بنشانیش در  
سراسر زمینت به اختیار و کامرانش گردانی در آن مدت دراز.

باید خودمان را مهیا کنیم از برای آمدن آن حضرت، من نمی دانم اسم رهبر روی ایشان بگذارم،  
بزرگتر از این است. نمی دانم بگویم که شخص اول است، برای این که دومی در کار نیست، ایشان  
را نمی توانیم ما با هیچ تعبیری تعبیر کنیم، إلا همین که «مهدی موعود(عج)» است، آن کسی که  
خداوند متعال ذخیره کرده است برای بشر... (۱)

۱ - از سخنان امام خمینی (قدس سره) که در روز نهمه شعبان ۱۳۶۰ هجری شمسی در حسینیه جماران ایراد فرموده اند.



## فهرست مطالب

موضوع	صفحه
<b>پیشگفتار</b> .....	۱
مَنْ كَذَّبَ بِالْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ (روایت).....	۲
توضیح.....	۳
شناخت و معرفت واقعی امام مهدی (عج).....	۳
شناخت بر دو قسم است.....	۴
اول - رسماً از نظر تکلیف - اسلام بر روی پنج پایه نهاده شده است (روایت).....	۴
دوم - اسماً برای تمیز حق از باطل.....	۵
شناسنامه مهدی (عج).....	۶
گوشه‌ای از برنامه‌های حیات بخش مهدی (عج) در ۱۲ شماره - العجل (شعر).....	۸
اعتقاد به ظهور (مهدی (عج)) اسلامی و به ظهور (مصلح جهانی) ملی است.....	۹
بخش اول - اعتقاد به ظهور مهدی (عج) اسلامی است نه مذهبی.....	۱۰
نظر برخی از دانشمندان اهل سنت در رابطه با ظهور حضرت مهدی (عج).....	۱۰
نظر علمای اخیر عربستان سعودی درباره حضرت مهدی (عج).....	۱۱
بیا ای امام هدایت شعار (شعر).....	۱۲
نام مهدی (عج) در پیشانی مسجد النبی (ص) می‌درخشد.....	۱۲
بخش دوم - اعتقاد به ظهور (مصلح) ملی و مورد قبول صاحبان ادیان است - کتاب (دید) هندوان و (جاماسب) زرتشت.....	۱۳
بشارت تورات و زبور داوود (ع).....	۱۴
انجیل متی (بشارت).....	۱۴
کس نیست که او منتظر وصل شمانیست. (شعر).....	۱۵
مهدی (ع) در قرآن - اولین آیه - سوره هود - آیه ۸۶.....	۱۶
بقیه الله از اسامی و القاب مخصوص حضرت مهدی (ع) است.....	۱۶
علامات ظهور و سخنرانی امام (ع) در کعبه - حدیثی از امام باقر (ع) در ۲۵ شماره.....	۱۷
نشانه‌های ظهور در بیان امام صادق (ع) در ۹۱ شماره.....	۱۸



۲۲	دومین آیه - سورة روم - آیات ۴ و ۵
۲۲	سومین آیه - سورة آل عمران - آیه ۸۳
۲۲	چهارمین آیه - سورة توبه - آیه ۳۳
۲۳	پنجمین آیه - سورة قصص - آیات ۵ و ۶
۲۳	حکومت جهانی مستضعفان
۲۵	مهدی (ع) در اخبار و احادیث
۲۶	سیمای مهدی (ع) در آئینه اخبار و احادیث
۲۷	سیمای مهدی (ع) در گفتار رسول اکرم (ص)
۲۷	سیمای مهدی (ع) در گفتار مولا امیرالمؤمنین علی (ع)
۲۸	سیمای مهدی (ع) در گفتار امام باقر و امام صادق و امام رضا (علیهم السلام)
۲۹	الْمَهْدِيُّ طَاوُوسُ أَهْلِ الْجَنَّةِ (روایت از رسول اکرم (ص))
۲۹	در آن نفس که بمیرم در آرزوی تو باشم (شعر)
۳۰	مهدی (ع) در آئینه تاریخ
۳۱	میلاد مهدی (ع)
۳۳	نواب اربعه (سفیران چهارگانه)
۳۴	توقیع امام زمان (ع) به علی بن محمد سمري
۳۵	طرح یک سؤال و پاسخ آن
۳۵	چند نکته
۳۵	ده موضوع مهم عقیدتی که دانستن آنها ضروریست (در ۱۰ بخش)
۳۷	بخش اول - امامت در کودکی
۳۷	مسئله امامت کودک و خردسال
۳۷	۱- سخن گفتن عیسی (ع) در گهواره
۳۸	۲- حضرت یحیی بن زکریا (ع) در سه سالگی به نبوت رسید
۳۸	۳- حضرت سلیمان (ع) در سیزده سالگی به نبوت رسید
۳۹	۴- سخن گفتن علی (ع) در شکم مادر و گهواره
۴۰	۵- سخن گفتن فاطمه زهرا (س) در شکم مادر
۴۰	۶- پرسش اسماعیل بن بزیع از امام باقر (ع) راجع به امر امامت
۴۰	۷- سخن گفتن امام موسی کاظم (ع) در گهواره



- ۸- امام رضا(ع) در شکم مادر تسبیح می گوید و پس از تولد، خدا را حمد می کند ..... ۴۱
- بلوغ شرط مرجعیت است نه نبوت و امامت ..... ۴۱
- ۹- مهدی (ع) چهل روز پس از تولد به راه افتاد ..... ۴۱
- ۱۰- مهدی (ع) کتب و صحف آسمانی را تلاوت می فرمود ..... ۴۲
- ۱۱- مهدی (ع) خود را به زبان عربی فصیح معرفی فرمود ..... ۴۲
- ۱۲- مهدی(ع) بر جنازه پدر نماز خواند ..... ۴۲
- نتیجه بحث ..... ۴۵
- پرده نشین (شعر از امام خمینی (ره)) ..... ۴۵
- بخش دوم - ضرورت وجود امام(ع) یا نقش امام(ع) در جهان هستی ..... ۴۶
- هرگز جهان از امام عادل و حجت خدا خالی نبوده و نخواهد بود (روایت) ..... ۴۶
- نتیجه بحث ..... ۴۸
- اگر زمین ساعتی بدون امام باشد فرو می ریزد (روایت) ..... ۴۸
- بخش سوم - فلسفه غیبت امام مهدی(ع) ..... ۴۹
- حدیث معراج (روایت از حضرت رسول اکرم(ص)) ..... ۴۹
- فرازهائی از خطبه غدیر در معرفی مهدی(ع) ..... ۵۲
- مهدی(ع) در روز عاشورا قیام خواهد کرد (روایت) ..... ۵۴
- تلاش برای دستگیری مهدی(ع) ..... ۵۵
- صدای قرآن از سرداب خانه امام(ع) ..... ۵۷
- چند نکته ..... ۵۸
- پرسش و پاسخ ..... ۵۹
- دارم از غیبت مهدی گله چندان که می پرس (شعر) ..... ۶۱
- فلسفه دیگری برای غیبت امام مهدی(ع) ..... ۶۲
- ۱- آزمون همگان ..... ۶۲
- چهره جهان در عصر غیبت (روایت از رسول اکرم(ص)) ..... ۶۴
- وضع زنان در آخر الزمان (روایت از رسول اکرم(ص)) ..... ۶۴
- چهره مردان و زنان با ایمان در این جو آلوده و مسموم ..... ۶۵
- ۲- شناخت و آمادگی ..... ۶۶
- آخرین دولت، دولت ما است. (روایت از امام باقر(ع)) ..... ۶۸



- نکته: مسئله غیبت یک مسئله ساده‌ای نیست که همه بفهمند بلکه این امر، جزء اسرار الهی است.  
 (روایت) ..... ۶۹
- بخش چهارم - فایده امام غایب ..... ۷۰
- فایده امام غایب چیست؟ ..... ۷۰
- نقش امام(ع) در جهان هستی ..... ۷۰
- ۱- وجود امام(ع) در جهان هستی باعث بقای جهان و امان خلق از فنا و نابودی است. .... ۷۱
- ۲- پیامبر و امام واسطه بین خدا و خلق و محل فرود وحی و الهامات و افاضات خدایند. .... ۷۱
- ۳- امام باب الله است. .... ۷۱
- ۴- وجود مؤمن در میان مردم برکت است. .... ۷۲
- ۵- امام(ع) منشأ خیرات و برکات و سبب نزول رحمت است. .... ۷۲
- لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْآفَلَكَ (روایت) ..... ۷۳
- ۶- امام(ع) در رساندن نعمتها از خالق به مخلوق همیشه حضور دارد. .... ۷۳
- غیبت کبرای امام در شرایطی به وقوع پیوسته است که ..... ۷۳
- ۷- درست است که در عصر غیبت کبری، مهدی(ع) از انظار مخفی است ولی ..... ۷۴
- مولای متقیان علی(ع) در این باره می‌فرمایند: ..... ۷۴
- خانه مسکونی مهدی روحی فداه (بیت الحمد) ..... ۷۶
- در جستجوی مهدی(ع) - آدرس و نشانی مهدی روحی له الفداء ..... ۷۷
- امام(ع) در چادرهای ما است نه آنها ..... ۷۸
- امام(ع) آدرس دوم و سوم هم دارد ..... ۷۹
- در دیده عشاق چو خورشید عیان است. (شعر) ..... ۸۰
- ۸- سایه امام(ع) و رهبر ..... ۸۱
- ۹- خورشید پنهان ..... ۸۱
- علت تشبیه امام(ع) به خورشید پنهان در ابر ..... ۸۲
- نمونه هایی از ابزار اطلاعاتی امام(ع) ..... ۸۳
- عمود نور، منار نور، مصباح نور (روایت از امام صادق(ع)) ..... ۸۳
- قدرت علمی مهدی(ع) ..... ۸۵
- علم و دانش بیست و هفت حرف است. (روایت) ..... ۸۵
- اسم اعظم خدا هفتاد و سه حرف است. (روایت) ..... ۸۵

آصف بن برخیا با داشتن یک حرف از اسم اعظم خدا توانست تخت بلقیس ملکهٔ سبا را در یک چشم به هم زدن از جا کنده و نزد سلیمان(ع) آورد.....	۸۵
بتو دل بستم و غیر تو کسی نیست مرا (شعر از امام خمینی(ره)).....	۸۷
بخش پنجم - دیدار.....	۸۸
۱- امام زمان(عج) به صابونی اجازهٔ دیدار نداد.....	۸۸
۲- نیابت حج.....	۸۹
۳- علامه حلی در خدمت امام زمان(ع).....	۸۹
۴- راهنمایی حضرت مهدی(عج) در مسجد جمکران.....	۹۱
۵- تشرّف یکی از فرزندان آیت الله اراکی (ره).....	۹۱
۶- محبت امام زمان(عج) به شیخ مفید(ره).....	۹۲
۷- تشرّف حجة الاسلام حاج شیخ تقی زرگری به خدمت امام زمان(عج).....	۹۴
۸- تشرّف مرحوم مقدّس اردبیلی به خدمت امام زمان(عج).....	۹۴
۹- تشرّف سید رشتی به خدمت امام زمان(عج).....	۹۶
۱۰- تشرّف حاج علی بغدادی به خدمت امام زمان(عج).....	۹۷
۱۱- فریادرسی امام زمان(ع) به زائران خانهٔ خدا.....	۱۰۱
۱۲- تشرّف علی بن مهزیار به خدمت امام زمان(عج).....	۱۰۳
پاسخ به یک پرسش.....	۱۰۵
داستان جزیرهٔ خضراء.....	۱۰۶
در خاتمهٔ بخش دیدار.....	۱۰۷
گویی اگر ز لطف جوابم، چه می شود(شعر).....	۱۰۸
بخش ششم - طول عمر.....	۱۰۹
مسئلهٔ دراز زیستی از نظر بیولوژیک کاملاً شدنی است.....	۱۰۹
اول - طول عمر از نظر آیات قرآن.....	۱۰۹
دراز عمران صالح و خوب - الف) حضرت نوح(ع).....	۱۰۹
ب) حضرت عیسی(ع).....	۱۱۰
دراز عمر ناصالح و بد - ج) ابلیس (شیطان).....	۱۱۱
دوم - طول عمر از نظر اخبار و روایات.....	۱۱۳
در قائم ما چند نشانی از نشانیهای پیامبران است (روایت).....	۱۱۳
خضر(ع) آب حیات نوشید و تا نفخهٔ صور زنده است (روایت).....	۱۱۴



- جانهایه طرب خیزند، وقتی که تو باز آیی (شعر) ..... ۱۱۵
- سوم - طول عمر از نظر علم زیست شناسی ..... ۱۱۵
- مادام که غذای لازم و شرایط مناسب برای اعضای بدن فراهم شود زنده می مانند ..... ۱۱۵
- چهارم - طول عمر و دراز عمران تاریخ ..... ۱۱۶
- بخش هفتم - توقیت ..... ۱۱۸
- وقت تعیین کنندگان، دروغ می گویند (روایت) ..... ۱۱۸
- آیا پیامبر و امام از ساعت ظهور با خبرند؟ ..... ۱۱۸
- سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي ..... (روایت از امیر المؤمنین (ع)) ..... ۱۱۸
- دانش و علوم لدنی حضرت مهدی روحیفداه ..... ۱۱۹
- پیامبر (ص) و امام (ع) از علوم اختصاصی خدا بی خبرند ..... ۱۱۹
- ساعت ظهور (قیامت صغری) مانند قیامت کبری از علوم اختصاصی خدا است و آشکار نمی شود مگر بطور ناگهانی (روایت از رسول اکرم (ص)) ..... ۱۲۱
- با این علائم امام (ع) به ظهورش آگاه می شود (روایت از رسول اکرم (ص)) ..... ۱۲۱
- امام در سال فرد ظهور می کند ..... ۱۲۲
- قائم رادر شب بیست و سوم رمضان به نام (از آسمان) صدا می زنند و حضرت روز عاشورا قیام می کند (روایت از امام صادق (ع)) ..... ۱۲۲
- بخش هشتم - حکومت واحد جهانی ..... ۱۲۳
- ظهور قائم (ع) و پیروزی وی بر تمام ادیان، همان حکومت واحد جهانی است که قرآن نوید آن را داده است ..... ۱۲۳
- پایه های فکری حکومت واحد جهانی در اسلام ..... ۱۲۵
- اسلام به برتریهای نژادی و ملیت پرستیهای غلط خاتمه می بخشد ..... ۱۲۵
- حکومت واحد جهانی و نظریه دانشمندان ..... ۱۲۶
- ۱- انیشتین ۲- برتراند راسل ..... ۱۲۶
- ۳- برنارد شاو ۴- نوستراداموس ..... ۱۲۶
- بخش نهم - سلاحهای مدرن روز ..... ۱۲۸
- خدا و حکومت واحد جهانی ..... ۱۲۸
- امام (ع) و حکومت واحد جهانی ..... ۱۲۹
- نمونه هایی از تصرف و ولایت تکوینی پیامبران و امامان (علیهم السلام) ..... ۱۳۰
- امام چگونه خارها را از سر راه بر می دارد ..... ۱۳۰

۱۳۰	.....	اول - سلاح امام مهدی (ع)
۱۳۱	.....	مهدی (ع) با تراش رسول الله (ص) می آید (روایت)
۱۳۱	.....	عجایب و شگفتیهای مواریث
۱۳۱	.....	۱- پیراهن ابراهیم خلیل (ع)
۱۳۲	.....	۲- عصای موسی (ع)
۱۳۳	.....	۳- پرچم رسول خدا (ص)
۱۳۴	.....	۴- انگشتر سلیمان (ع)
۱۳۴	.....	۵- تابوت سکینه یا صندوق عهد اسرار آمیز
۱۳۵	.....	دوم - جفر سرخ یا سلاح گرم امام مهدی (ع)
۱۳۶	.....	سوم - باد یا سلاح سرد در تسخیر امام مهدی (ع)
۱۳۶	.....	باد، قوم عاد را به زمین کوبید و سرهاشان را از بدن جدا کرد (سوره قمر)
۱۳۷	.....	چهارم - مرکب فضایی امام مهدی (ع)
۱۳۷	.....	امام (ع) با ابر سرکش به آسمانها پرواز می کند. (روایت از امام باقر (ع))
۱۳۸	.....	براق، مرکبی که پیغمبر (ص) را به معراج برد
۱۳۸	.....	پنجم - قدرت امام مهدی (ع)
۱۳۸	.....	۱ - چگونگی احضار یاران از گوشه و کنار جهان
۱۳۹	.....	۲ - در رکاب امام (ع) حمل غذا ممنوع است
۱۴۰	.....	۳ - امام (ع) در هنگام ظهور برای همه حاضر است
۱۴۰	.....	۴ - نیروی جسمانی امام (ع)
۱۴۱	.....	ششم - ویژگیهای یاران مهدی (ع)
۱۴۱	.....	شعار یاران امام امت و یا لثارات الحسین (روایت)
۱۴۳	.....	کف دست و کف پا کلید رمز قضا و عبور از روی آب دریا
۱۴۴	.....	هفتم - جنود غیبی امام مهدی (ع)
۱۴۵	.....	انقلاب مهدی (ع) با سه سپاه یاری می شود
۱۴۶	.....	جن و فرشتگان در رکاب امام (ع)
۱۴۶	.....	هشتم - سپاه رعب امام مهدی (ع)
۱۴۷	.....	ترس و وحشت سلاح پیروزی
۱۴۸	.....	اسباب و علل ترس (شخصت مورد)
۱۵۱	.....	نهم - سازمان اطلاعاتی امام مهدی (ع)



تمام دنیا نزد او (امام) به منزله کف دستش خواهد بود (روایت)	۱۵۲
دو نکته مهم	۱۵۲
دهم - علم امام مهدی(ع)	۱۵۴
مهدی(ع) وارث علوم انبیاء و وارث علوم و اسرار رسول اکرم(ص) و ائمه طاهریین(ع) و کتاب آسمانی است	۱۵۴
مهدی(ع) مسلح به سلاح ۷۲ حرف اسم اعظم و علم الکتاب است	۱۵۶
علم ۲۷ حرف (۲۷ شاخه) است ۲ حرف آن تاکنون آشکار شده و حضرت مهدی(ع) ۲۵ حرف (۲۵ شاخه) دیگر را نیز آورده و به آن ضمیمه می‌کند	۱۵۶
یازدهم - ویژگیها و اوصاف امام مهدی(ع)	۱۵۷
گفتاری از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) در اوصاف حضرت مهدی(ع) و گفتاری از مولا علی(ع) در اوصاف مهدی(ع)	۱۵۷
بخش دهم - انتظار	۱۵۹
مفهوم انتظار	۱۵۹
انتظار (افضل الأعمال) است	۱۵۹
انتظار با تعبیرات مختلف (پنج روایت)	۱۶۰
اثرات و برکات انتظار	۱۶۱
اول - خودسازی	۱۶۱
الف - خودسازی فردی	۱۶۱
ب - خودسازی اجتماعی	۱۶۲
دوم - زوب نشدن در فساد محیط	۱۶۲
توصیف انتظار از زبان قرآن	۱۶۳
معرفی منتظرین عصر غیبت و اوصافشان (سه روایت)	۱۶۴
مردم زمان غیبت حضرت مهدی(عج) که منتظر ظهور اویند از مردمان همه زمانها افضلند (روایت از امام سجّاد(ع))	۱۶۵
خاتمه	۱۶۵
اهم منابع	۱۶۷

## پیشگفتار

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ... (۱)

مارسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند و آهن را نازل کردیم که در آن قوت شدیدی است و منافی برای مردم.

هدف پیامبران و اوصیاء الهی این بود که پرچم توحید را در سراسر عالم به اهتزاز درآورند و روح توحید را در زندگی انسانها زنده کنند ولی بدون عدالت و استقرار عدل و انصاف در جامعه، توحید معنا پیدا نمی‌کند. زیرا یکی از ارکان و نشانه‌های توحید، نبودن ظلم و بی‌عدالتی است، لذا می‌بینیم که پیام استقرار عدالت، پیام پیغمبران و اوصیاء الهی است. آنها در طول تاریخ تلاش کرده‌اند که بشریت را روز به روز به سمت فهمیدن این حقیقت که عدالت سرآمد همه خواسته‌های انسانی است نزدیک سازند.

وجود مقدس خاتم الأنبياء محمد مصطفی (ص) و سلسله اهل بیت آن حضرت در طول تاریخ خورشیدهای فروزانی بوده‌اند که با روح عرشی خود در معنا توانسته‌اند بشریت روی زمین را با عالم غیب و با عرش الهی متصل کنند یکی از آن خورشیدهای فروزان به فضل و کمک پروردگار و اراده الهی امروز در زمان ما بقية الله فی ارضه، به عنوان حجة الله علی عباده، به عنوان صاحب الزمان و ولی مطلق الهی در روی زمین وجود دارد و برکات وجودی او امروز هم به بشر می‌رسد.

امروز هم انسانیت با همه ضعفها و گمراهیها از انوار تابناک این خورشید الهی که بازمانده اهل بیت است استفاده میکند. امروز وجود مقدس حضرت مهدی (عج) در میان انسانهای روی زمین منبع برکت و علم و منبع درخشندگی و زیبایی و همه خیرات و نعمات است. چشم‌های ناقابل و تیره ما آن چهره ملکوتی را از نزدیک نمی‌بیند اما او مثل خورشیدی درخشان است، با دلها مرتبط و با روحها و باطنها متصل است و برای انسانی که دارای معرفت باشد موهبتی از این برتر نیست که احساس کند ولی خدا و امام برحق، عبد صالح، بنده برگزیده در میان همه بندگان عالم و مخاطب به خطاب خلافت الهی در زمین با او و در کنار اوست، او را می‌بیند و با او مرتبط است. آرزوی همه بشریت این است که انسانی والا و برگزیده‌ای از برگزیدگان خدا بیاید و تار و پود ظلم و ستم را که انسانهای شریر در همه تاریخ تنیده‌اند از هم بدرد. در عصر ما بشریت بیشتر از گذشته دچار ظلم و جور است همانطوری که بشریت پیشرفت کرده معرفتش کاملتر شده است. ما به زمان ظهور امام زمان، ارواحنا له الفداء (این محبوب حقیقی انسانها) نزدیک



شده‌ایم زیرا معرفتها پیشرفت کرده است. امروزه بشریت منتظر است که انسان والایی بیاید و بار ظلم و ستم را از دوش جامعه بردارد، همان چیزی که همه پیغمبران برای آن تلاش کرده‌اند و پیغمبر اسلام در قرآن وعده آن را به مردم داده است. دست قدرت الهی به وسیله یک انسان عرشی می‌تواند این آرزو را برای بشریت برآورده کند، لذا دلها، شوقها و عشقها به سمت آن نقطه متوجه و روز به روز متوجه‌تر است. همه مسلمانها در انتظار مهدی موعودند و امتیاز شیعه این است که این موعود الهی و قطعی همه طوایف مسلمین بلکه همه ادیان الهی را با اسم و رسم و خصوصیات و تاریخ ولادت می‌شناسد.

در حدیثی از معصوم (ع) آمده که:

مَنْ كَذَّبَ بِالْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ. (۱)

هر که مهدی را دروغ پندارد کافر است.

تلاش ما در این کتاب اثبات حق بودن مهدی (عج) و مسئله ظهور برای مسلمانان نیست بلکه سعی ما آگاه کردن اقشار ملل و به ویژه بی‌خبران و مغرضانی است که تصور میکنند جهان کنونی از ابتدا چنین بوده و همچنان با ظلم و بی‌عدالتی پیش رفته و به نابودی مطلق خواهد پیوست.

ما، در عصری به سر می‌بریم که گوش جهان و استکبار جهانی را نوای مهدی (عج) و قیام خونینش پر کرده و آنها پرونده‌ای قطور از تمام اطلاعات لازم درباره مهدی (عج) ترسیم نموده‌اند. تعجب نکنید پرونده سازی درباره امام مهدی (عج) چندان بی سابقه و شگفت‌آور نیست زیرا اگر قدری به عقب برگردیم و صفحات تاریخ زندگانی درخشان ائمه معصومین (علیهم السلام) را ورق بزنیم متوجه می‌شویم که این انوار پاک و معصوم چگونه در دست طاغوتیان زمان گرفتار و برای هر یک چه پرونده‌های قطوری ترتیب داده بودند که سرانجام آن پرونده‌ها با شهادت آن انوار پاک خاتمه پیدا می‌کرد.

به بیان امام حسن مجتبی (ع) که فرمود:

مَا مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ أَوْ مَسْمُومٌ (۲)

همگی یا به شمشیر یا به زهر جفا شربت شهادت نوشیدند. با این تفاوت که پیشوایان معصوم ما پس از رسیدن به مقام امامت و خلافت مورد حمله خلفای غاصب قرار گرفته و شهید شدند اما مهدی (عج) پیش از تولد مواجه با هزاران خطر بود و دشمن برای نابودی آن حضرت دقیقه شماری می‌کرد از این جهت مشیت و اراده الهی براین قرار گرفت که آن حضرت نه فقط از ساعت اول تولد بلکه در دوران بارداری از نرجس خاتون (سلام الله علیها) هم مخفی باشد تا احدی از دشمنان از وجود چنین امامی با خبر نبوده و این فرزند صالح و عصاره نبوت و امامت باقی بماند و هر وقت که خدا بخواهد ظهور کند و زمین را از لوث وجود جنایتکاران و ظالمان پاک

کرده و با تشکیل حکومت واحد جهانی سفرهٔ عدالت را در پهنهٔ گیتی بگستراند.  
آری:

إِذَا ظَهَرَ يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا. (۱)

هنگامی که آن حضرت از پس پردهٔ غیبت بیرون آمده و آشکار شود کرهٔ زمین پر از ستم را به عدل و داد مبدل خواهد فرمود.

آمین یا رب العالمین

توضیح:

به نظر می‌رسد علت ترس و وحشت استکبار جهانی از قیام مهدی (ع) در چند دههٔ اخیر مربوط به مسائل زیر باشد.

۱ - وقوع انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران.

۲ - موج اسلامخواهی یا به قول آنها بنیادگرایی و اصولگرایی در کشورهای اسلامی.

۳ - پیش بینی و نظرات و اعلام خطر دانشمندان جهان در فروپاشی مرزها و مسئلهٔ حکومت واحد جهانی (جهان وطنی).

۴ - سرعت پیشرفت اسلام در جهان و به رسمیت شناخته شدن این آیین در کشورهای اروپایی و نفوذ سریع آن در آمریکا و آفریقا و اسلام آوردن بسیاری از دانشمندان و متفکران و مانند اینها همگی نشانگر این است که اسلام رو به سوی عالمگیر شدن پیش می‌رود.

### شناخت و معرفت واقعی امام مهدی (عج)

خیلی‌ها مهدی روحیفداه را تا سرحد پرستش دوست دارند اما اجازه بفرمایید بی تعارف عرض کنم که خیلی‌ها شاید آن شناخت و معرفت واقعی را ندارند، همان شناختی که پیامبر (ص) و همهٔ امامان فرموده‌اند:

مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً. (۲)

رسول اکرم (ص) فرمود: هر که بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.  
منظور از شناخت چیست؟ آیا منظور، دانستن نام و مشخصات و شرح حال آن حضرت است یا مراد از شناخت، معرفت و عرفان واقعی است؟

قطعاً این طور نیست زیرا اگر شناخت در این چیزها خلاصه می‌شد معاویه‌ها و مأمون‌ها و متوکل‌ها بهتر از من و شما امام وقت خود را می‌شناختند. از این جا متوجه می‌شویم که شناخت اسمی کافی نیست، شناخت رسمی لازم است چون در حدیث فرموده لَمْ يَعْلَمْ بَلَكه فرموده لَمْ يَعْرِفْ و آوردن این واژه مرتبهٔ کمال شناخت را می‌رساند یعنی امام کیست، موقعیت و مقام منزلت او چیست.

اگر کسی امام خود را شناخت تکلیف پیدا می‌کند، وظیفه شناس می‌شود همهٔ این بی تفاوتی‌ها و



یا کج روی‌ها و توهین‌ها به مقدّسات مذهب از روی عدم شناخت و معرفت است، کسی که امام زمان مطاعش را درست بشناسد خدا را شناخته است زیرا امام نماینده خدا است همان طوری که پیامبر نماینده خداست.

خدای متعال در معرفی پیامبر(ص) می‌فرماید:

مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ (۱)

یعنی کسی که از پیامبر اطاعت کند خدا را اطاعت کرده است.

این آیه یکی از روشنترین آیات قرآن است که دلیل بر حجیت سنت پیامبر(ص) و قبول احادیث آنحضرت می‌باشد بنابراین کسی نمی‌تواند بگوید قرآن را قبول دارم ولی حدیث و سنت پیامبر(ص) را قبول ندارم. زیرا آیه صریحاً می‌گوید اطاعت از حدیث و سنت پیغمبر(ص) اطاعت از فرمان خدا است.

شناخت مهدی(ع) از دو جهت لازم و ضروری است

اول - رسماً از نظر تکلیف

دوم - اسماً برای تمیز حق از باطل

اما جهت اول و آن رسماً از نظر تکلیف است، تکلیف چیست؟

مراد از تکلیف این است که هر مسلمانی وظیفه دارد امام زمانش را رسماً شناخته و بداند که سرپرست شرعی و قانونی او کیست و در سایه چه حکومتی زندگی می‌کند و از چه کسی باید دستور بگیرد و خلاصه وظیفه‌اش چیست و چه تکالیفی دارد، باید چگونه باشد تا مورد رضایت پروردگار عالم قرار گیرد.

رسول اکرم(ص) قسم یاد کرده و فرمودند:

کار هیچ بنده‌ای برایش سودی ندارد مگر اینکه آن کار توأم با معرفت و ولایت باشد. (۲)

یعنی زیر بنای قبولی عمل در انحصار ولایت و معرفت است. ولایت بدون معرفت کارساز نیست و عبادت بدون ولایت و معرفت جز رنج جسمانی نتیجه دیگری ندارد.

امام محمد باقر(ع) می‌فرماید:

اسلام روی پنج پایه نهاده شده است (نماز و زکات و روزه و حج و ولایت) و به چیزی مانند ولایت فریاد زده نشد،

مردم آن چهار را گرفتند و ولایت را رها کردند، زراره می‌گوید: به امام عرض کردم کدامیک از اینها برتر است؟

حضرت فرمود: ولایت برتر است زیرا ولایت کلید آنها است و شخص والی دلیل و راهنمای آنها است. (۳)

امام سجاد(ع) در این باره فرمودند:

اگر کسی چون نوح(ع) ۹۵۰ سال زنده بماند و تمامی عمر خود را بین رکن و مقام در حال روزه و نماز شب و عبادت بگذراند اما پس از مرگ دستش تهی از ولایت ما باشد این عبادتها سودی به حالش نخواهد داشت.<sup>(۱)</sup>

بر این اساس باید گفت شناخت رسمی مهدی روحیفداه بر همگان لازم و واجب است و غفلت از آن مایه فساد و بدبختی.

و اما جهت دوم که اسماً برای تمیز حق از باطل است.

شناخت اسمی و خصوصیات وصفی در حکم شناسنامه است. در شناسنامه نام و نام خانوادگی و نام پدر و مادر و تاریخ تولد مطرح است و صاحب این مشخصات همان یک نفر است و دیگری نمیتواند دارای این مشخصات باشد و چنین فردی در هیچ زمانی وجود نداشته و نخواهد داشت.

مهدی روحیفداه شناسنامه دارد و تمام مشخصات آن حضرت به صورت احادیث و روایات متواتر در سراسر جهان پخش شده است و هیچ کس جز او نمیتواند این مشخصات را داشته باشد و هر که دعوی مهدویت کند دروغگو و شیاد است.

نکته قابل توجه این است که شناسنامه هر فردی پس از تولدش صادر می شود ولی شناسنامه حضرت مهدی(عج) حدوداً دو قرن و نیم قبل از تولد صادر شده است. نام مهدی روحیفداه با تمام مشخصات و خصوصیات فردی در خانواده وحی و طهارت از زمان پیغمبر(ص) بر سر زبانها بوده در حالیکه در سال ۲۵۵ هـ ق متولد گردید.

پیغمبر(ص) و ائمه معصومین دو قرن و نیم پیش از میلاد آن حضرت به ما فرمودند: مهدی روحیفداه کیست و چه کسی می تواند آخرین پیشوا و مصلح جهانی باشد. نامش چیست و کنیه اش کدام است و چگونگی تولد و نام پدر و مادر و دوران غیبت صغری و ارتباط آن حضرت با مردم در غیبت کبری و چگونگی قیامش در روز ظهور و کیفیت

ورودش به مکه معظمه و تعداد یاران خاصش (۳۱۳) نفر و متن پاره ای از سخنرانیهای حضرت و بالاخره چگونگی فتح سرزمینها، و گسترش عدل و تشکیل حکومت واحد جهانی و خروج سفیانی و دجال و نزول عیسی بن مریم(ع) از

آسمان و... غرض از بیان این همه مشخصات و ذکر این مقدار از اطلاعات از مصادر وحی تأکید بر این است که:

مهدی روحیفداه فقط همین یک نفر است و سعادت مند واقعی کسی است که او را با داعیان شیاد مهدویت اشتباه نگیرد.<sup>(۲)</sup>

۱- بحار الانوار ج ۲۷، ص ۱۹۳

۲- مهدی(ع) آخرین سفیر انقلاب، ج ۱ ص ۲۵ تا ۲۹ - با تلخیص و تصرف

### شناسنامه مهدی (عج)

در اینجا مشخصاتی که اسماً و رسماً شناخت آن ضروری است و در حکم شناسنامه مهدی (عج) است آورده شده، مشخصاتی که آنها را خاندان عصمت و طهارت دو قرن و نیم پیش از تولد حضرت بیان فرموده‌اند:

- ۱- مهدی (عج) از خاندان وحی و ذریه رسول اکرم (ص) است. حدیث ۳۸۹
- ۲- مهدی (عج) هم نام و هم کنیه رسول خداست. حدیث ۴۸
- ۳- مهدی (عج) آخرین پیشوای دین مقدس اسلام است. حدیث ۱۸۵
- ۴- مهدی (عج) یازدهمین فرزند علی بن ابیطالب (ع) است. حدیث ۲۱۴
- ۵- مهدی (عج) از فرزندان فاطمه زهرا (س) است. حدیث ۱۹۲
- ۶- مهدی (عج) از فرزندان حسن (ع) و حسین (ع) است. حدیث ۱۰۷
- ۷- مهدی (عج) نهمین فرزند حسین بن علی (ع) است. حدیث ۳۰۸
- ۸- مهدی (عج) هشتمین فرزند علی بن الحسین (ع) است. حدیث ۱۸۵
- ۹- مهدی (عج) هفتمین فرزند امام باقر (ع) است. حدیث ۱۰۳
- ۱۰- مهدی (عج) ششمین فرزند امام صادق (ع) است. حدیث ۲۰۲
- ۱۱- مهدی (عج) پنجمین فرزند امام موسی کاظم (ع) است. حدیث ۱۹۹
- ۱۲- مهدی (عج) چهارمین فرزند امام رضا (ع) است. حدیث ۹۵
- ۱۳- مهدی (عج) سومین فرزند امام جواد (ع) و دومین فرزند امام هادی (ع) است. حدیث ۹۰
- ۱۴- مهدی (عج) فرزند بلا فصل امام حسن عسکری (ع) است. حدیث ۲۹۳
- ۱۵- مهدی (عج) مادرش سیده کنیزان است. حدیث ۹
- ۱۶- مهدی (عج) سال ۲۵۵ هجری پنهانی در خانه پدرش متولد شده است. حدیث ۳۰۷
- ۱۷- مهدی (عج) نام مادرش نرجس و سوسن و ریحانه است. حدیث ۲۱۴
- ۱۸- مهدی (عج) را در زمان حیات پدرش امام حسن (ع) زیارت کردند. حدیث ۲۱
- ۱۹- مهدی (عج) عمرش بسیار طولانی است. حدیث ۳۱۸
- ۲۰- مهدی (عج) را گذشت زمان پیر نکرده و او همیشه جوان است. حدیث ۸
- ۲۱- مهدی (عج) زمانی دراز از نظر مردم پنهان است. حدیث ۹۱
- ۲۲- مهدی (عج) دو غیبت دارد اولی صغری و دومی کبری است. حدیث ۱۰
- ۲۳- مهدی (عج) را در غیبت صغری زیارت کردند. حدیث ۲۵
- ۲۴- مهدی (عج) را در غیبت کبری نیز زیارت کردند. حدیث ۱۳
- ۲۵- مهدی (عج) و نوابش در غیبت صغری. حدیث ۲۲
- ۲۶- مهدی (عج) دارای سنتهایی از انبیاء است که از آنجمله غیبت است. حدیث ۲۳
- ۲۷- مهدی (عج) و توصیف سیرت و صورت مبارکش. حدیث ۵۱



- ۲۸- مهدی (عج) و کیفیت انتفاع مردم از او در غیبت کبری. ۷ حدیث
- ۲۹- مهدی (عج) و علائم ظهورش. ۶۵۷ حدیث
- ۳۰- مهدی (عج) روشش، روش رسول خداست. ۳۰ حدیث
- ۳۱- مهدی (عج) پس از آزمایشات بسیار سخت، ظهور می‌کند. ۲۴ حدیث
- ۳۲- مهدی (عج) ۳۱۲ تن اصحاب خاصش بایک چشم بر هم زدن از اکناف عالم نزد او حاضر می‌شوند. ۲۵ حدیث
- ۳۳- مهدی (عج) روز ظهورش معلوم نیست، هر که وقت تعیین کند دروغگو است. ۷ حدیث
- ۳۴- مهدی (عج) کسی است که معجزات همه پیامبران را با خود دارد. ۲۳ حدیث
- ۳۵- مهدی (عج) را منادی آسمانی در وقت ظهور بانام و مشخصات معرفی خواهد کرد. ۲۷ حدیث
- ۳۶- مهدی (عج) کسی است که عیسی بن مریم (ع) در نماز به وی اقتدا خواهد کرد. ۲۹ حدیث
- ۳۷- مهدی (عج) کسی است که پیش از ظهورش بدعتها و ظلم رایج می‌شود. ۳۷ حدیث
- ۳۸- مهدی (عج) کسی است که پیش از ظهورش نرخها بالا می‌رود. ۲۳ حدیث
- ۳۹- مهدی (عج) زمین را از شرک و بت پرستی پاک می‌فرماید و دشمنان خدا را از سر راه برمی‌دارد. ۱۹ حدیث
- ۴۰- مهدی (عج) در حکومتش ایمان و امن واقعی ایجاد می‌کند و جمیع ملل به آئین اسلام گرایش پیدا می‌کنند. ۷ حدیث
- ۴۱- مهدی (عج) در ظهورش، اسلام شرق و غرب جهان را فرا می‌گیرد. ۱۲ حدیث
- ۴۲- مهدی (عج) با شمشیر قیام می‌کند. ۷ حدیث
- ۴۳- در دولت عادلۀ مهدی (عج) جهان آباد و عقول مردم کامل می‌شود. ۵ حدیث
- ۴۴- در دولت حقۀ حضرت مهدی (عج) برکات آسمان و زمین آشکار می‌شود. ۱۲ حدیث
- ۴۵- مهدی (عج) مردم را به هدایت و قرآن و سنت بر می‌گرداند. ۱۵ حدیث
- ۴۶- در عصر امام مهدی (عج) اسلام دین جهانی می‌شود. ۴۷ حدیث
- ۴۷- مهدی (عج) مردم جهان را به قرآن دعوت کرده، یک دولت واحد اسلامی تشکیل می‌دهد. ۶۲ حدیث
- ۴۸- مهدی (عج) شخصاً عدالت را در پهنه جهان می‌گستراند و جهان پراز ستم را به عدل تبدیل می‌کند و در دولتش «عدل واقعی» همه جا حکومت می‌کند. (۱) ۱۲۳ حدیث

## گوشه‌ای از برنامه‌های حیات بخش مهدی (عج)

به برکت مهدی (ارواحنا و ارواح العالمین له الفداء).

- ۱- پیامبران دو شاخه از علوم را آورده‌اند اما مهدی (عج) ۲۵ شاخه از علوم جدید را می‌آورد.
- ۲- مؤمن ساکن در شرق، بی واسطه دوستش را در غرب عالم می‌بیند و شیعیان قادرند از هر کجای عالم بدون واسطه امام را دیده و با او حرف بزنند.
- ۳- کشش مغزها و عقلها کامل می‌شود و حتی زنان به مسند قضا و داوری می‌نشینند.
- ۴- قدرت هر مردی برابر چهل مرد خواهد بود.
- ۵- تمام ثروت‌های ظاهری و باطنی دنیا (معادن) در اختیار حضرت قرار می‌گیرد.
- ۶- در سراسر عالم به احدی ظلم نمی‌شود.
- ۷- هر گونه نقاهتی از مؤمنین رفع می‌شود.<sup>(۱)</sup>
- ۸- درختان بیش از حد بارور شده و محصولات کشاورزی هفت برابر می‌شود و تمامی برکات و نعمات مضاعف می‌گردد.
- ۹- در کره زمین خرابه‌ای نمی‌ماند جز اینکه آباد می‌شود.
- ۱۰- عمرها طولانی می‌گردد.
- ۱۱- اطفال با مار و عقرب بازی می‌کنند.
- ۱۲- به خواهان مال (فقیران) آنقدر ثروت می‌دهند که توان بردن آنرا نداشته باشند.<sup>(۲)</sup>

### العجل

العجل ای صاحب محراب و منبر العجل

العجل ای حامی دین پیمبر العجل

العجل ای باعث ایجاد عالم العجل

العجل ای وارث شمشیر حیدر العجل

شهبسوارا زودتر بشتاب که از انبوه کفر

کشور ایمان شده یکسر مسخر العجل

تا به کی ما را بماند بر سر راه وصال

چشم حسرت روز و شب چون حلقه بر در العجل

مهدی آخر زمان، ای پادشاه انس و جان

خیز و میکن دفع دجال بد اختر العجل

از پی خونخواهی آل محمد (ص) از نیام

برکش آن صمصام و بنشین بر تکاور العجل

۱- موارد ۱ تا ۷ از بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۳۰۰ به بعد

۲- موارد ۸ تا ۱۲ از منتخب الاثر

## اعتقاد به ظهور «مهدی (عج)» اسلامی و به ظهور «مصلح جهانی» ملی است

کراراً از افراد ناآگاه و قشری دیده و می‌شنویم که می‌گویند:  
 مسئله ظهور مردی در آخر الزمان به نام مهدی (عج) از مختصات عقاید شیعه است و در سایر ادیان و مذاهب چنین خبری نبوده و نیست!  
 این نوع سمپاشی و غلط اندازی چون ممکن است تزلزلی در عقاید نوپای جوانان ایجاد کند از این جهت سعی ما بر این است که به یاری خدا به آن پاسخ داده و مطلب را برای نسل جوان روشن کنیم تا ان شاء الله شبهه‌ای نماند.  
 برخلاف تصور افراد قشری یا مغرض، اعتقاد به ظهور مهدی روحیفداه اسلامیت نه مذهبی یعنی همه فرق اسلامی آن را باور داشته و این مسئله اختصاص به مذهب شیعه ندارد.  
 و اما ملی است، برای اینکه همه صاحبان ادیان در سراسر عالم اعتراف داشته و دارند که:  
 سرانجام جهان بشریت با ظهور یک (منجی) یا یک (مصلح) از این بدبختی و گمراهی نجات خواهد یافت.  
 ما برای پاسخگویی به این اتهام و اثبات این اعتقاد که مسئله «ظهور» هم اسلامی و هم ملی است به ارائه

مدارک و اسناد نیازمندیم که با اجازه شما خواننده عزیز به آن می‌پردازیم.

پس سخن در اطراف دو چیز دور می‌زند.

اول - اعتقاد به ظهور مهدی (عج) «اسلامی» است نه «مذهبی».

دوم - اعتقاد به ظهور «مصلح» ملی و مورد قبول «صاحبان ادیان» است.

بنابر این پاسخها در دو بخش تقدیم می‌گردد.



## بخش اول:

## اعتقاد به ظهور مهدی (عج) «اسلامی» است نه «مذهبی»

این اعتقاد مورد قبول همه فرق اسلامی اعم از شیعه و سنی است و احادیث و روایات مربوط به این قسمت در کتب فرق مختلف اسلامی آنقدر زیاد است که دانشمندان و پژوهندگان آن را بیش از حد تواتر می‌دانند، براین اساس بیان نظرات اهل تسنن در اینجا به جهت رفع و دفع شبهه‌ای است که یاوه گویان القاء کرده‌اند اکنون ما نظرات برخی از دانشمندان اهل سنت را در مورد ظهور حضرت مهدی (ع) یاد آور می‌شویم:

۱- ابن حجر هیتمی شافعی می‌گوید:

ابوالقاسم، محمد، الحجّة، عمر او پس از درگذشت پدرش، پنج سال بود، خداوند در همین سن به او حکمت ربّانی عطا کرد او را قائم منتظر گویند، اخبار متواتر رسیده که مهدی (عج) از این امت است و عیسی (ع) از آسمان فرود خواهد آمد و پشت سر مهدی (عج) نماز خواهد خواند.<sup>(۱)</sup>

۲- جلال الدین سیوطی می‌گوید:

احمد حنبل و ابو عیسی ترمذی و حافظ سلیمان بن احمد طبرانی، همه با اسنادی که دارند روایت کرده‌اند از عبدالله بن حرث زبیدی از پیامبر اکرم (ص) که فرمود:

مردمانی از مشرق زمین (ایران) خروج کنند و مقدمات حکومت مهدی (ع) را فراهم سازند، این مردم همان کسانی‌اند که با پرچمهای سیاه از ایران بیرون خواهند آمد و در حدیث ذکر شده‌اند و همینانند که پیامبر (ص) امر کرده است، همه مردم را که با امیر آنان یعنی مهدی (ع) بیعت کنند.<sup>(۲)</sup>

۳- ابن ابی الحدید مدائنی می‌گوید:

میان همه فرق مسلمین اتفاق نظر قطعی است که عمر دنیا، و احکام و تکالیف آن پایان نمی‌پذیرد مگر پس از ظهور مهدی (ع).<sup>(۳)</sup>

۴- شیخ محمد عبده می‌گوید:

علماء خاص و عام می‌دانند که در اخبار و احادیث آمده مردی از اهل بیت پیامبر (ص) خروج می‌کند که نام او مهدی (ع) است او زمین را که از جور و بیداد آکنده است از عدل و داد پر می‌سازد و در آخر ایام او عیسی (ع) از آسمان فرود می‌آید، جزیه را بر می‌دارد صلیب را می‌شکند و دجال را می‌کشد.<sup>(۴)</sup>

۵- احمد امین مصری می‌گوید:

اهل سنت نیز به مهدی و مسئله مهدی (ع) یقیناً ایمان دارند.<sup>(۵)</sup>

احمد بن حنبل که در تاریخ ۲۵۱ هجری وفات یافته و بخاری که متوفای سال ۲۵۶ هجری و

۱- المهدی الموعود ج ۱ ص ۲۰۰

۲- شرح نهج البلاغه ج ۲ ص ۵۲۵

۳- تفسیر المنارج ۶- ص ۵۷

۴- خورشید مغرب ص ۷۲

۵- المهدی الموعود ج ۲ ص ۷۲

رواجنی که در تاریخ ۲۵۰ (هـ.ق) وفات یافته‌اند از جمله علمای اهل تسنن هستند که (اخبار المهدی) را قبل از تولد امام زمان (ع) نوشته‌اند و سجزی مؤلف کتاب مناقب الشافعی است که در سال ۳۶۳ هجری قمری وفات یافته است. او می‌گوید احادیث و اخبار مربوط به حضرت مهدی (ع) که از رسول گرامی اسلام نقل شده به حدّ تواتر به دست ما رسیده است.<sup>(۱)</sup>

### نظر علمای اخیر عربستان سعودی درباره حضرت مهدی (عج)

در این باره یکی از نمونه‌های جالب توجه و مهم مقاله ایست مفصل و رساله وار و تحقیقی از استاد دانشگاه شهر مدینه شیخ عبدالمحسن العباد به نام (عقیده اهل السنة والأثر فی المهدی المنتظر). این مقاله سخنرانی مبسوطی است که در یک محفل دانشگاهی به وسیله استاد نام برده انجام شده و سپس به صورت رساله‌ای به وسیله مجله دانشگاه مدینه به چاپ رسیده است که در آن ذکر نام عده‌ای از اصحاب پیامبر (ص) که احادیث مربوط به مهدی (عج) را از پیامبر نقل کرده‌اند و ذکر نام عالمان بزرگی که در این زمینه احادیثی را آورده‌اند و ردّ کلام مخالفان مسئله ظهور مهدی (عج) و همچنین پاسخ به چند گمان و توهم در آن آورده شده است و ایمان و اعتقاد به خروج و ظهور مهدی (عج) را واجب دانسته است.<sup>(۲)</sup> در پایان رساله یاد شده عبدالعزیز بن باز نائب رئیس دانشگاه مدینه از استاد عبدالمحسن العباد برای تهیه این مطالب تحقیقی تشکر می‌کند و خود نیز مطالب و احادیثی در تأیید موضوعات مقاله به آن می‌افزاید. مقاله (رساله) یاد شده در کتاب پرارزش «موسوعه الامام المهدی» نیز درج گشته است.<sup>(۳)</sup>

آنچه مهم است این است که اصل موضوع با ابعاد عمده خویش مورد تصدیق و تأیید و اعتقاد و باور است حتی در اواخر قرن ۱۴ آن هم در سرزمینی مثل عربستان سعودی و در یک محفل دانشگاهی مورد بحث قرار می‌گیرد و از استادی که این بحث را تهیه کرده، تقدیر به عمل می‌آید و مجله دانشگاه و هابی این اثر اعتقادی را منتشر می‌کند این‌ها دلیل بر استوار بودن عمود حق است در هر زمان و هر مکان.

۲ - خورشید مغرب ص ۷۶ به بعد با تلخیص

۱ - المهدی المنتظر ص ۸۵  
۳ - خورشید مغرب ص ۷۳ - ۷۸ با تلخیص

که بگذشت از حدّ غم انتظار  
عیان ساز رخسار چون آفتاب  
نمایان کن آثار مهر و وفا  
ببینداز بنیاد اصنام را  
زانصاف دور است اطوار دور  
که گردم ز الطاف تو سر بلند  
مباهی به الطاف خاص امام  
بعزّ محبان این خاندان  
برویان گل مرحمت از گلم

(نورالدین عبدالرحمن جامی)

بیا ای امام هدایت شعار  
ز روی همایون برافکن نقاب  
برون آی از منزل اختفا  
برافراز ارکان اسلام را  
جهان پر شد از شیوه ظلم و جور  
نظر کن بحال من مستمند  
بود این امیدم که باشم مدام  
الهی بحق امام زمان  
که توفیق گردان رفیق دلم

### نام مهدی (عج) در پیشانی مسجدالنبی (ص) می درخشد

سرسلسله سلاطین حجاز در عصر ما ملک عبدالعزیز بن سعود است که در تعصب دینی و غلو در تسنن مشهور است. به فرمان وی علمای بزرگ حجاز اسامی ۱۲ امام شیعیان جهان را با لقب مخصوص همانطوری که شیعه معتقد است پس از اسامی خلفای اربعه با حروف طلایی برجسته هر کدام را در دایره بزرگی در بلندی و کتیبه دورتادور بنای جدید مسجدالنبی به این صورت و ترتیب نوشته‌اند<sup>(۱)</sup>:

۱ - علی المرتضی رضی الله عنه ۲ - حسن المجتبی رضی الله عنه ۳ - حسین الشهید رضی الله عنه ۴ - علی زین العابدین رضی الله عنه ۵ - محمد الباقر رضی الله عنه ۶ - جعفر الصادق رضی الله عنه ۷ - موسی کاظم رضی الله عنه ۸ - علی الرضا رضی الله عنه ۹ - محمد تقی رضی الله عنه ۱۰ - علی النقی رضی الله عنه ۱۱ - حسن العسکری رضی الله عنه ۱۲ - محمدالمهدی رضی الله عنه



## بخش دوم:

## اعتقاد به ظهور (مصلح) ملی و مورد قبول صاحبان ادیان است

برای اثبات این مطلب نیازمند به مدارک و اسنادیم اما پیش از ارائه مدارک اجازه بفرمایید عرض کنم که:

اعتقاد به ظهور مصلح نه فقط ملی است و صاحبان کتب آسمانی به آن معتقدند، بلکه حتی آنهایی هم که کتاب خود را آسمانی می‌پندارند نیز در انتظار مصلح کل و منجی عالم بشریت هستند اصولاً فتوریسم (Fotorism) یعنی اعتقاد به دوره آخرالزمان و انتظار ظهور منجی، عقیده ایست که در کیشهای آسمانی یهودیت و زرتشتی و هندو و مسیحیت (در سه مذهب عمده آن کاتولیک، پروتستان و ارتدوکس) و مدعیان نبوت عموماً و دین مقدس اسلام خصوصاً به مثابه یک اصل مسلم قبول شده است.

در کتاب «دید» که در نزد هندوان از کتب آسمانی تلقی می‌شود آمده است که:

پادشاهی بعد از خرابی دنیا پیدا شود که او پیشوای همه خلایق عالم باشد نامش منصور است و تمام عالم را بگیرد و به دین خود در آورد و همه کس را از مؤمن و کافر بشناسد و هر چه از خدا بخواهد برآید.<sup>(۱)</sup>

در کتاب «جاماسب» که از شاگردان زرتشت است چنین آمده:

مردی از زمین تازیان از فرزند هاشم بیرون آید، مردی بزرگ که بر دین جد خویش بود و با سپاهی بسیار روی به ایران نهد و آن را آبادان کند و زمین را از داد پر نماید و از دادگری وی باشد که گرگ با میش آب خورد.<sup>(۲)</sup>

در کتاب آسمانی تورات کتاب اشعیاء نبی باب یازدهم می‌نویسد:

نهالی از تنه یسی (نام پدر داوود) بیرون آمده شاخه‌ای از ریشه هایش خواهد شکفت و روح خدا بر او قرار خواهد گرفت...

مسکینان را به عدالت، داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد کرد کمر بند کمرش عدالت، خواهد بود و کمر بند میانش امانت...

گرگ با بره سکونت خواهد داشت و طفل شیر خواره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد و طفل از شیر باز داشته شده، دست خود را بر خانه افعی خواهد گذاشت و در تمام کوه مقدس من ضرر و فساد نخواهند کرد زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود مثل آبها که دریا را می‌پوشاند.

و همچنین در کتاب تورات در سفر تکوین از دوازده امام که از نسل اسماعیل پیامبر به وجود می‌آیند سخنانی آورده است:

و در حق اسماعیل تو شنیدم اینک او را برکت داده‌ام و او را بارور گردانیده‌ام و به غایت زیاد

خواهم نمود و دوازده سرور به وجود خواهم آورد و او را امت عظیمی خواهم داد.<sup>(۱)</sup>  
مزامیر داوود (ع) امروزه جزء کتب عهد عتیق (تورات) است، میفرماید:

آنانیکه از خدا برکت یابند وارث زمین گردند و اما آنانیکه ملعون وی هستند منقطع خواهند شد نسل شریر منقطع خواهد شد صالحان وارثان زمین خواهند بود و در آن تا ابد سکونت خواهند نمود و نجات صالحان از خداوند است.<sup>(۲)</sup>

این بشارت که تلخیص از مزمور ۳۷ تورات است خوشبختانه در طول تاریخ از تحریف مصون مانده تا سندی محکم و جاوید برای نسل آینده بشر باشد. قوت و دوام و قطعیت این سند کتبی تا به آنجا رسیده که خدای بزرگ آن را مورد تأیید مجدد قرار داده و در قرآن کریم رسماً به آن اشاره کرده میفرماید:

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ<sup>(۳)</sup>

بعد از ذکر در زبور نوشتیم که بندگان شایسته ما وارث زمین خواهند شد.

ما در کتاب زبور داود این بشارت بزرگ را ثبت کردیم که خداوند میفرماید: حکومت و فرمانروایی همه کرة زمین ویژه بندگان صالح و درستکار من خواهد بود.

با توجه به تعبیراتی که در آیه به کار رفته ظاهر این است که منظور از زبور کتاب داوود (ع) و ذکر به معنی تورات است و زبور بعد از تورات نازل شده است. در اینجا این سؤال مطرح است که چرا در میان کتب آسمانی تنها این دو کتاب نام برده شده است؟

این تعبیر ممکن است به خاطر آن باشد که داوود (ع) یکی از بزرگترین پیامبرانی بود که تشکیل حکومت حق و عدالت داد و بنی اسرائیل نیز مصداق روشن قوم مستضعفی بودند که بر ضد مستکبران قیام کردند و دستگاه ظالمانه آنها را در هم پیچیدند و وارث حکومت و سرزمین آنها شدند.

در کتاب انجیل متی و همچنین در مکاشفات یوحنا نقل شده است که در آخر الزمان پس از آن که جهان پر از ظلم و جور شد و از اسلام جز نامی به علت فسق عالمیان و ظلم ظالمان و حسد حاسدان مانند پادشاهی از امت و نسل محمد (ص) ظهور می کند و مشرق و مغرب عالم را می گیرد و بسیار کسان را می کشد و بتخانه ها را خراب می کند بسیاری از نیکان را زنده می کند و به کارهای بزرگ می گمارد و بسیاری از بدان را کیفر می دهد و بدعتها را از میان برمی دارد و عصای موسی و انگشتر سلیمان با او خواهد بود و همه خلایق مطیع او خواهند شد و دیگر جزیه از یهودیان قبول نمی کند و پاپ را به سزای اعمالش می رساند و مسیح (ع) از آسمان به کمکش می آید و پشت سرش نماز می خواند و همه خلایق را به دین واحد درمی آورد.  
مطابق روایات:

۲- نقل از کتاب مهدی (ع) آخرین سفیر انقلاب ج ۱ ص ۶۱

۱- سفر تکوین صفحات ۱۷ و ۲۰

۳- انبیاء - ۱۰۵

امام قائم (ع) با معتقدان به ادیان مختلف مناظره و احتجاج می‌کند و با توراتیان به تورات و با انجیلیان به انجیل و با صحفیان به صحف و با قرآنیان به قرآن و... همه آنها به حقانیت امام (ع) پی می‌برند و سوگند می‌خورند که تورات و انجیل و صحف و قرآن حقیقی همانست که امام (ع) به آنها نشان می‌دهد سرانجام آنها به اسلام حقیقی می‌گروند.

در پایان:

حتی در ماتریالیسم دیالکتیک که تا ریخ را بر اساس تضادها تفسیر می‌کند مطرح است که: روزی تمامی تضادها از میان می‌رود و سازش و آشتی حکمفرما می‌شود.

کس نیست که او منتظر وصل شما نیست	جان نیست که آن خاک ره آل عبا نیست
حق معرفت مهر شما در دل ما کاشت	این شدت شوق و شغف از جانب ما نیست
کس نیست که آنقدر شما را نشناسد	در هیچ سری نیست که سری ز خدا نیست
دل تیره شد از ظلمت شبهای فراغت	باز آی که بی مهر رخت نور و ضیاء نیست
باز آ که نمانده است ز اسلام به جز نام	در روی زمین بی تو به جز جور و جفا نیست
در هجر تو گر (فیض) بمیرد چه توان کرد	با هیچ دلاور سپر تیر قضا نیست
در صومعه و خانقه و خلوت و مسجد	جایی نتوان یافت که دستی به دعانیت

## مهدی (ع) در قرآن

پس از بررسی نویدهای ظهور در کتب ادیان مقدّسه و عقاید ملل مختلف جهان در مسئله نجات انسانها، اینک وقت آن است که به کتاب مقدّس آسمانی خود (قرآن) مراجعه کرده ببینیم این معجزه باقیه درباره مصلح و منجی عالم بشریت چه گفته است جاییکه کتب تحریف شده تورات و انجیل و دیگر کتابهای به ظاهر مقدّس صراحت در نجات انسانها در آخرالزمان دارند باور کردنی نیست که:

قرآن ما درباره قرآن ناطق (حضرت مهدی (ع)) که احیاء کننده قرآن صامت است چیزی نگفته باشد.

قرآن خطاب به رسول اکرم (ص) می فرماید:

وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ<sup>(۱)</sup> کتابی را که بر تو نازل کردیم بیانگر همه چیز است. خوشبختانه دهها آیه درباره ظهور و غلبه دین اسلام بر تمامی ادیان و حکومت صالحان و نابودی ستمگران و تشکیل حکومت واحد جهانی و... در قرآن هست که ما برای نمونه به پنج آیه اشاره می کنیم:

اولین آیه: سوره هود آیه - ۸۶ - بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ.

ذخیره الهی برای شما (از هر چیز و هر کس) بهتر است اگر مؤمن باشید.

در بحار الأنوار جلد ۵۲ صفحه ۲۷۲ می نویسد:

از امام صادق (ع) پرسیدند: آیا می توانیم قائم (ع) را در هنگام درود فرستادن و سلام کردن به عنوان (یا امیر المؤمنین) خطاب کنیم؟

حضرت فرمود: نه این اسمی است که خداوند به حضرت علی (ع) داده و هرگز کسی جز او را نمی توان به این نام نامید و هر کس به این نام نامیده شود کافر است. گفتند پس به هنگام سلام دادن او را با چه نامی بخوانیم؟ حضرت فرمود: بگوئید السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ از اینکه بَقِيَّةُ اللَّهِ از اسامی و القاب مخصوص حضرت مهدی (ع) است در کتب روایی ما مؤیدات فراوانی است و روشنترین آنها روایت زیر از امام باقر (ع) است که حدود یک قرن پیش از ولادت امام زمان (ع) بیان شده، حضرت فرموده اند: مهدی روحی فداه در اولین سخنرانی خود در مکه معظمه پس از تلاوت آیه فوق می فرماید: أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ.



## علامات ظهور و سخنانی امام (ع) در کعبه

حضرت امام باقر (ع) فرمود:

قائم ما با ترس و وحشتی که (هنگام ظهور) در دل دشمنان می افتد تأیید و به یاری پروردگار عالم تقویت می شود زمین زیر پایش چون طوماری پیچیده می شود و تمام گنجها به برکت او ظاهر می شوند و شرق و غرب عالم زیر چتر حکومت او قرار می گیرد. خدای بزرگ دینش را به وسیله او بر تمام ادیان پیروز می کند اگر چه برای مشرکان ناخوش آیند باشد،

در روی زمین ویرانه‌ای نماند جز اینکه به برکت وجود او آباد شود.

و عیسی بن مریم (ع) از آسمان فرود آمده در پشت سر مهدی روحی فداد نماز می خواند.

راوی می گوید به حضرت عرض کردم ای فرزند رسول خدا قائم شما کی ظهور می فرماید: حضرت فرمود:

۱- إِذَا تَشَبَهَ الرَّجَالُ بِالنِّسَاءِ هُنْكَامِي كَمَا مَرَدَانُ شَبِيهَ زَنَانُ شُونْد.

۲- وَالنِّسَاءُ بِالرَّجَالِ وَ زَنَانُ نِيْزِ شَبِيهَ مَرْدَانُ شُونْد.

۳- وَ اَكْتَفَى الرَّجَالُ بِالرَّجَالِ مَرْدَانُ بِيْ مَرْدَانِ اِكْتَفَاءُ كَنْد.

۴- وَ النِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ وَ هَمْچِنِيْنَ زَنَانُ بِيْ زَنَانِ

۵- وَ رَكَبَ ذَوَاتُ الْفُرُوجِ السُّرُوجِ، زَنَانُ سَوَارِ بَرِ زِينِهَا شُونْد.

۶- وَ قُبِلَتْ شَهَادَاتُ الزُّوْرِ، شَهَادَاتُ دَرُوعِ پَذِيْرْفْتِه شُونْد.

۷- وَ رُدَّتْ شَهَادَاتُ الْعُدُولِ، شَهَادَاتُ اَفْرَادِ عَادِلِ مَرْدُودِ شُونْد.

۸- وَ اسْتَخَفَّ النَّاسُ بِالدِّمَاءِ، خُونِرِيْزِي (آدم كَشِي) سَبَكِ شَمْرَدِه شُونْد.

۹- وَ اَزْتَكَابُ الزَّنَا، رَوَابِطُ نَامَشْرُوعِ (زَنَا) رَايِجِ شُونْد.

۱۰- وَ اَكَلَ الرِّبَا، رِبَاخَوَارِي رَوَاجِ پِيْدَا كَنْد.

۱۱- وَ اتَّقَى النَّاسِرَارُ مَخَافَةَ السِّنِّيْتِهِمْ، اَشْرَارُ رَا اَز تَرَسِ زَبَانِشَانِ اَحْتِرَامِ كَنْد.

۱۲- وَ خُرُوجُ السُّفْيَانِي مِنَ الشَّامِ، سَفْيَانِي اَز سَرزَمِيْنِ شَامِ خُرُوجِ كَنْد.

۱۳- وَ اَلْيَمَانِيُّ مِنَ الْيَمَنِ، وَ يَمَانِي اَز شَهْرِ يَمَنِ قِيَامِ كَنْد.

۱۴- وَ خَسَفُ الْبَيْدَاءِ، لَشْكِرِ سَفْيَانِي دَرِ سَرزَمِيْنِ (بِيْدَاءِ) فَرُورُونْد.

۱۵- وَ قَتْلُ غُلَامٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ اَلِهٖ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ

وَ كَشْتِه شَدْنِ جَوَانِي اَز آلِ مُحَمَّدِ (ص) مَا بِيْنِ رُكْنِ وَ مَقَامِ (دَرِ كَعْبِه)

۱۶- اِسْمُهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ، نَامِ اَيْنِ مَقْتُولِ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَنِ، نَفْسِ زَكِيَّهٖ اِسْت.

۱۷- وَ جَاءَتْ صَيْحَةٌ مِنَ السَّمَاءِ بِأَنَّ الْحَقَّ فِيهِ وَ شِيْعَتِهِ

مَنَادِي اَسْمَانِي خَوَاهِدِ كَفْتِ كِه حَقِّ بَا قَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامِ وَ شِيْعِيَانِ اَوْسْت.

۱۸- فَعِنْدَ ذَلِكَ خُرُوجُ قَائِمِنَا، دَرِ چِنِيْنِ شَرَايِطِي قَائِمِ مَا ظَهْرُورِ مِي فَرْمَايَنْد.

- ۱۹- فَإِذَا خَرَجَ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْكَعْبَةِ، قائم هنگام خروج، پشتش را به دیوار کعبه می‌کند.
- ۲۰- وَاجْتَمَعَ إِلَيْهِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا، و ۳۱۳ نفر مرد اطراف آن حضرت جمع می‌شوند.
- ۲۱- وَ أَوَّلُ مَا يَنْطِقُ بِهِ هَذِهِ النَّأْيَةُ، و اولین سخنی که بیان می‌فرماید این آیه است:
- بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ
- ۲۲- ثُمَّ يَقُولُ، و بعد می‌فرماید:
- ۲۳- أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ خَلِيفَتُهُ وَ حُجَّتُهُ عَلَيْكُمْ، منم بقية الله و خليفه و حجت خدا در زمين  
برای شما.

- ۲۴- فَلَا يُسَلِّمُ عَلَيْهِ مُسَلِّمٌ إِلَّا قَالَ، سلام نمی‌کند بر او سلام کننده‌ای جز اینکه می‌گوید:
- ۲۵- السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، سلام بر تو ای بقية الله در زمين
- فَإِذَا جُمِعَ إِلَيْهِ الْعِقْدُ، وَ هُوَ عَشْرَةُ أَلْفِ رَجُلٍ، خَرَجَ فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مَعْبُودٌ دُونَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ  
مِنْ صَنَمٍ (وَ وَثْنٍ) وَ غَيْرِهِ إِلَّا وَقَعَتْ فِيهِ نَارٌ فَاخْتَرَقَ، وَ ذَلِكَ بَعْدَ غَيْبَةٍ طَوِيلَةٍ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ  
يُطِيعُهُ بِالْغَيْبِ وَ يُؤْمِنُ بِهِ. (۱)

حضرت پس از فراهم شدن ده هزار مرد (جنگی) از مکه خارج می‌شود، در روی زمین بتی  
نمی‌ماند جز اینکه طعمه حریق خواهد شد. اما این روز تاریخی و افتخار آفرین پس از یک غیبت  
طولانی است، تا روشن شود چه کسی مؤمن به غیب و فرمان بردار و مطیع خداوند متعال است.

### نشانه‌های ظهور در بیان امام صادق (ع)

امام صادق (ع) علائم ظهور مهدی (عج) را در ضمن یک روایتی جامع بطور مشروح بیان فرموده  
که ما گزیده‌ای از آن را در ۹۱ شماره بیان می‌کنیم:  
و اینک ترجمه روایت امام صادق (ع) که به یکی از یارانش فرموده:

- ۱- هر گاه دیدی: حق بمیرد و طرفدارانش نابود شوند.
- ۲- و دیدی که: ظلم همه جا را فرا گرفته.
- ۳- و دیدی که: قرآن فرسوده شده و درست معنی نمی‌شود.
- ۴- و دیدی که: دین همچون ظرف تو خالی، و بی محتوا شده است.
- ۵- و دیدی که: کارهای بد آشکار شده و از آن نهی نمی‌شود و بدکاران بازخواست نمی‌شوند.
- ۶- و دیدی که: افراد با ایمان سکوت کرده و سخنشان را نمی‌پذیرند.
- ۷- و دیدی که: شخص بد کار دروغ گوید و کسی دروغ و نسبت ناروای او را رد نمی‌کند.
- ۸- و دیدی که: بچه‌ها، بزرگان را تحقیر می‌کنند.
- ۹- و دیدی که: قطع پیوند خویشاوندی شود.
- ۱۰- و دیدی که: نوجوانان پسر، همان کنند که زنان می‌کنند.

- ۱۱- و دیدی که: مداحی دروغین از اشخاص زیاد شود.
- ۱۲- و دیدی که: انسانها اموال خود را در غیر اطاعت خدا مصرف می‌کنند و کسی مانع نمی‌شود.
- ۱۳- و دیدی که: افراد با دیدن کار و تلاش نا مناسب مؤمنین، به خدا پناه می‌برند.
- ۱۴- و دیدی که: همسایه به همسایه خود اذیت می‌کند و از آن جلوگیری نمی‌شود.
- ۱۵- و دیدی که: کافر به خاطر سختی مؤمن شاد است.
- ۱۶- و دیدی که: شراب را آشکارا می‌آشامند و برای نوشیدن آن کنار هم می‌نشینند و از خداوند متعال نمی‌ترسند.
- ۱۷- و دیدی که: کسی که امر به معروف می‌کند خوار و ذلیل است.
- ۱۸- و دیدی که: آدم بدکار در آنچه آن را خدا دوست ندارد نیرومند و مورد ستایش است.
- ۱۹- و دیدی که: اهل قرآن و دوستان آنها خوارند.
- ۲۰- و دیدی که: راه نیک بسته و راه بد باز است.
- ۲۱- و دیدی که: خانه کعبه تعطیل شده و به تعطیلی آن دستور داده می‌شود.
- ۲۲- و دیدی که: انسان به زبان می‌گوید ولی عمل نمی‌کند.
- ۲۳- و دیدی که: زنان همچون مردان برای خود مجالس (نا مشروع) تشکیل می‌دهند.
- ۲۴- و دیدی که: مؤمن خوار و ذلیل شمرده می‌شود.
- ۲۵- و دیدی که: بدعت و زنا آشکار شود.
- ۲۶- و دیدی که: مردم به شهادت ناحق اعتماد کنند.
- ۲۷- و دیدی که: حلال حرام شود و حرام، حلال گردد.
- ۲۸- و دیدی که: دین بر اساس میل اشخاص معنی شود و کتاب خدا و احکامش تعطیل گردد.
- ۲۹- و دیدی که: جرأت گناه آشکار شود و دیگر کسی برای انجام آن منتظر تاریکی شب نگردد.
- ۳۰- و دیدی که: مؤمن نتواند نهی از منکر کند مگر در قلبش.
- ۳۱- و دیدی که: ثروت بسیار زیاد، در راه خشم خدا خرج گردد.
- ۳۲- و دیدی که: سردمداران به کافران نزدیک شده و از نیکوکاران دور شوند.
- ۳۳- و دیدی که: والیان در قضاوت رشوه بگیرند.
- ۳۴- و دیدی که: پستهای مهم والیان بر اساس مزایده است نه بر اساس شایستگی آنها.
- ۳۵- و دیدی که: مردم راز روی تهمت و یا سوءظن بکشند.
- ۳۶- و دیدی که: زن بر شوهر خود مسلط شود و کارهایی که مورد خشنودی شوهر نیست انجام می‌دهد و به شوهرش خرجی می‌دهد.
- ۳۷- و دیدی که: سوگندهای دروغ به خدا بسیار گردد.

- ۳۸- و دیدی که: آشکارا قماربازی می‌شود.
- ۳۹- و دیدی که: مشروبات الکلی به طور آشکار بدون مانع خرید و فروش شود.
- ۴۰- و دیدی که: زنان مسلمان خود را به کافر می‌بخشند.
- ۴۱- و دیدی که: کارهای زشت آشکار شده و هر کس از کنار آن می‌گذرد، مانع آن نمی‌شوند.
- ۴۲- و دیدی که: مردم محترم، توسط کسی که مردم از سلطنتش ترس دارند خوار شوند.
- ۴۳- و دیدی که: نزدیکترین مردم به فرمانداران آنانی هستند که به ناسزاگوئی به ما خانواده عصمت (علیهم السلام) ستایش شوند.
- ۴۴- و دیدی که: هر کس ما را دوست دارد او را دروغگو خوانده و شهادتش را قبول نمی‌کنند.
- ۴۵- و دیدی که: در گفتن سخن باطل و دروغ با همدیگر رقابت کنند.
- ۴۶- و دیدی که: شنیدن سخن حق بر مردم سنگین است ولی شنیدن باطل برایشان آسان است.
- ۴۷- و دیدی که: حدود الهی تعطیل شود و طبق هوی و هوس عمل شود.
- ۴۸- و دیدی که: مسجدها طلاکاری (زینت داده) شود.
- ۴۹- و دیدی که: راستگوترین مردم نزد آنها مفتریان دروغگو هستند.
- ۵۰- و دیدی که: ستم و تجاوز شایع شده.
- ۵۱- و دیدی که: حج و جهاد برای خدا نیست.
- ۵۲- و دیدی که: غیبت سخن خوش آنان گردد و بعضی دیگر را به آن بشارت دهند.
- ۵۳- و دیدی که: سلطان به خاطر کافر، شخص مؤمن را خوار کند.
- ۵۴- و دیدی که: خرابی بیشتر از آبادی است.
- ۵۵- و دیدی که: معاش انسان از کم فروشی به دست می‌آید.
- ۵۶- و دیدی که: مرد به خاطر دنیایش ریاست می‌کند.
- ۵۷- و دیدی که: نماز را سبک شمارند.
- ۵۸- و دیدی که: انسان ثروت زیادی جمع کرده ولی از آغاز آن تا آخر زکاتش را نداده است.
- ۵۹- و دیدی که: قبر مردگان را بشکافند و آنان را اذیت کنند.
- ۶۰- و دیدی که: هرج و مرج بسیار شود.
- ۶۱- و دیدی که: دلهای مردم سخت و دیدگانشان خشک و یاد خدا برایشان گران شود.
- ۶۲- و دیدی که: بر کسبهای حرام آشکارا رقابت کنند.
- ۶۳- و دیدی که: نماز خوان برای خودنمایی نماز می‌خواند.
- ۶۴- و دیدی که: فقیه برای دین فقه نمی‌آموزد و طالب حرام، ستایش و احترام می‌گردد.
- ۶۵- و دیدی که: مردم در اطراف قدرتمندانند.
- ۶۶- و دیدی که: طالب حلال مذمت و سرزنش می‌شود و طالب حرام ستایش و احترام می‌گردد.
- ۶۷- و دیدی که: در مکه و مدینه کارهایی می‌کنند که خدا دوست ندارد و کسی از آن جلوگیری



- نمی‌کند و هیچ کس بین آنها و کارهای بدشان مانع نمی‌شود.
- ۶۸- و دیدی که: آلات موسیقی و لهُو در مدینه و مکه آشکار گردد.
- ۶۹- و دیدی که: مرد، سخن حق گوید و امر به معروف و نهی از منکر کند ولی دیگران او را از این کار بر حذر می‌دارند.
- ۷۰- و دیدی که: مردم به همدیگر نگاه کنند (به اصطلاح چشم و هم چشمی می‌کنند) و از مردم بدکار پیروی نمایند.
- ۷۱- و دیدی که: راه نیک خالی و رهرو ندارد.
- ۷۲- و دیدی که: مُرده را مسخره کنند و کسی برای او اندوهگین نشود.
- ۷۳- و دیدی که: سال به سال بدعت و بدیها بیشتر شود.
- ۷۴- و دیدی که: مردم و جمعیت‌ها جز از سرمایه داران پیروی نکنند.
- ۷۵- و دیدی که: علائم آسمانی آشکار شود و کسی از آن نگران نشود.
- ۷۶- و دیدی که: مردم مانند حیوانات در انظار یکدیگر عمل جنسی مرتکب می‌شوند و کسی از ترس مردم از آنها جلوگیری نمی‌کند.
- ۷۷- و دیدی که: انسان در راه غیر خدا بسیار خرج کند ولی در راه خدا از اندک هم مضایقه کند.
- ۷۸- و دیدی که: عقوق پدر و مادر رواج دارد و فرزندان هیچ احترامی برای آنها قائل نیستند بلکه پدر و مادر نزد فرزندان از همه بدترند.
- ۷۹- و دیدی که: زنها بر مسند حکومت بنشینند، و هیچ کاری جز خواسته آنها پیش نرود.
- ۸۰- و دیدی که: اگر روزی بر مردی بگذرد ولی در آن روز گناه بزرگی مانند بدکاری، کم‌فروشی و زشتی انجام نداده ناراحت است.
- ۸۱- و دیدی که: قدرتمندان، غذای عمومی مردم را احتکار کنند.
- ۸۲- و دیدی که: به وسیله شراب، بیمار را مداوا کنند، و برای بهبودی بیمار آن را تجویز نمایند.
- ۸۳- و دیدی که: مردم در مورد امر به معروف و نهی از منکر و ترک دین بی تفاوت و یکسانند.
- ۸۴- و دیدی که: سرو صدای منافقان برپاست ولی سر و صدای حق طلبان خاموش است.
- ۸۵- و دیدی که: برای اذان و نماز مزد می‌گیرند.
- ۸۶- و دیدی که: مسجدها پر است از کسانی که از خدا ترسند و غیبت هم نمایند.
- ۸۷- و دیدی که: قاضیان برخلاف دستور خدا قضاوت کنند.
- ۸۸- و دیدی که: استناداران از روی طمع، خائنان را امین خود قرار دهند.
- ۸۹- و دیدی که: بر روی منبرها از پرهیزگاری سخن می‌گویند ولی گویندگان آن پرهیزکار نیستند.
- ۹۰- و دیدی که: دنیا به آنها روی کرده و هم‌و هدف مردم شکم و شهوتشان است.
- ۹۱- و دیدی که: نشانه‌های برجسته حق، ویران شده است در این وقت خود را حفظ کن و از خدا

بخواه که از خطرات گناه نجات بدهد. (۱)

البته باید توجه داشت که این نشانه‌ها هم اکنون در اکثر کشورهای دنیا وجود دارد، شکر خدا را که به برکت انقلاب اسلامی در ایران از بسیاری از این گناهان جلوگیری شده و می‌رود که از همه آنها جلوگیری شود و زمینه سازی برای ظهور امام قائم (عج) گردد.

دومین آیه - سوره روم - آیات ۴ و ۵

وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ....

آن روز مؤمنین به نصرت و پیروزی پروردگار خرسند می‌شوند.

آن روز روزی است که انتقام ملت‌های مستضعف و ستم‌دیده از ستمگران گرفته می‌شود. آن روز روزی است که ملجأ و پناه ستم‌دیدگان از راه می‌رسد و شیعیان و پیروانش را یاری می‌کند و مؤمنین به این نصرت حق خرسند و خوشحال می‌گردند.

سومین آیه - سوره آل عمران - آیه ۸۳

وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا.

همه مردم در آسمانها و زمین به اختیار یا به اجبار تسلیم می‌شوند.

حضرت امام رضا(ع) می‌فرماید:

این آیه درباره حضرت قائم(ع) نازل شده است که وقتی مواجه با مرتدین و کافرین در شرق و غرب زمین می‌شود، اسلام را بر آنها عرضه می‌کند. هر که به دلخواه خویش اسلام آورد او را به نماز و زکات و دیگر واجباتی که بر مسلمانان هست و خدا بر او فرض کرده است، امر می‌کند و هر که اسلام نیاورد گردش را می‌زند تا آنجا که در شرق و غرب زمین کسی نماند جز اینکه خدا را بپرستد.

در فرازی از دعای ندبه می‌خوانیم:

أَيُّنَ الْمُؤْمَلُ لِإِخْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ:

کجاست آن آرزو شده (که رهروان راهش در آرزوی ظهور او به سر می‌برند) برای زنده نمودن قرآن و حدود آن.

أَيُّنَ مُخَيِّبِ مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِهِ:

کجاست زنده کننده نشانه‌های دین و اهلش.

چهارمین آیه - سوره توبه - آیه ۳۳

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

او کسی است که رسولش را با هدایت و آئین حق فرستاد تا او را بر همه آئینها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراحت داشته باشند.

منظور از هدایت، دلایل روشن و براهین آشکاری است که در دین اسلام وجود دارد و منظور از

دین حق، همین آئینی است که اصول و فروع و تاریخ و مدارک و اسناد آن نیز حق است و سرانجام باید بر همه آئینها پیروز گردد.

پیامبر (ص) می فرماید:

اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد خداوند آن یک روز را آنقدر طولانی می کند تا مردی از دودمان من که نامش همنام من است حاکم بر زمین شود و صفحه زمین را پر از عدل و داد کند آنگونه که از ظلم و جور پر شده باشد.<sup>(۱)</sup>

بدیهی است که از کلمه لِيُظْهِرَهُ این طور برداشت می شود که این غلبه و پیروزی همان غلبه همه جانبه است یعنی اسلام هم از نظر منطق و استدلال و هم از نظر نفوذ ظاهری و حکومت بر تمام ادیان جهان پیروز خواهد شد.

پنجمین آیه - سوره قصص - آیات ۵ و ۶

و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (۵) وَ نَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمَ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ. (۶)

ما اراده کرده ایم بر آنهایی که در روی زمین به ضعف و زبونی کشیده شده اند منت نهاده آنها را پیشوایان و وارثان قرار دهیم و برای آنها در زمین امکانات فراهم کرده، به فرعون و هامان و سپاهیان آنها نشان دهیم آنچه را که از آن می ترسیدند

در این دو آیه خداوند پرده از روی اراده و مشیت خود در مورد مستضعفان برداشته و بیان می کند که ما می خواهیم آنها را مشمول نعمتهای خود قرار دهیم و آنها را پیشوایان و وارثان حکومت جباران بنمائیم و به آنها حکومت قوی و پا بر جا بدهیم و دیگر اینکه آنچه را دشمنانشان از آن بیم داشتند و تمام نیروهای خود را بر ضد آن بسیج کرده بودند به آنها نشان دهیم.

## حکومت جهانی مستضعفان

در این آیات آنچه مورد دقت و تأمل است این است که آیات آورده شده هرگز سخن از یک برنامه مقطعی و موضعی مربوط به بنی اسرائیل نیست بلکه بیانگر یک قانون کلی است برای همه اعصار و قرون و همه اقوام و جمعیتها.

این بشارتی است برای همه انسانهای آزاده و خواهان حکومت عدل و داد و برجیده شدن بساط ظلم و جور.

این آیات از جمله آیاتی است که به روشنی بشارت ظهور چنین حکومتی را می دهد.  
حضرت علی (ع) در نهج البلاغه می فرماید:

این گروه آل محمد (ص) هستند خداوند، مهدی آنها را بعد از زحمت و فشاری که بر آنان وارد می‌شود برمی‌انگیزد و به آنها عزت می‌دهد و دشمنانشان را ذلیل و خوار می‌کند.<sup>(۱)</sup>

آن دل که بیاد تو نباشد دل نیست      قلبی که به عشقت نطپد جز گل نیست

آنکس که ندارد به سر کوی تو راه      از زندگی بی‌ثمرش حاصل نیست

امام خمینی (ره)

## مهدی (ع) در اخبار و احادیث

خوشبختانه کتب روایی ما سرشار و مملو از احادیث و روایات دربارهٔ مهدی روحیفداه است به جرأت می‌توانم بگویم که این روایات از نظر کثرت و عظمت به ویژه دربارهٔ حکومت و گسترش عدل آنقدر جذاب و جالب است که هیچ چیز با آن برابری نکرده و نخواهد کرد.

پیشوایان عالیقدر و معصوم ما به منظور ارائهٔ طریق و ایصال به مطلوب علاوه بر تفسیر و تأویل آیات که از پیش گذشت در شناساندن حضرت به جهانیان همه چیز را گفته و هیچ مطلبی را فروگذار نکرده‌اند.

اینک به امید شناخت بیشتر و ایمان بهتر، اول به احادیث زیر می‌نگریم و سپس به معرفی سیمای دل‌آرای حضرت می‌پردازیم.

۱- رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند:

قائم (مهدی) از فرزندان من و همنام و هم کنیه من است شمایل او، شمایل من و سیرت او عین سیرت من است مردم را به اطاعت از دین من و ادار می‌کند و آنان را به سوی کتاب پروردگار من (قرآن) می‌خواند هر که او را اطاعت کند مرا اطاعت کرده و هر که او را نافرمانی کند مرا نافرمانی کرده و هر که او را در غیبتش انکار کند مرا انکار کرده و هر که او را تکذیب کند مرا تکذیب کرده و هر که او را تصدیق کند مرا تصدیق کرده است<sup>(۱)</sup>

۲- امام صادق (علیه السلام) فرمود:

خلف صالح از فرزندان من (مهدی) نامش محمد و کنیه او ابوالقاسم است در آخر الزمان ظهور می‌کند و نام مادرش صیقل است.<sup>(۲)</sup>

۳- در حدیثی دیگر آن حضرت می‌فرماید:

مردم امامشان را نمی‌شناسند اما او هر ساله در موسم حج در کعبه حضور پیدا می‌کند و در آنجا مردم را می‌بینند ولی مردم ایشان را نمی‌بینند.<sup>(۳)</sup>

۴- حضرت امام زین العابدین (ع) فرمود:

قائم ما شباهتهایی با پیامبران خدا دارد، شباهتی با نوح، ابراهیم، موسی، ایوب، عیسی و محمد (صلوات الله علیهم اجمعین) در وجود او نمایان است.

در طول عمر با نوح، در پنهان بودن تولدش و دوری و کناره‌گیری از مردم با ابراهیم، در خوف و غیبت با موسی، در رسیدن فرج پس از بلا و گرفتاری با ایوب، در موضوع اختلاف مردم درباره‌اش با عیسی و در قیام با شمشیر با محمد (صلوات الله علیهم اجمعین) شبیه خواهد بود.<sup>(۴)</sup>

در این بخش تحت عنوان (مهدی در اخبار و احادیث) از احادیثی استفاده شد که آن حضرت را با



نام مخصوص و به اصطلاح شناسنامه‌ای معرفی کرده است.

سؤالی که در این جا مطرح است این است که چرا در عصر غیبت حضرت را با نام مخصوص یاد کردن حرام و ممنوع است؟

که به ناچار نام او را (م ح م د) می‌نویسند، در جواب این سؤال و توهم باید گفت که با ملاحظه این احادیث که نمونه‌ای از دهها روایات در زمینه تسمیه است، ملاحظه فرمودید که رسول اکرم (ص) و دیگر امامان معصوم حتی شخص امام حسن عسکری (ع)، مهدی (ع) را رسماً با نام مخصوص معرفی کرده‌اند دیگر محلی برای اظهار نظر در مسئله حرمت آن نیست زیرا اگر حرام بود هرگز آن بزرگواران دست به چنین کاری نمی‌زدند و اما آن تعداد روایاتی که می‌گوید نام بردن حرام و یا هر که از او نام برد کافر و یا ملعون است،<sup>(۱)</sup> قطعاً ناظر به جو حاکم آن روز یعنی سالهای - ۶۹ یا ۷۴ - عصر غیبت صغری است که خطر از هر طرف متوجه آن حضرت بود.

امام باقر (ع) در این زمینه فرموده‌اند: کار آنقدر سخت بود که حتی سادات فاطمی هم مورد اعتماد نبودند و اینان اگر او (مهدی) را می‌دیدند و می‌شناختند قطعه قطعه‌اش می‌کردند.<sup>(۲)</sup>

### سیمای مهدی (ع) در آئینه اخبار و احادیث

پس از معرفی مهدی (ع) با نام مخصوص از طریق اخبار و احادیث اینک وقت آن رسیده که شناسنامه حضرت را ورق زده، با صفحات دیگر آن آشنا شویم. صفحه‌ای که هم اکنون در پیش رو داریم مربوط به سیمای مهدی (ع) است، در این قسمت سخن از شکل و شمایل و چهره و اندام و رنگ و قیافه و چشم و ابرو و خال صورت و مطالبی از این قبیل است که هر یک به گونه‌ای خاص و سبکی شیرین مهدی (ع) را می‌شناساند.

مسئله ایمان و اعتقاد به مهدی (ع) برای بعضی‌ها قابل فهم و درک بوده و با استفاده از قرآن و احادیث حقیقت مهدی (ع) برایشان اثبات شده است البته این گروه بسیار اندکند. و در مقابل آنها اکثریت مردم قرار دارند، برای این گروه قرآن و حدیث و تفسیر و تأویل و تجزیه و تحلیل و دلیل و منطق بی‌فایده است، اینان به دنبال علائم و نشانی و مدرک و سند محسوس و ملموس هستند که آن را با چشم خود دیده و با انگشتان خود آن را لمس کنند، اگر چنین شد از اعماق قلب می‌پذیرند و الا....

آنچه پیش از دیدن این علائم دانستن آن لازم و ضروری است اینست که بدانیم: این علائم از مصادر وحی و گفتار پیامبر (ص) و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) گرفته شده است و آنان قبل از میلاد مهدی (ع) این نشانه‌ها را بیان کرده‌اند. ائمه دین در شرح این علائم همگی یکنواخت سخن گفته‌اند و این علائم فقط و فقط با شخص مهدی (ع) منطبق است و هیچیک از پیامبران و امامان اینگونه و با این وسعت معرفی نشده‌اند در این جا سیمای مهدی (ع) در گفتار رسول

اکرم (ص) و امامان معصوم (علیهم السلام) بیان می‌شود:

### سیمای مهدی (ع) در گفتار رسول اکرم (ص)

- ۱- رسول اکرم (ص) فرمودند: او جوانی با این صفات است:  
چشمهایش سرمه کشیده شده یا سیاه چشم و ابروانی طویل، بینی کشیده میان برآمده دارای محاسنی پرپشت، خالی بر گونه راست و خالی دیگر بر دست اوست.<sup>(۱)</sup>  
او شبیه‌ترین مردم به من از نظر خلقت و اخلاق است.<sup>(۲)</sup>
- ۲- رسول اکرم (ص) در بیان دیگر فرمودند: مهدی از فرزندان من است.  
۱- رنگش رنگ عربی (گندم گون)  
۲- قوی هیکل مانند قوم بنی اسرائیل (با قامتی رشید و بازوانی قوی)  
۳- بر گونه راستش خالی مانند ستاره می‌درخشد.  
۴- او زمین را پر از عدالت می‌کند همچنانکه از ظلم پر شده است.  
۵- اهل زمین و آسمان حتی پرندگان در هوا از حکومت او راضی و مسرورند.<sup>(۳)</sup>

۳- رسول اکرم (ص) فرمودند:  
سیمایش چون دینار طلا گرد و دندانهایش همانند دندانهای شانه (مرتب و منظم و از هم جدا) و شمشیرش آتشبار است.<sup>(۴)</sup>

### «سیمای مهدی (ع) در گفتار مولا امیرالمؤمنین علی (ع)»

- ۴- حضرت علی (ع) فرمودند:  
مردی از فرزندانم در آخر الزمان با این صفات ظهور می‌کند.  
۱- چهره‌اش گلگون و نقره فام است.  
۲- شکمش پهن و رانهایش پهن و پرگوشت است.  
۳- استخوان شانه‌هایش درشت و در پشتش دو خال است یکی به رنگ پوست بدن و دیگری شبیه خال پیامبر (ص).  
۴- او دو نام دارد یکی مخفی و دیگری آشکار.  
۵- نام مخفی او احمد و نام آشکار او محمد است.<sup>(۵)</sup>

- ۵- مولای متقیان علی (ع) فرمودند:  
۱- محاسن مجعد و پرمو  
۲- چشمان سیاه و دندانهای ثنا یا براق و درخشان  
۳- خالی در صورت و بینی کشیده و زیباروی  
۴- در کتف (شانه) علامتی از پیغمبر (ص) است.

۲- همان مدرک ص ۱۸۲  
۴- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۷۷

۱- منتخب الاثر ص ۱۸۷  
۳- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۹۵  
۵- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۳۵ و منتخب الاثر ص ۱۸۶

- ۵- در وقت ظهور پرچم پیغمبر(ص) را به همراه دارد.
- ۶- پرچمش پارچه مخمل کرکدار سیاه رنگ چهار گوش و در آن سنگی است.
- ۷- از زمان رحلت پیامبر(ص) تا کنون این پرچم باز نشده و باز نمی‌شود تا اینکه مهدی(ع) ظهور فرماید.<sup>(۱)</sup>
- ۶- مولای متقیان به بیانی دیگر فرموده‌اند:
- مهدی از ذریه من است بین رکن و مقام (در مکه معظمه) ظاهر می‌شود پیراهنش پیراهن ابراهیم خلیل جامه‌اش جامه اسماعیل و کفشش، کفش شیث پیغمبر است.<sup>(۲)</sup>
- ۷- حضرت در حدیثی دیگر می‌فرماید:
- مهدی(ع) به پرنده اشاره می‌کند در مقابلش سقوط می‌کند، چوب خشک را در زمین می‌کارد فوراً سبز شده برگ می‌آورد.<sup>(۳)</sup>

### سیمای مهدی(ع) در گفتار امام باقر و امام صادق و امام رضا(علیهم‌السلام)

- ۸- حضرت امام باقر(ع) در معرفی حضرت مهدی(ع) چنین می‌فرماید:
- دارای چهره‌ای گلگون، چشمانی در گودی فرورفته، ابروانی بلند، و شانه‌هایی گشاده و پهن است.<sup>(۴)</sup>
- ۹- امام صادق(ع) فرمودند:
- همانا این از آزمایشهای بزرگ الهی است که صاحب الزمانشان به صورت جوانی ظاهر شود در حالیکه آنان وی را مردی کهنسال می‌پنداشتند!!<sup>(۵)</sup>
- ۱۰- امام صادق(ع) در بیانی دیگر فرمود:
- مهدی(ع) دارای این صفات است: راست قامت نه دراز قد، چهار شانه ولی نه کوتاه قد (متوسط القامه) سیمایی گرد، سینه‌ای فراخ، پیشانی باز، ابروانی بهم پیوسته، خالی بر گونه راست چون دانه مشک که بر قطعه عنبر نشسته.<sup>(۶)</sup>
- ۱۱- امام صادق(ع) به ابوبصیر فرمود: ای ابوبصیر پدرم زره پیغمبر(ص) را پوشید برایش بلند بود بطوریکه روی زمین کشیده می‌شد، من هم وقتی آن زره را پوشیدم به زمین می‌رسید. ولی چون قائم(ع) بپوشد مثل این است که پیغمبر(ص) پوشیده است و دامن آن به زمین کشیده نمی‌شود.<sup>(۷)</sup>
- ۱۲- امام رضا(ع) فرموده‌اند:

علامت او جوانی و شادابی او در سن کهولت است که هر که او را در روز ظهور می‌بیند چهل ساله یا کمتر از آن می‌پندارد و گذشت زمان و طبیعت کمترین تأثیری در وجود حضرت نداشته

۱- معجم احادیث الامام المهدی ج ۳ ص ۴۷

۲- معجم احادیث الامام المهدی ج ۳ ص ۱۲۱

۳- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۴۰

۴- همان مدرک ص ۱۱

۵- معجم احادیث الامام المهدی ج ۳ ص ۴۷

۶- منتخب الاثر ص ۱۵۴

۷- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۸۷

۸- همان مدرک ص ۳۱۹

و تا آخرین ساعات حیات آثار و علائم پیری در او ظاهر نخواهد شد. بدنش آنچنان قوی و نیرومند است که اگر دست مبارکش را به طرف بزرگترین و قویترین درخت روی زمین دراز کند آن درخت را از ریشه می‌کند و اگر بین کوهها فریاد زند کوهها از هم می‌پاشند و صخره‌ها فرو می‌ریزند عصای موسی و انگشتر سلیمان با اوست او چهارمین فرزند من است، خداوند او را تا هر وقت اراده کند در پس پرده غیبت نگه می‌دارد و پس از آن او را ظاهر کرده و آن حضرت دنیای پر از جور را پر از عدل و داد خواهد کرد.<sup>(۱)</sup>

در اینجا برای حسن ختام حدیثی از رسول اکرم (ص) درباره جمال دلربای مهدی (عج) نقل می‌کنیم:

الْمَهْدِيُّ طَاوُؤُسُ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَجْهُهُ كَالْقَمَرِ الدَّرِّيِّ عَلَيْهِ جَلَابِيبُ النُّورِ

یعنی: مهدی (عج) طاووس اهل بهشت است (در میان همه بهشتیان) چهره‌اش مانند ماه درخشنده است بر بدن مبارکش جامه‌هایی است از نور آری، مهدی (عج) هیئت نیک خوشی دارد که هیچ چشمی هیئتی به آن اعتدال و تناسب ندیده است.

از میان ۱۲ امام معصوم تنها مهدی (عج) اینگونه و با این تفصیل معرفی شده و این مشخصات جز با آن ابرمرد الهی با شخص دیگری قابل انطباق نیست.

در آن نفس که بمیرم در آرزوی تو باشم

به آن امید دهم جان که خاک کوی تو باشم

به وقت صبح قیامت که سر ز خاک برآرم

به گفتگوی تو خیزم به جستجوی تو باشم

به خوابگاه عدم گر هزار سال بخسبم

ز خواب، عاقبت، آگه ببوی و روی تو باشم

حدیث روضه نگویم، گل بهشت نبویم

جمال حور نجویم، دوان به سوی تو باشم

می بهشت ننوشم ز دست ساقی رضوان

مرا به باده چه حاجت که مست روی تو باشم

## مهدی (ع) در آئینه تاریخ

مهدی (ع) فرزند بلافصل یازدهمین امام شیعیان جهان حضرت امام حسن عسکری (ع) است که سحرگاه جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در شهر سامرا از مادری به نام نرجس (س) متولد گردید و از اولین ساعات تولد به مدت ۷۴ سال به علت خطرات جانی از انظار مخفی بوده و جز شیعیان خالص کسی از جایگاه حضرت مطلع نبوده است.

آن حضرت دو غیبت دارد غیبت صغری و غیبت کبری:

غیبت کوتاه مدت حضرت که به غیبت صغری معروف است از اولین ساعت تولد شروع و به سال ۳۲۹ هجری قمری روز وفات چهارمین نایب خاص آن حضرت که مدت آن ۷۴ سال است خاتمه یافت. در این مدت که ۶۹ سال آن معروف به دوران سفارت است حضرت به وسیله نواب خاص (نواب اربعه) یعنی:

۱- ابو عمر و عثمان بن سعید عمروی اسدی

۲- ابو جعفر محمد بن عثمان

۳- ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی

۴- ابوالحسن علی بن محمد سمری

با مردم در تماس بودند و عمر شریف حضرت در پایان غیبت صغری و اول غیبت کبری (سال ۳۲۹ هجری قمری) ۷۴ سال تمام بود که مدت چهار سال و شش ماه و ۲۳ روز آن را در عهد پدر بزرگوارش گذرانده و مدت ۶۹ سال و ۵ ماه و ۷ روز دیگرش را در دوران سفارت چهار نایب سپری فرموده‌اند.

حضرت امام حسن عسکری (ع) روز هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری قمری بر اثر زهری که خلیفه وقت (معتد عباسی) به حضرت داده بود بشهادت رسید. پس از شهادت آن حضرت، امر خلافت و ولایت و امامت به امر خدای متعال به دست با کفایت فرزند پنج ساله اش حضرت مهدی (ع) قرار گرفت.

به اعتقاد ما مهدی (ع) از روز تولد تا کنون با همین جسم عنصری زنده است و در این جهان زندگی می‌کند و هم اکنون که سال ۱۴۲۲ هجری قمری است ۱۱۶۷ سال از عمر شریفش می‌گذرد، و او همچنان تا هر وقت خدا بخواهد زنده بوده سرانجام روزی به خواست و اراده پروردگار عالم ظاهر شده و دنیای پر از ستم را به عدل و داد و یک حکومت واحد جهانی مبدل خواهد فرمود.



## میلاذ مهدی (ع)

حضرت مهدی (ع) دوازدهمین اختر تابناک امامت و ولایت و پیشوای آسمانی اسلام در سپیده دم نیمه شعبان روز جمعه به سال ۲۵۵ هجری قمری برابر با ۸۶۸ میلادی در شهر سامرا در خانه امام یازدهم (امام حسن عسکری (ع)) دیده به جهان گشود و دنیا را به نور جمال مبارکش منور ساخت. پدر بزرگوارش حضرت امام حسن عسکری (ع) و مادر گرامی او نرجس که او را سوسن و صیقل نیز نامیده‌اند.

نرجس دختر «یوشعا» پسر قیصر روم از نسل شمعون یکی از حواریون مسیح (ع) می‌باشد. نرجس چنان با فضیلت و بزرگواری بوده که حکیمه خواهر حضرت امام هادی (ع) که بانویی با شخصیت از خانواده امامت است او را سیده خود و خانواده‌اش می‌نامید تا جایی که خویش را خدمتگزار او به حساب می‌آورد.

هنگامی که نرجس در روم یعنی موطن خود زندگی می‌کرد خوابهای شگفت‌انگیز و حیرت‌آوری می‌دید. یک بار حضرت محمد پیامبر بزرگوار اسلام (ص) و حضرت عیسی مسیح (ع) را به خواب دید که او را به عقد و ازدواج امام حسن عسکری (ع) در آورده‌اند؛ و در خواب دیگری که بس حیرت‌انگیز بود، دید که بنا به دعوت حضرت فاطمه (سلام الله علیه) مسلمان شده اما ایمان آوردن خود را از اطرافیان و خانواده خویش پنهان می‌دارد. سرانجام میان مسلمانان و قیصر روم، جنگ در گرفت و قیصر خود به همراه لشکر و سربازان خویش روانه جبهه‌های جنگ برای مقابله با سپاه اسلام شد نرجس در خواب دستور گرفت که ناشناس و به طور پنهانی همراه کنیزان و خدمتکاران به دنبال لشکری که به سوی جنگ می‌روند حرکت کند و او این دستور را عمل کرد مسلمانان آنان را با تعداد زیادی از پیشروان و اشراف سپاه اسیر خود ساختند مسلمانان بدون آنکه بفهمند نرجس از خانواده قیصر روم است او را همراه با دیگر اسیران به بغداد مرکز حکومت بردند این حادثه تقریباً مصادف با اواخر دوران امامت حضرت امام هادی (ع) روی داده است.

کارگزار امام هادی (ع) نامه‌ای را که آن حضرت به زبان رومی نوشته بودند به دستور آن بزرگوار در شهر بغداد به نرجس رساند سپس او را از برده فروشی خریداری کرد و نرجس را به شهر سامرا نزد امام هادی (ع) برد در این دیدار و ملاقات امام بزرگوار آنچه را نرجس در خوابهای خود دیده بود همه را یادآوری فرموده و مژده داد که همسر امام یازدهم خواهد شد و صاحب فرزندی می‌شود که بر سراسر جهان مستولی و چیره خواهد گشت فرزندی که جهان را از عدل و داد پر می‌سازد. سپس امام بزرگوار نرجس را به حکیمه خاتون خواهر خود که از زنان گرامی خاندان امامت بود سپرد تا آداب و احکام اسلام را به او بیاموزد و بعد از چندی نرجس به همسری امام حسن عسکری (ع) در آمد.

هر گاه حکیمه به خدمت حضرت امام حسن عسکری (ع) می‌رسید دعا می‌کرد که حضرت حق به

او فرزندی عطا فرماید. حکیمه می‌گوید: یک روز مطابق عادت همیشگی به دیدار امام حسن عسکری (ع) رفته بودم به طور معمول دعا و نیایش قبلی را زمزمه کردم آن بزرگوار فرمودند: ای عمّه: آن فرزندی را که تو دعا می‌کنی امشب در این خانه متولد خواهد شد امشب نزد ما بمان. حکیمه می‌گوید: عرض کردم ای سرور من این مولود از چه کسی متولد می‌شود در حالیکه من از نرجس نشانه‌ای از حمل طفل نمی‌بینم امام حسن عسکری (ع) به من فرمود آری ای عمّه آن طفل از نرجس متولد می‌شود و از غیر او نخواهد بود در این هنگام برخاستم و دقیقاً نرجس را ملاحظه کردم اما هیچ اثر و نشانه‌ای از حاملگی در او ندیدم به نزد امام آمدم و او را از کاری که انجام داده بودم آگاه ساختم امام تبسمی کرد و فرمود ای عمّه این امر در طلوع فجر و سپیده دم صبح بر شما آشکار می‌شود زیرا او چون مادر موسی کلیم الله (ع) است که حملش آشکار نبود و کسی تا زمان ولادت چیزی درباره‌اش نمی‌دانست، فرعون در صدد یافتن موسی بود و برای اینکه طفلی متولد نشود شکم زنان باردار را می‌درید، اینک این فرزند مانند موسی (ع) است.

حکیمه می‌گوید: من تا فجر صبح بیدار ماندم و با دقت از نرجس مراقبت کردم او با نهایت آرامش و راحتی کنار من خوابیده بود ناگاه هنگام طلوع فجر و سپیده صبح هراسناک از جای خود برخاست و من او را در آغوش فشردم و نام خداوند را بر او خواندم.

امام (ع) از اطاق دیگر صدا زد و فرمود: ای عمّه سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» را بر نرجس بخوان و من در همان حال سوره را قرائت کردم. آنگاه از حال او جویا شدم. نرجس گفت: آنچه مولا و سرور من به شما خبر داد اکنون آشکار شده است.

وقتی که من به خواندن سوره مشغول بودم شنیدم که آن طفل در شکم مادر با من همراهی می‌کند و بعد از آن به من سلام کرد و من از این امر سخت ترسیدم. آنگاه امام حسن (ع) فریاد زد: ای عمّه! از قدرت الهی حیرت مکن که حق تعالی طفلان ما را به حکمت و توانایی خود گویا می‌گرداند، هنوز سخن امام (ع) به پایان نرسیده بود که نرجس از دیده و نظر من پنهان گشت گویی پرده و حجابی میان من و او حائل گردید. سپس فریاد کنان به جانب امام (ع) دویدم. امام فرمود: تو برگرد، او را در جای خویش خواهی دید.

وقتی که برگشتم آن پرده و حجاب برداشته شد و من در نرجس نوری عظیم مشاهده کردم که از پرتوش چشمم خیره شد در این هنگام دیده بر فرزندی افکندم که متولد شده بود و در سجده قرار داشت و به زانو افتاده بود و می‌فرمود:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ جَدِّي مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَنَّ  
أَبِي أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ.

سپس بر امامت یکایک امامان تا خودش گواهی داد و فرمود:

الهی وعده مرا عملی کن و کار مرا به سرانجام و پایان برسان و گامم را استوار و محکم بدار و

زمین را به وسیله من از عدل و داد پر ساز. (۱)

وقتی که امام متولد شد پاک بود و هیچگونه آلودگی نداشت و در بازوی راستش این آیه نوشته شده بود - «جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقاً حَقَّ آمَدٌ وَ بَاطِلٌ نَابُودٌ حَتَّمَا بَاطِلٌ نَابُودٌ شَدْنِي اسْت.»

در حسرت دیدار تو آواره ترینم هر چند که تا منزل تو فاصله‌ای نیست

### نواب اربعه (سفیران چهارگانه)

چهار تن از بزرگان شیعه در زمان غیبت صغری وکیل و سفیر و نایب خاص حضرت مهدی (ع) بودند. آنان به خدمت امام قائم (ع) می‌رسیدند و وکالتشان مورد تأیید قرار می‌گرفت و پاسخهای حضرت در حاشیه نامه‌های سؤال کنندگان به وسیله آنان به دست مردم می‌رسید. اکنون سرگذشت هر یک از آنها را به طور مختصر مرور می‌کنیم.

۱ - جناب ابو عمر و عثمان بن سعید مورد اعتماد و اطمینان همه مردم بود. وی مردی جلیل‌القدر و وکیل حضرت امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع) نیز بوده است او به فرمان امام عصر (ع) عهده‌دار کفن و دفن امام حسن عسکری (ع) گردید.

عثمان بن سعید به کار روغن فروشی مشغول بود و پولهایی را که از مردم می‌گرفت در ظرفهای روغن می‌ریخت و به طور مخفی آنها را به نزد امام (ع) می‌برد.

امام حسن عسکری (ع) درباره عثمان بن سعید فرمود: او امین و مورد اطمینان پدرم و مورد اعتماد من در دوران عمر و زندگی و پس از مرگم خواهد بود و آنچه را به شما بگویم از من گفته است و آنچه را به شما برساند از جانب من رسانیده است.

عثمان بن سعید در سال ۲۰۰ هجری وفات کرد یعنی حدود ۴۰ سال واسطه بین امام زمان (ع) و مردم بود. او قبل از وفات خود به فرمان حضرت امام قائم (ع) فرزندش (ابو جعفر محمد بن عثمان) را به جانشینی خویش انتخاب کرد و به نیابت امام عصر (ع) معرفی نمود.

۲ - جناب ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید نیز چون پدر بزرگوارش از بزرگان شیعه بود او در پرهیزگاری و عدالت و اعتماد و اطمینان مورد احترام شیعیان قرار داشت و امام حسن عسکری (ع) نسبت به او اظهار اعتماد فرمود بود. محمد بن عثمان پس از پدرش ۵ سال عهده‌دار نیابت خاص بود و در سال ۲۰۵ هجری درگذشت.

نقل است محمد بن عثمان قبری برای خود ترتیب داده و آن را با ساج پوشانده بود و هر روز داخل قبر می‌شد و یک جزء قرآن را تلاوت می‌کرد و سپس از قبر بیرون می‌آمد، این مرد بزرگ و عابد، قبلاً روز وفات خود را خبر داده بود و در همان روز پیش بینی شده، درگذشت.

محمد بن عثمان قبل از مرگش در نزد گروهی از بزرگان و دانایان شیعه، ابوالقاسم حسین بن

روح نوبختی را به امر امام زمان (ع) برای سفارت و ارتباط با حضرت معرفی کرد.

۳ - جناب ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی نزد همه مردم موافق و مخالف، عظمت و بزرگی و شأن و مقام ویژه‌ای داشت او به عقل و بینش و فضیلت و تقوی در نزد مردم مشهور و معروف بود و عموم فرقه‌های مذهبی به این مرد خدا توجه داشتند. این انسان بزرگوار حدود ۲۱ سال، مقام نیابت امام عصر (ع) را به عهده داشت و قبل از آنکه از دنیا برود امور نیابت را به امر حضرت، به ابوالحسن علی بن محمد سمري سپرد و در ماه شعبان سال ۲۲۶ هجری دار فانی را وداع گفت و در بغداد به خاک سپرده شد، اکنون آرامگاه آن مرد بزرگ زیارتگاه عموم مردم گردیده است.

۴ - جناب ابوالحسن علی بن محمد سمري چهارمین نایب امام (ع) بود. این مرد بزرگ و عابد رستگار و انسان والا به فرمان امام عصر (ع) پس از حسین بن روح، نیابت حضرت را به عهده گرفت و به رسیدگی امور شیعیان و پیروان امام پرداخت.

مرحوم محدث قمی می‌گوید: روزی ابوالحسن سمري، آنگاه که جمعی از مشایخ و بزرگان نزد او بودند، فرمود: خداوند به شما در مصیبت علی بن بابویه قمی پاداش بزرگ عنایت فرماید. او در این ساعت از دنیا رفت.

سپس آن جمع و بزرگان حاضر در خدمت ابوالحسن سمري ساعت و روز و ماه (این سخن را) یادداشت کردند. هفده یا هیجده روز از آن زمان و گفتار این مرد خدا گذشته بود که خبر دار شدند که علی بن بابویه در همان تاریخ و همان ساعت مذکور در گذشته است.

علی بن محمد سمري در نیمه شعبان سال ۲۲۹ هجری دار فانی را وداع گفت. گروهی از شیعیان پیش از وفاتش نزد وی جمع شدند و از او پرسیدند: چه کسی پس از شما جانشینتان خواهد بود. آن مرد بزرگ پاسخ داد:

من مأمور نشده‌ام کسی را به جانشینی خود معرفی کنم. آن مرد بزرگ و عابد بزرگوار توقیعی را که از جانب حضرت امام زمان (ع) در این مورد صادر شده بود به شیعیان نشان داد که مضمون آن چنین است:

«به نام خداوند بخشنده مهربان»

ای علی بن محمد سمري خدا اجر برادران شیعه تو را در مصیبت تو زیاد گرداند تو تا شش روز دیگر خواهی مرد. کارهایت را جمع کن و مسئله وکالت و جانشینی را به کسی وصیت نکن، زیرا غیبت کبری واقع شده و ظهوری نیست مگر بعد از آنکه خدا اذن دهد و این اذن خدا بعد از مدت‌های طولانی و سخت شدن دلها و پر شدن زمین از ظلم و جور است.....

شش روز بعد نیمه شعبان بود که ابوالحسن سمري از دنیا رفت و با وفات این مرد خدا دوران غیبت صغری به پایان رسید و غیبت کبری آغاز گردید<sup>(۱)</sup>

## طرح یک سؤال و پاسخ آن

سؤال:

اینک باید پرسید که شیعیان در این زمان به چه کسی مراجعه کنند و وظایف دینی خود را از چه کسی بپرسند؟

پاسخ:

اسحاق بن یعقوب می گوید: از عثمان بن سعید اولین نائب خاص امام (ع) خواستم نامه ای به امام عصر (ع) برساند و در ضمن نامه پرسیدم در زمان غیبت به چه کسی مراجعه کنیم؟ امام (ع) با خط خودشان در پاسخ چنین مرقوم فرمودند: **وَ أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقِعةَ فَالرَّجَعُوا إِلَى رِوَاةِ أَحَادِيثِنَا وَ إِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ.....** در حوادث واقعه به راویان احادیث ما مراجعه کنید که آنها حجّت من بر شما هستند و من حجّت خدا هستم بر آنان.

از این پاسخ امام (ع) می فهمیم که امور مردم در زمان غیبت به فقهاء ربّانی و مراجع عظام سپرده شده و آنها بر مردم ولایت دارند یعنی ولایت فقیه دنیالیه امامت است و مجتهد اعلم به نیابت عام از امام زمان (ع) امور رهبری امت را به دست می گیرد<sup>(۱)</sup>

چند نکته

در شرح حال حضرت مهدی (ع) نکات حسّاس و قابل توجهی به چشم می خورد که برای عده ای از افراد غیر قابل هضم و سنگین است و حتی جمعی از معتقدین و باورداران هم زیر سؤالند و متأسفانه پاسخ روشنی هم ندارند تا آنان را بر سر جای خود بنشانند!

مسئله امامت در کودکی و فلسفه غیبت و طول عمر امام و معلوم نبودن روز ظهور و چگونگی برقراری حکومت واحد جهانی با وجود سلاحهای مدرن روز و... از جمله مسائلی است که ساختمان عقیده ما روی این پایه ها استوار است و تک تک این پایه ها سنگر و دژ محکمی است که با از دست دادن آن ایمان ما متزلزل می شود.

پس چه بهتر که ماهیت این پایه ها را به دلایل عقلی و منطقی محکم کرده تا بتوانیم پاسخ دندان شکنی به دشمن بدهیم!

با این توضیح اهمّ مسائل را در ده بخش به شرح زیر:

۱- امامت در کودکی

۲- ضرورت وجود امام (ع) یا نقش امام (ع) در جهان هستی

۳- فلسفه غیبت امام مهدی (ع)

۴- فایده امام غایب

۵- دیدار

۶- طول عمر



۷- توقیت

۸- حکومت واحد جهانی

۹- سلاحهای مدرن روز

۱۰- انتظار

مورد بحث قرار داده و از همه علاقه‌مندان و ارادتمندان به حضرت مهدی (ع) خواهانیم که پاسخ‌ها و توضیحات را به دقت مطالعه فرموده، با یاری خدا امید است که ان شاء الله خواب رفتگان بیدار شده و بیدار دلان آگاه‌تر گردند.

## بخش اول - امامت در کودکی

امامت در کودکی و اعتقاد به آن یکی از مسائل شگفت آور و غیر قابل هضم برای بیگانگان و دور ماندگان از معارف اسلامی است و تا حرف از سخن گفتن کودک در قنطاق و یا جنین در شکم مادر و امثال این خرق عادت‌ها به میان می‌آید دوستان بهت زده و دشمنان تهمت زده به آدم می‌نگرند! نگاهی توأم با تحقیر و یا خدای نخواستہ با تکفیر!!

اجازه بفرمائید بی پرده و بی تعارف عرض کنم:

این تحیر و شگفتیها و این خلأ و محرومیتها همه و همه محصول غرب زدگی و دور ماندن و فاصله گرفتن از دریای بی کران معارف اسلامی است و گرنه اگر مسلمان با قبول و اعتقاد به دین اسلام کمترین مطالعه‌ای در مسائل عقیدتی اسلامی داشته باشد باور کردنی نیست که نپذیرد و یا در تحیر بماند! روشنتر عرض کنم: آنهایی که اصلاً دین ندارند و به شریعت و آئینی پایبند نبوده و نیستند دلایل ما برای آنها بی فایده و ناگوار است و اما اگر متدین به یکی از ادیان الهی به ویژه مسیحیت باشند مشکلی در پذیرش این خرق عادت‌ها ندارند حال صفحات تاریخ و کتب روایی، مخصوصاً قرآن این کتاب آسمانی را ورق می‌زنیم تا ببینیم که در پرتو آیات معجزه آسای کلام الهی چه مطالبی بیان شده است.

## مسئله امامت کودک و خردسال

درست است که دوران شکوفایی عقل انسان معمولاً حدّ و مرز خاصی دارد ولی همواره در انسانها افراد استثنایی وجود داشته‌اند چه مانعی دارد که خداوند این دوران را برای بعضی از بندگان به خاطر مصالحی، فشرده‌تر کند و در سالهای کمتری خلاصه نماید همانگونه که برای سخن گفتن معمولاً گذشتن یکی، دو سال از تولد لازم است در حالیکه می‌دانیم حضرت مسیح (ع) در همان روزهای نخستین زبان به سخن گشود آن هم سخنی بسیار پر محتوی که در شأن انسانهای بزرگسال بود، پس هیچ دلیل علمی بر محال بودن این گونه امور وجود ندارد حالا به ذکر تعدادی از آنها که در قرآن و کتب روایی آمده می‌پردازیم.

### ۱ - سخن گفتن عیسی (ع) در گهواره

هنگامی که آنها کودک نوزاد را در آغوش مریم دیدند دهانشان از تعجب باز ماند آنها که سابقه پاکدامنی مریم را می‌دانستند و آوازه تقوا و کرامت او را شنیده بودند سخت نگران شدند و به شک و تردید افتادند و بعضی دیگر هم که در قضاوت و داوری عجول بودند، زبان به ملامت و سرزنش او گشودند و گفتند: حیف از آن سابقه درخشان با این آلودگی، ای مریم تو مسلماً کار بسیار عجیب و بدی انجام داده‌ای!

بعضی به او رو کردند و گفتند ای خواهر هارون پدر تو آدم بدی نبود، مادرت نیز هرگز آلودگی نداشت، با وجود چنین پدر و مادر پاکی این چه وضعی است که در تو می‌بینیم!؟

در این هنگام مریم به فرمان خدا سکوت کرد تنها کاری که انجام داد این بود که اشاره به نوزادش عیسی کرد  
(فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ) (۱)

اما این کار بیشتر تعجب آنها را برانگیخت و شاید جمعی، آن را حمل بر سخریه کردند و خشمناک شده گفتند: مریم با چنین کاری که انجام داده‌ای قوم خود را مسخره نیز می‌کنی؟! به هر حال به او گفتند ما چگونه با کودکی که در گهواره است سخن بگوئیم؟!  
قَالُوا كَيْفَ نَكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا (۲)

آن کودک نوزاد زبان به سخن گشود و گفت:  
قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا (۳)

گفت من بنده خدایم او کتاب آسمانی به من مرحمت کرده و مرا پیامبر قرار داده است.  
وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا وَ بَرًّا بِوَالِدَتِي وَ لَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا (۴)

و خداوند مرا وجودی پر برکت در هر جا باشم قرار داده است و مرا تا زنده‌ام توصیه به نماز و زکات کرده است و نیز مرا نیکوکار و خیرخواه نسبت به مادرم قرار داده است و مرا جبار و شقی قرار نداده است.

و سرانجام این نوزاد می‌گوید:

وَ السَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَ يَوْمَ أَمُوتُ وَ يَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا (۵)

سلام و درود خدا بر من باد، آن روز که متولد شدم و آن روز که می‌میرم و آن روز که زنده و برانگیخته می‌شوم.

این پیامبر عظیم الشان و اولوالعزم خدا رسالت خود را رسماً از سن هفت سالگی شروع کرده و در این سن و سال مقام رسالت و نبوت خویش را عملاً پیاده کرد.

۲- حضرت یحیی بن زکریا (ع) در سه سالگی به نبوت رسید

يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَ أَتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا (۶)

ای یحیی این کتاب خدا (تورات) را محکم بگیر و ما فرمان نبوت در کودکی به او داده‌ایم.

ابن عباس در تفسیر این آیه شریفه می‌گوید: یحیی (ع) در سه سالگی به پیامبری رسید. (۷)

۳- حضرت سلیمان (ع) در سیزده سالگی به نبوت رسید.

هنگامی که داوود (ع) او را به جانشینی منصوب داشت از عمر سلیمان سیزده سال بیش نگذشته بود.

۱- مریم - ۲۹

۲- مریم - ۲۲ - ۳۱

۱- مریم - ۲۹

۳- مریم - ۳۱

۵- مریم - ۳۳ (تفسیر نمونه ج ۱۳ صفحه (۵۴ تا ۵۱))

۶- مریم - ۱۲

۷- تفسیر مجمع البیان ج ۱۵ ص ۱۵۱

امام محمد تقی (ع) فرمود:

خدای تعالی به داوود وحی کرد که سلیمان را جانشین خود گرداند در حالیکه سلیمان کودکی بود که گوسفند می چرانید، عباد و دانشمندان بنی اسرائیل او را نپذیرفتند. خداوند به داوود (ع) وحی کرد که عصاهای معترضین و چوبدستی سلیمان را بگیر و آنها را در اتاقی گذاشته و با خاتمهای مردم مهرش کن. فردای آن روز عصای هر کس که (مانند درخت سبز) برگدار و میوه دار شد او جانشین است.

داوود (ع) این خبر را به آنها گفت (و چون فردا عصای سلیمان را سبز دیدند) گفتند راضی شدیم و پذیرفتیم.<sup>(۱)</sup>

۴- سخن گفتن علی (ع) در شکم مادر و گهواره.

فاطمه بنت اسد مادر امیرالمومنین علی (ع) در حالیکه ۹ ماه از آبستنی او می گذشت به مسجد الحرام آمد و او را درد زائیدن گرفت او را در حالیکه گروهی از بنی هاشم و قبیله بنی العزی در برابر کعبه نشسته بودند برابر کعبه ایستاد و نظر به جانب آسمان انداخت و گفت:

پروردگارا من ایمان آورده‌ام به تو و به هر پیغمبر و رسولی که فرستاده‌ای و به هر کتابی که نازل گردانیده‌ای و تصدیق کرده‌ام گفته‌های جدّم ابراهیم خلیل که خانه کعبه را بنا کرده است. پس سؤال می‌کنم از تو به حق این خانه و به حق آن کسی که این خانه را بنا کرده است و به حق این فرزندی که در شکم من است و با من سخن می‌گوید و به سخن گفتن خود مونس من گردیده است و یقین دارم که او یکی از آیات جلال و عظمت تو است که آسان کنی بر من ولادت او را. عباس و یزید بن قعب گفتند: که چون فاطمه از این دعا فارغ شد دیدیم که دیوار خانه شکافته شد فاطمه از آن شکاف داخل خانه شد و از دیده‌های ما پنهان گردید پس به اذن خدا شکاف دیوار به هم پیوست و ما چون خواستیم در خانه را بگشائیم چندان که سعی کردیم در گشوده نشد دانستیم که این امر از جانب خداوند واقع شده و فاطمه سه روز در اندرون کعبه ماند اهل مکه در کوچه و بازار، این قصه را نقل می‌کردند و تعجب می‌نمودند!

تا روز چهارم رسید پس همان موضع از دیوار کعبه که شکافته شده بود بار دیگر شکافته شد و فاطمه بنت اسد بیرون آمد و فرزند خود علی (ع) را در بغل داشت.<sup>(۲)</sup>

فاطمه بنت اسد مادر علی (ع) می‌گوید:

چون علی (ع) متولد شد او را در قنّاق پیچیده و سخت بستم؛ اما علی با یک قوّت آن را پاره ساخت من قنّاقه را دو لایه و سه لایه نمودم آن را نیز پاره کرد گاهی آن را شش لایه کردم و پارچه بعضی از حریر و بعضی از چرم بود که باز هم با یک قوّت آنها را پاره کرد و بالاخره علی (ع) به سخن آمد و گفت:

۱- اصول کافی باب حالات الائمه ج ۱ ص ۳۸۳ و تاریخ انبیاء ج ۲ ص ۲۲۶

۲- منتهی الامال ج ۱ ص ۱۰۳

مادر دستهای مرا نبند زیرا می‌خواهم با انگشتان خود برای خدا تضرع و زاری کنم.<sup>(۱)</sup>  
 ۵- سخن گفتن فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در شکم مادر:

زنان قریش با ازدواج خدیجه (س) و پیغمبر (ص) مخالفت کرده، می‌گفتند نباید با یتیم ابوطالب که فقیر است ازدواج کنی. اما خدیجه اعتنایی نکرد و این ازدواج انجام شد. به همین علت زنان مکه سلامش نمی‌کردند بلکه از رفت و آمد زنان دیگر هم با او جلوگیری می‌کردند!

خدیجه از نقشه آنان سخت نگران بوده و از آسیب آنان وحشت داشت و چون به حضرت فاطمه (س) حامله شد فاطمه در شکم با او سخن می‌گفت و مونس او بود و او را به صبر سفارش می‌فرمود. خدیجه این حالت را از حضرت محمد (ص) پنهان می‌داشت.

روزی حضرت داخل شد، شنید که خدیجه با شخصی سخن می‌گوید اما کسی را نزد او ندید فرمود: ای خدیجه با چه کسی سخن می‌گویی؟ خدیجه گفت: با فرزندی که در شکم دارم او با من سخن می‌گوید و مونس من است.

حضرت فرمود: هم اینک جبرئیل مرا خبر داد که این فرزند دختر است و اوست نسل طاهر با میمنت و برکت و حق تعالی نسل مرا از او به وجود خواهد آورد و از نسل او امامان و پیشوایان دین به هم خواهند رسید

سرانجام خدیجه (س) با کمک حواریون فارغ شده و فاطمه (سلام الله علیها) به دنیا آمد و بلافاصله شهادتین گفت و بر هر یک از حواریون سلام کرده و آنها را به اسم صدا کرد.<sup>(۲)</sup>  
 ۶- اسماعیل بن بزیع از امام باقر (ع) راجع به امر امامت پرسید: آیا ممکن است امام سنش از هفت سال کمتر باشد؟

امام فرمود: آری کمتر از پنج سال هم می‌شود.<sup>(۳)</sup>

منتهی الامال جلد ۲ صفحه ۵۸ درباره میلاد امام باقر (ع) می‌نویسد:

حضرت بعد از تولد روی به جانب قبله پس از سه بار عطسه کردن حمد حق تعالی می‌گوید.

۷- سخن گفتن امام موسی کاظم (ع) در گهواره.

شیخ مفید روایت کرده از یعقوب سراج که گفت:

وارد شدم بر حضرت امام جعفر صادق (ع)، دیدم نزدیک پسرش امام موسی (ع) که در گهواره است ایستاده و با او حرف می‌زند و راز و نیاز می‌کند و این برنامه بسیار طولانی بود سپس من نزدیک امام موسی (ع) رفته و بر او سلام کردم آن حضرت به زبان فصیح سلام مرا جواب داد. آنگاه فرمود:

برو نام دخترت را که دیروز نام گذاری کردی تغییر بده زیرا آن اسم را خدا مبعوض میدارد.  
 یعقوب می‌گوید: خدا به من دختری کرامت فرموده بود و من او را حمیرا نامیده بودم امام



صادق (ع) فرمود: امر مولای خود را اطاعت کن تا رشد پیدا کنی و راه راست نصیب تو شود من نیز اطاعت کرده اسم دخترم را تغییر دادم.<sup>(۱)</sup>

۸- امام رضا (ع) در شکم مادر تسبیح گفته و پس از تولد خدا را حمد می‌کند. شیخ صدوق به سند معتبر از نجمه مادر آن حضرت روایت کرده است که گفت: چون حامله شدم به فرزند بزرگوار خود، به هیچ وجه ثقل حمل در خود احساس نمی‌کردم و چون به خواب می‌رفتم صدای تسبیح و تهلیل و تمجید حق تعالی از شکم خود می‌شنیدم و خائف و ترسان می‌شدم و چون بیدار می‌شدم صدایی نمی‌شنیدم. و چون آن فرزند سعادت‌مند از من متولد شد سر به سوی آسمان بلند کرد و حمد خدای را به جا آورد.<sup>(۲)</sup>

### «بلوغ شرط مرجعیت است نه نبوت و امامت»

یک مرجع تقلید علاوه بر شرایط عامه حتماً باید بالغ باشد تا بتوان از او تقلید کرد و اگر بالغ نباشد تقلید از او جایز نیست اما امام یا پیغمبری که از طرف خدا منصوب می‌شود شرطش بلوغ نیست دیدیم که عیسی بن مریم در گهواره می‌گوید:

إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا.<sup>(۳)</sup>

صفوان بن یحیی می‌گوید:

به حضرت امام رضا (ع) عرض کردم پس از شما به سوی که برویم؟ حضرت با دست اشاره به ابی جعفر (ع) (محمد تقی) کرد که در برابرش ایستاده بود من عرض کردم قربانت کردم این پسر سه ساله است؟ حضرت فرمود: هیچ زیانی به امامت او ندارد همانا عیسی (ع) قیام به حجت کرد زمانی که کمتر از سه سال داشت.<sup>(۴)</sup>

و شگفت آورتر این بیان است که فرمود:

نزدیک است که امامت به کسی منتقل شود که او را از (کوچکی) به بغل گیرند.<sup>(۵)</sup>

۹- مهدی (ع) چهل روز پس از تولد به راه افتاد.

حکیمه خاتون می‌گوید: چون چهل روز گذشت به خدمت امام حسن عسکری (ع) رفتم پس از داخل شدن دیدم طفلی در خانه راه می‌رود. گفتم: ای سید من این طفل دو ساله از کیست؟! حضرت تبسمی کرده و فرمود: اولاد پیامبران و اوصیاء ایشان هر گاه امام باشند بر خلاف اطفال دیگران رشد می‌کنند و یک ماهه ایشان مانند یکساله دیگران است و ایشان در شکم مادر سخن می‌گویند و قرآن می‌خوانند و عبادت پروردگار می‌نمایند و در هنگام شیر خوردن ملائکه فرمان ایشان می‌برند و هر صبح و شام بر ایشان نازل می‌شوند.<sup>(۶)</sup>

۱- منتهی الامال ج ۲ ص ۱۲۲

۲- منتهی الامال ج ۲ ص ۱۷۳

۳- مریم - ۳۱

۴- اصول کافی ج ۱ ص ۳۸۳

۵- منتهی الامال ج ۲ ص ۲۸۵

۶- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۴۳

۱۰ - مهدی (ع) کتب و صحف آسمانی را تلاوت می فرمود.

حکیمه خاتون می گوید: امام حسن عسکری (ع) به فرزندش فرمود: بخوان ای فرزند آنچه حق تعالی بر پیغمبران فرستاده است پس ابتدا نمود از صحف آدم و به زبان سریانی خواند و کتاب ادریس و نوح و هود و صالح و صحف ابراهیم و تورات موسی و زبور داوود و انجیل عیسی و قرآن جدم محمد مصطفی (ص) را خواند و سپس قصه های پیامبران را یاد کرد.<sup>(۱)</sup>

۱۱ - مهدی (ع) خود را به زبان عربی فصیح معرفی فرمود:

احمد بن اسحاق که از رجال معروف و وکیل امام حسن عسکری (ع) است می گوید: به محضر امام حسن عسکری (ع) شرفیاب شدم تا از او درباره جانشین و امام بعد از او سؤال کنم.

گفتم: ای فرزند رسول خدا خلیفه و امام بعد از شما کیست؟

امام شتابان از جای خود برخاست و به اندرون خانه رفت و کودک سه ساله ای را که صورتش مثل ماه شب چهارده می درخشید بر دوش خود سوار کرده تشریف آورد و فرمود: ای احمد بن اسحاق اگر در پیشگاه خدا و حجتهای او معزز و محترم نبودی هرگز این فرزند را به تو نشان نمی دادم پسرم همانم و هم کنیه رسول خداست او کسی است که زمین را پر از عدل و داد می کند. بعد از اینکه از ظلم و جور پر شده باشد.

عرض کردم مولای من آیا در این کودک سه ساله علائم و نشانه ای است که دلم آرام گرفته و بیشتر مایه آرامش و اطمینان قلبی من باشد؟!

احمد بن اسحاق می گوید تا این حرف از دهانم خارج شد ناگهان دیدم آن کودک و حجت خدا غنچه لبش چون گل شکفت و به زبان عربی فصیح فرمود: منم بقیة الله در زمین خدا و انتقام گیرنده از دشمنان خدا، ای احمد بن اسحاق بعد از اینکه حجت خدا را با چشم سر دیدی دیگر دنبال چیزی مرو و نشانه دیگری نخواه!

احمد بن اسحاق می گوید: (پس از شنیدن سخنان معجزه آسا دیگر حرفی نزده) خوشحال و شادمان از پیشگاه امام مرخص شدم.<sup>(۲)</sup>

۱۲ - مهدی (ع) بر جنازه پدر نماز خواند.

ابوالادیان، خادم مخصوص امام حسن عسکری (ع) می گوید:

من نامه های حضرت امام حسن عسکری (ع) را به شهرها می بردم روزی در بیماری، (همان بیماری که سبب ارتحال ایشان شد) مرا طلبید و نامه هایی به مدائن نوشت و فرمود این نامه ها را برسان و تو بعد از پانزده روز به سامرا برمی گردی (و چون وارد شهر می شوی) صدای شیون از خانه من خواهی شنید. مرا در آن وقت غسل می دهند.

ابوالادیان گفت: مولای من هر گاه چنین واقعه ای اتفاق بیفتد امر امامت با کیست؟ حضرت

فرمود: هر که جواب نامه‌های مرا از تو طلب کند او امام بعد از من است. گفتم: علامتی دیگر بفرمایید.

حضرت فرمود: کسی که بر جنازه من نماز کند اوست قائم و اوست جانشین من گفتم باز هم علامتی بفرمایید.

حضرت فرمود: هر که بگوید درهمیان چه چیز است او امام شماست.

ابوالادیان می‌گوید: مهابت و ابهت حضرت مانع از این شد که بپرسم آقا کدام همیان؟ پس از خدمت حضرت مرخص شدم و نامه‌ها را به اهل مدائن رساندم و جوابها را گرفته و درست روز پانزدهم به سامرا برگشتم.

همانطور که حضرت فرموده بود، صدای نوحه و شیون از منزل آن حضرت شنیدم، حضرت را غسل می‌دادند.

جعفر کذاب را دیدم که بر در خانه نشسته و شیعیان دور او جمع شده و او را به رحلت برادر، تعزیت و به امامت بعد از برادر، تهنیت می‌گویند!

با دیدن این منظره با خود گفتم: اگر این امام باشد امامت باطل شده است زیرا این فاسق شراب می‌خورد و قمار می‌کند و طنبور می‌نوازد و اهلیت برای امامت ندارد.

پس (به عنوان آزمایش و امتحان) پیش رفتم. تعزیت و تهنیت گفتم! هر چه منتظر ماندم راجع به نامه‌ها هیچ سؤالی از من نکرد!

در این هنگام «عقید خادم» جلو آمد و به جعفر گفت: ای آقای من برادرت را کفن کرده‌اند بیا و بر او نماز کن.

جعفر کذاب پیش آمد که بر جنازه برادر نماز بخواند. اما وقتی که دستها را بالا برد که تکبیر بگوید!

ناگاه کودکی گندم‌گون، پیچیده موی، گشاده دندان، مانند پاره ماه بیرون آمد. عبا و ردای جعفر را کشید و فرمود:

عمو برو عقب من برای نماز بر جنازه پدر از همه شما سزاوارترم.

جعفر در حالیکه رنگ از صورتش پریده بود خود را عقب کشید و آن کودک (پنج ساله به همراهی تمام شیعیان) بر جنازه مطهر پدرش نماز خواند و سپس آن حضرت را کنار قبر پدرش امام هادی (ع) دفن کرد.

ابوالادیان می‌گوید: پس از مراسم تدفین متوجه من شد و فرمود:

ای بصری: بده جواب نامه‌ها را که با تو است.

من آنها را به حضرت تقدیم کرده با خود گفتم: از آن سه نشانه و علامت که امام حسن عسکری (ع) داده بودند دو نشانه ظاهر شده و فقط مسئله همیان باقی مانده است. از آنجا بیرون آمدم. شخصی به جعفر گفت: این کودک که بود؟

جعفر گفت: به خدا قسم من هرگز او را ندیده و نمی‌شناختم (اگر او امام بود همه چیز را باید می‌دانست و برای امام نمی‌دانم و نمی‌شناسم معنی ندارد) در این میان جماعتی از اهل قم آمدند، چون دانستند امام حسن عسکری (ع) وفات یافته است پرسیدند: پس امام کیست؟ مردم به سوی جعفر اشاره کردند، آنها نزدیک رفته تعزیت و تهنیت دادند و گفتند: با ما نامه‌ها و اموالی هست. لطفاً بفرمائید:

۱ - نامه‌ها از کیست؟ ۲ - و این مالها چقدر است؟ تا تقدیم داریم.

بیچاره جعفر این امام‌قلابی از جای برخاست و گفت: اینها از ما علم غیب می‌خواهند! ابوالادیان می‌گوید: در این حال دیدم خادمی از طرف امام زمان (ع) پیدا شد و گفت ای آقایان با شماست نامه‌هایی از فلان و فلان و همیانی در آن هزار دینار طلا که ۱۰ دینارش آب طلا داده شده است!

این جماعت به محض شنیدن علائم و نشانیها همه اموال و نامه‌ها را تقدیم داشته، گفتند، هر که تو را برای دریافت این اموال و نامه‌ها فرستاده قطعاً او امام زمان (ع) است. (بدین صورت سومین علامت که امام حسن عسکری (ع) تعیین کرده بود آشکار شد).

### نتیجه بحث

اینها که بر شمردیم گوشه‌ای از خصایص و صفات و خرق عاداتهایی بود که پیامبران عظام و ائمه معصومین (صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین) داشتند.

دشمن بخواهد بپذیرد یا نپذیرد، بفهمد یا نفهمد، بداند یا نداند، کمترین زیانی به باور ما نخواهد داشت! مسلمان با دیدن این شواهد به ویژه قرآن و احادیث موثق می‌پذیرد و نمی‌تواند که نپذیرد.

اینها عقیده و ایمان یک مسلمان واقعی است. او به دیدن این خرق عادت‌ها و اعجاز و کرامت‌ها ایمان داشته و با این ایده و آرمان زنده است و سرانجام با این اعتقاد سر در خاک لحد فرو خواهد کرد. بنابراین حرف زدن عیسی (ع) در گهواره و پیغمبر شدن یحیی (ع) در سه سالگی و امامت امام جواد (ع) در هفت و یا نه سالگی و امام هادی (ع) در هشت سال و پنج ماهگی و مهدی روحیفداه در پنج سالگی، به هیچ وجه استبعادی نداشته و نخواهد داشت.

همانطوری که درباره بوعلی سینان نوشته‌اند:

که در ده سالگی از مرتبه علم و دانش مورد تعجب مردم بود و در این سن شروع به تحصیل فقه نموده و در دوازده سالگی فتوی داد و سپس شروع به علم طب کرد و در شانزده سالگی کتابی در طب نوشت و در بیست و چهار سالگی در تمام علوم متخصص بود.  
و درباره علامه حلی آورده‌اند که:

وی در کودکی به درجه اجتهاد رسید و مردم به انتظار بودند که وی بالغ شود تا از او تقلید کنند. بنابراین وقتی که در میان مردم عادی چنین افرادی با چنین کمالات پیدا شوند و با علوم اکتسابی بدین پایه از علوم برسند به صراحت قرآن به هیچ وجه استبعادی ندارد که بچه در گهواره سخن گفته و مهدی روحیفداه به علم لدنی در سن پنج سالگی به امامت رسیده باشد.<sup>(۱)</sup>

پرده نشین

این قافله از صبح ازل سوی تو رانند

تا شام ابد نیز بسوی تو روانند

سر گشته و حیران همه در عشق تو غرقند	دل سوخته هر ناحیه بی تاب و توانند
بگشای نقاب از رخ و بنمای جمالت	تا فاش شود آنچه همه در پی آنند
ای پرده نشین در پی دیدار رخ تو	جانها همه دل باخته دلها نگرانند
در میکده رندان همه در یاد تو مستند	با زکر تو در بتکده‌ها پرسه زنانند

ای دوست دل سوخته‌ام راتو هدف گیر

مژگان تو و ابروی تو تیر و کمانند  
امام خمینی (ره)

## بخش دوم - ضرورت وجود امام (ع) یا نقش امام (ع) در جهان هستی

یکی از مسائل مهم حیاتی و عقیدتی، اعتقاد به ضرورت وجود امام در جهان هستی است. شیعیان جهان کلاً بر این باورند که زمین هیچ گاه از حجت خدا خالی نمی ماند. خواه آن حجت ظاهر و آشکار باشد و خواه به عللی مخفی و پنهان.

جهان تا بوده چنین بوده و در آینده نیز تا قیامت چنین خواهد بود.

حضرت امام صادق (ع) در این باره می فرماید:

به خداوند عزیز و جلیل قسم:

خدا از زمانی که آدم را قبض روح کرد هرگز اهل زمین را به حال خود رها نکرد جز اینکه در آن امامی قرارداد که مردم به وسیله او به سوی خدا هدایت شوند و او حجت خدا بر تمامی بندگان است. (۱)

حضرت امام صادق (ع) برای تحکیم و تأیید بیشتر فرمودند:

الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَ مَعَ الْخَلْقِ وَ بَعْدَ الْخَلْقِ. (۲)

حجت خدا پیش از خلق بوده و با خلق هم همیشه بوده و بعد از خلق هم خواهد بود

با ذکر این احادیث دیگر جای هیچ شک و ابهامی در مورد ضرورت وجود امام و یا نقش امام در جهان هستی باقی نمی ماند. اما از آن جایی که هیچ اصلی از اصول و هیچ امری از امور در طول تاریخ بلا منازع نبوده، این اصل اعتقادی نیز از چنین آسیبی مصون نمانده است.

ایرادات سبک و بی محتوی از سوی کسانی مطرح می شود که سر و کاری با دین و مذهب نداشته و بعد مسافتشان با مذهب تا به جایی است که الفبای دین را هم از یاد برده اند!

برای مثال در کتاب «داوری» صفحه ۴۱ و ۴۲، کسروی می گوید:

چه مانعی دارد که روز موعود همراه با سپیده دم آن روز، رهبر دلخواه متولد شود و چون دیگران پرورش یافته و سپس نقش خود را ایفا کرده و زمین را پر از عدل و داد نماید! اگر چنین می بود بهتر نبود؟

مگر مادر روزگار در روز نیاز از زائیدن رهبر با کفایت عقیم است؟

این حرفهای بی محتوی و پوچ، بافته و ساخته دشمن است که از حلقوم ملعون او بیرون می ریزد.

این بیچاره ها علاوه بر اینکه ضرورت وجود امام و نقش اساسی آن را در جهان هستی نفهمیده اند، بدبختانه ادعای فهم بیشتری داشته و برای خدا تعیین تکلیف هم کرده اند!

آنها باید بدانند قانون خلقت و طبیعت بر اساس هسته مرکزی استوار است و در دل هر اتم، از اتمهای جهان هستی، هسته ای وجود دارد که عامل بقای آن مجموعه است که به آن «هسته مرکزی» می گوئیم.



همانگونه که خورشید مرکز منظومه شمسی است، انسان کاملی هم باید در مرکز آفرینش قرار داشته باشد. انسانی که در جهان هستی اشرف مخلوقات است، هسته مرکزی او کیست؟ تا مطاف او شود و پروانه وار دور آن هسته مرکزی به چرخش در آمده و به حیات خویش استمرار دهد آن هسته مرکزی حیات بخش و روح افزا که بالا هوت و ناسوت، با ملک و ملکوت و بالاخره با هر چه در جهان هستی است پیوند ناگسستنی دارد کیست؟ همیشه در جهان یک انسان کامل و والا وجود داشته و دارد که به برکت وجود او، دیگران به حیات خود ادامه داده و در سایه لطف و برکت خدادادی او نفس راحتی می کشند.

این انسان کامل به شهادت تاریخ «همیشه» بوده و بعد از این هم تا جهان باقی است خواهد بود. حضرت امام باقر (ع) در این باره می فرماید:

پروردگار عالم از زمانی که آسمانها و زمین را آفرید هرگز جهان را خالی از امام عادلانی که حجت خدا در زمین بر خلائق عالمند قرار نداده و تا قیامت هم خالی نخواهد گذاشت.<sup>(۱)</sup>  
پس همانطوری که اجزای اتم، وابسته به هسته مرکزی است جهان انسانها هم وابسته به چنین هسته مرکزی (یعنی امام) است.

او واسطه فیض و رابط بین خالق و مخلوق است.

او حافظ قرآن و مجری دین اسلام و قطب عالم امکان است.

به برکت او عالم لاهوت و ناسوت برقرار است و سفره عالم، گسترده و استوار؛ دنیا به بقای او باقی است و به برکتش به خلق روزی می رسد و زمین و آسمان به برکت وجودش برقرار است.<sup>(۲)</sup>

### نتیجه بحث

بر این اساس تشبیه امام زمان (ع) به خورشید فروزان در زبان اخبار روشن می‌شود زیرا مهدی (ع) همانند آفتاب جهان تاب انسانیت است. و جهان انسانها به دور آن محور می‌چرخد و اگر پیوند انسانها یک لحظه از آن هسته مرکزی قطع شود، همگی محکوم به فنا و سقوطند! اگر لحظه‌ای حجت خدا در روی زمین نباشد، زمین، اهلش را در کام خود فرو می‌برد. ابو حمزه ثمالی از حضرت امام صادق (ع) می‌پرسد: **أَتَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ؟** آیا زمین بدون امام می‌ماند؟ **قَالَ: لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ سَاعَةً لَسَاخَتْ.**<sup>(۱)</sup>

امام فرمود: اگر زمین ساعتی بدون امام باشد فرو می‌ریزد (و نظمش از هم می‌پاشد).

حتی حضرت ضرورت وجود امام را فشرده‌تر کرده می‌فرماید:

اگر مردم زمین تنها دو کس باشند قطعاً یکی از آن دو امام است و آخرین کسی که بمیرد امام است تا کسی بر خدای عزوجل اعتراض نکند که او را بدون حجت و امام وا گذاشته است!<sup>(۲)</sup> جان عالم وابسته به این رابط و این هسته مرکزی است. امام واسطه بین خدا و خلق است. امام به تعبیری، همانند کلید برق که واسطه بین شهر تا کارخانه برق است می‌باشد به محض اینکه کلید قطع شود تمام شهر به خاموشی می‌رود.

در پرتو وجود مقدّسش، جهان هستی به بقای خود ادامه می‌دهد و زمین، ساکنانش را در کام خود فرو نمی‌برد و آسمان بر سر آنها فرو نمی‌ریزد و خداوند رحمان و مهربان به برکت وجود او رشته فیوضاتش را از انسانها قطع نمی‌کند.

وی ظلّ وجود تو وجود همه کس  
معلوم شود بود و نبود همه کس

ای جود تو سرمایه جود همه کس  
گر فیض تو یک لحظه به عالم نرسد

## بخش سوم - فلسفه غیبت امام مهدی (ع)

پیش از تحلیل و بررسی فلسفه غیبت، لازم است دانسته شود که:

چرا خلفای اموی و بنی عباس با اهل بیت عصمت و طهارت مخالف بودند؟

چرا ائمه اطهار و امامان معصوم همگی به دست این دژخیمان گرفتار و سرانجام شربت شهادت نوشیدند؟

چرا خلفای ستمگر روز به روز حلقه محاصره را تنگتر کرده، با نیرنگ امام هادی (ع) را به همراه اهل بیت و فرزندان چهار ساله اش امام حسن (ع) از مدینه به سامرا تبعید کردند و ابتدا آنها را به کاروانسرای گدایان برده و سپس آنان را در محله عسکر جای دادند؟

چرا متوکل سرانجام حضرت را مسموم کرده و به شهادت رساند؟

چرا سرانجام امام حسن عسکری (ع) در سن ۲۸ سالگی پس از سالها اذیت و آزار به دست معتمد عباسی مسموم و شهید می شود؟

چرا چکمه پوشان خون آشام متوکل با کودکی که هنوز به دنیا نیامده مخالفند و برای او پرونده سازی می کنند؟ و ماموریت دارند که به محض اطلاع از تولد نوزاد او را نابود نمایند؟! خلاصه از این چراها و چراهای دیگر از این قبیل.

به نظر من اگر فلسفه این چراها روشن شود طبعاً فلسفه غیبت و راز پنهان زندگی کردن مهدی (ع) معلوم می شود. اکنون تاریخ را ورق زده به عقب بر می گردیم تا کشف شود که ریشه این مخالفتها از چه زمانی شروع شده است.

خداوند متعال به پیامبر آخرینش در معراج درباره ائمه هدی به ویژه مهدی (ع) چنین فرموده است:

رسول اکرم (ص) می فرماید: شب معراج به پروردگار متعال عرض کردم: پروردگارا اوصیاء من چه کسانی هستند؟

ندا رسید که اسامی اوصیاء تو بر ساق عرش نوشته شده است. چون نگاه کردم دوازده نور دیدم که در هر نور به خط سبز نام یکی از اوصیاء من نوشته شده بود که اولین آنها علی بن ابیطالب و آخرین آنها مهدی امت من بود

گفتم: پروردگارا اینها پس از من جانشینان من هستند؟

ندا رسید که ای محمد (ص) اینان دوستان من و برگزیدگان من و اوصیاء تو و جانشینان تو هستند. اینان بعد از تو بهترین مخلوق و آفریده های من هستند؟

به عزت و جلالم قسم که البته به وسیله اینان دینم را آشکار و کلماتم را رفعت و عظمت داده و:

الف: حتماً به وسیله آخرینشان (مهدی (ع)) زمین را از لوٹ وجود دشمنان پاک خواهم کرد.

ب: شرق و غرب عالم را قطعاً به او تملیک خواهم نمود.

ج: بادهای را حتماً به تسخیر او درآورم.

د: گردن گردنکشان عالم را قطعاً به دست او خوار و ذلیل خواهم ساخت.  
 ح: او را قطعاً از طریق اسبابی به سفر کردن به آسمانها موفق خواهم کرد.  
 و: و با سپاه خود او را یاری می‌کنم.

ز: و همچنین به وسیله فرشتگانم او را تأیید می‌نمایم.

خ: تا دعوتم را آشکار کند.

ط: و تمامی خلق عالم را بر توحید من جمع نماید.

ی: سپس، البته و قطعاً سلطنت و حکومت مهدی (ع) را در روزگاران آینده بین یاران خود تا قیامت باقی و برقرار خواهم کرد.<sup>(۱)</sup>

اینها سخنان دل‌انگیز و حیات بخشی است که پروردگار عالم با رسولش، شب معراج در میان گذاشته است.

با دقت در محتوای این سخنان در می‌یابیم که:

این وعده و وعیدهای معراجیه محرمانه نبوده بلکه با آوایی بلند به گوش رسید و به نام یک سند زنده و جاوید در مقدس‌ترین و نورانی‌ترین جایگاه یعنی بر ساق عرش الهی با قلم تکوین مکتوب گشته و در معرض دید و تماشای تمام ملائک قرار گرفت تا کز و بیان عالم بالا شاهد و عده‌های خدا بوده و در انتظار روز قیام دقیقه شماری کنند.

در شب معراج حضرت رسول (ص) از میان مجموع خواسته‌های خود بهترین و ارزشمندترین و شاید از جهتی مشکلترین خواسته را انتخاب می‌نماید و یقین دارد تنها در اینجا مشکلش حل شدنی و خواسته‌اش بر آورده شدنی است.

آری؛ باید بگیرد و به عنوان بهترین سوغات آسمانی با خود ببرد، این بود که با تمام وجودش آن بهترین خواسته‌ها را به زبان آورده، گفت:

يَا رَبِّ وَ مَنْ أَوْصِيَانِي؟

پروردگارا اوصیاء و جانشینان من چه کسانی اند؟

آری؛ سخن از معنویت و پشتوانه است، پشتوانه دین، پشتوانه قرآن، اسلامی که با خون دل نهالش آبیاری می‌شود نگهبان می‌خواهد.

پیغمبر (ص) دیر یا زود به حکم: إِنَّكَ مَيِّتٌ وَ إِنَّهُمْ مَيِّتُونَ<sup>(۲)</sup> می‌میرد.

چه کسی پس از او این نهال نو پا و تازه به ثمر رسیده را آبیاری و نگهبانی خواهد کرد؟!!

این خواسته، بهترین خواسته اوست، او جز این چیزی نمی‌خواهد. و به چیزی جز وصایت فکر نمی‌کند.

اما عجیب و شگفت آور اینکه هنوز این خواسته از دهان مبارک پیغمبر (ص) خارج نشده بود که

۱- منتخب الاثر ص ۶۱ - و مهدی (ع) آخرین سفیر انقلاب ج ۱ ص ۱۸۷ الی ۱۸۹

۲- زمر- آیه ۳۰

ندا رسید:

يَا مُحَمَّدُ إِنَّ أَوْصِيَاءَكَ الْمَكْتُوبُونَ عَلَى سَاقِ الْعَرْشِ.

ای محمد نام اوصیاء و جانشینانت بر ساق عرش نوشته شده است

یعنی؛ قبل از اینکه تو بخواهی و در خواست کنی ما آنها را تعیین کرده‌ایم و بر صفحه نورانی ساق عرش ثبت نموده‌ایم. ما زودتر از تو در فکر نگهبان دین بوده، حتی تکالیف و برنامه این اوصیاء به ویژه آخرینشان مهدی (ع) را هم تعیین کرده و گفتیم که او سرانجام به کمک ما جهان پر از ظلم را به عدل و داد تبدیل خواهد کرد.

رسول اکرم (ص) این خواسته از پیش برآورده شده را به نام بهترین ارمغان سفر و سوغات گرفت و به زمین باز گشت.

بازگشتی غرور آفرین و سرشار از شادی و سرور.

او قطعاً با شرح این ره آوردها دوستانش را شاد و دشمنانش را ناراحت و عصبانی می نمود.

دوستان درمی یافتند که اسلام یتیم نیست و نگهبانانی بسیار قدرتمند دارد و تا قیامت نیز همچنان قوی و پیروزمندان به پیش خواهد رفت.

این خبر نهایتاً به گوش پیر و جوان، زن و مرد و دوست و دشمن رسید و پیداست که در مقابل شادی دوستان دشمن غمگین و محزون است. حزنی جانکاه و درد آلود!

نقطه آغاز دشمنی‌های دشمن، از همین جا شروع شده است

دشمن هر چه باشد دشمن است، نمی تواند بنشیند و نظاره گر این پیروزی‌ها باشد! او قطعاً توطئه می کند و خواهد کرد! و دیدیم که چگونه پس از رحلت رسول اکرم (ص)، علی (ع) خانه نشین شد و به یکایک اهل بیت عصمت و طهارت، چه جنایتها رفت.

اما دشمن چه خواهد و چه نخواهد خبر این پیروزی باید به گوش جهانیان برسد و الزاماً باید همگی بدانند که قرآن و اسلام نگهبان دارد. آنهم نگهبانان و جانشینانی که خدا آنها را پیش از تولدشان تعیین کرده است.

پیغمبر (ص) هر جا مصلحت دید علناً این اوصیاء و جانشینان را معرفی کرده؛ وی بارها مهدی (ع) را یک مرد انقلابی و بر هم زننده اساس کفر و شرک معرفی فرمود. اما معرفی کامل مهدی روحیفداه در غدیر خم بود.

رسول خدا (ص) در غدیر خم نه فقط علی (ع) را به جانشینی خود معرفی فرمود، بلکه در حضور یکصد و بیست هزار نفر مرد و زن که از نقاط مختلف جهان به حج آمده بودند، مهدی (ع) را طی همان خطبه غدیریه در سخنرانی داغ و آتشینش به صورتی معرفی کرد که هنوز هم با گذشت بیش از ۱۴۰۰ سال قلب پلید دشمن می لرزد و در مقابل صولت و عظمت بقیه الله الاعظم قالب تهی کرده و می کند!

ملاحظه کنید: اینهاست آن قسمت از خطبه غدیریه که در صحرای داغ غدیر خم در معرفی

مهدی (ع) به گوش عالم رسیده است:

آگاه باشید، که من بیم دهنده (از عذاب خدا) هستم و علی هادی و رهنما است ای مردم، من پیغمبرم و علی وصی من است.

آگاه باشید، که ختم کننده اوصیاء مهدی قائم (ع) از ماست.

آگاه باشید، که او بر تمامی ادیان پیروز خواهد شد.

آگاه باشید، که او از ستمگران انتقام می گیرد.

آگاه باشید، که او گشاینده و خراب کننده<sup>(۱)</sup> دژها و مرزها است.

آگاه باشید، که او کشنده مشرکین همه گروه و قبایل است.

آگاه باشید، که او خونخواه و انتقام گیرنده خون همه دوستداران خدا است.

آگاه باشید، که او یاری دهنده دین خدا است.

آگاه باشید، که او برتر و برگزیده و انتخاب شده خدا است.

آگاه باشید، که او وارث تمامی علوم و در بر گیرنده آن است

آگاه باشید، که او مردی رشید و نیرومند و محکم و استوار است.

آگاه باشید، که حکومت و فرمانروایی جهان را خدا به او تفویض کرده است.

آگاه باشید، که پیامبران و (ائمۀ دین) پیش از او نوید ظهور او را داده اند.

آگاه باشید، که تنها حجت باقی مانده (بقیة الله) خداست و بعد از او حجتی نیست. حق فقط با او و نور تنها نزد اوست.

آگاه باشید، که هیچ کس بر او چیره نشده و هرگز کسی او را شکست نخواهد داد.

آگاه باشید، که او ولی و داور خدا در میان مردم و امین آشکار و نهان خداست.<sup>(۲)</sup>

رسول اکرم (ص) در غدیر خم پس از نصب ولایت، جز علی (ع) هیچ یک از اوصیاء دوازده گانه را همانند مهدی روحیفداه به این تفصیل معرفی نکرد. زیرا او عصارة انبیا و اولیاء و احیاء کننده راه و روش آنها است باید کاملاً معرفی شود تا خوب شناخته شود و به راستی چه خوب هم معرفی شد. نام شریفش برای ابد در صفحات تاریخ نقش بست و این هم صفحه دیگری از شناسنامه مهدی روحیفداه است که آورديم.

اما فراموش نشود که غدیر خم کجا، مهدی (ع) و میلاد او کجا؟

غدیر با میلاد حدود ۲۵۰ سال فاصله دارد. یعنی هم اکنون که رسول اکرم (ص) در غدیر خم مهدی (ع) را با صلابت و اطمینان با این اوصاف درخشان معرفی می کند این مهدی (ع) ۲۵۰ سال بعد متولد می شود.

اینک او و اجداد گرامیش هنوز متولد نشده و پا به عرصه گیتی ننهاده اند!

۱ - خراب کننده دژهای ظلم و ستم و مرزهای زورگویی و تجاوز و نابرابریهاست

۲ - بحار الانوار ج ۳۷ ص ۲۱۳



تعجب نکنید رسول خدا(ص) به مصداق:

مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ. (۱)

هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید آنچه آورده چیزی جز وحی نیست که بر او نازل شده است.

وی به قوت وحی سماوی اینان را معرفی کرده و می‌کند و آنچه در اوصاف و برنامه کار آنها بیان می‌دارد قطعی و حتمی است که کمترین شبهه‌ای در این بشارت و انذار وجود نداشته و نخواهد داشت و دیدیم طبق این سند قطعی یکایک ائمه دین و پیشوایان معصوم به همان ترتیبی که خداوند فرموده بود آمدند.

و به امر خدا و رسول امامت کردند به عبارتی دیگر:

تا یازدهمین نفر همان شد که خداوند فرموده بود و اینک نوبت دوازدهمین نفر یعنی مهدی(ع) است که خدا و رسولش او را بر هم زنده‌آساز کفر و به وجود آورنده حکومت عدل جهانی معرفی کرده‌اند.

او اگر چه در غیب صغری ۶۹ سال امامت داشت اما آن حکومت عدل جهانی که رسول خدا(ص) و امامان معصوم(ع) به آن بشارت داده‌اند هنوز محقق نگشته و جهان در انتظار آن روز تاریخی است.

او باید بیاید و جهان پر از ستم را یکپارچه به عدل و داد تبدیل کند. نخواستن و اکراه دشمن، کمترین خللی درخواست و مشیت الهی وارد نکرده و نخواهد کرد. فرعون با آن قدرت و درنده خویش نتوانست جلوی تولد موسی(ع) را بگیرد و به قولی هفتاد هزار کودک پسر را روی احتمال اینکه نکند موسی باشد به خاک و خون کشید. اما علیرغم فرعون و فرعونیان، موسی(ع) در میان آتش و خون به کوری چشم جاسوسان فرعون به راحتی متولد شد و خدای قادر متعال موسی(ع) را در دامن همین فرعون پرورش داد و او حدود ۲۰ سال در کاخ فرعون به نام پسر خوانده به خواست آسیه همسر فرعون می‌زیست. و جلوی چشم فرعون راه می‌رفت. حتی یکبار هم در کودکی چک آبداری به صورت نحس فرعون نواخت مع الوصف این فرعون پوشالی کمترین اطلاعی از تولد موسی(ع) نداشت.

حضرت امام صادق(ع) می‌فرماید:

هنگامی که فرعون با خبر شد که سلطنت او به دست کودکی از بنی اسرائیل نابود خواهد شد، دستور داد شکم زنهای حامله بنی اسرائیل را پاره کنند. همچنین وقتی بنی امیه و بنی عباس آگاه شدند که سلطنت آنها و همه ستمگران به دست قائم ما از بین خواهد رفت دشمنی سر سختی با ما اهل بیت آغاز کردند و با تمام قدرت به کشتن اهل بیت برخاستند تا شاید قائم را از بین ببرند، ولی خداوند هرگز احدی از ستمگران را به کشتن او موفق نخواهد نمود و خدا جز این

نمی‌خواهد که نور خود را بطور کامل حفظ کند، هر چند کافران کراحت داشته باشند.<sup>(۱)</sup>  
حضرت امام صادق(ع) در بیانی دیگر فرمود:

همچنین نمرود وقتی مطلع شد که سلطنتش به دست حضرت ابراهیم(ع) پیامبر خدا از بین می‌رود جاسوسهایی برای زنان حامله گماشت تا در آن سال هر کودک پسری که به دنیا بیاید بکشند و برای جلوگیری از انعقاد نطفه حضرت ابراهیم(ع) مردان را از زنان جدا ساخت.<sup>(۲)</sup>  
فرعونیان و نمرودیان و بنی امیه و بنی عباس و همه ستمگران و طاغوتیان کوچکتر از آنند که بتوانند مقابل اراده خدا بایستند، چرا که: **إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ وَعَدَهُ** خدا تخلف‌ناپذیر است.  
قطعیت ظهور و قیام از نظر پیشوایان معصوم(ع) به ویژه حضرت امام صادق(ع) به گونه‌ای است که گویی آن حضرت در روز ظهور و قیام شرکت داشته و صحنه قیام را از نزدیک تماشا می‌کند. ملاحظه بفرمائید:

حضرت امام صادق(ع) می‌فرماید:

از آسمان در شب بیست و سوم (رمضان) به نام قائم ندا می‌شود و حضرت در روز عاشورا «روز شهادت امام حسین(ع)» قیام خواهد کرد. گویی او را از نزدیک با چشم خود می‌بینم که روز شنبه دهم محرم میان رکن و مقام ایستاده و جبرئیل از جانب راست او فریاد می‌زند، بیعت برای خدا.

شیعیانش از اکناف عالم به سوی او خواهند شتافت زمین زیر پای آنها در هم می‌پیچد تا به خدمت حضرت رسیده با او بیعت کنند پس خدا به وسیله او زمین را به عدل و داد پر کند همانطوری که پر از ستم شده است.<sup>(۳)</sup>

چند روزی گرشوی ای دل پریشان غم مخور

عاقبت باز آید آن سلطان خوبان غم مخور

نور چشم عسکری باشد امام عصر ما

گر شود چون خور به زیر ابر پنهان غم مخور

۱- روزگار رهایی ج ۱ ص ۱۹۴ و منتخب الاثر صفحه ۲۵۴

۲- روزگار رهایی ج ۱ ص ۱۹۵

۳- معجم احادیث الامام المهدی ج ۳ ص ۴۸۹ و منتخب الاثر ص ۴۶۴ و مهدی(ع) آخرین سفیر انقلاب ج ۱ ص ۱۷۵ الی ۱۹۷ با تلخیص و تصرف

### تلاش برای دستگیری مهدی (ع)

امام حسن عسکری (ع) همانطوری که گفتیم در اثر مسمومیت، آخرین دقایق عمر شریفش را پشت سر نهاد و سرانجام در روز جمعه هشتم ربیع الاوّل سال ۲۶۰ هجری در سن ۲۸ سالگی به دست معتمد، فرزند متوکل به شهادت رسید و مدّت امامت حضرت نزدیک به ۶ سال بود پس از شهادت امام (ع) هدف اصلی معتمد یافتن فرزند انقلابی امام و به قتل رساندن آن حضرت بود اگر چه با شهادت امام حسن (ع) خیال بنی عباس تا حدودی راحت شده بود اما آنها سخنان پیغمبر (ص) و امامان معصوم (ع) را به خوبی بیاد داشتند.

در غدیر خم پیغمبر (ص) او را رسماً مهدی انقلابی و بر هم زننده کاخ ستمگران و اساس کفر خوانده بود و امامان معصوم (ع) نیز در احادیث مشابه و متواتر همین موضوع مهم را بیان کرده بودند.

بنی عباس اینک خطر وحشتناکتر و بزرگتری را لمس کرده و می‌کند و با مراقبتهای شبانه روزی از خانه امام می‌خواهد بفهمد که آیا امام فرزندی دارد یا نه؟

این جنایتکاران غدار بالاخره فهمیدند که همه تلاشها و حبس و تبعیدها و محاصره نظامی‌ها و جاسوسیها بی ثمر بوده و امام شهید فرزندی با شهامت و اقتدار و با شوکت و عظمت دارد فرزندی بسیار قدرتمند و شجاع.

او اگر چه از نظر سن کودک است اما در صلابت و شجاعت چون کوهی مقاوم و استوار است.

مهدی روحیفداه در عین حالی که می‌داند از در و دیوار خانه پدر اسلحه می‌بارد و شهر سامراء قدم به قدم مملو از قوای نظامی و انتظامی است و جاسوسان خلیفه به همراه دژخیمان و

کماندوهای بی رحم با تمام اختیارات دندان تیز کرده و برای دستگیری او صف کشیده‌اند!

مع الوصف با شجاعتی تمام از پس پرده غیبت بیرون آمده و در برابر چشم دوست و دشمن

نمایان شد و صفوف جمعیت را شکافت نزدیک و نزدیکتر شد و دست جعفر را که برای نماز بر

جنازه پدر بالا رفته بود پایین کشید سپس ردای جعفر (کذاب) را محکم گرفت و فرمود: عمو عقب

بیا من برای نماز خواندن بر جنازه پدرم شایسته‌تر و سزاوارتر هستم.

تاریخ بشر هرگز چنین شجاعتی را از هیچ کودک پنج ساله‌ای بیاد نداشته و ندارد! این صحنه

مهیج و این واقعه خطیر اساس حکومت معتمد عباسی را به لرزه درآورده و آنها را مرعوب

ساخت.

مهدی (ع) در اولین حضور علنیش، اولین زنگ خطر را برای طاغوتیان به صدا درآورد و پس از

ادای نماز در حالیکه نفسها در سینه‌ها حبس شده بود با همان شوکت و وقار به جایگاه خود

بازگشت! خلیفه با شنیدن این خبر دیوانه شد و از خواب غفلت جست و دست به کار شد و

دستور بازرسی مجدد منزل امام (ع) را صادر نمود.

داستان زیر یکی از همین نقشه‌های شیطانی است که با هم می‌خوانیم.

شیخ طوسی می‌گوید: (رشیق) دوست (مادرانی) نقل کرد که ما سه نفر بودیم روزی معتضد خلیفه عباسی ما را خواست و امر کرد که هر یک سوار اسبی شده و توشه مختصری بردارید و به تعجیل به سامرا بروید.

سپس نشانه محله و خانه‌ای را داد و گفت وقتی به آنجا رسیدید غلام سیاهی را می‌بینید که کنار در نشسته است شما فوراً وارد خانه شوید هر کس را در خانه دیدید بکشید و سر بریده‌اش را برای من بیاورید.

رشیق می‌گوید: ما هم وارد سامراء شدیم و نشانی را پیدا کردیم و دیدیم خادم سیاهی را که بر در خانه نشسته از او پرسیدیم این خانه از کیست؟ و چه کسی در آن است؟ گفت صاحبش.

(به خدا قسم کمترین توجهی به ما نکرده و ترسی به خود راه نداد!)

ما هم یکباره وارد خانه شدیم خانه بسیار پاکیزه‌ای بود مثل اینکه خانه امیر لشکر است در جلوی خانه پرده‌ای دیدیم که هرگز از آن بهتر ندیده بودیم گویا در خانه هیچکس نبود وقتی پرده را بالا زدیم دیدیم خانه بزرگی است که دریای آبی در میان آن خانه گسترده و در انتهای خانه حصیری بر روی آب پهن است و بر بالای آن حصیر، شخصی که از همه کس زیباتر است ایستاده و نماز می‌خواند و اصلاً به ما و آنچه با خود داریم توجهی ندارد!

احمد بن عبدالله بر ما پیشی گرفت و رفت که وارد خانه شود ولی در آب فرو رفت و چندان مضطرب شد و دست و پا زد تا من توانستم دستش را گرفته و او را از آب نجات دهم! وقتی بیرون آمد غش کرد و مدتی به این حال باقی ماند! بعد از او رفیق دوم من هم جلو رفت و دچار همان سرنوشت شد!

من مبهوت ماندم و زبان به عذر خواهی گشودم و گفتم معذرت می‌خواهم از شما عذر تقصیر به پیشگاه خدا می‌برم به خدا قسم نمی‌دانستم موضوع چیست؟ و ما نمی‌فهمیدیم برای جلب چه کسی می‌آئیم؟ اکنون به سوی خدا توبه می‌کنیم! ولی او به آنچه من می‌گفتم توجهی ننمود و از حالتی که داشت بیرون نیامد وضع او ما را به وحشت انداخت و ناچار برگشتیم!

خلیفه معتضد منتظر ما بود و به دربان سپرده بود هر وقت ما برگشتیم ما را نزد وی ببرد. دربان هنگام شب ما را نزد او برد خلیفه پرسید چه کردید؟ ما هم آنچه دیده بودیم برای او نقل کردیم! گفت: وای بر ما آیا قبل از من کسی شما را دیده و این ماجرا را به کسی گفته‌اید؟ گفتیم نه. گفت: من دیگر از سعی خود درباره او مأیوسم، سپس سوگندهای محکم خورد که اگر این مطلب به کسی برسد گردن شما را خواهم زد ما هم تا او زنده بود جرأت نکردیم جریان را به کسی بگوئیم.<sup>(۱)</sup>

یورش به خانه امام (ع) همچنان ادامه دارد و چون آن سه نفر کاری از پیش نبردند این بار لشکری گران آماده حمله به خانه امام (ع) می‌شود.

## صدای قرآن از سرداب خانه امام (ع)

در خرایج راوندی از رشیق نقل شد که:

لشکری بسیار زیاد را برای دستگیری مهدی (ع) به سامراء اعزام داشتند این لشکر وقتی به خانه امام (ع) وارد شدند ناگهان صدای قرائت قرآن را از سرداب خانه شنیدند. تمام سربازان و نظامیان جلوی در سرداب جمع شدند و در را محافظت کردند تا از خارج شدن خواننده قرآن جلوگیری کنند!

امیر و فرمانده لشکر هم ایستاد تا همه لشکر به خانه وارد شوند و آنگاه حمله به سرداب آغاز شود و امام را دستگیر نمایند.

اما مهدی (ع) از راهی که پهلوی در سرداب بود بیرون آمد و از جلوی دیدگان سربازان گذشت. وقتی حضرت ناپدید شد حمله آغاز گردید.

امیر لشکر رو به سربازان کرد و گفت:

ای سربازان حمله را آغاز کنید و همگی برای دستگیری امام وارد سرداب شوید.

سربازان رو به فرمانده لشکر کرده، گفتند:

امام، مگر هم او نبود که الان از پهلوی تو گذشت! فرمانده لشکر در حالی که خشمناک به نظر می‌رسید و از این حرف مات و مبهوت مانده بود، گفت: چه کسی از پهلوی من گذشت؟! من کسی را ندیدم!

اگر شما دیدید چرا گذاشتید برود؟! دستگیرش می‌کردید!

سربازان گفتند:

وقتی ما دیدیم تو او را می‌بینی (که آرام با خیال راحت از جلوی چشمانت عبور می‌کند) و چیزی نمی‌گویی (ما هم خیال کردیم نباید معترض او شویم لذا) ما هم چیزی نگفتیم!<sup>(۱)</sup>

چه خوش است صوت قرآن ز تو دلر با شنیدن

بسه رخت نظاره کردن سخن خدا شنیدن

### چند نکته

به هر حال تمام جنایتهایی که نسبت به ائمه اطهار (علیهم السلام) از جانب خلفای غاصب بنی امیه و بنی العباس صورت گرفته به خاطر دو چیز بود: اول اینکه حبّ جاه داشتند و می ترسیدند، نکند اینان ادعای خلافت کنند و برای گرفتن حق خود قیام کرده حکومت را از چنگ این غاصبان ستمگر خارج نموده و خود حکومت را در دست بگیرند!

هدف دوم، جلوگیری از تولّد امام زمان (ع) بود که اگر نتوانستند از تولّد او جلوگیری کنند پس بعد از تولّد او را به قتل برسانند!

این بود اساس این ستمها و ریشه و اهداف این جنایتها!

اینک باید دید که این جنایتکاران به نیات پلید خود رسیدند یا نه؟

در جواب باید بگوئیم که متأسفانه در قسمت اول موفق شدند و دیدیم که این جنایتکاران، یازده امام معصوم (علیهم السلام) را به مصداق:

مَا مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ أَوْ مَسْمُومٌ

از ترس اینکه نکند این بزرگواران قیام کنند آنها را کشتند! و اما در قسمت دوم توفیقی به اصطلاح خودشان به دست نیاورده و تلاش همه جانبه و مستمرشان کمترین تأثیری نداشت و امام عصر مهدی روحیفداه بنا به مشیت و اراده خلل ناپذیر الهی در سحر گاه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری پا به عرصه وجود نهاد.

و برای اینکه از خطرات دشمن محفوظ باشد نه فقط بعد از تولّد از انظار مردم پنهان است. بلکه حتی قبل از تولّد (یعنی در دوران حمل نرجس خاتون) هم مخفی بوده است!

بدیهی است اگر امام عصر (ع) چون دیگر امامان در میان مردم می بود حتماً به سرنوشت آنان دچار می گردید.

بنابراین اگر در لسان اخبار و احادیث، غرض از فلسفه غیبت را ادامه حیات<sup>(۱)</sup> برای برپایی قسط و عدل دانسته اند خالی از حقیقت نبوده و نیست.

رسول اکرم (ص) می فرماید:

آن جوان ناچار می باید غائب شود. به حضرت عرض کردند: ای رسول خدا برای چه باید غائب شود؟

حضرت فرمود: می ترسد او را بکشند!<sup>(۲)</sup>



## پرسش و پاسخ

عده‌ای می‌گویند چرا تنها امام عصر، حضرت مهدی (ع) غیبت کرده و دیگر انبیاء و امامان معصوم چنین سرنوشتی نداشتند؟!

در پاسخ این سؤال باید بگوئیم:

آنهایی که تصور می‌کنند، غیبت منحصر به امام زمان (ع) است، کسانی هستند که با معارف اسلامی بیگانه بوده و با کتاب و کتابخوانی سر و کاری ندارند. این افراد اگر قدری زحمت مطالعه را بر خود هموار می‌کردند پی می‌بردند که بسیاری از پیشوایان گذشته از آن جمله:

ادریس - نوح - صالح - یوسف - یونس - ابراهیم - موسی - عیسی - خضر (علیهم السّلام) و..... همگی به علل و جهاتی غیبت اختیار کرده و مدتی از انظار مردم پنهان بوده‌اند.

اینها نمونه‌هایی چند از غیبت انبیاء و اولیاء الهی بود که به عنوان شاهد آوردیم. پرسش دیگری که از طرف عده‌ای از کوته نظران و قشریون، مطرح است این است که:

اگر آن زمان به ویژه عصر میلاد، زمان خطرناکی بود و امام به ناچار غیبت اختیار فرمودند. اکنون که از آن خطرات اثری نیست! چرا امام مهدی (ع) همچنان غایب بوده و حضور ندارد؟!

در پاسخ چنین توهمی باید بگوئیم که:

منظورتان از حضور چیست؟!

اگر منظور از حضور همان ظهور است که خدا وعده آن را داده و در خبر است که:

فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا. (۱)

پس (با ظهور حضرت مهدی (عج)) زمین مملو از قسط و عدل میشود همچنانکه ظلم و جور همه جا را فرا گرفته بود.

آن روز و قتش نرسیده و کسی از آن روز و ساعت با خبر نیست و خداوند هر وقت اراده کند آن روز را آشکار خواهد کرد.

و اما اگر منظور از حضور، ظهور بدین معنا نیست بلکه منظور از حضور یعنی چون دیگر امامان (علیهم السّلام) در میان خلق بودن و مانند آنها به وظایف عمل نمودن و هدایت خلق کردن است باید عرض کنم که:

راستی شما فکر می‌کنید طاغوت‌های زمان ما همانهایی که هم اکنون پرونده‌های قطوری برای مهدی روحیفداه ساخته‌اند! اینان با علم به اینکه این همان مهدی انقلابی و برهم زننده تخت و تاج ستمگران است او را راحت خواهند گذاشت؟! مگر معاویه‌ها و متوکل‌ها از میان رفته‌اند؟!

اگر این طور فکر می‌کنید سخت در اشتباهید! شمرها فراوانند، اگر شمیری نمی‌بینید برای این است که امام حسینی نیست! امام حسین (ع) بیاید شمرها مثل قارچ از هر لجن می‌رویند!

اما چنین حضوری دیگر مطلوب اسلام نیست. (حضور + سکوت) و یا (حضور + بیعت) و

(حضور + صلح) و بالاخره حضور منهای قیام، دورانش گذشته است! اینک وقت آنست که (حضور) (ظهور) داشته باشد و آن روز ظهور و قیام مهدی (ع) است. آمدن و حضور امام (ع) توأم با ظهور و غلبه به معنی **لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ** است. در این حضور و در این ظهور است که شمرها به لانه می‌خزند، اما این فرارها و پنهان شدن‌ها فایده‌ای ندارد. چرا که طبق روایات: اگر مشرکی در دل سنگی پناه برد آن سنگ فریاد زده و می‌گوید: در من مشرکی پنهان شده است مرا بشکن و او را بکش!

پدران مهدی (ع) با اینکه بیعت خلفای وقت را پیش رو داشتند و وظیفه آنها قیام نبود، مع الوصف خلفای ستمگر لحظه‌ای از دست آنان راحت نبودند! و دیدیم چگونه آنها را در حلقه محاصره خود گرفته و سرانجام شهیدشان کردند!

اما وظیفه و برنامه مهدی روحیفداه قیام به شمشیر است به فرض که او را راحت هم بگذارند. او نمی‌تواند در میان مردم (حضور + بیعت) و... داشته باشد!

حضرت امام حسن مجتبی (ع) در این باره می‌فرماید:

هیچ یک از ما نیست جز اینکه (بنا به حکمت الهی) بیعتی با طاغوت زمانش را پیش رو داشت جز قائمی که عیسی بن مریم پشت سرش نماز می‌خواند. خدای بزرگ میلادش را مخفی کرده و شخص او را از انظار غایب نگه می‌دارد تا هنگام ظهور بیعت کسی را در گردن نداشته باشد.<sup>(۱)</sup>

آخرین سند در این باره گفتار حضرت مهدی روحیفداه است که طی نامه‌ای به محمد بن عثمان دومین نایب خاصش نوشته و درباره راز غیبتش فرموده: هر یک از پدران من از طاغوت‌های زمان خود بیعتی پیش رو داشتند ولی من هنگامی ظهور خواهم کرد که بیعت هیچ یک از طاغوت‌ها در گردنم نیست.<sup>(۲)</sup>

۱ - بحار الانوار ج ۵۱ ص ۱۳۲

۲ - معجم احادیث الامام المهدی ج ۳ ص ۳۷۳ و اصول کافی ج ۱ ص ۳۴۲

دارم از غیبت مهدی گله چندان که مپرس  
 کار تقوا و صلاح و ورع و طاعت و علم  
 جاهل و سفله و بی دین همه غالب شده‌اند  
 من به این دانش ناقص که بخود پندارم  
 گوشه‌گیری و سلامت هوسم بود، ولی  
 گفتگوهاست زرشک و حسد، این مردم را  
 سبب غیبت مهدی زخرد جستم، گفت

که چنان زو شده‌ام بی سر و سامان که مپرس  
 آنقدر روی نهاده است به نقصان که مپرس  
 اهل ایمان و خرد گشته، بدان سان که مپرس  
 زحمتی می‌کشم از مردم نادان که مپرس  
 آنچنان رونق دینم شده فتان که مپرس  
 هر کسی را غرضی، اینکه مگو آن که مپرس  
 (فیض) این قصه دراز است بقرآن، که مپرس

## فلسفه دیگری برای غیبت امام مهدی (ع)

اگر چه در شرح و بیان واژه حضور و ظهور، راز غیبت و استمرار و علت عدم حضور امام (ع) روشن گردید اما استمرار و ادامه غیبت دلایل دیگری هم دارد که به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کنیم.

### ۱- آزمون همگان

آزمایش و امتحان، یکی از سنن ثابت و تغییر ناپذیر الهی است. همه باید آزمایش شوند تا استعدادها و نهفته و درونی مردم آشکار شود قرآن می‌فرماید:

أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ. (۱)

آیا مردم گمان کردند (همین اندازه) که اظهار ایمان کنند (و شهادتین جاری نمایند کافی است) و آنها به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد؟ و بعد بلافاصله می‌فرماید:

تصور نشود که این آزمایشات فقط مخصوص شما مسلمانهاست خیر این یک سنت و برنامه جاودان الهی است همه ملل و اقوام و تمام امت‌های قبل حتی پیامبران، همیشه مورد آزمایش بودند!

وَ لَقَدْ فْتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ... (۲)

و بعد غرض از آزمایش را در قسمت آخر آیه چنین می‌آورد:

فَلْيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لِيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ (۳)

تا علم خدا در مورد کسانی که راست می‌گویند و کسانی که دروغ می‌گویند تحقق یابد! پس از ثبوت و اثبات اصل آزمون، سخن از روز و ساعت امتحان و موضوع آزمایش است، همه می‌خواهند بدانند که:

خدا از چه چیزی آزمون می‌گیرد و چه وقت امتحان می‌کند؟

گفتنی است که آزمون خدا مانند آزمون دانش‌آموزان و دانشجویان فصلی و موضوعی و زمان بندی شده نیست که هفته‌ها و ماهها درس بخوانند تا روز و ساعت معینی امتحان بدهند بلکه انسانها هر روز و هر ساعت و در تمام دقائق عمر در جلسه امتحان حاضر و امتحان می‌دهند، ممکن است کسی تا این ساعت در لیست مؤمنین بوده و در ساعات بعد بلغزد و نامش از آن لیست حذف شده و در لیست مشرکین یا منافقین ثبت شود!

و اما چگونه و از چه چیزی آزمایش می‌شود؟

باید گفت از همه چیز:

از نعمتها و نعمتها، از سختیها و راحتیها، از سلامتیها و بیماریها، از ثروتها و فقرها، و بالاخره از تمام لذات و از هر شرّ و بدی و از هر خیر و خوبی امتحان به عمل می‌آید.

آنکه در ناز و نعمت است و در اوج عزت و لذت قرار دارد امتحان می‌دهد و آنکه در نهایت فقر و خواری و ذلت است آنهم همینطور! تا کدامین فرد مقبول و کدامین نفر مردود شوند! اینجاست که میفرماید: وَ نَبَلُّوْكُمْ بِالشَّرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً (۱)

یعنی ما شما را هم با بدیها (مرض و فقر) و هم با نیکیها (ثروت و صحت) می‌آزمائیم.

چنانچه اشاره شد امتحان الهی عمومی و همگانی است و حتی پیامبران هم در معرض امتحانات الهی بودند، آزمایشات آنها به نسبت مسؤولیت آنان سخت‌تر و شدیدتر بوده و برای پیشبرد اهداف مقدس خود چه رنجها و سختیها دیدند. اما با قدرت ایمان، همه سختیها را پشت سر گذاشته و در مقابل ناملايمات صبر پیشه کردند.

وقتی به حضرت هود(ع) نسبت ناروای سفاهت دادند خم به ابرویش نیاورده، همچنان به کار خود ادامه داد و فقط می‌گفت من سفیه نیستم! شعيب(ع) را تهدید به تبعید و سنگباران کردند او اعتنا نکرده به کار خود ادامه داد!

حضرت موسی(ع) ناراحتیهایی که از قومش دید به مراتب زیاده‌تر از رنجهایی بود که فرعون برایش فراهم کرده بود اما آن حضرت تسلیم نشد و کارش را به اتمام رسانید!

نوح پیغمبر(ع) در طول نهصد و پنجاه سال دوران تبلیغ، موفقیت چشمگیری نداشت و شاید هر ۱۲ سال تنها یک نفر به او ایمان آورده و بقیه مردم مسخره‌اش می‌کردند! اما وی دست از کار نکشید و با پشتکار عجیب به کار خود ادامه داد.

حضرت ابراهیم(ع) چه امتحانات سخت و شگفت‌انگیزی داشت که مهمترین آنها امتحان مال و جان و فرزند بود که خوشبختانه به مفاد آیه شریفه ۱۲۴ بقره در همه امتحانات سرفراز شد و مدال افتخار امامت: اِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ اِمَامًا را از پروردگار عالم دریافت نمود.

و بالاخره سلیمان پیغمبر(ع) چون قدرت و توانایی خود را دید که توانستند با یک چشم بر هم زدن تخت بلقیس را از مسافتی بسیار دور حاضر کنند گفت: هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي ؕ اَشْكُرُ اَمْ اَكْفُرُ. (۲)

این نعمتها از فضل خداست تا مرا بیازماید که آیا من در مقابل این نعمتها شکر می‌گزارم یا کفران می‌کنم.

با این توضیحات معلوم شد که تنها ایمان به خدا و اقرار به شهادتین کافی نیست بلکه باید آن را در مقام عمل پیاده کرده و در اعتقاد خویش پافشاری و استقامت به خرج دهیم.

بسیارند کسانی که دم از عشق خدا و امام زمان(ع) می‌زنند ولی در عمل استقامت نداشته، آنچنان سست و ناتوانند که وقتی در برابر طوفان شهوات قرار می‌گیرند با ایمان وداع می‌کنند! و هنگامی که منافعشان به خطر افتاد همان ایمان ضعیف را هم از دست می‌دهند.

به هر حال عصر غیبت، عصر امتحان و آزمایش و عصر تزلزل و ثبات است! عصر پاداش صبر

و شکیبایی، تحمل درد و هجران برای دوست! و عصر کیفر افکار و تکذیب برای دشمن! عصر غیبت و عصر قیام مهدی روحیفا، عصر بسیار با عظمتی است در بزرگی و ارزش و اهمیت این عصر همین بس که خدای متعال به این عصر قسم یاد کرده می‌فرماید: **وَالْعَصْرِ...** به عصر سوگند که همه انسانها در زیانند مگر کسانی که (دارای این چهار اصل) باشند. ۱ - ایمان داشته باشند - ۲ - اعمال صالح انجام دهند - ۳ - کسانی که یکدیگر را به حق سفارش کنند - ۴ - همدیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه نمایند.

و اینک به جاست که با گوشه‌ای از چهره عصر غیبت و جوی که در آن آزمایش می‌شویم آشنا شده، سپس به خویشتن خویش برگردیم و توان خود را با توجه به آن رویدادها بیازماییم.

### گفتار رسول اکرم (ص) و چهره جهان در عصر غیبت

به زودی زمانی برای امت من فرا خواهد رسید که:

از قرآن جز رسم (آداب و رسوم تشریفاتی) و از اسلام جز اسم باقی نماند! اینان به ظاهر مسلمان خوانده می‌شوند در حالیکه دورترین مردم به اسلامند مساجدشان آباد است اما از هدایت خالی، فقهاء آن زمان بدترین فقیهان در زیر آسمانند، فتنه از اینان خارج شده و به سوی آنان باز می‌گردد! (۱)

حضرت در بیانی دیگر خطاب به عبدالله بن مسعود صحابی می‌فرماید: به زودی پس از من مردمانی بیایند که همتی جز به دست آوردن دنیا نداشته و دائماً ملازم آن باشند! معبودشان شکمهایشان و قبله‌گاهشان زنانشان و شرفشان پولهایشان خواهد بود!

آنان بدترین اشرارند. فتنه از جانب آنان برمی‌خیزد و هم به سوی آنان برمی‌گردد. اجسادشان (از لذائذ مادی) سیر نمی‌شود و قلبهایشان خاشع نمی‌گردد! (۲)

و در بیانی عجیب‌تر فرمودند:

برای گرده نان رکوع می‌کنند و برای پول به سجده می‌افتند، ره گم کردگانی که سرگردان و مستند، نه از مسلمانان محسوب و نه از نصاریند! (۳)

رسول اکرم (ص) درباره حجاج خانه خدا می‌فرماید:

اغنیاء و ثروتمندان امت من برای سیاحت و گردش به مکه می‌روند و متوسطین هم برای تجارت و فقرای آنان هم برای ریا و تظاهر. (۴)

حضرت وضع زنان آخرالزمان را چنین توصیف می‌فرماید:

به زودی در آخر امت من مردانی پیدا می‌شوند که زنهایشان همچون مردها بر روی زینها سوار می‌شوند و تا در مساجد می‌روند.

زنانشان در عین لباس پوشیدن لخت و عور هستند و بر سرشان چیزی همانند کوهان اشتران

۲ - بحار الانوار ج ۷۷ ص ۹۶

۴ - منتخب الاثر ص ۴۳۴

۱ - بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۹۰

۳ - سفینه البحار ج ۱ ص ۵۵۷



لاغر است آنها عطر و بوی بهشت را استشمام نخواهند کرد آنها را لعنت کنید که آنها از رحمت خدا به دور هستند. (۱)

و باز در این باره می‌فرماید:

قیامت برپا نمی‌شود جز هنگامی که لباسی دوخته شود و زنها آن را بپوشند که در عین لباس پوشیدن لخت و عور باشند و اراذل و اوباش بر مردم شریف و آزاده برتری پیدا کنند! (۲)

پیغمبر (ص) در وصف زنان عصر غیبت به نکاتی جالب اشاره فرموده‌اند که واقعاً اعجاب‌انگیز و معجزه آفرین است و آنها عبارتند از:

زنان لباس پوشیده و در عین حال برهنه و عریانند؛ چگونه ممکن است زنی هم لباس پوشیده و هم عریان باشد این دو صفت با هم یکجا جمع نمی‌شوند.

در گذشته مثلاً صدها سال قبل کسی جرأت نمی‌کرد چنین احادیثی را برای مردم بخواند زیرا توجیه و تفسیرش مشکل بود! اما امروز با پیدا شدن لباسهای توری و نایلونهای بدن‌نما که از آنها لباس تهیه می‌شود چه خوب معنی این حدیث روشن گردیده است!

### و اما چهره مردان و زنان با ایمان در این جو آلوده و مسموم

رسول اکرم (ص) حالات مردم با ایمان را چنین بازگو فرموده‌اند:

زمانی بر مردم خواهد آمد که مؤمن در آن زمان از گوسفند ذلیل‌تر و خوارتر خواهد بود! (۳)

حضرت در بیان دیگر می‌فرماید:

در آن ایام قلب مؤمن در درون خود آب می‌شود آنچنان که نمک در آب ذوب می‌شود زیرا منکرات را می‌بیند و قدرت جلوگیری و تغییر آن را ندارد، مؤمن در میان آنها با ترس و لرز راه می‌رود که اگر حرف بزند او را می‌خورند و اگر ساکت شود از غصه می‌میرد. (۴)

مولای متقیان علی (ع) می‌فرماید:

نصرت و یاری خدا نمی‌رسد مگر بعد از اینکه شما در میان مردم از مردار هم پست‌تر و خوارتر شوید!..... (۵)

چون مادر مقام بیان حالات مردم آخر الزمان و چهره جهان در ابعاد مختلف نیستیم به همین مقدار اکتفا کرده بحث آزمون را دنبال می‌کنیم.

گفتیم عصر غیبت عصر آزمایش است، آزمایش و امتحانی بسیار سخت و دشوار که در آن هر کس به گونه‌ای می‌لغزد!

بعضی با ایراد و انتقاد به غیبت مهدی موعود (عج) و استمرار آن!

گروهی با بعید دانستن عمر هزار ساله!

جمعی با اعتراض به اینکه فایده امام غایب چیست؟

۱ - روزگار رهایی ج ۲ ص ۷۵۳  
۲ - همان مدرک ص ۷۵۴  
۳ - روزگار رهایی - ج ۱ ص ۳۵۵  
۴ - متخب الاثر ص ۳۱۴

۱ - روزگار رهایی ج ۲ ص ۷۵۳  
۲ - نهج الفصاحه ج ۲ ص ۶۴۵  
۳ - متخب الاثر ص ۳۱۴

دسته‌ای به اینکه اگر هست کجاست و چرا ما او را نمی‌بینیم؟ و.....  
 علی(ع) در خطبه ۱۶ نهج البلاغه می‌فرماید:

سوگند به کسی که پیامبر(ص) را به حق مبعوث کرد به شدت مورد آزمایش قرار می‌گیرد و غربال می‌شوید و همانند محتویات یک دیگ به هنگام جوشش زیر و رو خواهید شد آنچنان که بالای شما پایین و پایین شما بالا قرار خواهد گرفت.

در این آزمایش‌های سنگین و طاقت فرسا تنها مؤمن واقعی موفق است و مؤمن واقعی کسی است که زبان قالش با زبان حالش یکی باشد.

به هر حال این آزمونها بر خلاف تصور ساده دلانی که پایان آن را اول ظهور می‌دانند همچنان تا قیامت ادامه داشته و مهدی رو حیفاه حتی پس از ظهور، یاران صمیمی و مخصوصش را می‌آزماید.

## ۲- شناخت و آمادگی

امام عصر حضرت مهدی(ع) قیامت توأم با شکستن بتها و درهم ریختن همه بدعتها است.<sup>(۱)</sup> او اسلام مسخ شده و منجمد را از نو زنده کرده و روح تازه‌ای به کالبد آن می‌دمد:<sup>(۲)</sup>  
 او با امر جدید و کتاب جدید و قضاء جدید می‌آید.<sup>(۳)</sup>

او قرآن علی(ع) را (که به ترتیب نزول نوشته شده) تدریس کرده، کلاسهای تعلیم این قرآن را زیر چادرهای مسجد کوفه می‌گشاید.<sup>(۴)</sup>

او با بیست و پنج (۲۵) رشته از علوم و فنون جدیدی که تا وقت ظهور، مغزها بویی از آن دانشها نبرده‌اند، ظاهر شده، دانشمندان جهان را چون کودکان زیر پوشش این علوم و اسرار می‌کشاند.<sup>(۵)</sup>

او به مصداق *وَ لَأَرْقِیْنَهُ فِی الْأَسْبَابِ* با اسباب و وسایل و برترین ابزارها و سلاح روز مجهز است. مرکب و سلاحی آن چنان قدرتمند که سلاحهای روز در آن روز (اگر باشند) در مقابل آن تجهیزات نامش به اسباب بازی کودکان تبدیل می‌شود.<sup>(۶)</sup>

او و یارانش به جای سوار شدن بر این آهن پاره‌ها بر مرکب ابر و بر بُراق نور نشسته شرق و غرب عالم را به فرموده *سَیْرُکَبُ السَّحَابِ وَ تَطْوِی لَهٗ الْأَرْضُ* در نور دیده و با یک چشم بر هم زدن عالم را پشت سر می‌گذارند.<sup>(۷)</sup>

او با زره و تازیانه و عمامه و پیراهن و کمان و کلاه خود رسول اکرم(ص) و ذوالفقار علی(ع) و عصای موسی(ع) و انگشتر سلیمان(ع) در حالیکه تاجی از نور بر سر دارد به همراه چهار ملک مقرب خدا جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و پنج هزار فرشته که او و ۳۱۲ تن از

۲- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۵۴

۴- همان مدرک ص ۳۳۹

۶- همان مدرک ص ۳۱۲

۱- منتخب الاثر ص ۲۹۲

۳- همان مدرک

۵- همان مدرک ص ۳۳۶

۷- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۲۱ و ص ۳۲۲

فرماندهان و وزرای کابینه‌اش را اسکورت کرده‌اند برای در هم ریختن اساس ظلم و ستم و کوبیدن کاخ ستمگران می‌آید<sup>(۱)</sup>

او مناره‌های تمام مساجد را خراب می‌کند<sup>(۲)</sup> و چهار مسجد را در کوفه نیز خراب می‌کند<sup>(۳)</sup> او نه فقط مساجد کوفه بلکه مسجد النبی را در مدینه و مسجد الحرام را در مکه و حتی کعبه، خانه خدا را خراب کرده و مجدداً طبق نقشه الهی می‌سازد!<sup>(۴)</sup>

او گردن گردنکشان عالم را شکسته و دماغ مستکبران جهان را به خاک مذلت می‌کشانند.<sup>(۵)</sup> او پس از اتمام حجّت، آنقدر دشمنان خدا را می‌کشد که پاره‌ای از سازه لوحان می‌پندارند که وی از اولاد رسول خدا نیست.<sup>(۶)</sup> و سرانجام اسلامی که او عرضه می‌کند و کارهای محیرالعقولش به قدری تماشایی و حیرت آور است که:

اگر شمشیر آن حضرت نبود فقهاء آنروز فرمان قتلش را صادر می‌کردند.<sup>(۷)</sup>

به هر حال این کارها و پیاده شدن این برنامه‌ها آمادگی و شناخت کامل لازم دارد و تا طبع جهان بشریت آمادگی پیدا نکند ظهوری نخواهد بود.

بسیاری از مردم ساده لوح تصور می‌کنند که برای تحقق یک انقلاب همه جانبه در سطح جهان وجود یک رهبر شایسته و انقلابی کافی است که جهان آباد شود و مردم از بدبختی برهند در حالیکه اگر قدری فکر کنیم به این نتیجه می‌رسیم که تنها بودن یک رهبر شایسته و انقلابی کافی نیست بلکه آمادگی و شناخت عمومی لازم است تا خریدار برنامه او باشند.

بیمار در زیر چاقوی جراح چون آمادگی و شناخت دارد تسلیم است و گرنه با دیدن چاقو پا به فرار می‌گذارد. اینجاست که می‌گوییم متأسفانه هنوز دنیا آماده چنین انقلابی نیست و هر وقت این آمادگی در آن پیدا شود قیام حضرت قطعی است!

ملاحظه کنید: در جنگ صفین به منظور تفرقه افکندن در سپاه حضرت علی(ع) وقتی لشکر شکست خورده معاویه با ترفند عمر و عاص قرآن‌ها را بر سر نیزه کردند علی(ع) فرمود بزنیید این نیزه‌ها را اینها شیطنت و فریب است! قرآن ناطق منم و دیدیم چون این فرمان الهی در هاضمه علیل آن قشریون قابل هضم نبود با شنیدن آن فرمان، فریاد **لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ** سر داده و چه غائله‌ها به پا کردند! چگونه حضرت علی(ع) را تنها گذاشته، رفتند و آن حزب ننگین خوارج را تشکیل دادند! و سرانجام همین نماز شب خوانها علی(ع) را در مسجد و در حال نماز خواندن به شهادت رساندند!

انقلابهای جهان اعم از مادی و معنوی، سیاسی و الهی، ملی و مذهبی وقتی توأم با موفقیت است که جامعه آمادگی پذیرش آن را داشته باشد و گرنه محکوم به شکست است.

۱- بحار الانوار ج ۵۲ صفحات ۳۰۱ و ۳۴۸ و ۳۵۱

۲- همان مدرک ص ۳۲۳ و ۳۳۱

۳- همان مدرک ص ۳۲۳

۴- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۲۲ و ۳۲۸

۵- منتخب الاثر ص ۶۱

۶- الزام الناصب ص ۱۷۳ و ۱۹۲

۷- منتخب الاثر ص ۱۷۲

هنوز اکثریت مردم جهان چاره دردها را از:

زر و زور و قدرت و سلاح، سیاست و سازمان ملل و حقوق بشر و مجامع بین الملل و بالاخره از سیاستمداران و استکبار جهانی و ابرقدرتها مطالبه می کنند و هنوز هم مردم از این قدرتهای تو خالی و پوشالی مأیوس نشده اند!

و دست گدایی به سوی آنان دراز کرده اند و در مواقع خطر آنها را فریاد رس حقیقی خود می شناسند!

مردم جهان هر وقت از خواب غفلت بیدار شده و دانستند که از این قدرتهای دروغین کاری ساخته نیست و بالاخره هر وقت به این مرحله از شناخت و آگاهی و آمادگی رسیده و دست از همه چیز و همه کس شسته و مأیوس شوند و فقط چشم امید به ظهور یگانه منجی عالم بشریت دوخته و از اعماق قلبشان فریاد ادرکنی یا صاحب الزمان برخیزد. آنوقت روز فرج و روز ظهور و روز نجات مردم خواهد بود!

حضرت امام باقر (ع) می فرماید:

آخرین دولت، دولت ما است پیش از ما هیچ خاندان سلطنت خواهی نمی ماند جز اینکه به سلطنت می رسند تا در دولت ما نگویند که اگر ما هم به حکومت می رسیدیم برنامه ای همانند برنامه ایشان داشتیم و این است کلام خدای بزرگ که فرمود: سرانجام و عاقبت از آن پرهیزگارانست.<sup>(۱)</sup>

حضرت امام صادق (ع) در همین رابطه فرمودند:

برای هر قومی دولتی است که در انتظار فرا رسیدن آنند ولی دولت ما، در آخر الزمان ظاهر می شود.<sup>(۲)</sup>

گرگ درنده را ز عطوفت، شبان کنی	کی آید آن زمانه که در زیر سایه ات
پس کی گذر به مجمع دل خستگان کنی	دنیا در انتظار قدم شریف توست
کاری که هیچ کس نتواند، تو آن کنی	اصلاح عالمی نبود کار هیچ کس

## نکته

مسئله استمرار غیبت علاوه بر آنچه که در این بخش آوردیم فلسفه‌ها و حکمت‌های مهمتری نیز دارد که ما از آن بی خبریم.

پیشوایان عزیز ما در این باره فرموده‌اند:

برای به دست آوردن فلسفه غیبت و استمرار آن اصرار نکنید زیرا حکمت اصلی آن بعد از ظهور، کشف خواهد شد. همان طوری که حکمت کارهای خضر(ع) (در مسئله سوراخ کردن کشتی و کشتن جوان و تعمیر دیوار) برای موسی(ع) بعد از جدایی از حضرت خضر(ع) معلوم گردید.

جایی که پیامبر اولوالعزم خدا، موسی(ع) صاحب علم لدنی که خود را دانشمندترین مردم عصر خود می‌داند، نداند که فلسفه و اسرار و حکمت کارهای خضر(ع) چیست؟! از انصاف به دور است که ما با علوم مدرسه‌ای و دانش اکتسابی ادعای فهم و آگاهی کنیم و چیزی بگوییم که منافی با اصل و خواسته الهی باشد!

به فرموده امام صادق(ع) مسئله غیبت یک مسئله ساده‌ای نیست که همه بفهمند بلکه این امر جزء اسرار الهی است.

بنابراین تلاش بی‌جا کردن و سخن گزاف گفتن و اعتراض نابجا نمودن در این مورد سفاهت است.

خدا کند نق‌های بی‌محتوای ما، ما را در صف **يَرْتَابُ فِيهَا كُلُّ مُبْتَلٍ** (که در آن اهل باطل دچار تردید می‌شوند) قرار ندهد.<sup>(۱)</sup>

ز آدمی و پری و جن و ملک  
عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَكَ

خلق عالم ز سما تا به سمک  
همگی از دل و جان می‌گویند

## بخش چهارم - فایده امام غایب

یکی دیگر از ایراداتی که پاره‌ای از افراد مغرض و جاهل دارند این است که می‌گویند به فرض غیبت امام (ع) را به دلیل جو خطرناک و شرایط نا مساعد آن زمان قبول کنیم ضرورتاً این سؤال مطرح می‌شود که در این صورت:

### فایده این امام غایب چیست؟

امام به اعتقاد همه مسلمانان، پیشوا و رهبر است، باید در میان مردم باشد و مردم را رهبری کند چنانکه پدر و اجدادش کردند. امام ناپیدا چگونه می‌تواند رهبر مردم باشد؟ مگر امام حسن عسکری (ع) در سامرا در میان مردم نمی‌زیسته؟  
و مگر کسی در خانه او آمد و شد نمی‌کرد؟

امام اگر پیشوا است باید در میان مردم باشد و آنان را هدایت کند امام ناپیدا چه معنی می‌تواند داشته باشد.<sup>(۱)</sup>

ما در گذشته به پاره‌ای از این شبهات سست و بی پایه پاسخ دادیم و دیگر لزومی به تکرار آن نیست.

تنها چیزی که در این شبهات قابل بحث است و شاید بسیاری از ما هم می‌خواهیم بدانیم، همان مسئله فایده امام است.

### نقش امام (ع) در جهان هستی

عده‌ای تصور می‌کنند که تنها وظیفه امام در جهان هستی همان مسئله تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر است و انتظارشان این است که امام (ع) برای ایفای این هدف، باید در میان مردم باشد و آنان را رهبری کرده و ارائه طریق نماید.

این برداشت، برداشت درستی نیست. آنهایی که چنین دریافتی دارند امام را نشناخته‌اند اگر امام این است که می‌گویند بنابراین این امام با امام جماعت مسجد چه فرقی دارد؟  
در جواب باید بگوییم امام (ع):

قلب عالم امکان است.

امام خلیفة الله است

امام واسطه بین خدا و خلق است

امام مبدأ جریان فیض الهی است

امام هسته مرکزی در بطن هستی است

امام واسطه فیض تشریح و تکوین است

امام نماینده علم و قدرت خداست

امام جانشین رسول خداست



آنهایی که امام (ع) را به چشم یک امام جماعت می بینند نه فقط امام را نشناخته اند بلکه با این برداشت امام را کوچک کرده و در حق وی جفا کرده اند و این که پیامبر (ص) و دیگر پیشوایان ما فرمودند: مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.

هر که بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است! مراد همین شناخت سطحی است که اشاره کردیم.

خلاصه، نقش امام عصر (ع) در جهان هستی نقش اساسی و حیاتی است که به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- از فواید بسیار مهم و حیاتی وجود امام (ع) در جهان هستی بقای جهان و امان خلق از فنا و نابودی است

به عبارت دیگر هستی او سبب بقای هستی و بقای هستی وابسته به هستی اوست.

و عبارت لَوْ لَا الْحُجَّةُ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا

اگر حجّت نباشد زمین، اهلیش را فرو می‌برد، بهترین شاهد این سخن است.

حضرت امام صادق (ع) در این رابطه می‌فرماید:

ما امان برای اهل زمین هستیم همانطوری که ستارگان برای اهل آسمان امانند به خاطر ما خدای متعال کرات را نگه می‌دارد تا به زمین جز به فرمان او نیفتند به خاطر ما باران را فرو می‌فرستد و رحمتش را منتشر می‌کند و برکات زمین را خارج می‌سازد و اگر از ما کسی در زمین نباشد زمین اهلیش را فرو خواهد برد.<sup>(۱)</sup>

۲- پیامبر و امام واسطه بین خدا و خلق و محلّ فرود وحی و الهامات و افاضات خدایند. و چشم عالم امکان به ذات اقدس اینان دوخته شده است.

امام وسیله امنیت و آرامش است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ<sup>(۲)</sup>

ای ایمان آورندگان پرهیزگاری پیشه کرده و وسیله‌ای برای تقرب به خدا پیدا کنید.

خاندان پیامبر، بهترین وسیله هستند آنها در پیشگاه خداوند متعال سبب تقرب بندگان می‌باشند.

۳- امام باب الله است، پیشوایان معصوم ابواب رحمت خدایند، شرط استجاب دعا و سپر الی الله، معرفت این ابواب و ورود از این ابواب است.

که فرمود: وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا

از درها به خانه‌ها وارد شوید.

این آیه که قسمتی از آیه ۱۸۹ بقره است علاوه بر شأن نزول که ذکرش لازم نیست یک معنی وسیعتر و عمومی‌تری هم دارد و آن اینکه:

جابر از قول امام باقر (ع) نقل می‌کند که در تفاسیر اهل بیت در مورد این آیه آمده است که: ما ابواب خداوند و طریق وصول به او و داعیان به سوی بهشت خدا میباشیم یعنی در تمام امور مذهبی خویش از طریق اصلی وارد شوید و برنامه‌های خود را از آنها بگیرید که وحی در خانه آنان نازل شده و اینان پرورش یافتگان مکتب وحی الهی هستند.

حضرت امام صادق (ع) فرمود:

هر کس از در وارد خانه شود هدایت یافته و هر که راه دیگر پیش گیرد طریق هلاک سپرده است. (۱)

۴- وجود مؤمن در میان مردم برکت است و خدای بزرگ به برکت وجود مؤمن و به پاس احترام به او بلا را از آن محله و از آن قریه دور می‌کند.

حضرت امام باقر (ع) می‌فرماید:

به قریه‌ای که هفت مؤمن در آن باشد عذاب نخواهد رسید. (۲)

و در بیانی دیگر فرمود:

همانا خداوند به واسطه یک مؤمن نابودی را از یک قریه برمی‌دارد. (۳)

بنابراین وقتی وجود مؤمن این فواید و برکات را داشته باشد معلوم است که وجود امام عصر بقیة الله الاعظم مهدی

روحیفدها تا چه اندازه پر برکت و رحمت است.

در این باره امام زمان (عج) به خادمش ابونصر می‌فرماید:

من ختم کننده اوصیاء هستم، خداوند به وسیله من بلا را از اهل من و شیعیان من دفع می‌کند. (۴)

۵- امام (ع) منشأ خیرات و برکات و سبب نزول رحمت پروردگار در جهان هستی است.

امام (ع) آن انسان کامل و قابل است که لیاقت اخذ و دریافت نعمات و برکات را دارد امام (ع) واسطه اخذ و رحمت الهی است. وی فیوضات را از فیاض مطلق می‌گیرد و به عالم هستی می‌دهد.

همگی به برکت وجود او زندگی می‌کنند.

و این همان است که می‌گوئیم بِیْمْنِهِ رُزِقَ الْوَرَى (۵)

یعنی به برکت وجود امام (ع) مردم روزی می‌خورند.

حضرت امام صادق (ع) درباره شناخت امامت و امامان می‌فرمایند:

خدای عزّ و جلّ به وسیله پیشوایان هدایت از خاندان پیامبر، دین خویش را آشکار ساخت و راه روشن خود را نمایان فرمود، و سرچشمه‌های پوشیده علم خویش را بگشود، اکنون اگر هر یک از مسلمانان وظیفه خود را در برابر امام بشناسد، طعم شیرین ایمان را خواهد چشید و شکوه

۱- اصول کافی ج ۲ ص ۴۷

۲- اصول کافی ج ۲ ص ۲۴۷

۳- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۰

۴- همان مدرک

۵- فستی از دعای عدیله

همه جانبه و فراگیر اسلام را خواهد دید زیرا خدای متعال امام را برای مردمان همانند درفش راهیاب تعیین کرده است و او را دلیل و پیشگام مردم جهان قرار داده است.

خدا تارک امام را با تاج وقار مزین داشته و او را در شعشعۀ انوار کبریایی غرق ساخته است، امام به آسمان متصل است و هیچ چیز از دسترس او دور نیست و هیچ چیز از خدا به خلق نمی‌رسد مگر با وساطت او، و اعمال بندگان پذیرفته نمی‌شود مگر با معرفت او...<sup>(۱)</sup> و اگر می‌شنویم که خدای متعال در شب معراج خطاب به رسول اکرم (ص) می‌فرماید: **لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ إِلَّا فَلَآكَ.**

اگر تو نبودی آسمانها را نمی‌آفریدم.

این سخن یک واقعیت و حقیقت است نه تعارف و مبالغه گویی، منتها او شاهکار هدف آفرینش است و صالحان دیگر هم هر کدام بخشی از این هدف بزرگ را تشکیل می‌دهند.

۶- امام (ع) همواره فیض می‌گیرد و همواره فیض می‌بخشد یعنی در رساندن نعمتها از خالق به مخلوق همیشه حضور دارد.

قرارداد الهی است که اینگونه باشد تا حجت هست، جهان هست چنانکه تا جهان است حجت است و رسیدن فیض پیاپی و تحقق مراحل آن به وجود امام بسته است. او چون آئینه‌ای تابان در برابر مطلع انوار بی کران ازلیت قرار می‌گیرد و فروغ حیات بخش هستی را بر جان کاینات هم در مرحله تحقیق و هم در مرحله تداوم منعکس می‌سازد.

این است که آثار وجود حجت را تنها نباید از جهت تربیت ظاهری اجتماعات و حضور در جوامع و تشکیل حکومت الهی مورد توجه قرار داد، بلکه باید از نظر قانون تکوین و علیت نیز به این واقعیت نگریست و دید که حجت در این رابطه حضور علی دارد و اگر نباشد **لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا**

نه زمین بر جای خواهد ماند و نه چیزی بر روی آن قرار خواهد گرفت.

آنچه گفته شد اشاره‌ای بود به آثار وجودی امام غایب در بُعد وساطت تکوینی، اما در بُعد وساطت تشریحی و امر هدایت و تربیت بشر باید بگوییم که غیبت در این بُعد به یقین، آثار ناگواری دارد.

محرومیت انسان از درک حضور امام و حجت بالغه امر ساده‌ای نیست لکن این پیشامد که بر طبق علتها و حکمتهایی بوده است چنانکه گذشت موجب نشده است تا آثار هدایت و تربیت انسانها به کلی از میان برود.

غیبت کبریای امام غایب در شرایطی به وقوع پیوسته است که این امکانات در اختیار بوده است.

۱- کتاب خدا

۲- سنت رسول اکرم (ص)

۳- احادیث و کلمات و تعلیمات یازده امام (ع)

۴- سیره عملی و روش زندگانی یازده امام در طول ۲۵۰ سال در ابعاد گوناگون، تعهد و تکلیف و تربیت و اقدام و حماسه و ایثار و مبارزه و...

۵- دوره هفتاد ساله غیبت صغری و مجموعه تعالیم و ارشاداتی که در این مدت از سوی امام غایب افاضه گشته و به وسیله نایبان و سفیران امام در اختیار امت قرار گرفته است.

۶- وجود جمعی از عالمان و بزرگان شیعه که خود با واسطه‌های کم، دوره‌های تربیتی و تعلیمی ائمه طاهرین را دیده بودند.

وجود امام غایب برای امت، همچون خورشید در پس ابر است.

خورشید چه آشکار باشد و چه در پس ابر، خورشید است و همه آثار وجودی و فعلیتهای تأثیری او برقرار است، نهایت هنگامی که در پس ابر، پنهان است پرتو طلایی رنگ آن به چشمها نمی‌رسد اما دیگر آثار و تأثیرهای او در جریان است و مستدام.

۷- درست است که در عصر غیبت کبری مهدی (ع) از انظار مردم جهان مخفی است ولی این اعتقاد به آن معنی نیست که مردم نیز از نظر آن حضرت پنهان باشند!

امام غایب برای دشمنان اسلام ناپیدا است. اما برای مؤمنان و شیعیان پاکدل پیداست، امام در عین حالی که غایب است حاضر است، او همه ساله در مراسم عظیم حج شرکت می‌کند تلبیه و تکبیر می‌گوید، طواف و سعی انجام می‌دهد. در منی، رمی جمرات و قربانی می‌کند؛ در میان حجاج است و با آنها رفت و آمد دارد و در مجالس و محافل آنان شرکت می‌نماید از بیچارگان و ضعفا دلجویی کرده و مشکلات آنها را برطرف می‌سازد.

پس غیبت را قطع رابطه کامل با مردم تعبیر کردن، یا از روی غرض ورزی و ترور عقاید است یا از روی سفاهت و نادانی!

البتّه این نوع تلقینات بی اثر نیست و ممکن است در میان نادانان، انحراف ایجاد کند. پیشوایان عظیم الشان ما فرموده‌اند که:

جایگاه امام (ع) در همین دنیا است، او با همین بدن عنصری قوی خدادادی در همین جهان ما زندگی می‌کند، می‌خورد و می‌آشامد، خواب و استراحت دارد، و در میان مردم کوچه و بازار راه می‌رود و چنانکه گفتیم در اجتماعات ما هم شرکت کرده حتی به خانه‌های ما هم قدم می‌گذارد! اما چه کنیم که با این چشمان آلوده به گناه او را می‌بینیم ولی نمی‌شناسیم!!

تعجب نکنید اینها که گفتیم با فتنی نیست که باور نکنید بلکه اینها یا فتنی است که ما آنها را در کلمات معصومین (علیهم السلام) یافته و باور کرده‌ایم.

اینک برای رفع استبعاد و تحیر شما این سند ارزنده را ارائه می‌دهیم:

مولای متقیان علی (ع) در این باره می‌فرماید:

هنگامی که امام غایب از نسل من، از دیده‌ها پنهان شود و مردم با غیبت او از حدود شرع بیرون

روند و تودهٔ مردم خیال کنند که حجّت خدا از بین رفته و امامت باطل شده است! سوگند به خدای علی (ع) در چنین روزی حجّت خدا در میان آنهاست در کوچه و بازار آنها گام برمی دارد و در خانه‌های آنها وارد می‌شود و در شرق و غرب جهان به سیاحت می‌پردازد و گفتار مردم را می‌شنود و بر اجتماعات آنها وارد می‌شود و سلام می‌کند او مردمان را می‌بیند ولی مردم تا روز معین و وقت مقرر او را نمی‌بینند تا جبرئیل میان آسمان و زمین بانگ برآورده و ظهور را اعلام کند.

سوگند علی (ع) برای باور داران نیست، آنهایی که امام شناسند نیازمند به سوگند نیستند تا به کمک سوگند باور کنند بلکه برای افرادی که باور ندارند قسم یاد می‌کند تا با شنیدن قسم باور کرده و پذیرا شوند.

شگفت آور اینکه حضرت می‌فرماید: به شما سلام هم می‌کند.

اما افسوس و هزاران افسوس کو گوش شنوا و کو چشمی که جمال دل آرای او را دیده و خاک پایش را توتیای چشم کند؟!

ای توتیای دیده ما خاک پای تو  
وای کنج خلوت دل عالم سرای تو  
گاهی ز دل برآ و بر دیده جلوه کن  
ای صد هزار دیده و دل مبتلای تو

گفتیم که مهدی روحیفداه همه ساله در مراسم حج شرکت می‌فرمایند.

حمیری می‌گوید از محمد بن عثمان دومین نایب خاص امام زمان (ع) شنیدم که می‌گفت: به خدا قسم که صاحب الامر همه ساله در مراسم حج شرکت می‌کند و مردم را دیده و می‌شناسد اما مردم آن حضرت را می‌بینند و نمی‌شناسند.<sup>(۱)</sup>

امام صادق (ع) یکی از اسرار بزرگ شرکت همه ساله مهدی (ع) را در مراسم حج روشن کرده و می‌فرماید:

اگر در یکی از سنوات، امام زمان (ع) در مراسم حج شرکت نکند حج مردم مورد قبول واقع نمی‌شود.<sup>(۲)</sup>

آری؛ دعا و ثنای ما به همراه دعای امام (ع)، آمین ما همراه آمین امام (ع) نماز ما همراه با نماز امام (ع)، تلبیه و تکبیر ما به همراه تلبیه و تکبیر امام (ع)، اشک ما به همراه اشک چشم امام (ع)، و بالاخره نفس ما همراه نفس امام (ع) چون به طرف خدا اوج بگیرد و صعود کند خدای مهربان به احترام مهدی روحیفداه طاعات و عبادات ناقص ما را خواهد پذیرفت.

نکتهٔ دیگر اینکه گاه در گوشه و کنار از پاره‌ای افراد بی اطلاع شنیده می‌شود که می‌گویند:

آیا امام و پیشوایی که می‌خواهد هزاران سال در پس پرده غیبت بنشیند و منتظر قیام و ظهورش باشد به یک استراحتگاه نیاز ندارد تا در آن بیاساید؟!

جای بسی تأسف است که بعضی غیبت مهدی (ع) را با همین بدن مادی و عنصری باور دارند اما

از اینکه او خانه و کاشانه‌ای داشته باشد متعجبند! این نوع برداشتها، از سستی ایمان و بی معرفتی است، امامی که جهان هستی در قبضه قدرت اوست که اگر لحظه‌ای نباشد جهان زیر و رو می‌شود چگونه می‌توان باور داشت که او را مسکنی نباشد تا در آن استراحت کند. چه بسا می‌توان با در دست داشتن آدرس و نشانی به ملاقات امام (ع) رفت و او را از نزدیک زیارت نمود البته تنها داشتن آدرس و نشانی برای ملاقات امام (ع) کافی نیست زیرا شرط اولیه دیدار «صلاحیت» است. بنابراین هر کس که دارای صلاحیت و قابلیت باشد توفیق زیارتش با امام (ع) قطعی است و گرنه برای همیشه از فیض آن محروم است. اجازه بفرمائید عرض کنم که اگر آن صلاحیت و لیاقت و قابلیت و عشق و علاقه و ایمان و معرفت در کسی باشد به جرأت می‌گویم چنین شخصی با این صلاحیتها دیگر احتیاج به آدرس و نشانی و معرف ندارد. مطمئن باشد که امام روحفداه خود شخصاً به سراغ او آمده و یا پیکی به دنبال او می‌فرستد. غلو نکرده و سخن نابجایی هم نگفتم شاهد عرضم کتاب بحارالانوار جلد ۵۲ و نجم الثاقب و کتابهایی از این قبیل است آنها را بخوانید و ببینید سعادت‌مندی که توفیق دیدار داشتند، اینان عاشقان دلباخته‌ای بودند که در توسلاتشان ناگهان امام (ع) را در کنار خود دیده و یا به خدمت امام مشرف شده‌اند.

### و اما خانه مسکونی مهدی روحفداه (بیت الحمد)

هزار و سیصد سال قبل از تولد امام زمان (ع) امام باقر (ع) نام و خصوصیات خانه آن حضرت را معرفی فرموده است.

حضرت امام باقر (ع) در این باره فرمود:

برای صاحب الامر خانه‌ای است که او را «بیت الحمد» گویند و در آن چراغی هست که از روز تولد آن حضرت روشن است این چراغ تا روزی که حضرت با شمشیر قیام کند هرگز خاموش شدنی نیست.<sup>(۱)</sup>

این خانه دائم النور و شبانه روز روشن و بیمه خداست و زیر نظر مستقیم پروردگار عالم است و کسی را راهی بدان جایگاه نیست.

منزلی دل فروز و جان افزا  
ساحت فرخش جهان آرا

در جهان هیچ کس ندیده چنان  
عرصه خرمش جهان افروز



### «در جستجوی مهدی (ع)»

و اینک آدرس و نشانی مهدی روحیفداه

در صفحات قبل به عرض رسید که:

امام (علیه السلام) همه ساله در مراسم عظیم حج شرکت می‌فرمایند با این حساب وقتی همه ساله در مراسم حج شرکت کند پس آدرس امام (ع) مشخص است و آن اینکه: امام (ع) هر سال در ماه ذیحجه در مکه معظمه تشریف دارند.

خوانندگان عزیز ناراحت نباشید، عصبانی هم نشوید، نگوئید این چه جور آدرس دادن است! و من در شهر مکه معظمه با آن وسعت چگونه می‌توانم امام (ع) را پیدا کنم!

راست می‌گوئید حق با شماست، پیدا کردن امام (ع) در شهر بزرگ مکه میسر نیست!

اجازه بفرمائید آدرس بهتری تقدیم کنم تا تشرّف به حضور امام (ع) خیلی آسان باشد و آن این است که:

امام (ع) در موسم حج هر کجا باشد چون دیگر حجاج بر او واجب است که روز نهم ذیحجه در صحرای عرفات باشد آنهم نه یک ساعت و دو ساعت بلکه از ظهر تا غروب آفتاب، ببینید چقدر دایره تنگ و تنگ‌تر شد و چه خوب در این سرزمین محدود می‌شود امام (ع) را پیدا کرد.

باز هم ممکن است بگوئید میان دو و سه میلیون حاجی که در زیر چادرها جمع شده‌اند چگونه می‌توانم امام (ع) را پیدا کنم؟!

این حرفها دیگر بهانه است عاشق بهانه نمی‌گیرد، بلکه همه موانع را از بین می‌برد پیدا کردن امام (ع) در این شرایط خیلی دشوار نیست.

قبلاً در این کتاب مشخصات امام (ع) را تحت عنوان:

سیمای مهدی روحیفداه در اخبار و حدیث تقدیم داشتم. آنها را دوباره بخوان و آنچه از سیمای چهره مهدی (ع) می‌خوانی و خوشت می‌آید، آنها را یاد داشت کرده و در ذهن خود نگهدار و با این شناسنامه برو بگرد و چشم چرانی کن انشاء الله به آب حیات می‌رسی.

یکی از مشخصات قطعی و حتمی و خوب و آسان برای زیارت امام (ع) این است که حضرت تا ظهور و حتی بعد از ظهور تا آخرین ساعات حیاتش همیشه به صورت جوانی چهل ساله است اگر با این علامت پیرمردها را رها کنی افراد بالاتر از چهل سال و پائین‌تر از آن را هم همینطور جدا کرده انبوه زنان حاجیه هم کنار روند از دو سه میلیون جمعیت که وحشت داشتی دیگر چیزی نمی‌ماند برو بگرد و مایوس مباش!

اجازه بفرمائید یک علامت و نشانی ناب و بی نظیر خدمتتان تقدیم کنم، نشانی و علامتی که حتی

یک نفر هم پیدا نمی‌کند که دارای این خصوصیات باشد و آن اینکه: **عَلَى رَأْسِهِ فَرْقٌ بَيْنَ وَ**

**فَرْتَيْنِ كَأَنَّهُ أَلْفُ بَيْنٍ وَ أَوْيْنِ**

به به چقدر زیبا و عالی، عاشق از این کلمات لذت می‌برد.

نمی‌دانم آنها را معنی کنم یا خودت برای آن معنی دست و پا می‌کنی؟! بگذار معنی کنم. ترجمه تحت‌اللفظی آن اینست:

میان موهای سرش فرق است و این فرق همانند الفی است بین دو واو، این ترجمه قدری مبهم است عاشق هم که حواس درست و حسابی ندارد باید قدری شرح دهم. ملاحظه کنید:

چون موهای سر حضرت زیاد است از جلوی سر موها را دو قسمت کرده نصفش را به طرف راست دور گوش و نصف دیگر را هم به طرف چپ دور گوش قرار داده و این خطی را که وسط سر میان موها از جلو باز کرده و به آن فرق می‌گویند این فرق و این خط همانند الف میان دو (واو) قرار گرفته است و موهای مبارکش روی شانه هایش ریخته شده است. فکر می‌کنم نشانی خوبی است و زود می‌شود به نتیجه رسید.

باز هم نشانی و علائمی دیگر:

خالی چون ستاره درخشان بر گونه‌ی راست حضرت است و اگر توفیق شد و با امام (ع) بر سر یک سفره نشستیم و یا دیدی که امام (ع) حرف می‌زند و یا انشاء الله خندان است و خندید دو دندان پیشین امام (ع) را درست نگاه کن این دو دندان ثنایا به هم چسبیده نیست بلکه وسط آنها باز است.

راهنمایی‌های خوبی بود اجازه بفرمائید آخرین علامت را عرض کنم و بقیه را به انتخاب و ذوق و سلیقه شما واگذار می‌کنم.

آخرین علامت و نشانی حضرت، محاسن زیاد و ابروان بهم پیوسته است یک کلمه هم به عاشقان دلسوخته امام (ع) عرض می‌کنم که:

نگریستن پی در پی در همه‌ی چادرها لازم نیست امام (ع) انشاء الله در چادرهای ماست نه آنها. اینک با در دست داشتن این علائم، عازمی که پایبوسی کنی و تشرّف حاصل نمایی، سعی کن تا این برنامه را در روز عرفه انجام دهی زیرا میعادگاه عرفه، روز است، روشن است همه اغلب در زیر چادرند ساختمانی هم نیست که در آن رفته و در را ببندند و دیده نشوند.

در این صحرای عرفات همه دور هم جمع هستند خوب فرصتی است غفلت نکن کار واجبی هم که نداری تنها کار واجب همان وقوف در عرفات است که انجام دادی.

اینکه می‌بینی می‌خوانند و می‌نالند و بر سر و سینه می‌زنند تماماً خارج از برنامه رسمی و مستحب است ولی کدام مستحب بالاتر از یافتن امام (ع). امام (ع) در این اجتماع باشد و تو حتی دو قدم برای یافتنش بر نداری! خیلی بی‌انصافی است! امام یا بی واجب است نه مستحب و از اینکه آن را با واژه مستحب آوردم استغفار کرده، طلب عفو دارم.

برو بگرد، اگر عاشقی معشوق را پیدا می‌کنی. معشوقت تو را چون آهنربا به طرف خود می‌کشد، مأیوس مباش، بسم الله، این گوی و این هم میدان.

از این صحرای عرفات غافل مشو، غفلت نکن به جان مهدی روحیفداه قسم تو در اجتماعی

هستی که عصارهٔ انبیاء و اولیاء در آن اجتماع حضور دارد. چشم عالم امکان و جهان ملکوت و لاهوت به آن مکان دوخته شده است.

جنود الهی عکسها و فیلمهای فراوانی از مهدی روحیفداه در صحرای قیامتگونه عرفات می‌گیرند، خوشا به حال عاشقی که در این حال کنار معشوقش باشد.

خیلی‌ها غافلند و نمی‌دانند کجا هستند! و چون شناخت ندارند وقت را به بطالت می‌گذرانند و یا به بهانهٔ اینکه شب در بیابان مشعر و فردا در منی، رمی و قربانی دارند و کار زیاد است تا غروب می‌خوابند و اگر هم بیدار باشند سخنان بی‌ثمر و شوخیهای ناخوشایند می‌کنند! وای به حال ما اگر اینها را امام ببیند و بشنود! (که می‌بیند و می‌شنود)

امام (ع) آدرس دوم و سوم هم دارد و آن شب دهم در مشعر و روزهای دهم تا دوازدهم در منی است اما توفیق پیدا کردن در آن اماکن کار بسیار مشکلی است!

مشعر شب است و تاریک و کوهها ناهموار با پستیها و بلندیها و همگی به جمع آوری سنگ برای رمی شیطان مشغول و منی هم وضعش معلوم!

بهترین آدرس همان صحرای عرفات بود که به عرض رسید.

به هر حال اگر توفیق زیارت امام (ع) را بدست نیاوردی مایوس مباش بلکه به خود نوید این موفقیت بزرگ را بده که: در اجتماعی بودی که امام (ع) نیز در آن اجتماع بود و سایهٔ محبتش را بر سر تو و تمامی حجاج افکنده بود.

در این اجتماع با شکوه روحانی:

قبله‌ات با قبله امام (ع)

نیت با نیت امام (ع)

نمازهای با نمازهای امام (ع)

دعایت با دعای امام (ع)

توجهت با توجه امام (ع)

ذکرت با ذکر امام (ع)

قرآن خواندنت با قرآن خواندن امام (ع)

زیارتت با زیارت امام (ع)

دعای عرفه‌ات با دعای عرفهٔ امام (ع)

تضرع و زاریت با تضرع و زاری امام (ع)

خواسته‌هایت با خواسته‌های امام (ع)

نفس با نفس امام (ع)

عرفه‌ات با عرفهٔ امام (ع)

مشعرت با مشعر امام (ع)

بیتوتهات با بیتوته امام (ع)

اشک و آهت با اشک و آه امام (ع)

رمی جمرات با رمی جمرات امام (ع)

قربانیات با قربانی امام (ع)

سعی و تقصیر و طوافت با سعی و تقصیر و طواف امام (ع)

استلام حجرت با استلام حجر امام (ع)

نماز طوافت با نماز طواف امام (ع) و...

پیوند خورده و انشاء الله با موفقیت صد در صد به عرش اعلای کبریایی پروردگار عالم رفته و سرانجام از هوایی استنشاق کردی که امام (ع) هم استنشاق فرموده اکسیژن این هوا که به داخل ریه مبارک امام (ع) رفته پس از خروج از ریه مبارک امام (ع) و پخش در فضای پر برکت عرفات و مشعر و منی،

انشاء الله با توفیق ذات اقدس الهی ذره‌ای از ذرات آن در حال استنشاق به ریه شما رفته و این خود نیز مستقلاً یکی از توفیقات بزرگ و موهبت‌های عظیم الهی است که نصیب شما شده و آن برای ترقی و تعالی و صحت و سلامتی جسمی و روحی تو تا آخرین دقایق زندگی و همچنین برای نسل تو تا ابد کافی است.<sup>(۱)</sup>

گر در نظر غیر نیاید چه توان کرد؟  
یک لحظه ولیکن چو نیاید چه توان کرد؟  
عمرم اگر آن دم به سر آید چه توان کرد؟  
ور خواهد و رخ می‌نماید چه توان کرد؟

در دیده عشاق چو خورشید عیان است  
چون روی نماید دل و دین را بر باید  
آید بر این خسته دمی چون به عیادت  
ای فیض گرت یار نخواهد چه توان گفت

## ۸ - سایه امام (ع) و رهبر

وجود و حیات و سایه رهبر و امام با نبودنش از نظر علم النفس متفاوت است ضعف و قوت قلب، توانایی و سستی، شجاعت و ترس، امید و یأس، همگی وابسته به بود و نبود امام و رهبر است. اگر امام زنده بوده و حیات داشته باشد «که دارد» امت چون خود را تنها نمی بیند قدرتمند و توانا است، اگر چه امام و رهبرش در سفر و غایب بوده و یا زندانی و بیمار باشد، یعنی به وجود امام دلگرم است.

و اما اگر بداند که امام و رهبرش را از دست داده و تنها است، احساس غربت کرده و ناتوان و نگران می شود و حتی در میدان جنگ و مبارزه با دشمن دلگرمی و قوت قلب را از دست داده و حتی ممکن است در مبارزه مغلوب گردد.

همانطوری که در جنگ احد وقتی به دروغ فریاد زدند که پیغمبر خدا (ص) کشته شده است. همین خبر دروغ سبب فروپاشی لشکر مسلمین و شکست نسبی آنها شد.

آدمی پناهگاه و پشتیبان می خواهد تا در سایه او احساس امنیت و آرامش کند (هر چند که پناه همگی خداست). اما ناگفته نماند که این پناهگاهها هم با خدا ارتباط دارند همانطوری که در دعای شعبانیه می خوانیم (اینان قلعه و دژ محکم خدایند).

در فرازی از دعای شعبانیه می فرماید:

غار بزرگ و دژ محکم نفوذناپذیر، فریاد رس بیچارگان و در ماندگان و پناهگاه گریختگان و نگهبان چنگزنان...

آری شیعه با داشتن مهدی روحیفداه دیگر تنها نیست او رهبری قوی و قدرتمند و شکستناپذیر دارد.

شیعه در انتظار ظهور چنین رهبری دقیقه شماری می کند و همیشه خود را در زیر سایه محبت او می بیند و آنچه از مادیات و معنویات به او می رسد تماماً به برکت وجود او است. اینجاست که به این امید زنده و نیرومند است و برنامه سعادتبخش خود را دنبال می نماید.

در اینجا آخرین نقش امام عصر (ع) در جهان هستی را بیان می کنیم:

## ۹ - خورشید پنهان

جابر بن عبدالله انصاری از رسول اکرم (ص) پرسید:

آیا شیعه از وجود قائم (ع) در مدت غیبتش بهره مند می شود؟

حضرت فرمود: آری، به خداوندی که مرا به پیامبری مبعوث گردانیده آنها از وجود او منتفع می شوند و از نور ولایتش در طول غیبت استضاء می کنند، چنانکه از آفتاب پشت ابر استفاده می برند.<sup>(۱)</sup>

در این حدیث حضرت مهدی (ع) به خورشید پنهان تشبیه شده است، ضرورت دارد که ما این

تشبیه و وجه شبه آنرا بازتر کرده تا در تحکیم عقاید همگان توفیق بیشتری پیدا کنیم.

علت تشبیه امام غائب (ع) به خورشید پنهان در ابر:

اول، اینکه نور عالم هستی و علم و هدایت به توسط آن حضرت به خلق خدا می‌رسد زیرا با اخبار مستفیضه ثابت شده که ذوات مقدسه ائمه اطهار علت غایی ایجاد مخلوقات عالمند و اگر آنها نبودند نور عالم به غیر آنها نمی‌رسید و هم ثابت شده که به برکت و وساطت و توسل به آنها علوم و معارف حقه برای مردم آشکار می‌گردد و گرفتاریها از آنها برطرف می‌شود و اگر آنها نبودند، مردم به وسیله اعمال زشت مستحق انواع عذاب الهی بودند.

حضرت محمد (ص) می‌فرماید:

خداوند فرموده: پس به عزت و جلال سوگند که:

اگر به خاطر بندگان خوب و مخلصم نبود، لحظه‌ای به گناهکاران مهلت نمی‌دادم و اگر تقوی و پرهیزکاری بندگانم نبود از آسمان یک قطره باران نازل نکرده و حتی یک برگ سبز نمی‌رویاندیم<sup>(۱)</sup>...

دوم، همانطوری که مردم از آفتاب در پس ابر سود می‌برند، هر لحظه انتظار دارند که ابر برطرف گردد و قرص خورشید، نمایان شود تا بیشتر از آن منتفع گردند، همینطور در ایام غیبت امام زمان (ع) نیز شیعیان با اخلاص در همه اوقات انتظار آمدن او و ظهور او را دارند و از این نظر هیچگاه مأیوس نمی‌گردند.

ما را نصیب روی تو با این حجاب نیست بردار این حجاب از آن روی گل‌عذار

سوم، کسانی که وجود حضرت مهدی (ع) را با همه آثار و علائمی که دارد انکار می‌کنند مثل انکار کنندگان وجود خورشید به وقت ناپدید شدن در ابرها می‌باشد.

چهارم، اینکه گاهی آفتاب از میان ابرها بیرون می‌آید یکی به آن می‌نگرد و دیگری توجه ندارد همینطور ممکن است آن حضرت در ایام غیبت برای عده‌ای ظاهر شود ولی دیگران او را نبینند.

پنجم، اینکه اصولاً ائمه اطهار (ع) از لحاظ نفعی که برای عالم وجود دارند همانند خورشید می‌باشند و تنها آنها که کوردلند نمی‌توانند از اشعه جمال آنان بهره‌مند گردند. همچون خفاش که از دیدن نور خورشید کور می‌شود.

ششم، همانطوری که شعاع خورشید به میزان روزنه‌ها و شکافهای درب خانه‌ها وارد آن می‌شود و هر قدر موانع خانه‌ها کمتر باشد اشعه بیشتری دریافت می‌شود همچنین مردم نیز به اندازه موانع حواس که عبارت از شهوات نفسانی و علائق جسمانی و شبکه دل‌های آنها است و هم به اندازه تزکیه و صافی قلب خود از انوار هدایت و راهنمایی ائمه طاهرین (علیهم السلام) استفاده می‌کنند. وقتی پرده‌های هوا پرستی و موانع را از پیش خود بردارند مانند کسی می‌شوند که در زیر آسمان قرار گرفته و نور آفتاب بدون مانع از هر سو او را احاطه کرده باشد.



نتیجه اینکه:

تشبیه وجود زیجود مهدی روحیفداه به خورشید، تشبیه بسیار جالب و ارزنده‌ای است و از نظر عظمت هیچ کس به پایه او نرسیده و نخواهد رسید و حضرت اینک در جهان طبیعت و در عالم ملک و ملکوت در اوج عظمت و وقار و بزرگی و شرف و شجاعت و قداست و تقرب و کمال قرار گرفته است.

جهان هستی و عالم غیب و شهود ریزه خوار، خوان نعمت اویند. (۱)

### نمونه هایی از ابزار اطلاعاتی امام مهدی (ع)

خداوندی که ائمه اطهار (علیهم السلام) را به امامت کره زمین منصوب کرد بر او است که برای آنان امکاناتی فراهم کند تا آنان بتوانند از آن امکانات در حوزه مأموریت خویش (که کره زمین است) حداکثر استفاده را نموده و مردم خویش را کاملاً زیر نظر داشته باشند.

بر همین اساس نیز مهدی روحیفداه که رهبر تمام مردم کره زمین است امکاناتی دارد که می‌تواند مراقب احوال مردم بوده و از آنها کسب خبر کند همانطوریکه به شیخ مفید رضوان الله تعالی علیه می‌نویسد:

قطعاً علم ما بر اوضاع شما احاطه دارد و هیچ چیز از احوال شما بر ما پوشیده نیست. (۲)  
پس اینکه می‌گوئیم امام (ع) در غیبت کبری کاملاً مراقب اوضاع جهان است بدون علت نیست زیرا نه فقط مهدی روحیفداه بلکه یکایک پیشوایان معصوم ما در تمام دوران امامتشان برای اینکه کاملاً از اوضاع ملت و مردم خویش با خبر باشند خدای قادر متعال برای آنها دستگاه اطلاعاتی قوی و قدرتمند ویژه‌ای که از آن در بحار الانوار جلد ۲۵ (باب احوال و لادتهم) و کافی جلد ۱ (باب موالید الائمة) گاه به عمود نور و گاه به منار نور و گاهی به مصباح نور تعبیر شده نصب فرمود که آنان از این طریق و از این کانال همه چیز و همه کس را در آن می‌دیدند و از حال و احوالشان با خبر می‌شدند.

و این عمود نور در حقیقت جام جهان نما است البته جامی واقعی نه افسانه‌ای!  
حضرت امام صادق (ع) می‌فرماید:

همانا امام در شکم مادرش می‌شنود و چون متولد شود میان دو شانه‌اش نوشته شود: کلمه پروردگارت به راستی و عدالت پایان یافت کلمات او را دگرگون کننده‌ای نیست و او شنوا و داناست و چون امر امامت به او رسد خدا برایش عمودی از نور مقرر دارد که به وسیله آن آنچه اهل هر شهر انجام دهند ببیند. (۳)

حضرت امام صادق (ع) در بیانی دیگر فرمود:

در هر شهری برای او مناری از نور برافراشته گردد که به وسیله آن اعمال مردم را می‌بیند (۴)

۱ - مهدی (ع) آخرین سفیر انقلاب ج ۲ ص ۴۹ تا ۵۶ با تلخیص و تصرف

۳ - اصول کافی جلد ۱ ص ۳۸۷ ح ۴

۲ - بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۷۵

۴ - همان مدرک ص ۳۸۸ ح ۶

در حدیث اول سخن از عمود نور و در حدیث دوم سخن از مناره نور و در جایی دیگر سخن از مصباح نور به میان آمد.

حال باید بدانیم که آیا هر سه آنها به یک معنا است و یا هر کدام با دیگری فرق دارد؟  
با الهام از روایت زیر می‌توانیم درباره عمود نور توضیحی بدهیم.  
حضرت امام صادق (ع) درباره عمود نور می‌فرماید:

او فرشته‌ای است گماشته در هر شهر که خدا به وسیله او اعمال مردم آن شهر را به امام می‌رساند<sup>(۱)</sup>

تذکر: تعبیر از (عمود نور) به فرشته هم شاید به این مناسبت است که خلقت فرشتگان از نور است و چون فرشته نمی‌خواهد از این جهت ما آن را با توجه به واژه عمود (همیشه بیدار و سرپا) یا (آماده باش دائم) تفسیر کردیم در اینجا نباید ایراد شود که: یک فرشته چگونه می‌تواند اخبار جهان را گرفته و به خدمت امام ببرد؟!

در جواب باید گفت: اولاً نفرمود یک فرشته بلکه فرمود، در هر شهری یک فرشته است چنانچه در حدیث منار نور هم همینطور آمده یعنی عمود نور، فرشته خبرنگاری است که خدا او را همیشه بیدار و سرپا نگه داشته تا اخبار جهان را گرفته و به سرعت به عرض امام (ع) برساند.  
در ثانی: این فرشته همانند وزیر اطلاعات است که هر تعداد پرسنل لازم داشته باشد در اختیار او می‌گذارند، همانطوری که جناب عزرائیل (ع) که فرشته مرگ است یک نفر نیست یعنی اگر در شرق و غرب عالم هم زمان و در آن واحد چند نفر بمیرند چند فرشته روح آنها را قبض می‌نمایند.

با توجه به آیه شریفه ۹۷ از سوره نساء

إِنَّ الَّذِينَ تَتَوَفَّيهِمُ الْمَلَائِكَةُ

کسانی که فرشتگان روح آنها را گرفتند آنجا هم پاسخ همین است که آوردیم جناب عزرائیل (ع) وزیر اعظم قبض روح است که همه فرشتگان زیر نظر مستقیم او انجام وظیفه می‌کنند و این را هم اضافه کنیم که:

انتظار نداشته باشیم که در وقت مرگ، عزرائیل به بالین ما آمده و قبض روح کند او وزیر اعظم الهی است، او شخصاً برای قبض روح به همه جا نمی‌رود، او شأنش بالاتر از این است که پیش هر ناکسی رفته و جاننش را بگیرد!

او نزد انبیاء و اولیاء و اتقیاء و صلحا به ویژه نزد رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (علیهم السلام) برای قبض روح می‌رود آنها با اجازه از آنان و دستور الهی!

به هر حال شایسته نیست که ما در فهم چگونگی عمود و منار و مصباح شتاب کنیم انشاء الله اگر خدا توفیق داد و در ظهور حضرت بقیة الله الاعظم بودیم و سعادت دیدار آنحضرت را پیدا کرده،

در دستگاه او راه پیدا کردیم در صورت قابلیت فهم، همه چیز برای ما روشن خواهد شد (امین یارب العالمین)

### قدرت علمی مهدی (ع)

اجازه بفرمائید گوشه‌ای از علم لدنی و الهی مهدی (ع) را بازگو کنم تا پاسخی برای دشمنان حضرت باشد که میگویند:

چگونه ممکن است کسی در شرق عالم حرف بزند و ما او را در غرب عالم دیده و حرفهایش را بشنویم؟

آنگاه ببینید با این همه علوم می‌شود با جهان و مردم جهان ارتباط برقرار کرد یا نه؟!

ببینید صاحب چنین دانش وسیعی می‌تواند سراسر گیتی را زیر نظر داشته باشد یا خیر؟!

حضرت امام جعفر صادق (ع) می‌فرماید:

علم و دانش بیست و هفت حرف (بیست و هفت شاخه) است، تمام آن چه را که پیامبران الهی برای مردم آوردند دو حرف بیش نبوده و مردم تا کنون جز آن دو حرف را نشناخته‌اند. اما هنگامی که قائم ما قیام کند بیست و پنج حرف (بیست و پنج شاخه) دیگر را آشکار می‌سازد و در میان مردم منتشر می‌کند و دو حرف دیگر را به آن ضمیمه می‌سازد تا بیست و هفت حرف، کامل و منتشر گردد. (۱)

بیان امام صادق (ع) روشنگر این مطلب است که عصر مهدی روحیفده عصر جهش دانشها و عصر تحول است. یعنی آنچه از اختراعات و اکتشافات علمی و فرهنگی و اقتصادی و پزشکی و سیاسی و نظامی و... تاکنون به دست آمده تماماً به برکت همان دو رشته از علوم بوده است.

و به علاوه باید دانسته شود که قدرت علمی حضرت مهدی روحیفده و ائمه دین (ع) منحصر به همین بیست و پنج رشته از علوم نیست تا تصور شود که اینجا پایان کار و انتهای مدرک تحصیلی است!

اصولاً کسی که مستقیماً وابسته به پروردگار عالم است پشتمانه علمی او علم خداست و علم خدا هم که پایان ندارد.

اما از آنجایی که ما ظرفیت و توان فهم اینگونه مطالب کلی را نداشته و همیشه مایلیم که با جزئیات و چگونگی دیگر جهات علمی آنان آشنا شویم لذا از این بابت عرض می‌کنیم که:

از جمله علوم و دانش پیغمبر (ص) و ائمه (علیهم السلام) داشتن ۷۲ حرف از اسم اعظم خدا است که آصف بن برخیا با داشتن یک حرف از آن، تخت بلقیس ملکه سبا (یمن) را در یک چشم بر هم زدن از جا کنده و نزد سلیمان پیغمبر (ع) آورد.

حضرت امام محمد باقر (ع) فرمود:

اسم اعظم خدا ۷۳ حرف است و تنها یک حرف آن نزد آصف بوده، آصف آن یک حرف را بر

زبان آورد و زمین میان او و تخت بلقیس در هم نوردید تا او تخت را به دست گرفت سپس زمین به حالت اول بازگشت و این عمل در کمتر از یک چشم بر هم زدن انجام شد و ما هفتاد و دو حرف از اسم اعظم را داریم و یک حرف دیگرش نزد خدا است که آن را در علم غیب برای خود مخصوص ساخته و لا حول و لا قوه الا بالله العظیم<sup>(۱)</sup>.

و اما اصل داستان به طور فشرده این است که:

وقتی حضرت سلیمان پیغمبر(ع) ملکه سبا را طی نامه‌ای به طرف خود خواند و او هم پس از مشورتها تصمیم به ملاقات گرفته و به طرف سلیمان(ع) حرکت کرد. سلیمان(ع) برای شکستن شوکت ملکه سبا و اثبات قدرت خود تصمیم گرفت که تخت سلطنتی ملکه را که (۳۰ ذرع طول و ۳۰ ذرع عرض و ۳۰ ذرع ارتفاع و جلوی آن از طلا مرصع به یاقوت قرمز و زمرد سبز و عقب آن از نقره، آراسته به جواهرات گوناگون و دارای ۷ خانه در بسته بود) را از جا کنده نزد خویش بیاورد تا او وقتی به دربار سلیمان(ع) رسیده و تخت سلطنتی خود را در آنجا ببیند در برابر این قدرت عظیم تعظیم کرده و بی چون و چرا تسلیم شود! این بود که حضرت سلیمان(ع) به اطرافیانش فرمود:

ای بزرگان کدامیک از شما توانایی دارید تخت او را پیش از آنکه خودشان نزد من آیند برای من بیاورید؟

عفریتی از جن گفت: من آن را نزد تو می‌آورم پیش از آنکه از مجلست برخیزی و من نسبت به آن توانا و امینم.

کسی که دانشی از کتاب آسمانی داشت گفت: من آن را پیش از آنکه چشم بر هم زنی نزد تو خواهم آورد و هنگامی که سلیمان(ع) آن را نزد خود مستقر دید، گفت: این از فضل پروردگار من است تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را به جا می‌آورم یا کفران میکنم؟<sup>(۲)</sup>

آصف بن برخیا برای آوردن تخت بلقیس از علوم اکتسابی استفاده نکرد بلکه همانطور که گفتیم:

آصف این قدرت نمایی را به کمک یک حرف از اسم اعظم خدا انجام داد ملاحظه کنید:

جایی که یک آدم معمولی و یک انسان عادی با در دست داشتن حرفی از اسم اعظم الهی بتواند آن طور قدرت نمایی کرده و تخت سلطنتی ملکه سبا (بلقیس) را از شهر سبا (یمن) به اورشلیم نزد سلیمان بیاورد معلوم است که پیامبر و ائمه دین (علیهم السلام) به ویژه مهدی روحیفداه که صاحب ۷۲ حرف از اسم اعظم خدایند چه خواهند کرد!

فراموش نشود این همه طول و تفصیلهای و شاهدهای تماماً پاسخ آن حرفی است که میگویند:

امام زمان(ع) چگونه از اوضاع جهان و مردم آن با خبر است؟

این حرفهای پوچ معمولاً از حلقوم کسانی خارج میشود که امام شناس نیستند، اینان امام را

مانند خود، یک فرد عادی تصوّر میکنند! اگر امام شناس بودند و میدانستند امام کیست و دارای چه نوع دانش و قدرتی است گستاخ نبوده و مؤدّبانه و با احترام حرف می‌زدند. به هر حال اسم اعظم خدا دارای قدرتی ما فوق تصوّر است و هر کس از این اسم با خبر باشد نه فقط دعایش مستجاب است بلکه با بهره‌گیری از آن می‌تواند به فرمان خدا در جهان طبیعت تصرف کرده و همه چیز را جابجا کند.<sup>(۱)</sup> به هر حال آنچه در این بخش آوردیم قطره‌ای از دریای بیکران فایده امام غایب بود که ملاحظه فرمودید.

### جان جهان

بتو دل بستم و غیر تو کسی نیست مرا

جز تو ای جان جهان دادرسی نیست مرا

عاشق روی توام ای گل بی مثل و مثال	بخدا غیر تو هرگز هوسی نیست مرا
با تو هستم ز تو هرگز نشدم دور ولی	چه توان کرد که بانگ جرسی نیست مرا
پرده از روی بینداز بجان تو قسم	غیر دیدار رخت ملتسمی نیست مرا
گر نباشی برم ای پردگی هرجائی	ارزش قدس چو بال مگسی نیست مرا
مده از جنت و از حور و قصورم خبری	جز رخ دوست نظر سوی کسی نیست مرا

امام خمینی (ره)

## بخش پنجم - دیدار

در این بخش مناسب دیدم به ذکر چند نمونه از کسانی که در زمان غیبت کبری به حضور حضرت مهدی (ع) شرفیاب شده و به این فیض عظیم نائل گشته‌اند بپردازم تا شاید عاشقان و دلباختگان مهدی (ع) نیز با ایجاد شرایط لازم، خود را به این سعادت برسانند و ناامید نباشند.

۱- امام زمان (عج) به صابونی اجازه دیدار نداد:

مردی صالح و خیراندیش در بصره عطاری می‌کرد وی داستان عجیبی دارد که از زبان خودش خاطر نشان می‌گردد.

عطار می‌گوید: در مغازه نشسته بودم که دو نفر برای خرید سدر و کافور به در دکان من آمدند از گفتار و سیمای آنان دریافتم که اهل بصره نیستند و از شخصیت‌های بزرگوار می‌باشند. از حال و دیار آنها پرسیدم اما آنها کتمان می‌کردند، آخر الامر آن دو نفر را به حضرت رسول اکرم (ص) قسم دادم که خود را معرفی کنند.

آنها گفتند: ما از ملا زمان و چاکران درگاه حضرت ولی عصر حجة بن الحسن العسکری (عج) هستیم شخصی از نوکران آن درگاه با عظمت از دنیا رفته است صاحب ما، ما را مأمور کرد که از تو سدر و کافور خریداری کنیم.

فهمیدم که اینان از یاران آن حضرت هستند، بی اختیار به دست و پای آنها افتادم و تضرع و زاری کردم که حتماً باید مرا به آن حضرت برسانید. آنها گفتند: مشرف شدن به حضور آن سرور منوط به اجازه ایشان است!

عطار گفت: مرا نزدیک آن حضرت ببرید اگر اجازه داد زهی سعادت و گرنه هیچ. آنها از اقدام به این کار خودداری کردند ولی چون من دست بردار نبودم آن گاه به من رحم کرده و منت گذاشتند و درخواست مرا اجابت نمودند.

بسیار خوشحال شدم، با شتاب تمام سدر و کافور را به آنها داده، درب مغازه را بستم و به دنبال آنها روانه شدم تا به ساحل دریای عمان رسیدیم. آن دو نفر بدون احتیاج به کشتی روی آب روانه شدند. من ترسیدم که غرق شوم و حیران ایستادم. آنان متوجه شدند و گفتند:

مترس! خدا را به حضرت ولی عصر (عج) قسم بده و بیا!

من چنین کردم و بر روی آب مانند زمین خشک به دنبال آنها رفتم در وسط‌های دریا بودیم هوا ابری شد و باران در گرفت. اتفاقاً من همان روز صابون ریخته بودم بر پشت بام مغازه به خاطر آنکه به وسیله تابش آفتاب خشک شود. همین که باران را دیدم به فکر صابون‌ها افتادم و پریشان خاطر شدم به محض این خیال مادی ناگهان پاهایم در آب فرو رفت و به دست و پا زدن و تضرع افتادم. آن دو نفر متوجه من شده فوراً به عقب برگشته، دست مرا گرفت و از آب بیرون کشیدند و گفتند: این پیشامد اثر آن خاطره صابون بود بار دیگر خدا را به حضرت مهدی (عج) قسم بده تا تو را در آب حفظ کند من نیز چنین کردم و مثل اول روی آب با آنان رهسپار شدم.



وقتی که به ساحل رسیدیم خیمه چادری را دیدم که همانند شجره طور، نور از آن ساطع می‌شد و آن فضا را روشن کرده بود همراهان گفتند امام (عج) در میان همین خیمه است با هم به راه خود ادامه دادیم تا نزدیک چادر رسیدیم یکی از همراهان، پیشتر رفت تا برای من اجازه ورود بگیرد چادر را خوب دیدم و صدای آن بزرگوار را می‌شنیدم ولی وجود نازنینش را نمی‌دیدم، آن شخص دربارهٔ مشرف شدن من از حضور مبارکش خواستار اجازه شد آن جناب فرمود: «به او اجازه ندهید و او را خدمه این درگاه نشمرید زیرا او مردی صابون دوست و مادی است» یعنی او هنوز دل از تعلقات دنیای فانی خالی نکرده و لیاقت حضور در این درگاه را ندارد. عطار ادامه می‌دهد: چون چنین شنیدم ناامید گشته و دندان طمع دیدار آن حضرت را کشیدم و دانستم که وقتی ممکن است به زیارت آن جناب برسم که دلم را از آلودگیهای مادی و معنوی زدوده و صاف گردانم.<sup>(۱)</sup>

## ۲ - نیابت حج

ابو محمد دعلجی دو پسر داشت یکی از آن دو صالح بود و او را ابوالحسن می‌گفتند، پسر دیگرش مرتکب محرمات گشته و فاسد بود.

مردی از شیعیان مقداری زر به ابو محمد داد که به نیابت از مهدی (ع) حج کند. ابو محمد مقداری از آن زر را به آن پسر فاسد داد و او را با خود برد که برای حضرت حج به جا آورد! وقتی ابو محمد از حج برگشت برای دوستانش نقل کرد که: در عرفات جوان گندم گون و نیکو منظری را دیدم که مشغول تضرع و دعا بود و چون من به نزدیک او رسیدم به من نگاه کرد و فرمود: ای شیخ حیا نمی‌کنی؟!

من گفتم! ای سید من از چه چیز حیا کنم. فرمود:

به تو حجه<sup>(۲)</sup> می‌دهند از برای آن کسی که می‌دانی و تو آن را به فاسقی می‌دهی که خمر می‌آشامد! نزدیک است که این چشم تو کور شود!

پس از برگشتن، چهل روز نگذشت مگر آنکه از همان چشم که حضرت به آن اشاره کرده بود جراحی بیرون آمد و بوسیله آن جراحی بینایی خود را از دست داد.<sup>(۳)</sup>

## ۳ - علامه حلی در خدمت امام زمان (ع)

جمال الدین حسن بن یوسف بن مطهر حلی معروف به علامه حلی از علمای برجستهٔ قرن هشتم هجری است که در سال ۷۲۶ هـ.ق از دنیا رفت و در نجف اشرف به خاک سپرده شد، این مرجع عالیقدر تقلید، سلطان محمد خدابنده «پادشاه مغول» را شیعه کرد. او در تمام علوم اسلامی استاد ماهر بود و تألیفات او را بیش از پانصد جلد کتاب تخمین زده‌اند.

اینک توجه کنید که این مرد خدا چگونه مورد عنایت امام عصر (ع) قرار می‌گیرد:

۱ - دارالسلام عراقی ص ۱۷۲

۲ - پول یا ثمنی که به کسی می‌دهند تا حج نیابتی برای صاحب پول یا ثمن بجا آورد

۳ - منتهی الامال ج ۲ باب ۱۴ فصل ۶ - و بحار الانوار ج ۵۲ ص ۵۹

او در حله یکی از شهرهای عراق سکونت داشت هر شب جمعه از حله با وسایل آن زمان به کربلا می‌رفت (با اینکه فاصله بین این دو شهر ده فرسخ است) با این کیفیت که پنجشنبه سوار بر الاغ خود به راه می‌افتاد و شب جمعه در حرم مطهر امام حسین (ع) می‌ماند و بعد از ظهر روز جمعه به حله برمی‌گشت.

در یکی از روزها به طرف کربلا رهسپار بود شخصی با او همراه شد علامه با رفیق تازه‌اش شروع به صحبت کرد و فهمید که با مردی بزرگ و عالمی و ارسته هم صحبت شده است هر مسئله مشکلی که می‌پرسید رفیق راهش، جواب می‌داد. علامه که خود را یگانه دهر می‌دانست از علم رفیقش متحیر شد و در مسئله‌ای آن شخص بر خلاف فتوای علامه فتوا داد.

علامه گفت: این فتوای شما بر خلاف اصل و قاعده است دلیلی در مورد این قاعده نداریم. آن شخص گفت: «چرا دلیل موثقی داریم که شیخ طوسی در کتاب تهذیب در وسط فلان صفحه آن را نقل کرده است» علامه گفت: من چنین حدیثی را در کتاب تهذیب ندیده‌ام آن شخص گفت «کتاب تهذیبی که پیش تو هست در فلان صفحه و سطرش این حدیث مذکور است!» علامه در دنیایی از حیرت فرو رفت زیرا که این شخص نا شناس به تمام علائم نسخه منحصر به فرد این کتاب تهذیب آگاهی داشت.

علامه فهمید که در برابر استاد علامه‌ها و دانشمندان قرار گرفته لذا شروع کرد به ذکر مسائل مشکله‌ای که برای خودش حل نشده بود در این موقع تازیانه‌ای را که در دست داشت به زمین افتاد در همین حال از آن شخص پرسید که آیا در زمان غیبت کبری امکان ملاقات با امام زمان (ع) هست. آن شخص تازیانه را از زمین برداشت و به علامه داد و در حالیکه دستش به علامه رسید فرمود:

«چگونه نمی‌توان امام زمان (ع) را دید در صورتیکه اینک دست او در دست توست»

علامه چون متوجه شد خود را به دست و پای امام زمان (ع) انداخت و آن چنان محو آن حضرت شد که مدتی چیزی نفهمید. پس از آنکه به حال خود آمد کسی را ندید، به خانه مراجعت کرد و فوری کتاب تهذیب خود را باز نمود و دید آن حدیث با همان علائم از صفحه و سطر تطبیق می‌کند در حاشیه همان کتاب نوشت:

این حدیثی است که مولایم امام زمان (ع) مرا به آن خبر داده است عده‌ای از علما همان خط را در حاشیه همان کتاب دیده‌اند.

همینکه علامه شنید یکی از علمای بزرگ اهل تسنن کتابی در ردّ شیعه نوشته و با آن عده‌ای را گمراه نموده ولی آن کتاب را در دسترس قرار نمی‌دهد علامه مدتها بطور ناشناس در پیش آن عالم سنّی شاگردی کرد تا بلکه آن کتاب را به دست بیاورد و به حمایت از تشیع بر آن ردّ بنویسد تا آنکه از آن عالم تقاضا کرد که چند روزی آن کتاب را به امانت به علامه بدهد. آن عالم کتاب را در اختیار علامه نمی‌گذاشت سپس حاضر شد که آن کتاب را یک شب به علامه بدهد و

گفت من نذر کرده‌ام که این کتاب را بیش از یک شب به کسی ندهم. علامه با اشتیاق تمام آن کتاب را به خانه آورد و تصمیم گرفت همان شب از تمام آن کتاب نسخه برداری کند، (تا بعداً به رد آن بپردازد).

مشغول نوشتن آن کتاب شد، چند صفحه‌ای نوشت، خسته شد، و خواب او را گرفت در همین حال ناگاه دید مرد عربی وارد اتاق شد و گفت:

«ای علامه تو کاغذها را خط کشی کن من برایت می‌نویسم»

علامه بی درنگ مشغول خط کشی شد ولی در همین حال خوابش برد وقتی که بیدار شد دید تمام کتاب را آن مرد عرب نوشته و در پایان آن این جمله به چشم می‌خورد:

«كُتِبَهُ الْحُجَّةُ» این کتاب را حجت (عج) نوشته است.<sup>(۱)</sup>

۴- راهنمایی حضرت مهدی (عج) در مسجد جمکران

یکی از افراد موثق از مرجع تقلید، مرحوم حضرت آیت الله العظمی سید شهاب الدین نجفی مرعشی (متوفی ۷ صفر ۱۴۱۴ هـ.ق) نقل کردند که ایشان فرمودند:

یکی از علمای نجف اشرف که مدتی به قم آمده بود برای من نقل کرد، مشکلی داشتم به مسجد جمکران رفتم و درد دلم را در عالم معنا به حضرت ولی عصر (عج) عرض کردم و از او خواستم که وساطت کرده از درگاه خدا شفاعت کند تا مشکل من حل گردد برای این منظور بطور مکرر به مسجد جمکران رفتم ولی نتیجه‌ای نگرفتم تا این که روزی در آن مسجد در هنگام نماز دلم شکست و خطاب به آقا امام زمان (ع) عرض کردم:

مولا جان آیا جایز است که من در محضر شما و در منزل شما باشم و به دیگری متوسل شوم؟ شما امام من هستید.

آیا زشت نیست با وجود امامی مانند شما حتی به علمدار کربلا قمر بنی هاشم (ع) متوسل شوم و او را نزد خدا شفیع قرار دهم؟

از شدت ناراحتی بین خواب و بیداری قرار گرفته بودم ناگهان با چهره نورانی قلب عالم امکان «حضرت بقیة الله (عج)» روبرو شدم بی درنگ سلام کردم جواب سلامم را داد و فرمود:

«نه تنها زشت نیست و ناراحت نمی‌شوم که به علمدار کربلا متوسل گردی بلکه به شما راهنمایی نیز می‌کنم که هنگام توسل به علمدار کربلا چه بگویی.

هنگامی که برای روای حاجت به آن حضرت متوسل شدی بگو:

«يَا أَبَا الْغَوْثِ الْأَرْكَنِيِّ» ای پدر پناه دهندگان به فریادم برس و به من پناه ده<sup>(۲)</sup>

۵- تشرّف یکی از فرزندان آیت الله اراکی (ره)

حضرت آیت الله شیخ محمد رازی نقل می‌کند، آیت الله العظمی شیخ محمد علی اراکی در شب

۱- حضرت مهدی (ع) فروغ تابان ولایت ص ۲۴۹ تا ص ۲۵۳

۲- حضرت مهدی (ع) فروغ تابان ولایت ص ۲۶۷ و ۲۶۸

سه شنبه ۲۶ ربیع الثانی (۱۳۹۳ هـ ق) برای اینجانب نقل فرمود که دخترم همسر حجة الاسلام حاج سید آقای اراکی است می خواست به مکه برود ترس داشت از تزامم حجاج که شاید نتواند طواف را کاملاً انجام دهد من به او گفتم این ذکر را مداومت کن «یا حفظ یا علیم» و مشرف شد و بعد از مراجعت به من گفت: آن ذکر را مداومت نمودم که در موقع طواف با ازدحام مردم مخصوصاً سودانیها روبرو شدم ترسیدم که من در اینجا محرمی ندارم تا مواظب باشد که به من تهنه نزنند و من را نیندازند یک وقت دیدم کسی به من گفت به امام زمان (ع) متوسل شو. من گفتم امام زمان (ع)!! گفت همین آقا که جلوی تو می رود امام زمان (ع) است.

من دیدم آقای بزرگواری جلوی من است و اطراف او به قدر یکمتر تقریباً حریم است و خالی است، واحدی جرأت ورود به این حریم را ندارد به من گفته شد در این حریم وارد شو پشت سر آقا، من فوراً قدم به حریم گذارده به طوریکه دستم به پشت آقا می رسید دست بر پشت آقا کشیده و به صورت خود می مالیدم و می گفتم قربانت بروم ای امام زمان (ع) به طوری گرم سرور بودم که غفلت کردم بر حضرتش سلام کنم و هفت شوط طواف را در پشت سر آقا بدون مزاحمت انجام دادم و تعجب می کردم که چطور از اینهمه جمعیت کسی وارد حریم نمی شود.<sup>(۱)</sup>

۶ - محبت امام زمان (عج) به شیخ مفید

محمد بن محمد بن نعمان که از علمای بسیار برجسته شیعه و مورد قبول شیعه و اهل تسنن بود و مرجع خاص و عام به شمار می رفت و بیش از ۲۰۰ کتاب اسلامی نوشت و آبروی شیعه در قرن پنجم بود و در همه رشته های علوم اسلامی استاد و نابغه به شمار می آمد: روزی در خانه بود شخصی به حضورش آمد و پرسید زنی حامله فوت کرده ولی بچه در رحمش زنده است، آیا او را همانطور دفن کنیم یا شکمش را شکافته و بچه اش را بیرون آوریم؟ شیخ مفید گفت همانگونه دفنش کنید، آن شخص برگشت و در وسط راه سواری به او نزدیک شد و گفت:

شیخ فرمود: شکم آن زن را پاره کنید و بچه را بیرون آورید.

آن شخص چنین کرد، پس از مدتی جریان را برای شیخ مفید نقل کردند شیخ گفت: من کسی را نفرستاده بودم معلوم است که آن سوار صاحب الامر (عج) بوده است اکنون که در احکام اشتباه می کنم خوب است دیگر فتوا ندهم، در خانه اش را بست و از خانه بیرون نیامد. ساعاتی نگذشت در خانه به صدا درآمد و از طرف امام زمان (عج) توقیعی (نوشته ای) به خدمت شیخ مفید گذاشته شد:

«ای شیخ برای مردم فتوا بگو و ما آن را تکمیل خواهیم کرد و نمی گذاریم که در خطا و اشتباه بمانی» آنگاه شیخ مفید مجدداً در مسند فتوا نشست.

چندین بار از جانب امام زمان (عج) برای این مرد بزرگوار نوشته ای به خط شریف آن حضرت

صادر شد در آغاز یکی از آنها آمده:

«به برادر استوار و ولی رشید شیخ مفید، سلام خدا بر تو ای ولی خالص در راه ما و دارای یقین به ما...» لازم به توضیح است که لقب (شیخ مفید) را حضرت ولی عصر (عج) به این عالم برجسته شیعه عطا کرده است.

و در توقیع دیگری آمده:

«سلام بر تو ای یاور حق و دعوت کننده به حق با سخنان راستین...»

هنگامی که این عالم بزرگوار از دنیا رفت با خط شریف امام زمان (عج) بر روی قبرش نوشته شده بود:

«خبر دهنده مرگ خبر فقدان تو را نیاورد، امروز بر آل محمد (ص) روز مصیبت بزرگی است اگر تو در میان خاک قبر پنهان شدی علم و توحید همراه تو اقامت کرد.

قائم مهدی (عج) خوشحال می شود هر وقت که در سها و علوم تو را برایش می خوانند. (۱)»

می نویسند: شیخ مفید در سن ۸۵ سالگی در ۳ رمضان سال ۴۱۳ (هق) از دنیا رفت وی را در حرم کاظمین دفن کردند.

در ضمن در یکی از نامه های امام زمان (عج) به شیخ مفید آمده:

«ما اگر چه در مکانهای دور از ظالمان بسر می بریم خداوند متعال صلاح ما و شیعیان مؤمن ما را مادام که دنیا در دست فاسقان است چنین خواسته ما به ماجرای زندگی شما کاملاً اطلاع داریم و از اخبار و آزاری که از ناحیه دشمنان به شما می رسد با خبریم... ولی ما شما را فراموش نمی کنیم و توجه کامل به شما داریم و گرنه سخت در فشار (دشمن) قرار می گرفتید «تقوی و پرهیزگاری را پیشه کنید» (۲)»

امام (ع) در ضمن نامه دیگر برای شیخ مفید چنین می نویسد:

«اگر پیروان ما به اتفاق با صدق قلب، وفای به عهد کنند، برکت ملاقات با ما از آنها تأخیر نمی افتد و سعادت دیدار ما سریعاً به آنها با کمال شناخت و خلوص خواهد رسید، خداوند یار و یاور است و او برای ما کافی است...»

این نامه در شوال سال ۴۱۲ هق از ناحیه مقدسه امام زمان (عج) برای شیخ مفید صادر شده است. (۳)

این گفتار حاکی است که پنهان شدن امام قائم (عج) به خاطر عدم پذیرش جامعه است و دنیا تا در دست رهبران فاسق است امام (عج) پنهان است و باید دنیا را از دست رهبران فاسق گرفت تا زمینه سازی ظهور امام (عج) فراهم گردد و اگر جامعه صالح گردد و همه با کمال خلوص به اتفاق در برابر دشمن بایستند به ملاقات امام (عج) خواهند رسید.

۱ - بحار الانوار، ج ۵۳ ص ۱۵۰ تا ۱۹۸ با تلخیص و تصرف

۲ - احتجاج طبرسی، ج ۲ ص ۳۲۲

۳ - حضرت مهدی (ع) فروغ تابان ولایت ص ۲۷۰ تا ۲۷۵ با تلخیص

ضمناً ناگفته نماند توقیعات امام عصر (عج) برای بعضی از علمای دیگر نیز صادر شده از جمله برای علی بن الحسین بن موسی بن بابویه معروف به ابن بابویه «پدر شیخ صدوق» که در قم دفن است و حرم و بارگاه دارد وی در زمان خود فقیه و پیشوای مردم قم بوده و حدود دویست جلد کتاب نوشته و در سال ۳۲۹ هـ ق به دیار ابدی مسکن گزیده است.

۷ - تشرّف حجة الاسلام حاج شیخ تقی زرگری به خدمت امام زمان (عج) آقای سید حسن ابطی مؤلف کتاب ملاقات با امام زمان (ع) نقل می‌کند:

اهل بیت مرحوم حجه الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ تقی زرگری که یکی از اولیاء خدا بود و من شرح حالی از او در کتاب (پرواز روح) نقل کرده‌ام میگفت: در نیمه شب شانزدهم ماه مبارک رمضان ۱۳۹۸ هـ ق با صدای گریه و مناجات مرحوم حاج میرزاتقی زرگری از خواب بیدار شدم عطر عجیبی فضای اتاق را پر کرده بود، پرسیدم چه شده؟! گفت: نمیدانی چه خبر بود حضرت بقیة الله روحی له الفداه تشریف داشتند، مدتی خدمتشان نشسته بودم و الان که رفتند فراق ایشان مرا ناراحت کرده است.

گفتم: پس چرا مرا بیدار نکردی؟

گفت: آقا فرمودند بگذار بخوابد.

گفتم: مذاکراتی هم داشتید؟

گفت: سؤالاتی از آقا کردم و ایشان جواب عنایت فرمودند ولی نمیتوانم همه سؤالاتم را بتو بگویم.

گفتم: آنچه را می‌توانید، بگوئید.

گفت: از اوضاع مملکت از آقا سؤال کردم

فرمود: «شاه میرود و رژیم سرنگون می‌شود و فرج نزدیک است»

(با آنکه در آنروز مردم فکر نمی‌کردند که قدرتمندی چون شاه سرنگون شود)

پرسیدم: شفای کسالتت را از آقا خواستی؟

گفت: من باید از دنیا بروم چند ماه هم دیر شده است.

سپس خود او ادامه داد و گفت: از حضرت بقیة الله (علیه السلام) سؤال کردم چگونه میشود خدمتتان رسید؟

فرمودند: من همیشه با شما هستم هر وقت بخواهید مرا می‌بینید.

بهر حال آن شب گذشت و از آنشب ببعده مرحوم حاج میرزا تقی رحمة الله غالباً حالش دگرگون بود تا دارفانی را وداع کرد.<sup>(۱)</sup>

۸ - تشرّف مرحوم مقدّس اردبیلی به خدمت امام زمان (عج)

عالم بزرگوار مرحوم مقدّس اردبیلی (متوفی - ۹۹۳) رادمردی بزرگ که در تقوی و علم و عبادت



بی نظیر بود. هرگاه مسائل دشواری برایش پیش می آمد که از حل آن عاجز بود خود را به کنار ضریح مقدس حضرت امیرالمومنین علی (ع) می رسانید و از آن حضرت سؤال نموده و آن حضرت نیز پاسخش را می فرمود. یکی از شاگردان خاص آن مرحوم می گوید:

یکی از شبها که در صحن مطهر حضرت امیرالمومنین علی (ع) در حالیکه شب از نیمه گذشته بود قدم می زدم. ناگهان در آن فضای نورانی، شبی را دیدم که به سوی حرم شریف روان است در حالیکه همه درهای حرم مطهر قفل بودند با کنجکاوی او را تعقیب کردم دیدم که چون به در حرم نزدیک شد قفلها باز شدند و در حرم گشوده شد. او به هر دری که دست می گذاشت باز میشد. تا اینکه با کمال وقار و سنگینی کنار حرم مطهر حضرت علی (ع) ایستاد و سلام نمود.

من جواب سلام او را شنیدم سپس با همان صاحب صدا شروع به صحبت کرد پس از لحظه ای از حرم خارج شد و از شهر بیرون رفت و به سوی مسجد کوفه سرازیر شد. من نیز او را تعقیب کردم تا به مسجد کوفه رسیدیم. در مسجد کوفه داخل محراب گردید و با کسی مشغول گفتگو شد سخنانش که به اتمام رسید از مسجد خارج گردید و به سوی شهر مراجعت نمود نزدیک دروازه نجف که رسید تازه سپیده صبح دمیده بود. ناگهان در طول راه مرا عطسه ای گرفت که نتوانستم جلوی آن را بگیرم و آن مرد متوجه من شد و برگشت. چون به چهره اش نگریستم دیدم استادم آیت الله مرحوم مقدس اردبیلی است. پس از سلام و انجام مراحل ادب به ایشان عرض کردم که:

من در طول شب از لحظه ورود به حرم مطهر تاکنون همراه شما بوده ام. لطفاً بفرمائید که در حرم مطهر و در محراب مسجد کوفه با چه کسی سخن می گفتید؟

مرحوم مقدس اردبیلی ابتدا از من قول گرفتند که این راز را تا زمانی که ایشان در قید حیات هستند فاش نکنم. سپس فرمودند:

فرزندم، گاه میشود که حل مسائل بر من دشوار میگردد و از گشودن آن عاجز می شوم.

خدمت حلال مشکلات حضرت علی (ع) شرفیاب می شوم و جواب آن را از مولایم می گیرم.

اما شب گذشته حضرت امیر المومنین (ع) مرا به سوی حضرت صاحب الزمان (ع) راهنمایی کرد و فرمود:

«فرزندم مهدی (ع) در مسجد کوفه است، او امام زمان توست، نزد او برو و مسائلت را از او فراگیر.»

و من به امر آن حضرت داخل مسجد کوفه شدم و از حضرتش که در محراب ایستاده بودند یعنی مولایم حضرت بقیة الله ارواح العالمین له الفداء مشکلاتم را پرسیدم.<sup>(۱)</sup>

تشرّف سید رشتی و داستان تشرّف حاج علی بغدادی در کتاب مفاتیح الجنان نقل شده ولی به دلیل اهمیتی که این دو حکایت دارند ما آنها را در این جا می آوریم.



۹- تشرّف سید رشتی به خدمت امام زمان (عج)

حاجی نوری می گوید:

جناب مستطاب تقی صالح سید احمد بن سید هاشم بن سید حسن موسوی رشتی تاجر ساکن رشت ایده الله تعالی (پس از مطالبیکه نقلش زیاد مفید نیست میگوید) سید رشتی برایم نقل کرد و گفت:

در سال هزار و دویست و هشتاد (۱۲۸۰) بقصد حج از رشت به تبریز آمدم و در منزل حاج صفر علی تاجر تبریزی معروف وارد شدم و چون قافله‌ای برای رفتن به مکه نبود متحیر بودم که چه باید بکنم تا آنکه حاجی جبار جلودار سدهی اصفهانی قصد رفتن به طرابوزن را داشت من هم از او مالی کرایه کردم و با او رفتم، در منزل اول سه نفر دیگر هم بنام حاج ملا محمد تاجر تبریزی و حاج سید حسین تاجر تبریزی و حاج علی به من ملحق شدند و همه با هم روانه راه شدیم تا رسیدیم به ارض روم و از آنجا عازم طرابوزن شدیم.

در یکی از منازل بین راه حاج جبار جلودار نزد ما آمد و گفت این منزل که در پیش داریم بسیار مخوف است لطفاً قدری زودتر حرکت کنید تا بتوانیم همراه قافله باشیم (البته در سایر منزلها غالباً ما از قافله فاصله داشتیم)

ما فوراً حرکت کردیم و حدود دو ساعت و نیم و یا سه ساعت به صبح با قافله حرکت کردیم حدود نیم فرسخ که از منزل دور شدیم برف تندی باریدن گرفت هوا تاریک شد رفقا سر شانراپوشانده بودند و با سرعت میرفتند و من هر چه کردم که خودم را به آنها برسانم ممکن نشد تا آنکه آنها رفتند و من تنها ماندم از اسب پیاده شدم و در کنار راه نشستم و فوق العاده ناراحت و مضطرب بودم چون حدود ششصد تومان برای مخارج همراه بود. بالاخره فکرم به اینجا رسید که تا صبح همین جا بمانم و چون هنوز تازه از شهر بیرون آمده بودیم می توانم به جائیکه از آنجا حرکت کرده‌ام برگردم و چند محافظ بردارم و خودم را به قافله برسانم. ناگهان همان گونه که در این افکار بودم در مقابل خود آنطرف جاده باغی دیدم و در آن باغ، باغبانی، بنظرم رسید که بیلی در دست داشت و به درختها میزد که برف از آنها بریزد. باغبان نزد من آمد و با فاصله کمی ایستاد و بازبان فارسی گفت: تو کی هستی؟ گفتم: رفقا رفته‌اند و من مانده‌ام، و راه را نمی دانم.

گفت: نافله بخوان تا راه را پیدا کنی من مشغول نافله شب شدم پس از پایان تهجد دوباره آمد و گفت: نرفتی؟

گفتم: والله راه را نمیدانم، فرمود زیارت جامعه بخوان من با آنکه زیارت جامعه را حفظ نبودم و هنوز هم حفظ نیستم آنجا مشغول زیارت جامعه شدم و تمام آن را بدون غلط از حفظ خواندم. باز آمد و گفت هنوز نرفتی و اینجا هستی؟ من بی اختیار گریه کردم. گفتم بله هنوز هستم، راه را بلد نیستم که بروم.

فرمود: زیارت عاشورا را بخوان من بر خاستم و ایستادم و زیارت عاشورا را با آنکه حفظ نبودم و تا به حال هم حفظ نیستم از اول تا به آخر با صد لعن و صد سلام و دعاء علقمه خواندم. پس از آنکه تمام کردم باز آمد و فرمود نرفتی، هستی؟

گفتم: تا صبح اینجا هستم.

فرمود: الان تو را به قافله میرسانم سوار الاغ شد و بیلش را به روی دوشش گذاشت و فرمود: ردیف من بر الاغ سوار شو و من سوار شدم و مهار اسبم را کشیدم اسب نیامد و از جا حرکت نکرد.

فرمود: مهار اسب را به من بده به او دادم، بیل را به دوش چپش گذاشت و مهار اسب را گرفت و به راه افتاد، اسب فوراً حرکت کرد در بین راه دست روی زانوی من گذاشت و فرمود: شما چرا نافله (شب) نمیخوانید؟! نافله، نافله، نافله (این جمله را سه بار برای تأکید و اهمیت آن تکرار کرد) باز فرمود: شما چرا زیارت عاشورا نمیخوانید؟ عاشورا، عاشورا، عاشورا و بعد فرمود شما چرا زیارت جامعه نمیخوانید. جامعه، جامعه، جامعه و با تکرار به این سه موضوع تأکید زیادی فرمود. او راه را دایره‌وار می‌رفت یکمرتبه برگشت و فرمود آنها رفقای شما هستند. دیدم آنها لب جوی آبی پائین آمده‌اند و مشغول وضو برای نماز صبح هستند من از الاغ پیاده شدم که سوار اسب شوم و خود را به آنها برسانم ولی نتوانستم سوار اسب شوم. آن آقا از الاغ پیاده شد و مرا سوار اسب کرد و سر اسب را به طرف همسفرانم برگرداند، در آن حال به فکر افتادم که این شخص چه کسی بود که اولاً فارسی حرف می‌زد، با آنکه در آن منطقه فارسی زبان نیست و همه ترکند و مذهبی جز مسیحیت در آنجا نیست این مرد به من دستور نافله و زیارت عاشورا و زیارت جامعه می‌داد و مرا پس از آنهمه معطلی که در آنجا داشتم به این سرعت به رفقایم رساند؟! و بالاخره متوجه شدم که او حضرت بقیة اللہ ارواحناه له الفداه بوده است وقتی به عقب سر خود نگاه کردم احدی را ندیدم و از او اثری نبود.

۱۰- تشرّف حاج علی بغدادی به خدمت امام زمان (عج)

حاج علی بغدادی نقل کرد که هشتاد تومان سهم امام (ع) به گردنم بود و لذا به نجف اشرف رفتم و بیست تومان از آن پول را به جناب شیخ مرتضی دادم و بیست تومان دیگر را به جناب شیخ محمد حسن مجتهد کاظمینی و بیست تومان به جناب شیخ محمد حسن شروقی دادم. و تنها بیست تومان دیگر به گردنم باقی بود که قصد داشتم وقتی به بغداد برگشتم به شیخ محمد حسن کاظمینی آل (یس) بدهم و مایل بودم که وقتی به بغداد رسیدم در ادای آن عجله کنم.

در روز پنج شنبه‌ای بود که به کاظمین به زیارت حضرت موسی ابن جعفر (ع) و حضرت امام محمد تقی (ع) رفتم و خدمت جناب شیخ محمد حسن کاظمینی آل (یس) رسیدم و مقداری از آن بیست تومان را دادم و بقیه را وعده کردم که بعد از فروش اجناس به تدریج به من حواله دهند که بدهم و بعد، همان روز پنج شنبه عصر به قصد بغداد حرکت کردم ولی جناب شیخ خواهش کرد

که بمانم عذر خواستم و گفتم باید بروم و مزد کارگران کارخانه شعر بافی را بدهم چون رسم چنین بود که مزد تمام هفته را در شب جمعه می‌دادند.

لذا بطرف بغداد حرکت کردم وقتی یک سوم راه را رفتم سید جلیل القدری را دیدم که از طرف بغداد رو به من می‌آید وقتی نزدیک شد به من سلام کرد و دستهای خود را دراز کرد و فرمود: اهلاً و سهلاً و مرا را در بغل گرفت و با هم با کمال محبت معانقه کردیم و هر دو یکدیگر را بوسیدیم.

بر سر مبارکش عمامه سبز روشنی و روی صورتش خال سیاهی بود

ایستاد و فرمود: حاج علی خیر است کجا می‌روی؟

گفتم: کاظمین بودم زیارت کردم حالا به بغداد بر می‌گردم.

فرمود: امشب شب جمعه است بیا به کاظمین بر گردیم.

گفتم: آقای من نمی‌توانم و امکانات ندارم.

فرمود: داری، بر گرد تا نزد جدّم امیرالمؤمنین (علیه السلام) شهادت دهم که تو از دوستان و موالیان ما هستی و شیخ هم شهادت می‌دهد، ما دو شاهد می‌شویم خدای تعالی هم فرموده دو شاهد بیاورید.

من می‌خواستم جناب شیخ را ببینم و از او تقاضا کنم که چیزی بنویسد که من از موالیان اهل بیت عصمت و طهارت هستم و آن را در کفن خود بگذارم.

گفتم: شما این مطلب را از کجا می‌دانید و چطور شهادت می‌دهید؟!

فرمود: کسیکه حقّ او را به او می‌رساند چگونه رساننده را نمی‌شناسد؟

گفتم: چه حقّی؟ فرمود: آنچه به وکلای من می‌رساندی! گفتم: وکلای شما کیست؟

فرمود: شیخ محمّد حسن! گفتم او وکیل توست؟!

فرمود: وکیل من است.

اینجا در خاطرم گذشت این سید جلیل که مرا به اسم صدا زد با آن که مرا نمی‌شناخت، کیست؟ به خودم جواب دادم شاید او مرا می‌شناسد و من او را فراموش کرده‌ام! حتماً این سید از سهم سادات از من چیزی می‌خواهد خوب است از سهم امام (ع) چیزی به او بدهم.

لذا به او گفتم از حق شما پولی نزد من بود که به آقای شیخ محمّد حسن مراجعه کردم و باید با اجازه او چیزی به دیگران بدهم.

او به روی من تبسمی کرد و فرمود: بله بعضی از حقوق ما را به وکلای ما در نجف رساندی.

گفتم: آنچه را داده‌ام قبول است؟

فرمود: بله

من به خود گفتم این سید کیست که علمای اعلام را وکیل خود می‌داند؟

سپس به من فرمود: بر گرد با هم برویم جدم را زیارت کن من برگشتم او دست چپ مرا در دست راست خود نگه داشته بود و با هم قدم زنان بطرف کاظمین می رفتیم در طرف راست من نهر آب صاف و شفاف جاری بود و درختان مرکبات، لیمو و نارنج و انار و انگور و غیره همه با میوه، در وقتیکه موسم آنها نبود بر سرمان سایه افکنده بودند.

گفتم: این نهر و این درختان چیست؟

فرمود: هر کسی از موالیان و دوستان ما باشد و جدم را زیارت کند اینها با او هست.

گفتم: سؤالی دارم؟

فرمود: بپرس.

گفتم: می گویند کسی که در تمام عمر خود روزها روزه بگیرد و شبها را عبادت کند و چهل حج و چهل عمره کند و در میان صفا و مروه بمیرد و از دوستان و موالیان امیرالمومنین (ع) نباشد برای او فایده‌ای ندارد؟

فرمود: آری و الله برای او چیزی نیست. (حاج علی سؤالیهای زیادی از آن حضرت نموده و پاسخهای آن را دریافت کرد که برای اختصار مطلب در اینجا آورده نشده و هر کس طالب آن باشد به کتاب ملاقات با امام زمان (علیه السلام) و یا کلیات مفاتیح الجنان رجوع کند)

پس از پیمودن مسافتی بجایی رسیدیم که جاده پهن بود و دو طرفش باغات بود و شهر کاظمین در مقابل ما قرار داشت و قسمتی از آن جاده متعلق به بعضی از ایتام سادات بود که حکومت به زور از آنها گرفته بود و معمولاً اهل تقوا که از آن اطلاع داشتند از آن جاده عبور نمی کردند ولی دیدم آن آقا از روی آن قسمت از این زمین عبور می کند!

گفتم: ای آقای من این زمین مال بعضی از ایتام سادات است و تصرف در آن جایز نیست!

فرمود: این مکان مال جد ما امیرالمومنین (ع) و ذریه او و اولاد ما است، برای موالیان ما تصرف در آن حلال است.

در این وقت رسیدیم به جوی آبی که از شط دجله برای مزارع کشیده‌اند و از میان جاده می‌گذرد و بعد از آن دوراهی می‌شود که هر دو راه به کاظمین می‌رود یکی از آن دو راه اسمش راه سلطانی است و راه دیگر به راه سادات معروف بود من به آقا عرض کردم بیایید از راه سلطانی برویم.

فرمود: نه از راه خودمان می‌رویم.

از آنجا چند قدمی بر داشتیم خودم را در صحن کاظمین کنار کفشداری دیدم هیچ کوچه و بازاری را ندیدم داخل ایوان شدیم و از طرف باب المراد که طرف شرقی حرم است و پائین پای مقدس است وارد شدیم و آقا آن دخول نخواند و وارد حرم شد و ایستاد و فرمود: زیارت کن.

گفتم: سواد ندارم

فرمود: برای تو زیارت بخوانم؟ گفتم: بله

آقا بر یک یک ائمه سلام کرد تا رسید به حضرت امام حسن عسکری (ع) و فرمود: السّلام علیک یا ابا محمّد الحسن العسکری. بعد از آن به من فرمود: امام زمانت را می‌شناسی؟  
گفتم: چطور نمی‌شناسم.

فرمود: به او سلام کن گفتم السّلام علیک یا حجّة اللّٰه یا صاحب الزّمان یا بن الحسن آقا تبسّمی کرد و فرمود: علیک السّلام و رحمة اللّٰه و برکاته پس داخل حرم شدید و خود را به ضریح مقدّس چسبانیدیم و ضریح را بوسیدیم به من فرمود: زیارت بخوان.  
گفتم: سواد ندارم.

فرمود: من برای تو زیارت بخوانم؟

گفتم: بله

فرمود: کدام زیارت را برای تو بخوانم؟

گفتم: هر زیارتی که افضل است.

فرمود: زیارت امین اللّٰه افضل است. سپس مشغول زیارت امین اللّٰه شد و تا آخر زیارت را خواند.

در اینجا چراغهای حرم را روشن کردند یعنی شمعها روشن شد ولی دیدم حرم روشنی دیگری هم دارد نوری مانند نور آفتاب در حرم می‌درخشد و شمعها مثل چراغی بودند که در آفتاب روشن شده باشد و آنچنان مرا غفلت گرفته بود که به هیچ وجه متوجّه این همه از آیات و نشانه‌ها نمی‌شدم.

وقتی زیارت‌مان تمام شد آقا به من فرمودند آیا مایلی جَدَم حسین بن علی (ع) را زیارت کنی؟  
گفتم: بله. شب جمعه است زیارت می‌کنم سپس به طرف شرقی حرم مطهر آمدم. آقا برایم زیارت وارث را خواندند در این وقت مؤذن اذان مغرب را گفت به من فرمودند به جماعت ملحق شو و نماز بخوان، ما با هم به مسجدی که پشت سر مقدّس است رفتیم آنجا نماز جماعت اقامه شده بود. خود ایشان فرادی محاذی امام جماعت مشغول نماز شد و من در صف اول ایستادم و نماز خواندم وقتی نماز تمام شد نگاه کردم دیدم آقا نیست. با عجله از مسجد بیرون آمدم و در میان حرم گردیدم او را پیدا نکردم البته قصد داشتم او را پیدا کنم و چند قرانی به او بدهم و شب او را مهمان کنم.

ناگهان از خواب غفلت بیدار شدم با خود گفتم این سید که بود؟ این همه معجزات و کرامات که در محضر او انجام شد و من امر او را اطاعت کردم و از میان راه برگشتم در صورتی که به هیچ قیمتی بر نمی‌گشتم و اینکه او اسم مرا می‌دانست با آنکه او را ندیده بودم و جریان شهادت او و اطلاع از خطورات دل من و دیدن درختها و آب جاری در غیر فصلش و جواب سلام من وقتی که به امام زمان (عج) سلام عرض کردم و غیره!!!

بالاخره به کفشداری آمدم و پرسیدم آن آقا که با من مشرف شد کجارت؟ گفتند: بیرون رفت.

ضمناً کفشدار پرسید: این سید رفیق تو بود؟ گفتم: بله. خلاصه او را پیدا نکردم به منزل میزبانم رفتم و شب را صبح کردم صبح زود خدمت آقای شیخ محمد حسن رفتم و جریان را نقل کردم. او دست به دهان خود گذاشت و به این و سیله به من فهماند که این قصه را به کسی اظهار نکنم و فرمود: خداتو را موفق فرماید. منم قضیه را به کسی نمی‌گفتم تا آنکه یک ماه از این جریان گذشت. یک روز در حرم مطهر کاظمین سید جلیلی را دیدم نزد من آمد و پرسید: چه دیده‌ای؟ گفتم: چیزی ندیده‌ام. او بازاعاده کرد، منم باز گفتم چیزی ندیده‌ام و به شدت آن را انکار کردم، ناگهان او از نظرم غائب شد و دیگر او را ندیدم.<sup>(۱)</sup> ظاهراً این برخورد سبب شد که حاج علی بغدادی قضیه را برای مردم نقل کند.

#### ۱۱ - فریاد رسی امام زمان (ع) به زائران خانه خدا

از آقای حاج شیخ اسماعیل نمازی که در مشهد ساکن است قصه‌ای معروف است: خود او می‌گوید: در یکی از سالها که جمعی از اهل مشهد را من به عنوان حمله دار به زیارت بیت الله الحرام می‌بردم و در آن زمان از راه نجف اشرف از بیابان بی آب و علف و پر از شن می‌رفتیم جاده آسفالته نبود و حتماً باید غذا و آب و بنزین کافی همراه داشته باشیم تا در راه نمانیم، ما از همه نظر و وضعیت مرتب بود حتی دو نفر هم راننده داشتیم یکی از دو راننده آدم با تقوایی نبود اتفاقاً آن روز نزدیک غروب وسط بیابان، او پشت فرمان نشسته بود. ما به او گفتیم شب نزدیک است همین جا می‌مانیم صبح با خیال راحت حرکت می‌کنیم او به ما اعتنایی نکرد و به راه خود ادامه داد تا این که هوا کاملاً تاریک شد ناگهان ایستاد و گفت: دیگر راه معلوم نیست ما همه پیاده شدیم و شب را در همانجا ماندیم صبح که هوا روشن شد دیدیم به کلی جاده کور شده و باد، شنها را آورده و حتی جای چرخهای ماشین هم معلوم نیست و ما نمی‌دانیم که از کجا آمده‌ایم. من به مسافرین گفتم سوار شوید و به راننده گفتم حدود ده فرسخ به طرف مشرق و ده فرسخ به طرف مغرب و ده فرسخ بطرف جنوب و ده فرسخ به طرف شمال می‌رویم تا راه را پیدا کنیم راننده قبول کرد و در آن بیابان بی آب و علف تا شب کارمان همین بود، روز دوم به همان ترتیب سپری شد اما اثری از جاده دیده نمی‌شد، بنزین ماشین هم تمام شد من خیلی پریشان بودم، غروب بود ماشین ایستاد آب هم جیره بندی شده بود و نزدیک بود تمام شود، آن شب به درگاه خدا زیاد عجز و ناله کردیم، صبح همه ما تن به مرگ داده بودیم زیرا نه آب داشتیم و نه بنزین و نه راه را می‌دانستیم من به مسافرین گفتم:

بیایید نذر کنیم اگر خدا ما را از این بیابان نجات بدهد هر چه داریم در راه خدا بدهیم، همه قبول کردند و خود را بدست تقدیر سپردیم. هوا هر لحظه گرمتر می‌شد و قطعاً با نداشتن آب، مرگ عده‌ای از ما حتمی بود من فوق العاده مضطرب بودم چون مسئولیت زائران را بعهده داشتم لذا



از جا حرکت کردم و قدری از مسافرین فاصله گرفتم و به پشت تپه‌ای که در آن نزدیکی بود رفتم و با اشک و آه فریاد می‌زدم:

یا ابا صالح المهدی ادرکنی یا صاحب الزمان ادرکنی یا حجه بن الحسن ادرکنی سرم پایین بود قطرات اشکم بر روی زمین می‌ریخت ناگهان صدای پایی را شنیدم، سرم را بالا کردم مرد عربی را دیدم که مهار قطار شترهایی را گرفته و می‌خواهد عبور کند، صدا زدم آقا ما در اینجا گم شده‌ایم ما را به راه برسان.

شترها را خواباند نزد من آمد و سلام کرد من جواب گفتم. اسم مرا برد و گفت: نگران نباشید بیا تا من راه را به شما نشان بدهم و بعد شروع کرد به نشان دادن راه.

گفتم: آقا باز ما راه را گم می‌کنیم قرآن را از جیبم در آوردم و گفتم: شما را به این قرآن قسم میدهم خودتان ما را به راه برسانید. حالا توجه ندارم که او شترهایش را خوابانده و اینطور که می‌گوید حدود ده ساعت راه تا جاده داریم!

لذا زیاد اصرار کردم و او را قسم دادم او گفت بسیار خوب، همه سوار شوند و به آن راننده‌های که تقوای بیشتری داشت گفت: تو پشت فرمان بنشین، خودش هم پهلوی راننده نشست و من هم پهلوی او نشستم و از بس که همه ما خوشحال بودیم و یا تصرفی در فکر ما شده بود هیچ کدام از ما حتی راننده‌ها توجه نداشتند که بنزین ماشین در شب قبل تمام شده بود.

یکی دو ساعت راه را پیمودیم ناگهان به راننده دستور داد که نگهدار ظهر است نماز بخوانیم بعد حرکت کنیم همه پیاده شدیم در همان نزدیکی چشمه آبی بود خودش وضو گرفت و ما هم وضو گرفتیم او رفت و در کناری مشغول نماز شد و به من گفت تو هم با مسافرین نماز بخوان.

نماز مان که تمام شد و خستگی مان بر طرف شد فرمود سوار شوید که راه زیادی در پیش داریم همه سوار شدیم و حرکت کردیم و حدود غروب آفتاب به جاده اصلی رسیدیم در بین راه با ما فارسی صحبت می‌کرد و احوال علماء مشهد را از من می‌پرسید بعضی از آنها را تعریف می‌کرد و می‌فرمود: فلانی آینده خوبی دارد. در بین راه به ایشان گفتم:

ما نذر کرده‌ایم که اگر نجات پیدا کنیم همه اموالمان را در راه خدا انفاق کنیم. فرمود: عمل به این نذر لازم نیست.

بالاخره وقتی به جاده رسیدیم همه خوشحال از ماشین پیاده شدیم و من مسافرین را جمع کردم و گفتم هر چه پول دارید بدهید تا به این مرد عرب بدهیم چون خیلی زحمت کشیده است شترهایش را در بیابان رها کرده و با ما آمده است. ناگهان مسافرین از خواب غفلت بیدار شدند و گفتند: راستی این مرد کیست و چگونه بر می‌گردد؟!

دیگری گفت: شترهایش را در بیابان به که سپرده است؟!

سومی گفت: ماشین ما که بنزین نداشت این همه راه، از صبح تا غروب چگونه بدون بنزین آمده‌ایم؟!

خلاصه همه، سراسیمه بطرف آن مرد عرب دویدیم ولی اثری از او نیافتیم او رفته بود. در اینجا ما فهمیدیم که یک روز از صبح تا غروب را در خدمت امام زمان (ع) بوده‌ایم ولی او را نشناخته‌ایم. (۱)

۱۲ - تشرّف علی بن مهزیار به خدمت امام زمان (عج)

یکی از کسانی که به محضر مقدّس حضرت ولی عصر (عج) رسیده و اکثر کتبی که در این موضوع چیزی نوشته‌اند این قضیه را با شور عجیبی متذکر شده‌اند علی بن مهزیار است، ما هم قضیه او را پایان بخش حکایات این کتاب قرار می‌دهیم و از خدایتعالی تقاضا داریم که ما را هم در زمره این بزرگان قرار دهد.

جناب علی بن مهزیار که قبرش در اهواز زیارتگاه عموم است و بقعه و بار گاهی دارد میگوید: نوزده سفر هر سال به مکه مشرف میشدم تا شاید خدمت مولایم حضرت ولی عصر (عج) برسم.

ولی در این سفرها هر چه بیشتر تفحص کردم کمتر موفق به اثریابی از آنحضرت گردیدم. بالاخره مأیوس شدم و تصمیم گرفتم که دیگر به مکه نروم.

وقتی که دوستان عازم مکه بودند به من گفتند: مگر امسال به مکه مشرف نمی‌شوی؟ گفتم: نه امسال گرفتاریهایی دارم و قصد رفتن به مکه را ندارم.

شبى در عالم خواب دیدم که به من گفته شد امسال بیا سفرت را تعطیل نکن که انشاء الله به مقصدت خواهی رسید.

من با امیدى مهیای سفر شدم و قتی رفقا مرا دیدند تعجب کردند ولی به آنها از علت تغییر عقیده‌ام چیزی نگفتم. تا آنکه به مکه مشرف شدیم اعمال حج را انجام دادم در این مدت دائماً در گوشه مسجدالحرام تنها می‌نشستم و فکر می‌کردم.

گاهی با خود می‌گفتم، آیا خوابم راست بوده یا خیالاتی بوده است که در خواب دیدم. یک روز که سر در گریبان فرو برده، در گوشه‌ای نشسته بودم دیدم دستی بر شانهم خورد شخصی که گندم گون بود به من سلام کرد و گفت اهل کجایی؟ گفتم: اهل اهوازم.

گفت: ابن خصیب را می‌شناسی؟

گفتم: خدا رحمتش کند از دنیا رفت.

گفت: اَنَا لِلّٰهِ وَ اَنَا اِلَيْهِ زَا جَعُونََ مرد خوبی بود بمردم احسان زیادی میکرد خدا او را بیامرزد. سپس گفت: علی بن مهزیار را می‌شناسی؟

گفتم: بله خودم هستم.

گفت: اهلاً ومرحباً ای پسر مهزیار تو خیلی زحمت کشیدی برای مولایت حضرت بقیة الله (عج)،

بتو بشارت می‌دهم که در این سفر به زیارت آنحضرت موفق خواهی شد برو با رفقاییت خداحافظی کن و فردا شب در شعب ابی طالب بیا که من منتظر تو هستم تا تو را خدمت آقا ببرم. من با خوشحالی فوق العاده‌ای بمنزل رفتم و وسایل سفرم را جمع کردم و با رفقا خداحافظی نمودم و گفتم: برایم کاری پیش آمده که باید چند روزی به جایی بروم و آن شب به شعب ابی طالب رفتم دیدم او در انتظار من است.

او و من سوار شتر شدیم و از کوههای عرفات و منی گذشتیم و به کوههای طائف رسیدیم به من گفت پیاده شو تا نماز شب بخوانیم.

من پیاده شدم و با او نماز شب خواندم و باز سوار شدیم و راه را ادامه دادیم تا طلوع فجر دمید، پیاده شدیم و نماز صبح را خواندیم. من از جا حرکت کردم و ایستادم، هوا قدری روشن شده بود، به من گفت: بالای آن تپه چه می‌بینی؟

گفتم: خیمه‌ای می‌بینم که تمام این صحرا را روشن کرده است.

گفت: بله درست است منزل مقصود همانجا است جایگاه مولا و محبوب همانجا است آنوقت گفت: برویم.

گفتم: شترها را چه بکنیم؟

گفت: آنها را آزاد بگذار اینجا محل امن و امان است. با او تا نزدیک خیمه رفتم.

بمن گفت: تو صبر کن و خودش قبل از من وارد خیمه شد و چند لحظه بیشتر طول نکشید که بیرون آمد و گفت: خوشا به حالت به تو اجازه ملاقات دادند، وارد شو.

من وارد خیمه شدم دیدم آقای بسیار زیبا با بینی کشیده و ابروان پیوسته و بر گونه راستش خالی بود که دلها را میبرد با کمال ملامت و محبت احوال مرا پرسید و فرمود: پدرم با من عهد کرده که در شهرها منزل نکنم. بلکه تا موقعیکه خدا بخواهد در کوهها و صحراها بسر ببرم تا از شرّ جبّاران و طاغوتها محفوظ باشم و زیر بار فرمان آنها نروم تا وقتیکه خدا اجازه فرجم را بدهد.

من چند روز میهمان آنحضرت در آن خیمه بودم و استفاده از انوار و علومش می‌کردم تا آنکه خواستم به وطن برگردم مبلغ پنجاه هزار درهم داشتم خواستم بعنوان سهم امام تقدیم حضورش کنم.

فرمود: از قبول نکردنش ناراحت نشوی، علت آنست که تو راه دوری در پیش داری و این پول مورد احتیاج تو خواهد بود.

پس خداحافظی کرده و به طرف اهواز حرکت کردم و همیشه بیاد آنحضرت و محبتهای او هستم و آرزو دارم باز هم آن حضرت را ببینم.<sup>(۱)</sup>

### پاسخ به یک پرسش

سؤال: امام قائم (عج) کجاست و آیا فرزند و همسر دارد؟

پاسخ:

از قواعد و روایات معصومین (ع) استفاده می‌شود که امام قائم (عج) هم اقامتگاه مخصوص دارد و هم زن و فرزند.

در مورد اقامتگاه آن حضرت، نخست باید توجه داشت که آن حضرت همه ساله در مراسم عظیم حج شرکت می‌کند و بعضی از سعادت‌مندان در مراسم حج به محضرش شرفیاب شده‌اند. همچنین هر جا که بخواند از مشاهد مشرفه و اماکن متبرکه خواهد رفت.

اما در مورد اقامتگاه آن حضرت و فرزندان و بستگان و یاران مخصوص (اوتاد) چندین مکان مانند مدینه، دشت حجاز، کوه رضوی، کرعه که قریه‌ای است در یمن و سرزمینهای دور دست دیگر و... گفته شده است.

در میان این گفتار آنچه بیشتر نظرها را جلب می‌کند این است که اقامتگاه آن حضرت و فرزندان و گروهی از خواص یارانش در جزیره‌ای از دریای بزرگ می‌باشد.

از امام هادی (ع) داستانی نقل شده که خلاصه‌اش این است:

حضرت مهدی (عج) و فرزندان در جزیره‌های بسیار بزرگ و پهناور در دریازندگی میکنند و عدد شیعیان آنجا بسیار زیاد است و فرزندان وی هر یک حاکم جزیره‌ای هستند و خدا بهتر می‌داند. (۱)

## داستان جزیره خضراء

در داستانی که مورد تشرّف علی بن فاضل مازندرانی در سال ۶۹۰ هجری در جزیره خضراء از طرق بسیار موثّق نقل شده حاکی است که اقامتگاه امام قائم (عج) و همسر و فرزندان در جزیره خضراء است اینک اصل داستان را از کتاب اثبات الهداة نقل می‌کنیم:

علامه مجلسی در بحار الانوار از یحیی بن فضل در کتاب «رسالة البحر الابيض و الجزيرة الخضراء» از علی بن فاضل مازندرانی مجاور نجف در حدیث بسیار طولانی چنین نقل می‌کند: وارد شهری از شهرهای غرب (اسپانیا) شدم، مرکب هایی از بلاد امام عصر (عج) وارد آنجا شد یکی از مسافرین آنها پیرمردی بود که چون مرا دید گفت:

نام تو چیست؟ گمان می‌کنم علی باشد.

گفتم: آری.

گفت: نام پدرت چیست؟ گویا فاضل باشد.

گفتم: آری چه خوب نام من و پدرم را می‌شناسی.

گفت: بدان که نام و اصل و وصف و خصوصیات تو را برای من بیان کرده‌اند و من تا جزیره خضراء با تو هستم.

بسیار خوشحال شدم، مرا با خود به دریا برد روز شانزدهم به آب سفیدی رسیدیم، پرسیدم اینجا کجاست؟

گفت: بحر ابیض است. و آن جزیره خضر است که این آب سفید اطرافش را گرفته است و به حکمت خداوند، چون کشتیها و وسایل نقلیه دشمنان به اینجا رسند، غرق شوند و به آن حضرت دست نمی‌یابند، سپس وارد جزیره خضراء شدیم و رفتیم در مسجد، شخصی به نام سید شمس الدین را دیدم که می‌گفت: من از نوه‌های امام عصر (عج) هستم پس به او گفتم: هرگز امام را دیده‌ای؟

گفت: نه ولی پدرم نقل کرده که صدای امام (عج) را شنیده‌ام و خودش را ندیده‌ام و اما جدّم، هم خودش را دیده و هم صدایش را شنیده است، آن گاه با آن سید از آن شهر بیرون رفتیم و به پیرمردی رسیدیم، از سید احوال آن پیرمرد را پرسیدم: گفت این کوه را می‌بینی؟ در وسط آن جای خرمی است و در آن چشمه‌ای و در کنار چشمه قبه‌ای است و این مرد با رفیقش خادم آن قبه است من هر صبح جمعه می‌روم آنجا خدمت امام عصر (عج) (البته با توجه به آغاز حدیث، خود امام را نمی‌بیند و صدایش را نمی‌شنود) و در قبه دو رکعت نماز می‌خوانم و کاغذی می‌یابم که در آن حکم مراعه‌ای را که در هفته به من رجوع می‌کنند، در آن نوشته، کاغذ را بر می‌دارم و هر چه در آن نوشته به آن عمل می‌کنم. علی بن فاضل می‌گوید: از خادمها خواهش کردم مرا به

حضور امام (عج) ببرند. گفتند: راهی ندارد، رفیقم به من گفت: دستور آمده که تو را به وطن برگردانم برای من و تو مخالفت روا نیست.

ناگفته نماند که علی بن فاضل داستان خود را به طور مفصل در کتابی به نام «الفوائد الشمسیه» آورده است و ضمناً به احتمال قوی آن آب سفید که در داستان فوق آمده همانند یک حصار محکم و مجهز، دشمن را از آن جزیره دفع می‌کند. بعضی از نویسندگان به عنوان احتمال مطرح کرده‌اند که شاید این جزیره خضراء «با توجه به آب سفید رنگ و دیگر خصوصیات که در داستان آمده» همان مثلث برمودا که از عجیبترین و مرموزترین مکانهای روی زمین است و در غربی‌تری نقطه اقیانوس اطلس قرار دارد می‌باشد.

از عجایب مثلث برمودا این است که هر هواپیما یا کشتی به حدود آن برود به طور اسرارآمیزی ناپدید می‌گردد و جالب اینکه آبهای آن سفید است و هر روز خبر غرق شدن تعداد تازه‌ای از کشتیهای اقیانوس پیما در آبهای سفید مثلث برمودا به گوش رسیده است. خلبانها و ملوانهایی که در این منطقه حوادثی را تجربه کرده‌اند گزارش داده‌اند که در مسیر خود به صورت اسرارآمیزی تغییر جهت حاصل شده و به مناطقی که تصمیم نداشته‌اند هدایت شده‌اند.

این هم یک احتمالی است که باید دانشمندان و محققان درباره آن تحقیق بیشتری بنمایند. در اینجا اضافه می‌کنیم: یکی از دعاهای حضرت مهدی (عج) این است که: **اللَّهُمَّ احْجُبْنِي عَنْ عِيُونِ اَعْدَائِي وَ اجْمَعْ بَيْنِي وَ بَيْنَ اَوْلِيَائِي** خدایا مرا از دیدگان دشمنانم پوشیده بدار و بین من و دوستانم اجتماع حاصل کن<sup>(۱)</sup>

به مقتضای استجاب این دعا اقامتگاه آن حضرت از دشمنان محفوظ خواهد بود و ممکن است همین مطلب تأییدی باشد که آن جزیره خضراء همان مثلث برمودا است «وَاللَّهُ اَعْلَمُ»

از سوی دیگر غیر از همسر و فرزندان، جمعی از دوستان که طبق روایتی ۲۰ تن از اوتاد و برجستگان هستند همواره در خدمت آن حضرت به سر می‌برند<sup>(۲)</sup>

توضیح دیگر اینکه: بر اساس داستان علی بن فاضل، فرزندان حضرت ولی عصر (عج) در جزیره‌ای به نام خضراء در اقیانوس اطلس زندگی میکنند و شخص آن بزرگوار همه ساله در مراسم حج شرکت نموده و پس از زیارت آباء و اجداد طاهرینش در حجاز و عراق و طوس به جزیره باز می‌گردد و غالب اقامت آن بزرگوار در همان جزیره است<sup>(۳)</sup>

در خاتمه بخش دیدار

حکایت و سرگذشتهایی را که در این بخش نقل شده است از کتب معتبر گرفته شده و در صحت و قطعی بودن آن شکی نیست و در انتخاب سرگذشتها کوشش شده، آنهایی را که در هوشیاری و بیداری اتفاق افتاده ذکر شود و از نقل قصه‌هایی که احتمال رؤیا و خواب و حتی مکاشفه دارد

۲- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۵۸

۱- مصباح کفعمی ص ۲۱۹

۳- حضرت مهدی (ع) فروغ تابان ولایت ص ۶۶ تا ۷۲



پرهیز شده است.

ضمناً در نقل حکایات، مختصر تصرّفی در عبارات شده که با معنی و حقیقت و اصل قضیه منافات ندارد و با امانتداری موافق است.

از میان هزاران تشرّف و ملاقات به حضور مقدّس حضرت بقیّة الله ارواحنا له الفداه، دوازدهمین ستاره درخشان امامت و ولایت به همین دوازده حکایت اکتفا می‌کنم که امیدوارم مقبول درگاه آن حضرت قرار بگیرد.

گویی اگر ز لطف جوابم، چه می‌شود؟	آبی اگر شبی تو بخوابم، چه می‌شود؟
من سائل همیشگی درگه توام	گر باز هم دهی تو جوابم چه می‌شود؟
دانم که بی لیاقتم امّا بیاوری	از یاورانت اربّه حسابم چه می‌شود؟
سر تا بپا حجابم و مفتون ز روی تو	یکسو اگر زنی تو حجابم چه می‌شود؟
ای چشمه حیات، منم تشنه وصال	ریزی بکام، جرعه آبم چه می‌شود؟
ای رحمت خدا که دل از دوریت بسوخت	رحم ارکنی به قلب کبابم چه می‌شود؟
با عجز ملتجی بتو گوید اگر به حشر	آسان کنی حساب و کتابم چه می‌شود؟

## بخش ششم - طول عمر

یکی از ویژگیهای مکتب تشیع درباره مهدی (ع) اعتقاد راستین ما توأم با زندگی و حیات طولانی آن بزرگ مرد الهی است که تا این تاریخ ۱۱۶۷ سال را پشت سر گذاشته است. مسئله طول عمر و دراز زیستی در جهان امروز یک موضوع ساده و باور کردنی است و کمتر کسی به آن به نظر استبعاد می‌نگرد اشکال و ایراد تو خالی به آن نیز چون حربۀ زنگ زده‌ای است که خریدار چندانی ندارد!

آنهایی که دراز زیستی را محال می‌دانند کمترین مدرک و سند علمی قانع‌کننده‌ای بر منع آن ارائه نداده‌اند! بدیهی است که با گفتن محال، چیز (غیر محال) محال نمی‌شود. اینان اگر معتقد به قدرت الهی و کتب آسمانی و ادیان، و بعثت انبیاء و رسل و ائمه دین به ویژه مسئله ضرورت و فایده امام غایب در جهان هستی باشند، باید مسئله طول عمر و دراز زیستی را بپذیرند. مسئله دراز زیستی از نظر بیولوژیک (زیست شناس) و علم الحیاة کاملاً شدنی است. خلاصه با هیچ قانونی نمی‌توان طول عمر را خلاف نوامیس طبیعی دانست.

و در هیچ تجربه و لابراتوار بشری این موضوع ممنوع قلمداد نشده است.

اینک مسئله طول عمر را در ابعاد مختلف مورد بحث قرار می‌دهیم تا عاشقان و دلباختگان مهدی (ع) با دیدن این اسناد و دلایل مسرور و شاد و بدبینان و کج اندیشان به یاری خدا آگاه گردند.

## اول - طول عمر از نظر آیات قرآن

قرآن این کتاب آسمانی و معجزه جاوید رسول اکرم (ص) دراز زیستی دو نوع از مخلوق خدا را که عبارتند از:

صالح و ناصالح و یا خوب و بد، به میان آورده و آنها را به داشتن عمر طولانی معرفی کرده است. خداوند دراز عمری صالح را تا زمان ظهور برای نصرت و یاری مهدی روحیفداه نگه داشته، و دراز عمری از ناصالح را بنا به مصالحی تا زمان ظهور نگه داشته تا سرانجام به دست مهدی (ع) کشته شده و به درک واصل شود!

ما ابتدا دراز عمران صالح و نیکوکار را معرفی کرده، پس از آن به معرفی ناصالح و بد می‌پردازیم.

دراز عمران صالح و خوب

الف - حضرت نوح (علیه السلام):

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ. (۱)

ما نوح را به سوی قومش فرستادیم و او در میان آنها هزار سال بجز پنجاه سال درنگ کرد اما سرانجام، طوفان آنها را فرو گرفت در حالیکه ظالم بودند.

آیه شریفه در بیان کمیت و کیفیت دوران تبلیغی حضرت نوح (ع) است که می فرماید حضرت نوح ۹۵۰ سال قوم خویش را به خدا پرستی دعوت کرد و از این تلاش پیگیر خسته نشد اما با این همه جز گروه اندکی (حدود ۸۰ نفر طبق نقل تواریخ) ایمان نیاوردند، یعنی به طور متوسط هر دوازده سال یک نفر!

صراحت آیه در این است که مقدار زمانی که نوح (ع) عمر شریفش را صرف تبلیغ نمود ۹۵۰ سال بوده است.

اشتباه نشود، ۹۵۰ سال دوران تبلیغ است نه دوران عمر و چون هر پیغمبری پیش از رسیدن به مقام نبوت عمری کرده سپس به نبوت رسیده و نوح (ع) پس از طوفان هم قطعاً با پیروزمندی در میان مردم نجات یافته از طوفان، سالها زندگی کرده است، بر این اساس برای پیدا کردن عمر واقعی حضرت نوح (ع)، ما به سه رقم رسمی نیازمندیم که عبارتند از:

عمر نوح (ع) قبل از رسیدن به نبوت و عمرش در دوران نبوت و همچنین سالهای بعد از طوفان تا پایان عمر حضرت.

حضرت امام صادق (ع) مقدار زمان ارقام سه گانه را کاملاً روشن کرده می فرماید:

نوح (ع) مجموعاً ۲۳۰۰ سال زندگی کرده، از این ۲۳۰۰ سال ۸۵۰ سال قبل از بعثت و ۹۵۰ سال دوران تبلیغ در میان مردم و ۵۰۰ سال هم بعد از اینکه از کشتی پیاده شد و آب فرو رفت، پس نوح (ع) شهرها را ساخت و بچه ها را در آن شهرها جا داد.<sup>(۱)</sup>

با این تفسیر و بیان شیوا معلوم می شود که عمر نوح (ع) ۲۳۰۰ سال بوده است. این را هم باید بدانیم که نوح (ع) به پیری و کهولت مبتلا نشد و همواره قوی و شاداب بود مثلاً در سنّی حدود ۱۸۰۰ سالگی به امر خدا آن کشتی عظیم الجثّه ای که به قولی طول و عرض و ارتفاع آن به ترتیب ۱۲۰۰ و ۸۰۰ و ۸۰ متر بود به فرمان:

وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا.<sup>(۲)</sup> در حضور ما و طبق وحی ما کشتی بساز.

ساخت و ملتش را از طوفان مرگ و بلا نجات داد و پس از آن هم با سرافرازی ۵۰۰ سال دیگر زندگی کرد و در طول مدت عمر نه تنها ضعیف و ناتوان نشد بلکه به نقل اکثر تواریخ از جمله (قاموس قرآن جلد ۷ صفحه ۱۱۹) حتی یک تار موی سرش سفید نشده و یک دندانش را هم از دست نداد.

ب - حضرت عیسی (علیه السلام)

در گذشته گفتیم که خداوند عیسی (ع) را همچنان زنده نگه داشت تا در ظهور مهدی روحیفداه به

یاری او برخیزد.

قرآن درباره زنده بودن عیسی (ع) می‌فرماید:

وَ قَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا قَتَلُوهُ وَ مَا صَلَبُوهُ وَ لَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَ  
إِنَّ الَّذِينَ اٰخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَ مَا قَتَلُوهُ يَقِينًا بَلْ رَفَعَهُ  
اللَّهُ إِلَيْهِ وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا. (۱)

و گفتارشان که ما مسیح عیسی بن مریم پیامبر خدا را کشتیم در حالیکه نه او را کشتند و نه به دار آویختند و لکن امر بر آنها مشتبه شد و کسانی که در مورد (قتل) او اختلاف کردند از آن در شک هستند و علم به آن ندارند و تنها از گمان پیروی می‌کنند و قطعاً او را نکشتند بلکه خدا او را به سوی خود برد و خداوند توانا و حکیم است.

قرآن در آیه فوق صریحاً می‌گوید: که مسیح نه کشته شد و نه به دار رفت. بلکه امر بر آنها مشتبه گردید و پنداشتند که او را به دار زده‌اند ولی در واقع اینگونه نبوده است و به طور حتم و یقین او را نکشتند و خداوند او را به آسمان برد و از شر دشمنانش حفظ کرد.  
رسول اکرم (ص) باز گشت عیسی (ع) را از آسمان ضمن حدیثی توصیف می‌کند که ترجمه‌اش چنین است:

مهدی (ع) متوجه می‌شود که عیسی (ع) در قدس در نزدیکی مناره سفید در حالیکه دستهای خود را بر بالهای دو فرشته نهاده و آب از موهایش فرو می‌چکد فرود آمده است پس مهدی (ع) می‌گوید جلو بایست و با مردم نماز بخوان پس عیسی (ع) می‌گوید: نماز برای تو اقامه شده است پس عیسی (ع) پشت سر او نماز می‌خواند و با او بیعت می‌کند و می‌گوید: من به عنوان وزیر و معاون برانگیخته شده‌ام نه به عنوان امیر و امام. (۲)

دراز عمر ناصالح و بد

ج - ابلیس (شیطان)

اینک وقت آن رسیده که نوع دوم از دراز عمران را معرفی کنیم:

این دراز عمر ناصالح و بد همان ابلیس است که قبل از خلقت آدم ابوالبشر بوده و هم اکنون هم زنده است و چنانچه به زودی خواهد دید تا زمان ظهور مهدی روحیفداه حیاتش ادامه داشته و سرانجام به دست آن حضرت کشته می‌شود.

هنگامی که پروردگار به ملائکه فرمود: من بشری را از گل آفریدم و از روح خود در آن دمیدم پس برای او سجده کنید. همه فرشتگان سجده کردند جز ابلیس که تکبر ورزید و از کافران شد. خدا فرمود: ای ابلیس چرا به مخلوقی که با قدرت خود او را آفریدم سجده نکردی؟ آیا تکبر کردی یا از برترین بودی؟

قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ، خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ.

ابلیس گفت: من از او بهترم مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل.

در اینجا خداوند فرمود:

قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ

فرمود: از آسمانها (و از صفوف فرشتگان) خارج شو که تو رانده درگاه منی!

وَ إِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ

و مسلماً لعنت من بر تو تا روز قیامت خواهد بود!

قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ

عرض کرد: پروردگار من! مرا تا روزی که انسانها برانگیخته می‌شوند مهلت ده.

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ.

فرمود: تو از مهلت داده شدگان

إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ

ولی تا روز و زمان معینی

قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ.

گفت: به عزتت سوگند همه آنها را گمراه خواهم کرد.

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ

مگر بندگان خالص تو از میان آنها! (۱)

همانطور که ملاحظه فرمودید: ابلیس با گفتن (انا خیر منه) که حاصلش خود محوری و تکبر

است همه چیزش را از دست داد و از درگاه الهی رانده گشت. و پس از طرد، دانست که آنچه بر

سرش آمده از جانب آدم است. این بود که نقشة تلافی جویانه گمراهی آدم و فرزندانش را کشید

و از خدا مهلت خواست، خدا هم به او مهلت داد و فرمود (فانک من المنظرین الی یوم الوقت

المعلوم) در این که یوم وقت معلوم و نهایت عمر ابلیس چه روزی است، مفسر بزرگ قرآن امام

صادق(ع) می‌فرماید: آن روز، روز قیام قائم(ع) است. (۲)

با این شرح معلوم شد که ابلیس باید تا قیام قائم زنده باشد!

برای به دست آوردن عمر واقعی ابلیس (شیطان) ما به چند رقم و عدد نیازمندیم تا با جمع بندی

آنها عمر واقعی ابلیس پیدا شود و آنها عبارتند از:

۱ - مقدار عمرش قبل از خلقت آدم ابوالبشر

۲ - مقدار عمرش بعد از خلقت آدم تا زمان طرد

۳ - مقدار عمرش از تاریخ زمان طرد تا زمان ظهور قائم(ع)

که اگر این سه رقم مجهول را به دست آورده و جمع کنیم مساوی است با عمر ابلیس!

و اما اینکه گفتیم سرانجام این موجود کثیف و لعین به دست مهدی (ع) کشته می شود. این است که:

حضرت امام صادق (ع) به دنبال شرح و تفسیر (یوم الوقت المعلوم) می فرماید: وقتی خداوند قائم را بر می انگیزد (و آماده قیام می کند) در مسجد کوفه است در آن وقت شیطان در حالیکه با زانوهای خود راه می رود به آنجا می آید و می گوید ای وای از خطر امروز! قائم (ع) پیشانی او را گرفته و گردنش را می زند آن موقع روز وقت معلوم است که مدت او به آخر می رسد.<sup>(۱)</sup>

### دوم - طول عمر از نظر اخبار و روایات:

مسئله طول عمر امری کاملاً روشن و ممکن است و از کلام معصومین و اهل بیت عصمت و طهارت (ع) در این زمینه می توان بهره های فراوانی برد.

سخن از امکان طول عمر، مخصوصاً درباره مهدی (ع) در روایات فراوان است اینان تمام خصوصیات و حالات از جمله طول عمر حضرت مهدی (ع) را قرن ها پیش از تولد حضرت از منبع وحی دریافت کرده و برای ما بازگو نموده اند و دیگر جای هیچ گونه شک و شبهه ای باقی نگذاشته اند. این اعتقاد ماست که مهدی روحیفداه چون خضر (ع) و عیسی (ع) زنده بوده و از عمر طولانی در سایه پروردگار بهره مند است و هر وقت خداوند اراده فرماید ظهور می کند و دنیای آکنده از ظلم و فساد را به عدل و داد مبدل می سازد. اکنون در این زمینه به چند حدیث توجه فرمایید:

۱ - حضرت امام حسن مجتبی (ع) می فرماید:

وقتی مهدی (ع) قیام می کند مردم او را انکار می کنند زیرا او به صورت جوانی برگشته است در حالی که (باگذشت زمان) مردم او را پیر و فرتوت می پنداشتند.<sup>(۲)</sup>

۲ - سعید بن جبیر می گوید:

از امام زین العابدین علی بن الحسین (ع) شنیدم که می فرمود: در قائم ما چند نشانی از نشانیهای پیامبران است یک نشانی از آدم (ع) و یک نشانی از نوح (ع) و یک نشانی از ابراهیم (ع) و یک نشانی از موسی (ع) و یک نشانی از عیسی (ع) و یک نشانی از ایوب (ع) و یک نشانی از محمد (ص) که درود خدا بر او باد هست.

نشانی او از آدم و نوح طول عمر است. نشانی او از ابراهیم (ع) تولد پنهانی او و کناره گیریش از مردم است. نشانی او از موسی (ع) ترس و وحشت و غیبت اوست. نشانی او از عیسی (ع) اختلاف مردم درباره اوست. نشانی او از ایوب (ع) فرج بعد از شدت است. و اما نشانی او از حضرت محمد (ص) قیام به شمشیر است.<sup>(۳)</sup>

۱ - بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۷۶ - مهدی (ع) آخرین سفیر انقلاب ج ۲ ص ۱۰۱ تا ۱۲۹ با تلخیص و تصرف

۲ - بحار الانوار ج ۵۱ ص ۲۱۷

۳ - منتخب الاثر ص ۲۸۵

۳- حضرت امام صادق (ع) می‌فرماید:

وقتی قائم (ع) قیام کند مردم می‌گویند چگونه ممکن است که این (او) باشد او (مهدی (ع)) باید قرن‌ها پیش استخوانهایش پوسیده شده باشد. (۱)

۴- امام صادق (ع) در بیانی دیگر فرموده‌اند:

از بزرگترین ابتلائات و آزمایشات، این است که صاحبشان (حضرت مهدی (ع)) به صورت جوانی به سوی آنان ظاهر می‌شود در حالی که آنان او را پیر و سالخورده تصور می‌کردند. (۲)

۵- حضرت علی بن موسی الرضا (ع) فرمودند:

حضرت خضر (ع) آب حیات نوشید و تا نفخه صور (قیامت کبری) زنده است او همواره پیش ما می‌آید و به ما سلام می‌کند ما صدایش را می‌شنویم اما او را نمی‌بینیم. هر کجا نامش را ببرند و از او یاد کنند حاضر می‌شود پس بر او سلام کنید او همه ساله در مراسم حج شرکت کرده و تمام مناسک را انجام می‌دهد و روز عرفه در عرفات مانده و به دعاء مؤمنین آمین می‌گوید. و خداوند او را انیس و مونس قائم ما قرار داده و بوسیله او وحشت و تنهایی او را برطرف می‌سازد. (۳)

این چند روایت درباره طول عمر و دراز زیستی حضرت مهدی (ع) بود که ملاحظه فرمودید.

### وقتی که تو باز آیی

غمها همه بگریزند، وقتی که تو باز آیی  
 مه چهره بپوشاند، وقتی که تو باز آیی  
 در پرده شود نسیرین، وقتی که تو باز آیی  
 نرگس به سماع آید، وقتی که تو باز آیی  
 هر دیده شود بینا، وقتی که تو باز آیی  
 در رقص شود زهره، وقتی که تو باز آیی  
 با غیر تو چون سازم، وقتی که تو باز آیی  
 مسحور تو خواهم شد، وقتی که تو باز آیی  
 حاجت به مداوا نیست، وقتی که تو باز آیی  
 برگرد تو می‌گردم، وقتی که تو باز آیی  
 تا شانه زخم مویت، وقتی که تو باز آیی  
 در پای تو اندازم، وقتی که تو باز آیی  
 (حسن عیسانی)

جانها به طرب خیزند، وقتی که تو باز آیی  
 خورشید خجل گردد پیش رخ تابانت  
 در رشک و حسد افتد، سرواز قد رعنائت  
 صد نغمه زند بلبل، صد جامه دراند گل  
 از عطر وصال تو چون پیرهن یوسف  
 در وصف جمال تو، پروین به سخن آید  
 از عشق تو لبریزم، با مهر تو دمسازم  
 در حسرت دیدارت سرگشته و حیرانم  
 دردم تو و درمان هم، وصلم تو و هجران هم  
 از شوق حضورت چون پروانه به وجد آید  
 من «واله» آن رویت، بنشسته سر کویت  
 با آن دم عیسانی، گر زنده کنی جانم



## سوم - طول عمر از نظر علم زیست‌شناسی

زیست‌شناسان پس از مطالعات فراوان و دهها سال تجربه و آزمایش بر روی موجودات زنده به این نتیجه رسیده‌اند که اگر غذای لازم به بافت‌های اولیه بدن برسد و شرایط زیستی کاملاً فراهم باشد و جلوی عوامل مخرب خارجی که به بدن آسیب می‌رساند گرفته شود بافت‌های اولیه بدن انسان همیشه زنده و پاینده خواهد بود.

زیست‌شناسان معتقدند که اگر اختلالات و آسیب‌هایی که به بدن انسان می‌رسد و موجب کوتاهی عمر او می‌شود دفع و رفع گردد عمر او بسیار طولانی‌تر خواهد بود همانطوری که اگر کسی بمیرد می‌پرسند که به چه علت مرده است؟ به خاطر این که مردن را بر خلاف فطرت و طبیعت می‌بینند، می‌خواهند بدانند که چه چیز باعث مرگ او شده است.

ما وقتی که از نظر دین و علم ثابت کنیم که عمر طولانی محال نیست می‌توانیم بگوییم که چه ایرادی دارد که خداوند متعال با آن قدرت لایزال خود شرایطی را در شخصی ایجاد کند که او بیش از هزار سال عمر نماید و چه مانعی دارد که خداوند تمام علل پیری و فرسودگی را به امام زمانش آموخته باشد و او با به کار گرفتن آن علوم عمر بسیار کند.

اکنون به ذکر مثالهایی از طبیعت در زمینه طول عمر موجودات می‌پردازیم:

زنبور عسل معمولاً حداکثر ۶ ماه عمر می‌کند در صورتی که ملکه زنبوران به واسطه تغذیه مناسب و مقوی ۸ سال زنده مانده و تولید مثل می‌نماید.

دکتر جرج کلیبر، استاد دانشگاه (هال) روی گیاهی که (ساپرو لیتا مگستا) نامیده می‌شود آزمایش کرده است و گیاه مزبور معمولاً بیش از دو هفته عمر نمی‌کند آن را پرورش داد تا عمر آن را شش سال کرد.

دکتر گیلورد هاووزر آمریکایی می‌گوید:

امروز علم پزشکی به کمک علم تغذیه، قید و حدود عمر را از سر راه بشر برداشته و ما امروز برخلاف اجداد و پدران مان می‌توانیم امیدوار باشیم که عمر طولانی بکنیم. دکتر الکسیس کارل عضو آزمایشگاه روکفلر در نیویورک روی قطعاتی از بدن انسان و عضلات و قلب و پوست و کلیه آزمایش کرد. معلوم شد مادام که غذای لازم و شرایط مناسب برای آنها فراهم شود زنده می‌مانند همچنین توانست با این روش، جزئی از بدن یک حیوان را سالها بیش از آنچه خود آن حیوان عمر می‌کند زنده نگه دارد. مثلاً جنین مرغ خانگی را ۸ سال زنده نگه داشت.<sup>(۱)</sup>

پس معلوم می‌شود تا وقتی که شرایط مناسب مهیا باشد امکان بقاء موجودات تا ابد و یا لااقل چند هزار سال صورت می‌گیرد.

دکتر یوری فیالکوف استاد پلی تکنیک ((کیف)) در شوروی سابق می‌گوید:

سلول که سنگ اول و اصل بنای جانداران می‌باشد جاوید است و هرگز نمی‌میرد مشروط بر این

که غذا داشته باشد و سرما و گرمای شدید سبب هلاکتش نشود.

وی اضافه می‌کند: انسان باید زنده و جاوید باشد و هرگز از بین نرود زیرا سلولهای تشکیل دهنده بدن او جاوید است.<sup>(۱)</sup>

در اینجا سؤالی که مطرح است این است که چرا انسان می‌میرد؟ و چرا به ندرت سنّ انسان از صد تجاوز می‌کند؟

در پاسخ می‌توان گفت اعضای بدن بی نهایت با هم در ارتباط هستند و وقتی که عضوی از آنها ضعیف و یا فاسد شود اعضای دیگر نیز به مرگ او می‌میرند یعنی عوارض بعضی از اعضاء به اعضاء مجاور سرایت کرده و آنها را می‌میراند و در اثر فساد آنها انسان زندگی را وداع می‌کند.

### چهارم - طول عمر و دراز عمران تاریخ

پس از بررسی مسئله طول عمر و آوردن شواهدی از آیات قرآنی و روایات معتبر و بیان نظر زیست شناسان و دانشمندان، اکنون وقت آن رسیده است که برای تکمیل بحث اسامی تعدادی از دراز عمران تاریخ را از کتب معتبر روایی نقل کنیم که امیدواریم مورد توجه علاقمندان قرار گیرد.

۱- ابراهیم خلیل (ع) ۲۰۰ و به قولی ۱۷۵ سال

۲- اسماعیل ذبیح ۱۳۷ سال

۳- ساره همسر ابراهیم خلیل (ع) ۱۲۷ سال

۴- اسحاق ۱۶۰ سال

۵- یعقوب ۱۴۷ سال

۶- یوسف ۱۲۰ سال

۷- عمران ۱۳۷ سال

۸- موسی (ع) ۱۲۰ سال

۹- هارون ۱۱۷ سال

۱۰- صفی بن ریاح ۲۷۰ سال

۱۱- صالح پیغمبر (ع) ۲۸۰ سال - عمر ثمودیان بین ۳۰۰ تا ۱۰۰۰ سال

۱۲- شعیب پیغمبر (ع) ۲۴۲ سال

۱۳- ادريس که به آسمانها رفت ۲۵۰ سال

۱۴- ربیع بن ضبع فزازی ۲۸۰ سال

۱۵- اکثم بن صیفی اسدی تمیمی به پیغمبر (ص) ایمان آورد ۳۶۰ سال داشت

۱۶- لقمان بزرگ ۵۶۰ سال

۱۷- سالم بن نوح ۶۰۰ سال

۱۸- هود ۸۰۰ سال

۱۹- آدم ابوالبشر ۹۳۰ سال

۲۰- حوا ۹۳۷ سال

۲۱- شیث بن آدم ۹۱۲ سال

۲۲- حضرت نوح (ع) ۲۳۰۰ سال

۲۳- حضرت خضر (ع) که هم اکنون زنده است و بالغ بر ۶ هزار سال از عمر شریفش می‌گذرد.

۲۴- دو پیامبر در آسمان عیسی (ع) و ادریس (ع) و دو پیامبر در زمین خضر (ع) و الیاس (ع) هم اکنون زنده‌اند و همه مسلمانان در این مسئله اتفاق نظر دارند.

حال به نقل اسامی تعدادی از دراز عمران معاصر که در جراید و رسانه‌ها ذکر شده می‌پردازیم.

۱- مصطفی ولد محمد ۱۵۳ ساله (مسکره‌الجزایر)<sup>(۱)</sup>

۲- سید میرزا کاشانی ۱۵۴ ساله<sup>(۲)</sup>

۳- شیرعلی مسلم اوف ۱۶۶ ساله (آذربایجان شوروی)<sup>(۳)</sup>

۴- شیخ محمد سمحان ۱۷۰ ساله<sup>(۴)</sup>

۵- سید علی فریدنی ۱۸۵ ساله<sup>(۵)</sup>

۶- سید ابوطالب موسوی معروف به ذی القرنین ۱۹۱ ساله<sup>(۶)</sup>

۷- لی چینگ پیرمرد چینی ۲۵۲ ساله<sup>(۷)</sup>

در اینجا بحث طول عمر به پایان می‌رسد و ما در بخش هفتم مسئله توقیت را مورد بررسی قرار خواهیم داد

۲- پرچم اسلام سال دوم شماره ۳  
۴- مجله صبا سال سوم شماره ۲۹ سال ۱۳۲۴

۷- سالنامه پارس سال ۱۳۱۱ ص ۱۰۰

۱- کیهان دوشنبه ۱۳ ربیع الثانی ۱۳۹۱  
۲- کیهان شنبه ۴ دی ۱۳۵۰  
۳- اطلاعات شماره ۹۷۴۱ و شماره ۲۶ مه‌ماه ۱۳۳۷  
۴- اطلاعات شماره ۱۱۱۸۰ سال ۱۳۴۲

## بخش هفتم - توقیت

توقیت یعنی وقت معین کردن و مقصود از آن تعیین وقت برای ظهور حضرت مهدی، صاحب الزمان (ع) است.

در منابع اسلامی برای ظهور امام (ع) وقتی تعیین نشده است و هیچکس، حتی پیامبر (ص) و ائمه (علیهم السلام) هم در این باره وقتی معین نفرموده و وقات را دروغگو و کذاب شمرده‌اند.

۱- فضیل گوید: از حضرت امام باقر (ع) پرسیدم:

هَلْ لِهَذَا الْأَمْرِ وَقْتُ؟ آیا برای این امر (امر ظهور) وقتی تعیین شده است؟

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَذِبَ الْوَقَاتُونَ. كَذِبَ الْوَقَاتُونَ. <sup>(۱)</sup>

حضرت (ع) فرمود: وقت تعیین کنندگان دروغ می‌گویند. (این کلمه را سه بار تکرار فرمودند)

۲- عبد الرحمان فرزند کثیر می‌گوید:

خدمت حضرت امام صادق (ع) بودم که مهزم اسدی حضورش شرفیاب شد و گفت: أَخْبِرْنِي

جُعِلَتْ فِدَاكَ مَتَى هَذَا الْأَمْرُ الَّذِي تَنْتَظِرُونَهُ؟ فَقَدْ طَالَ! فَقَالَ: يَا مَهْزَمُ كَذِبَ الْوَقَاتُونَ وَ هَلَكَ

الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ نَجَا الْمُسَلِّمُونَ وَ إِلَيْنَا يَصِيرُونَ <sup>(۲)</sup>

قربانت گردم، برای ما بفرمائید ظهور حضرت قائم (ع) که انتظار آن را می‌کشید، کی خواهد بود؟ طولانی شده!

حضرت فرمود: ای مهزم، آنهایی که برای آن وقت تعیین می‌کنند، دروغ می‌گویند و آنانکه برای ظهورش شتاب می‌کنند به هلاکت می‌رسند و آنهایی که تسلیم مقدرات خدایند نجات می‌یابند و سرانجام به سوی ما باز می‌گردند.

در کتب معتبر روایی ما احادیثی که هر یک به گونه‌ای توقیت را نفی می‌کند، فراوانست که ما از میان آنها به نقل این دو روایت اکتفا کردیم.

با توجه به مطالب به دست آمده از روایات فوق این سؤال مطرح می‌شود که:

رسول اکرم (ص) و ائمه معصومین (علیهم السلام) با آن علم وسیع و گسترده‌ای که دارند چگونه می‌توان باور داشت که از ساعت ظهور بی‌خبرند! اینان که واقف اسرار (مَا كَانَ وَ مَا يَكُون) بوده و کلید خزائن علم خدا را در دست دارند چگونه ممکن است از روز ظهور بی‌خبر باشند! ملاحظه کنید:

حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید:

سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي فَلَنَا بِطُرُقِ السَّمَاءِ أَعْلَمُ مِنِّي بِطُرُقِ الْأَرْضِ <sup>(۳)</sup>

۲- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۰۳ و منتخب الاثر ص ۴۶۳

۱- منتخب الاثر ص ۴۶۳  
۳- نهج البلاغه فیض خطبة ۲۳۱

هر چه می‌خواهید از من بپرسید پیش از آنکه مرا نیابید، که من راههای آسمان را بهتر از راههای زمین می‌دانم.

در این جمله دو نکته مهم نهفته است.

اول آنکه، سؤال را به نوع معین و قسم خاصی از علوم اختصاص نمی‌دهد بلکه می‌فرماید هر چه می‌خواهید بپرسید. دوم آنکه، آنها را تشویق می‌کند که در این کار مسامحه نکنند و سؤال را به تأخیر نیندازند و فرصت را غنیمت بشمارند که فرمود: من از میان شما می‌روم، هر چه زودتر سؤال کنید و جهل خود را برطرف نمائید و باز برای اینکه ممکن است کسی عمومیت سؤال را نفهمد، توضیح می‌دهد که: نمی‌گویم سؤال شما باید مربوط به امور زمین و مطالب مربوط به این کرهٔ خاکی باشد بلکه شما می‌توانید از امور مربوط به آسمان بپرسید، از نجوم و افلاک و از لوح و قلم و ملک و قضا و قدر بپرسید.

حضرت امام باقر(ع) می‌فرماید:

وَاللَّهِ إِنَّا لَخُزَّانُ اللَّهِ فِي سَمَائِهِ وَ أَرْضِهِ لَا عَلَى ذَهَبٍ وَ لَا عَلَى فِضَّةٍ إِلَّا عَلَى عِلْمِهِ<sup>(۱)</sup>

یعنی: سوگند به خدا که ما خزانه داران خدائیم در آسمان و زمینش، ولی نه خزانه دار طلا و نقره بلکه خزانه دار علم خدائیم. حضرت امام صادق(ع) فرمود: من آنچه در آسمانها و زمین است می‌دانم و آنچه در بهشت و دوزخ است می‌دانم و همچنین از گذشته و آینده آگاهم، سپس اندکی تأمل کرد و دید این سخنان بر شنوندگان گران آمد، لذا فرمود: من این مطالب را از کتاب خدای عزوجل می‌دانم که می‌فرماید: بیان هر چیز در قرآن است.<sup>(۲)</sup>

حضرت امام صادق (علیه السلام) در بیانی دیگر فرمود:

نَحْنُ وَ لَأُؤَمِّرُ اللَّهُ وَ خَزَنَةُ عِلْمِ اللَّهِ وَ عِيْبَةُ وَحْيِ اللَّهِ<sup>(۳)</sup>

یعنی: ما ولی امر خدا و گنجینه علم خدا و صندوق وحی خدا هستیم.

و اما دانش و علوم لدنی مهدی روحیفداه: آنچه مسلم است این است که علوم اولین و آخرین در سینه مبارک اوست و او تنها کسی است که پس از ظهور، مأمور اظهار و نشر علوم است که تا کنون منتشر نشده است.

احادیث و روایات فراوانی در کتب معتبر روایی ما است که در مجموع می‌رساند که پاره‌ای از علوم جزء دانش اختصاصی خداست و پروردگار عالم آنها را در اختیار کسی قرار نداده است، سند عرض ما روایاتی است که ملاحظه می‌فرمائید: ۱- حضرت امام باقر(ع) می‌فرماید:

إِنَّ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ عِلْمَيْنِ عِلْمٌ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ وَ عِلْمٌ عِلْمُهُ مَلَائِكَتُهُ وَ رُسُلُهُ فَمَا عِلْمُهُ مَلَائِكَتُهُ وَ رُسُلُهُ(ع) فَتَحْنُ نَعْلَمُهُ<sup>(۴)</sup>

همانا برای خدای عزوجل دو گونه علم است: الف - علمی که جز او کسی از آن اطلاعی ندارد. ب

۱- اصول کافی ج ۱ ص ۱۹۲

۳- اصول کافی ج ۱ ص ۱۹۲

۲- اصول کافی ج ۱ ص ۲۶۱

۴- اصول کافی ج ۱ ص ۲۵۶

- علمی که آن را به فرشتگان و رسولانش آموخته است. (بنابراین) آنچه از علوم و دانش به ملائکه و رسولانش (ع) آموخته ما می‌دانیم.

۲- حضرت امام صادق (ع) می‌فرماید:

إِنَّ لِلَّهِ عِلْمَيْنِ عِلْمٌ مَكْتُونٌ مَخْرُونٌ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ، مِنْ ذَلِكَ يَكُونُ الْبِدَاءُ وَ عِلْمٌ عَلَّمَهُ مَلَائِكَتَهُ وَ رُسُلَهُ وَ أَنْبِيَائَهُ فَنَحْنُ نَعْلَمُهُ<sup>(۱)</sup>

همانا برای خدا دو علم است: الف - علم نهفته و در خزانه که جز او کسی نداند و (بداء) از این علم است. ب - علمی که به ملائکه و رسولان و پیامبرانش تعلیم داده که ما آنرا می‌دانیم.

۳- حضرت امام صادق (ع) در بیانی دیگر فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَخْبَرَ مُحَمَّدًا (ص) بِمَا كَانَ مُنْذُ كَانَتِ الدُّنْيَا وَ بِمَا يَكُونُ إِلَى انْقِضَاءِ الدُّنْيَا وَ أَخْبَرَهُ بِالْمَخْتُومِ مِنْ ذَلِكَ وَ اسْتَتْنَى عَلَيْهِ فِيمَا سِوَاهُ<sup>(۲)</sup>

یعنی: خدای عزوجل پیغمبر (ص) را به آنچه از اول دنیا واقع شده و به آنچه تا پایان دنیا واقع می‌شود خبر داد، البته وقایع حتمی را به اطلاع رسول اکرم (ص) رسانید (و نسبت به مسائل غیر حتمی که به مشیت و اراده او مربوط است) استتینا قائل شد (یعنی به او خبر نداد)

حاصل این چند روایت این است که: در خزانه غیب الهی علومی هست که از آن جز خداوند کسی خبردار نیست و آنها از علوم اختصاصی خداست. از علوم غیب الهی اسم اعظم است که ۷۳ حرف می‌باشد. از ۷۳ حرف اسم اعظم ۷۲ حرف آن را خدای باری تعالی به رسول اکرم (ص) اعطاء کرده و تنها یک حرف از آن را نزد خود نگه داشته و از اعطای آن خودداری فرموده است و می‌توان گفت: که تعیین وقت ظهور نیز از این دسته از علوم اختصاصی است که فقط خدا از آن با خبر است.

امام صادق (ع) درباره حروف اسم اعظم خدا می‌فرماید:

به عیسی بن مریم (ع) دو حرف (از اسم اعظم) داده شد که با آنها کار می‌کرد، به حضرت موسی (ع) چهار حرف و به حضرت ابراهیم (ع) هشت حرف و به حضرت نوح (ع) پانزده حرف و به حضرت آدم (ع) بیست و پنج حرف داده شد و خدای بزرگ تمام این حروف را برای رسول اکرم (ص) جمع فرمود، همانا اسم اعظم خدا هفتاد و سه حرف است و هفتاد و دو حرف آن به محمد (ص) داده شد و تنها یک حرف از او پنهان گردید<sup>(۳)</sup>. البته این را هم باید بدانیم که بسیاری از امور در زندگی ما وجود دارد که ما از آن بی اطلاعیم و می‌توان برای نمونه تعدادی از آنها را ذکر کرد مانند آگاهی بر زمان مرگ، آگاهی بر مکان مرگ، آگاهی بر زمان قیامت، آگاهی بر خصوصیات فرزندان در رحم مادر و بسیاری دیگر از امور که به جز خداوند هیچ کس از آن آگاه نیست و بطور خلاصه می‌توان گفت که پیامبر (ص) و امامان معصوم (علیهم‌السلام) از علوم

اختصاصی خدا بی‌خبرند. آخرین کلام به امید دست یابی به کلید فتح این معما (روز ظهور)، پرسش و پاسخی بین رسول اکرم (ص) و امام حسن مجتبی (ع) در دست است که با هم می‌خوانیم:

حضرت امام حسن مجتبی (ع) از رسول اکرم (ص) پرسید:  
مَتَى يَخْرُجُ قَائِمُنَا أَهْلُ الْبَيْتِ؟

یعنی: قائم اهل بیت ما کی ظهور می‌فرمایند؟

حضرت رسول اکرم (ص) فرمودند:

إِنَّمَا مَثَلُهُ كَمَثَلِ السَّاعَةِ تَقَلَّتْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَأَيَاتِكُمْ إِلَّا بَغْتَةً<sup>(۱)</sup>

یعنی: بدان که مثل او قطعاً همانند ساعت (قیامت) است که در آسمانها و زمین (بسیار پر اهمیت) است و جز به طور ناگهانی نمی‌آید. از این حدیث نتیجه می‌شود که زمان قیام قائم (قیامت صغری) مانند قیامت کبری از علوم اختصاصی خدا است. چون رسول اکرم (ص) به امام حسن مجتبی (ع) می‌فرمایند: این هم همانند ساعت قیامت است، معلوم می‌شود (ساعت ظهور) هم چون ساعت قیامت جزو اسرار و مربوط به (علوم اختصاصی) خداست و آشکار نمی‌شود مگر (بغته) ناگهانی و کسی جز خدا از آن مطلع نیست.

ابی بن کعب به رسول خدا (ص) عرض کرد، دلایل و علائم آمدن امام عصر (ع) چیست؟

حضرت فرمود: برای امام (ع) پرچمی است که چون وقت قیام وی می‌شود آن پرچم خود به خود برافراشته می‌شود و همان پرچم به حضرت می‌گوید: ای ولی خدا برخیز، دشمنان خدا را بکش. انتشار پرچم و نداء، دو علامتند. برای او شمشیری است در غلاف، چون وقت ظهورش برسد، شمشیر از غلاف بیرون آمده و خداوند آن را به زبان آورده، او نیز به امام (ع) می‌گوید: ای ولی خدا برخیز. جا، ندارد که بنشیند و دشمنان خدا را به حال خودشان بگذارد (پس امام با دیدن این علامات) از پس پرده غیبت خارج شده هر کجا دشمنان خدا را بیابد می‌کشد، حدود خدا را بر پا داشته و طبق دستور الهی حکم می‌کند<sup>(۲)</sup>



## امام در سال فرد ظهور می‌کند

رسول اکرم (ص) و ائمه معصومین (علیهم السلام) در عین خودداری از بیان توقیت فرموده‌اند: که ظهور در یکی از سالهای فرد آنهم در روز عاشورا خواهد بود. اما این سال فرد، در چه زمانی خواهد بود معلوم نیست. در این باره احادیث فراوانی وجود دارد که به دو نمونه اکتفا می‌شود.

۱- حضرت امام صادق (ع) فرمودند:

لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ إِلَّا فِي وَتْرٍ مِنْ السَّنِينَ سَنَةً إِحْدَى أَوْ ثَلَاثٍ أَوْ خَمْسٍ أَوْ سَبْعٍ أَوْ تِسْعٍ (۱)

قائم ظهور نمی‌کند مگر در سال فرد، سال یکم، یا سوم، یا پنجم، یا هفتم، یا نهم،

۲- ابا بصیر می‌گوید: امام صادق (ع) فرمودند:

يُنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ وَ يَقُومُ فِي يَوْمِ عَاشُورَا وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) لَكَانِي (به) فِي يَوْمِ السَّبْتِ الْعَاشِرِ مِنَ الْمُحَرَّمِ قَائِمًا بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ، جِبْرَائِيلُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَنْ يَمِينِهِ يُنَادِي الْبَيْعَةَ لِلَّهِ، فَتَصِيرُ إِلَيْهِ شِيعَتُهُ مِنْ أَطْرَافِ الْأَرْضِ تَطْوِي لَهْمٌ طَيًّا حَتَّى يُبَا يَعُوهُ، فَيَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا (۲)

یعنی قائم را در شب بیست و سوم (رمضان) به نام (از آسمان) صدا می‌زنند و حضرت، روز عاشورا قیام می‌کند. همان روزیکه حسین بن علی (علیهما السلام) به شهادت رسید. گویا می‌بینیم که قائم در روز عاشورا، روز شنبه بین رکن و مقام ایستاده و جبرئیل (علیه السلام) در طرف راستش فریاد می‌زند بیعت از آن خداست پس شیعیانش از اقطار و اکناف جهان به طرف او می‌شتابند و با آن حضرت بیعت می‌کنند. سپس خداوند زمین را به وسیله او پر از عدل و داد می‌کند، همانطوریکه از ظلم و ستم پر شده بود! با ذکر این دو حدیث، بخش توقیت را به پایان می‌بریم و در بخش هشتم به بحث حکومت واحد جهانی می‌پردازیم. ان شاء الله.

مَتَى تَرَانَا وَ تَرَاكَ

يَابْنَ الْحَسَنِ رُوحِي فِدَاكَ

۱- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۹۱ و منتخب الاثر ص ۴۶۴

۲- منتخب الاثر ص ۴۶۴

## بخش هشتم - حکومت واحد جهانی

شیعیان جهان با رهنمودهای کتاب و سنت بر این باورند که:

سرانجام روزی اسلام و قرآن عالمگیر شده و جهان پیر، به برکت و جود حضرت مهدی روحیفدا، جوان گشته و تمام مردم جهان در زیر چتر حکومت واحد، فرمانده و رهبر واحد، قبله و قرآن واحد، آرمیده و زندگی خوب و راحتی خواهند داشت. در چنین روزی دیگر از جنگ و خونریزی و استضعاف و استکبار اثری نبوده و نخواهد بود و این همانست که از آن به حکومت واحد جهانی تعبیر می‌شود.

حکومت واحد جهانی به خلاف پندار دیر باوران، طرحی نو و جدید نیست تا موجب شگفتی شود بلکه بحث «جهان وطنی» سابقه‌ای دور و دراز در ادیان الهی به ویژه در اسلام داشته و اولین طراح آن آفریدگار جهان است.

بعثت انبیاء کلاً مقدمه‌ای برای بعثت رسول اکرم (ص) بود و با نبوت آن حضرت همه ادیان قبل منسوخ گشت و او با فریاد:

وَمَنْ تَبَتَّغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (آل عمران - ۸۵) فرمود: از امروز و فردا، و فرداها تا قیامت کبری، خدا و پیغمبر و دین و قبله و کتاب آسمانی (قرآن) یکی است و هر که جز این بخواهد، مردود و مطرود و در آخرت از زیانکاران است.

این منشور الهی که صدایش سراسر عالم را فرا گرفت روشنترین سند تاریخی از کتاب آسمانی ما در مسئله تشکیل حکومت واحد جهانی است که پرچمدار آن رسول اکرم (ص) است و آن حضرت به امر خدا، بذر آن را در دل‌های جهانیان کاشت و جهان بشریت را به این هدف مقدس و نهایی آگاهی داده، زمینه تحقق آن را فراهم ساخت. همانطوریکه انبیاء عظام زمینه ساز حکومت خاتم النبیین (ص) بودند، ائمه طاهرین (علیهم السلام) نیز ادامه دهنده راه رسول اکرم (ص) بودند، تا به فرموده خدای متعال، این حقیقت به دست فرزندان رسول خدا (ص) یعنی مهدی (ع) تحقق یافته و وی با قیامش به امر خدا قدرت را در دست گرفته و جهان را در سایه قرآن به یک دین و یک آئین و یک قبله و یک کتاب و یک حکومت مبدل فرموده و تمام مرزهای مصنوعی جهان را از صفحه گیتی جمع کند.

ندای حکومت واحد جهانی از لا به لای آیات شریفه قرآن همچنان به گوش رسیده و همه جا مردم را به دین و حکومت واحد بشارت می‌دهد. قرآن با بیانی رسا می‌فرماید:

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ... (۱)

او کسی است که پیامبرش را با مشعل هدایت و آئین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان پیروز و غالب گرداند. این آیه از نظر اهمیت و قطعیت موضوع در دو سوره دیگر قرآن (فتح - ۲۸) و (صف - ۹) نیز تکرار شده است و امام صادق (ع) در شرح این حدیث فرمود: به خدا سوگند هنوز

محتوای آیه تحقق نیافته و تأویلش ظاهر نگشته و تنها زمانی تحقق پیدا می‌کند که حضرت قائم (ع) خروج کند.

بدیهی است که ظهور قائم (ع) و پیروزی وی بر تمام ادیان، همان حکومت واحد جهانی و سقوط همه رژیمها است که قرآن نوید آن را داده است. همانطوریکه قبلاً به عرض رسید قرآن در سوره انبیاء آیه ۱۰۵ نیز به صراحت بیان نموده که

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ

در زبور داوود پس از ذکر نوشته‌ایم که سرانجام، زمین از آن بندگان صالح من خواهد شد و بندگان صالح ما، وارثان زمین خواهند گشت.

اینها نمونه‌هایی از آیات قرآن است که علناً داد سخن داده و تحقق حکومت واحد جهانی را به دست با کفایت حجت خدا ولی عصر مهدی روحیفداه مسلم و قطعی اعلام داشته است.

پس از این نویده‌های محکم قرآنی حدیثی از رسول اکرم (ص) در بیان قطعیت ظهور و بسط عدل بدست مهدی (ع) بیان میکنیم، حضرت می‌فرماید:

اگر نماند از عمر دنیا جز یک روز، خداوند آن روز را دراز دامن کند تا مردی از فرزندانم ظهور نماید، وی پس از ظهور، جهان را پر از عدل و داد کند همانطوری که از ستم پر شده است<sup>(۱)</sup>

احیای این سنت و فریاد (جهان وطنی) سرانجام پس از گذشت ۱۴۰۰ سال از تاریخ، این نویدها اوایل قرن بیستم قوت گرفت و در این میان کابوس وحشتناک جنگ جهانی اول و دوم نیز به این اندیشه قوت بیشتری داد و قدرتها بر آن شدند که مرزها را در هم کوبیده و پس از آن با هم در زیر یک پرچم و یک حکومت جمع شده، زندگی آرامی را تدارک کنند. ولی آن (یک حکومت) و آن (یک فرمانده) با وجود اختلاف وسیع در مرزهای عقیدتی با چه کسی باشد معلوم نیست و چون حبّ جاه در افراد بی‌تقوا همه جا مانع رشد افراد و به ثمر رسیدن برنامه‌های اصلاحی است! بعید به نظر میرسد که سران دولتها به نفع هم کنار روند و این پست عظیم (فرماندهی کلّ قوای جهان) را دو دستی به دیگری تفویض کرده، عملاً صلاحیت رقیب و عدم صلاحیت خود را امضاء کنند! نتیجتاً همگی کاندیدا برای احراز این پست جهانی شده و تضاد منافع و هوای استثمار و یا فقدان فرد صلاحیتدار، آنان را در عوض رسیدن به «جهان وطنی» به جنگ جهانی خطرناکی خواهد کشانید.

باید گفت میان تمام افراد بشر (به غیر از امامان معصوم علیهم السلام) حتی یک فرد هم وجود نداشته و ندارد که آنقدر شایستگی داشته باشد که بتواند زندگی هموعان خویش را اداره کند. هدایت و رهبری افراد بشر، نیاز به انسان کامل و عاقلی دارد که با داشتن قوای عقلانی، «این موهبت عظیم الهی» بر هوای نفس خود غلبه کرده و تمام تمایلات نفسانی را برده عقل و خرد خود سازد.

حضرت رسول اکرم (ص) می فرماید: **أَشْجَعُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ** <sup>(۱)</sup>

نیرومند ترین مردم کسی است که بر تمایلات نفسانی خود پیروز شود (و آنها را مطیع و مسخر منطق عقل خویش گرداند). به هر حال کمبود خرد و فقدان عقل یکی از بزرگترین نقاط ضعف بشر است و تا این بیماری معالجه نشود خطر تصادم از جامعه انسانیّت دفع نشده و نخواهد شد.

انبیاء الهی در نخستین گام به سراغ این گنجینه گرانبها (عقل) میروند تا عقلهای پنهان شده بشر را شکوفا کنند و مهدی (ع) هم به همان راه می رود که انبیاء الهی رفته اند.  
حضرت امام باقر (ع) می فرماید:

**إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤْسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهَا أَحْلَامَهُمْ** <sup>(۲)</sup>

یعنی: قائم ما هنگام قیام و ظهور نیروی عقلانی و قدرت تفکر و اندیشه توده ها را تمرکز داده و خرد و دریافتهای مردم را به کمال می رساند.

گفتنی است که کمال خرد ویژه مردان نیست بلکه زنان نیز از آن بهره مندند، بهره مند شدن زنان از کمال عقل و خرد در حکومت مهدی (ع) تا بدان پایه است که بر مسند قضاوت نشسته، داوری کنند.

به این ترتیب می بینیم که در قرآن این کتاب آسمانی و همچنین در احادیث امامان معصوم (علیهم السلام) نیز از حکومت واحد جهانی و سراسر توحید آینده که همه مردم تحت پرچم توحید و یک حکومت واحد قرار گرفته و مردم صالح زمام امور را به دست می گیرند خبر می دهد.

### پایه های فکری حکومت واحد جهانی در اسلام

از میان پایه های فکری حکومت واحد جهانی در اسلام فقط به یک پایه اساسی و مهم اشاره می کنیم و آن برابری همه انسانها با یکدیگر است و همین پایه است که به برتریهای نژادی و ملیت پرستیهای غلط خاتمه بخشیده و همه انسانها را مساوی و برابر خوانده است، چنانکه قرآن می فرماید:

**يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ** <sup>(۳)</sup>

ای مردم ما شما را از یک زن و مرد آفریدیم و به صورت دسته ها و قبیله ها در آوردیم تا همدیگر را بشناسید، گرامی ترین شما نزد خدا، پرهیزگارترین شماست. یعنی ملاک برتری، ایمان و تقوا است نه ملیت و رنگ و نژاد. این آیه وحدت همه انسانها را اعلام می دارد و برقراری یک نظام توحیدی را در سراسر جهان پایه ریزی می کند.

۱- مستدرک ج ۲ ص ۳۴۵

۲- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۲۸ و ۳۳۶ و منتخب الاثر ص ۴۸۳

۳- حجرات - ۱۳

حضرت رسول اکرم (ص) در سخنان خود در (حجة الوداع) هر نوع تبعیض میان انسانها را محکوم کرد و چنین فرمود:

لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ وَلَا لِعَجَمِيٍّ عَلَى عَرَبِيٍّ إِلَّا بِالتَّقْوَى كُلُّكُمْ مِنْ آدَمَ وَ آدَمُ مِنْ تُرَابٍ (۱)  
عرب را بر عجم، و عجم را بر عرب برتری نیست مگر به تقوی، همگی فرزندان آدمند و آدم نیز از خاک آفریده شده است.

حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) نیز دربارهٔ برابری انسانها چنین می‌فرماید:

اصل انسان، قلب، عقل، دین، و شرافتی است که انسان برای خود قرار می‌دهد، روزگار در حال تغییر است، مردم از زمان آدم در برابر شرع برابرند. بهر حال اینها که برشمرديم تصوير دورنمای جهان آینده است که ملاحظه فرمودید.

### حکومت واحد جهانی و نظریه دانشمندان

دانشمندان جهان مطالب ارزنده‌ای درباره حکومت واحد جهانی داشته و مردم جهان را به داشتن چنین حکومتی ترغیب و به فراهم آوردن چنین دولتی تشویق می‌کنند، در اینجا با نظریهٔ چهار تن از اندیشمندان مشهور جهان آشنایی شویم:

۱- انیشتین دانشمند و ریاضیدان بزرگ قرن ما معتقد بود که:

حکومت‌های متعدّد خواه و ناخواه به نابودی بشریت منجر خواهند شد، او همچنین می‌گفت: ملل جهان از هر نژادی و رنگی که باشند می‌توانند و باید زیر یک پرچم واحد بشریت در صلح و صفا و برابری و برادری زندگی کنند. (۲)

۲- برتراند راسل دانشمند و فیلسوف مشهور انگلیسی از لزوم تشکیل حکومت واحد جهانی دفاع کرده و می‌گوید:

اکنون از لحاظ فنی مشکل بزرگی در راه یک امپراطوری وسیع جهانی وجود ندارد و چون خرابی جنگ بیش از قرن گذشته است احتمالاً باید حکومت واحدی را قبول کنیم یا اینکه به عهد بربریت برگردیم و یا به نابودی نژاد انسانی راضی شویم (۳)

۳- برنارد شاو فیلسوف مشهور انگلیسی می‌گوید:

من کیش اسلام را به علت قوت حیاتی که در آن سراغ دارم بسی تمجید و تقدیر می‌کنم، در نظر من بسی روشن است که یگانه دین و تنها کیشی که می‌تواند همواره با تطوّر و مقتضیات زمان توافق داشته و با تعلیمات مختلفه زندگی بسازد همانا دین اسلام است و بس،...

من با صراحت لهجه و اطمینان کامل می‌گویم، اروپای امروزی که تا اندازه‌ای به حکم و مصالح آئین اسلام پی برده و امروز آن را تا درجه‌ای قبول دارد، در آینده نیز آنرا با آغوش باز پیشواز نموده و با چهرهٔ بشاش تمامی آنرا خواهد پذیرفت... به نظر چنین می‌رسد که مشکلات عالم و

۲ - کتاب مفهوم نسیت، تألیف آلبرت اینشتین ص ۳۵

۱ - تحف العقول ص ۳۴

۳ - تأثیر علم بر اجتماع ص ۵۶

دشواریهای جهان حل نخواهد گردید، مگر از طریق اسلام و سعادت و آسایش بشر، هر چه مکمل‌تر میسر خواهد بود مگر از شرع محمدی، و باید پیشگوئی مرا در این معنی به اندیشه سپرد که اسلام در آینده دین عالم و کیش جهانی خواهد بود.<sup>(۱)</sup>

۴- نوستراداموس پزشک و ستاره‌شناس فرانسوی حدود ۵۰۰ سال قبل می‌زیست، وی حوادث جهان، از سال ۱۶۰۰ تا ۲۰۰۰ میلادی را پیش‌بینی کرده و پیشگوئیهای وی در کتابی به همین نام در سال ۱۹۸۰ میلادی به چاپ رسید.

اکنون نکات حساس این پیشگوئیها را بیان می‌کنیم:

مردی که همنام پیامبر آخر الزمان است هفت ماه بعد از سال ۱۹۹۹ از آسمان به زمین می‌آید، او کسی است که همگی در انتظارش بودند، اگر چه دیر آمده ولی او نجات دهنده است. او یک شخصیت قدرتمندی است که با آئین محمدی زاده شده است، او بر دنیا حکومت کرده و بیشترین جا را تسخیر نموده و همه چیز در زیر گام او قرار خواهد گرفت.<sup>(۲)</sup>

۱- مهدی (ع) آخرین سفیر انقلاب ج ۲ ص ۲۲۱ تا ۲۵۰ با تلخیص و تصرف  
 ۲- کتاب پیشگوئیهای نوستراداموس

## بخش نهم - سلاحهای مدرن روز

تحقق حکومت واحد جهانی با وجود سلاحهای مدرن روز آن هم بوسیله شمشیر به دست یک نفر به نام مهدی روحیفداه یکی از مشکلات عقیدتی و نظامی است که متأسفانه پاره‌ای از باورداران هم به آن به حالت اعجاب می‌نگرند!

آنها می‌خواهند بدانند که راه پیروزی امام(ع) در برابر اینهمه سلاحهای وحشتناک چگونه است؟! آیا امام(ع) به راستی در روز ظهور از شمشیر، این سلاح سرد و سنتی استفاده کرده و از این طریق بر سلاحهای مرگبار پیشرفته روز فائق می‌شود؟ این باور کردنی است؟!

و یا امام(ع) با سلاحی برتر و مدرنتر به جنگ ابرقدرتان جنایتکار خواهد شتافت؟! دیگر اینکه مگر برنامه امام(ع) کشتار است؟! اگر نیست، ضرورتی در اثبات چگونگی و برتری سلاح امام نیست، و اگر هست چرا؟ و چگونه خواهد بود؟!

برای حل مشکلات، دلایل عقلی و نقلی فراوانی در دست است که به خواست خدا در این بحث به قدر نیاز از آنها استفاده خواهیم کرد اما پیش از بیان مدارک و اسناد ضروری است که در این میان، اول خدا و امام شناخته شوند و پس از شناخت خدا و امام و نقش آنان در ارتباط با این مسئله اگر باز هم مشکلی بماند آنوقت است که به دلایل عقلی و نقلی چنگ زده و ان شاءالله با کمک امدادهای غیبی گره‌ها را یکی پس از دیگری باز کنیم.

### خدا و حکومت واحد جهانی

همه شیعیان جهان به استناد بسیاری از آیات و روایات بر این باورند که:

حکومت واحد جهانی خواست خداست، او می‌خواهد سرانجام سراسر گیتی، یک جهان، یک وطن، یک کشور، و یک مملکت، و خلاصه یک خانه شود و ساکنین این خانه همگی دارای یک خدا، یک پیغمبر، یک امام، یک دین، یک کتاب و یک قبله باشند.

این خواست و اراده خلل‌ناپذیر خداست و بی‌تعارف باید گفت خواست خدا شدنی است و به کسی هم مربوط نیست و هیچ قدرتی هم نمی‌تواند جلو قدرت خدا را بگیرد!

خدائی که «نیست» را «هست» و «هست» را «نیست» می‌کند.

خدائی که آدم ابوالبشر را از نیستی به هستی می‌آورد.

خدائی که به نوح(ع) ۲۳۰۰ سال عمر می‌دهد.

خدائی که کشتی نوح را از طوفان بلا به ساحل نجات می‌رساند.

خدائی که ناقه صالح را از دل کوه پر از سنگ بیرون می‌آورد.

خدائی که آتش نمرود را بر ابراهیم(ع) گلستان کرده و کارد را در گروی اسماعیل از بریدن منع می‌کند.

خدائی که دریا را برای موسی(ع) می‌شکافد.



خدائی که عیسی (ع) را بی پدر به دنیا می آورد و همچنان تا این تاریخ او را زنده نگه می دارد. خدائی که چلچله‌ها (ابابیل‌ها) را مأمور بمباران ابرهه و اصحاب فیل می کند. (عام الفیل) خدائی که کره ماه را به خواست رسول اکرم (ص) به دو نیم می نماید. (شق القمر) خدائی که افلاک و کهکشان‌ها را بدون ستون مرئی در فضا می آویزد. و خلاصه خدائی که نماینده و جانشینش مهدی (ع) را تا تاریخی که بخواهد زنده نگه می دارد. او می خواهد بشود و می فرماید می شود و خواهد شد و پیامبر آخرینش نیز براساس همین خواسته محکم می فرماید:

سوگند به آن کس که مرا پیامبر راستین قرارداد اگر از عمر جهان جز یک روز مانند خداوند همان یک روز را آنقدر طولانی کند تا فرزندم مهدی ظهور کند و پس از ظهور او عیسی بن مریم روح الله فرود آید و در پشت سر وی نماز گذارد آن گاه زمین با فروغ پروردگار خویش روشن شود و «حکومت» مهدی به شرق و غرب گیتی برسد.<sup>(۱)</sup>

با این همه تأکید و اراده و خواست و قسم اگر کسی پیدا شود و بگوید با بودن این همه سلاحهای مخرب این خواسته عملی نیست و نمی‌شود! شما را به خدا خنده آور و مسخره نیست؟! گوینده چنین سخنی قطعاً خداشناس نیست.

بر همین اساس است که معتقدان در تحقق حکومت واحد جهانی امیدوارند و مسرور و ناباوران کوردل با نادیده گرفتن قدرت خداوند مایوس اند و مغرور!

### امام (ع) و حکومت واحد جهانی

امام معصوم همانند پیامبران، نماینده رسمی خدا در روی زمین و جانشین رسول اکرم (ص) در میان مردم جهان است. بسیاری کسانی که امام را به معنی واقعی نمی‌شناسند مدعیان شناخت هم، شناختشان اغلب از عصمت و طهارت است، که البته از آن چیز کمی می دانند!

اینان از قدرت و سطوت امام، از هیبت و شجاعت امام، از اراده و خواست امام، از تصرف و ولایت امام بی خبرند. از ولایت تکوینی امام چیزی ندانسته و شاید هم اصلاً این اصطلاحات به گوششان نرسیده باشد.

این بی‌خبری آسیب فراوانی بر پیکر عقاید اینان وارد کرده که ثمره آن نق‌ها و دهان کجی‌ها و چون و چراهاست!

اینان باید بدانند که امام (ع) علی الدوام از ذات احدیت مدد می گیرد و با مدد بی‌کران قادر متعال می تواند هر لحظه در جهان هستی تصرف کند با این وجود دیگر مشکلی به نام سلاحهای هسته‌ای که جزئی از جهان هستی است باقی نمی‌ماند!

از نظر اندیشمندان ژرف بین و اولیاء خدا سلاحهای مدرن روز در برابر قدرت خدا و تصرف و ولایت تکوینی امام اسباب بازی کودکان است! آنکه با داشتن چنین خدا و امام از آدمک و

مترسک می ترسد برآستی خنده دار و تأسف بار است.

آری امام (ع) در پرتو بندگی و عبادت به اذن پروردگار عالم با نیرویی که از تقرب به خدا کسب کرده می تواند در طبیعت تصرف کرده و منشأ بسیاری از معجزات و کرامات شود و این همان ولایت تکوینی است که اشاره کردیم مانند:

کاری که موسی (ع) با زدن عصا بر دریا و شکافته شدن آن برای عبور بنی اسرائیل انجام داد. کاری که موسی (ع) با زدن عصا بر سنگ و جاری کردن دوازده چشمه از آن انجام داد. کاری که سلیمان (ع) از طریق جن انجام می داد و همه آنها را زیر فرمان خود داشت. کاری که عیسی بن مریم (ع) می کرد و از گل صورت پرنده‌ای می ساخت و در آن می دمید فوراً پرنده می شد.

کاری که رسول اکرم (ص) انجام داد و با اشاره دو انگشت ماه را دو نیم کرد. کاری که علی (ع) با کندن در قلعه خیبر انجام داد که ۴۰ نفر قادر به تکان دادن آن نشدند. کاری که امام حسن مجتبی (ع) انجام داد و جوان دشنام‌گو به نفرین امام (ع) تغییر ماهیت داد (وزن شد). کاری که امام صادق (ع) انجام داد و هارون مکی به امر امام (ع) در تنور آتش نشست و زیانی ندید.

کاری که موسی بن جعفر (ع) انجام داد و برای اثبات امامتش ساعتها در میان شعله‌های آتش نشست و همچنین در مجلس هارون عکس شیر در پرده را به صورت شیر واقعی درآورد و شعبده‌باز را درید و بلعید.

کاری که امام جواد (ع) در سن ۸ سالگی انجام داد و با طی الارض از مدینه به طوس بر بالین پدر آمد.

کاری که امام هادی (ع) در تلّ مُخالی به منظور ارباب متوکل انجام داد و زمین و آسمان را از جنود مسلّح خدا پر کرد.

کاری که امام حسن عسکری (ع) هنگامی که او را در میان شیران درنده افکندند انجام داد و آنها را رام کرد.

و خلاصه آنچه از خرق عادتها و کرامات و معجزات از پیامبران عظام و ائمه اطهار انجام می دادند، همه آنها از طریق تصرف و ولایت تکوینی است.<sup>(۱)</sup>

بنابراین برای اینکه در این مسئله، همه سطوح قانع شوند و بدانند که هنگام ظهور در کاروان مهدی روحیفداه چه می گذرد و امام چه دارد و چه می کند و چگونه خارها را از سر راه بر می دارد این مقال را به قدر حوصله در ابعاد مختلف توسعه داده و مورد بحث قرار می دهیم تا دیگر عذری نماند.

## اول - سلاح امام مهدی (ع)

مهدی (ع) برای زدودن خارها و دروکردن ستمگران بعد از اتمام حجّت هر جا مصلحت ایجاب کند دست به قدرت نظامی برده، موانع را از سب راه بر می دارد.

سلاح امام (ع) بالاترین و مدرنترین سلاحها است. از آنچه که از روایات به دست آمده است می فهمیم:

امام (ع) پاره‌ای از سلاحهایی را که از پیامبران پیشین به ارث برده به همراه دارد و از آنها در پیشبرد مقاصد خود استفاده خواهد کرد مثلاً ملاحظه بفرمائید:

در روایت زیر آمده است که مهدی (ع) با تراث رسول الله (ص) می آید:

یعقوب سراج می گوید: حضرت امام صادق (ع) فرمود فرج ما وقتی است که: صاحب این امر از مدینه خارج شده به طرف مکه معظمه می رود در حالیکه تراث رسول الله (ص) را همراه دارد.

یعقوب می گوید: گفتم تراث چیست؟

حضرت فرمود: شمشیر رسول خدا (ص) و زره و عمامه و برد و تازیانه و پرچم و کمان و زین اسب آن حضرت تا اینکه وارد مکه شود...<sup>(۱)</sup>

همچنین در روایت دیگری هم می خوانیم که:

امام (ع) پیراهنی که رسول اکرم (ص) با آن به معراج رفته و پیراهن دیگری که با آن به جنگ احد رفته و کلاه خود و کمر بند و عصا و زره و نعلین و استر وی را نیز به همراه خود می آورد.<sup>(۲)</sup>

امام (ع) علاوه بر میراث رسول خدا (ص) پیراهن ابراهیم خلیل (ع) و عصای موسی (ع) و تابوت سکینه و انگشتر و تخت سلیمان (ع) و بسیاری از موارد انبیاء را با خود داشته و از آن در مواقع خاص بهره برداری خواهد فرمود.

و خلاصه: امام صادق (ع) فرمود: مَا مِنْ مُعْجَزَةٍ مِنْ مُعْجَزَاتِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ إِلَّا يُظْهَرُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مِثْلَهَا فِي يَدِ قَائِمِنَا لِإِتْمَامِ الْحُجَّةِ عَلَى الْأَعْدَاءِ<sup>(۳)</sup>

هیچ معجزه‌ای از معجزات پیامبران و اوصیاء نیست مگر اینکه خدای متعال همانند آن را به منظور اتمام حجت دشمنان در دست قائم ما قرار داده است.

گفتنی است که در یکایک این موارد ویژگیها و اثرات خاصی است که از غیر اهلش مکتوم است، و چون این موارد سند امامت و ولایت است قطعاً باید در دست ائمه دین و هم اکنون نزد مهدی (ع) باشد، تا وی در وقت ظهور به آن ملبس شده، جهان بشریت را تسخیر کند. بدیهی است که آوردن این موارد برای تزیین و دکور نیست بلکه در این موارد عجایبی است که به هنگام ظهور آشکار خواهد گردید.

## عجایب و شگفتیهای موارد:

۱ - پیراهن ابراهیم خلیل (ع)

اولاً این پیراهن اسرارآمیز عایق است و از سرما و گرما جلوگیری می کند و هنگام در آتش افکندن ابراهیم (ع) به دستور نمرود جبرئیل آن را آورد و به ابراهیم (ع) پوشانید این پیراهن که

جزو مواریث انبیاء است به ترتیب از ابراهیم (ع) به اسحاق (ع) و از اسحاق (ع) به یعقوب (ع) و از یعقوب (ع) به یوسف (ع) رسید.

ثانیاً این پیراهن، پیراهن بهشتی است که آن را جبرئیل امین از بهشت برین برای ابراهیم (ع) آورده است.

ثالثاً این پیراهن بسیار خوشبو است به طوریکه بوی خوش آن از فرسنگها به مشام می رسد و یعقوب (ع) بوی آن را از هشتاد فرسنگ راه استشمام کرده است.

رابعاً شفا بخش است و چون آن را به امر یوسف (ع) به صورت یعقوب (ع) انداختند نابینایی ۶ ساله او فوراً به بینایی مبدل گشت.<sup>(۱)</sup>

امام (ع) علاوه بر این پیراهن، دو پیراهن نیز از رسول خدا (ص) دارد پیراهنی که آن حضرت پوشید و با آن به معراج رفت و پیراهن دیگری که آن را در جنگ احد پوشیده بود و پیامبر (ص) را از اصابت تیر دشمن محافظت می کرد.

جاییکه پیراهن ابراهیم خلیل (ع) دارای آنهمه شگفتیها باشد ناگفته پیداست که پیراهن حضرت رسول خدا (ص) که با آن به معراج رفته دارای چه معجزات و عجایب اسرارآمیز است.

## ۲ - عصای موسی (ع)

عصای موسی (ع) یکی از عجایب عالم طبیعت و از مهیبترین مخلوقات خدا است این عصا خصوصیات عجیبی دارد که به این شرح است:

عصا از چوب آس از درختان بهشتی است و آن را جبرئیل آورده است، رنگش تغییر نکرده و همیشه سبز است گویی هم اکنون آن را از درخت بریده اند و هر وقت با عصا حرف بزنیم حرف می زند. ولی خدا هر چه به عصا فرمان دهد عمل می کند و هر چه جلوی آن بیندازند می بلعد. این عصا برای قائم (ع) ذخیره شده است و قلب دشمن را می لرزاند و هرگز نمی پوسد.<sup>(۲)</sup>

این عصا به فرمان موسی (ع) اژدها شد و آنچه جادوگران فرعون از ریسمانها و چوبها به صورت مار در آورده بودند همه را بلعید سپس با چشمان زهرآگین خود متوجه کاخ فرعون شد، اژدها با دید غضب آلود و نفیر وحشتناکی به دربار فرعون حمله کرد و فرعون از ترس بیهوش شد.

این حمله سبب شد که تماشاچییانی که از اطراف و اکناف به دستور فرعون جمع شده بودند فرار کنند.

گفتنی است که از میان ۸۰ هزار جادوگر ۷ هزار و از میان آن ۷ هزار ۷۰ نفر را فرعون برای مصاف با موسی (ع) انتخاب کرده بود این ۷۰ نفر نیز ۲ نفر را از میان خود برگزیدند که این ۲ با هم برادر بودند و بسیار ماهر و کهنه کار بودند این ۲ برادر بر سر قبر پدر خود آمده و روح او را احضار کرده و به او اطلاع دادند که فرعون ما را برای جادوگری با ساحر جدیدی احضار کرده

است. او فقط عصای کوچکی دارد که وقتی به زمین می‌اندازد این عصا آثار شگفت‌انگیزی از خود نشان می‌دهد و همه را مبهوت می‌کند!

روح پدر گفت: اگر عصای او فقط در بیداری اثر می‌کند او جادوگر است و می‌توانید بر او غلبه کنید و اگر در حال خواب نیز اثر دارد مأمور خداست و نمی‌توانید با او مبارزه کنید! موقعیکه موسی و هارون خوابیده بودند این دو برادر آمدند تا عصا را امتحان کنند عصا تبدیل به مار شد و به آنها حمله کرد لذا آن دو برادر فهمیدند که سحر نیست و معجزه است.

به هر حال با توجه به آنچه از عجایب دربارهٔ عصا آوردیم انصاف این است که گفته شود: تنها این عصا برای فتح عالم و سرنگونی کاخ فرعونیان جهان کافی است!

۳- پرچم رسول خدا (ص)

پرچم رسول خدا (ص) نیز از پرچمهای اسرارآمیز و معجزآفرین است و این پرچم که از مواریث رسول اکرم (ص) است هم اکنون در دست ولی عصر حضرت بقیة الله الاعظم امام زمان (ع) است برای آشنایی بیشتر با این پرچم خصوصیات آن را ذکر می‌کنیم.

این پرچم آسمانی از برگ درخت بهشتی است که آن را جبرئیل روز جنگ بدر به اهتزاز درآورد و پیغمبر (ص) پس از جنگ بدر پرچم را پیچیده به علی (ع) داد و وی آن را در جنگ جمل برافراشت و پس از جنگ علی (ع) پرچم را پیچید و همواره نزد ائمه (ع) بود و هیچ کس جز قائم (ع) آن را نخواهد گشود.

قائم (ع) چون پرچم را بگشاید ترس وی یک ماه زودتر از پیش روی و چپ و راست او رفته، در دلهای دشمن وارد می‌شود.<sup>(۱)</sup> و این پرچم چون به اهتزاز درآید میان مشرق و مغرب راروشن می‌کند.

با این پرچم به سوی هیچ قومی عزیمت نمی‌کند جز اینکه خدا آنها را نابود می‌کند. روی این پرچم عبارت «الْبَيْعَةُ لِلَّهِ» و به روایتی «الرَّفْعَةُ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ» نوشته شده<sup>(۲)</sup> و پرچم به هنگام ظهور به سخن آمده می‌گوید: ای ولی خدا برخیز، دشمنان خدا را بکش.<sup>(۳)</sup>

و خلاصه پرچم همه جا موفق است و به پیش می‌تازد بدا به حال کسی که با این پرچم بستیزد، که ستیز کردن با آن هلاکت و نابودی را به همراه می‌آورد.

عبید بن کرب می‌گوید:

از علی (ع) شنیدم که فرمود: از برای ما اهل بیت پرچمی است که هر کس از او جلو افتاده و یا عقب بماند نابود

می‌شود ولی هر کس که از آن پیروی کرده و به همراه پرچم گام بردارد با ما بوده و نجات خواهد یافت.<sup>(۴)</sup>

۲- منتخب الاثر صفحات ۴۶۲ و ۳۱۲ و ۳۱۹

۴- کمال الدین ص ۶۵۴

۱- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۶۱

۳- کمال الدین ص ۶۶۸

## ۴ - انگشتر سلیمان (ع)

همان طور که از قبل اشاره شد انگشتر سلیمان هم یکی از موارد شگرف و اعجاب‌انگیز است که حضرت سلیمان (ع) بهره‌های فراوانی از آن برده است این انگشتر مانند سایر موارد بر حسب وصایای الهی به پیامبران و سرانجام به دست ائمه (علیهم السلام) رسید و اینک در دست حضرت مهدی (ع) است.

کرامات این انگشتر زیاد است و ما به دو قسمت آن اشاره می‌کنیم.

الف: احضار جنود غیبی به وسیله انگشتر:

از حضرت امام صادق (ع) نقل است که حق تعالی پادشاهی حضرت سلیمان (ع) را در انگشترش گذاشته بود پس هر گاه آن انگشتر را در دست می‌کرد جمیع جن و انس و شیاطین و مرغان هوا و وحشیان صحرا نزد او حاضر می‌شدند و او را اطاعت می‌کردند.

ب - انگشتر کافریاب و مؤمن شناس:

تماس انگشتر با مردم، ماهیت آنان را آشکار می‌کند همانطوری که طلا را به سنگ محک می‌مالند و عیار آن معلوم می‌شود این انگشتر هم به روی هر که نهاده شود در آن نوشته می‌شود که وی مؤمن است یا کافر.

ملاحظه کنید مولی علی بن ابیطالب (ع) می‌فرماید:

امام زمان (ع) از طرف صفا ظاهر می‌شود در حالیکه انگشتر سلیمان (ع) و عصای موسی (ع) با او است.

امام (ع) انگشتر را بر روی هر مؤمنی می‌نهد در آن نوشته می‌شود (این مؤمن حقیقی است) و بر روی هر کافری بگذارد نوشته می‌شود (این کافر حقیقی است) تا جایی که مؤمن صدا می‌زند ای کافر، وای بر تو و کافر صدا می‌زند ای مؤمن خوش به حالت، دوست داشتم منم امروز مثل تو بودم تا به چنین سعادتت برسم.<sup>(۱)</sup>

## ۵ - تابوت سکینه یا صندوق عهد اسرارآمیز

تابوت سکینه یکی دیگر از موارد شگرف است که هنگام ظهور، همراه امام (ع) است، درباره این تابوت ~~یاد~~ صندوق عهد سخنان فراوانی در کتب عهد عتیق (تورات) به ویژه در سفر خروج باب ۲۵ است که خالی از غلو و اغراق نیست!

در اخبار و روایات معتبر ما به ویژه قرآن در سوره بقره آیه ۲۴۸ از تابوت سکینه و خواص آن سخنها گفته و آثار شگفت‌انگیزی را به آن نسبت داده که ما ضمن معرفی کامل آن به کیفیت آثار آن می‌پردازیم:

ابن عباس می‌گوید: تابوت همان صندوقی بود که ما در موسی او را در آن گذاشت و به رود نیل

افکند و هنگامی که به وسیله عمال فرعون از رود گرفته شد و موسی را از آن بیرون آوردند همچنان در دستگاه فرعون نگاهداری می‌شد و سپس به دست بنی اسرائیل افتاد آنها آن را محترم می‌شمردند و به آن تبرک می‌جستند.

موسی (ع) در واپسین روزهای عمر، الواح مقدّس که احکام خدا بر آن نوشته بود به همراه زره خود و یادگارهای دیگری در آن نهاد و به وصی خود یوشع بن نون سپرد و به این ترتیب اهمیت این صندوق در نظر بنی اسرائیل بیشتر شد و آنها در جنگها آن را با خود می‌بردند و اثر روانی و معنوی خاصی در آنها می‌گذاشت و تا زمانی که این صندوق با محتویات مقدّس در میانشان بود با سر بلندی زندگی می‌کردند ولی تدریجاً مبانی دینی آنها ضعیف شد و دشمنان بر آنها چیره شدند و آن صندوق را از آنها گرفتند.<sup>(۱)</sup>

رسول اکرم (ص) در این باره می‌فرماید:

مهدی (ع) تابوت سکینه را از غاری در انطاکیه و اسفار تورات را از کوهی در شام خارج کرده و با آنها با جماعت یهود احتجاج می‌کند و گروه زیادی از آنها به اسلام رو، می‌آورند.<sup>(۲)</sup>

با این حساب وقتی یهودیان به دیدن تابوت و مسیحیان به دیدن عیسی (ع) در حال نماز پشت سر مهدی (ع) به دین اسلام مشرف شوند دیگر خاری بر سر راه استقرار حکومت واحد جهانی باقی نخواهد ماند.

و اما آخرین کشفیات درباره تابوت سکینه اسرارآمیز این است که:

آن را به هر شهری بفرستند تمام شهر را طعمه حریق می‌سازد و به طرف هر کشوری ارسال کنند آن کشور را از صفحه تاریخ بر می‌دارد. درست همچون بمبهای اتمی و نیدروژنی امروز و قویتر از آنها، و بدین سان خدا حجّت خود را با عصای موسی و تابوت سکینه مجهز ساخته که دیگر تسلیحات قرن حاضر در برابر آنها از هر واکنشی ناتوان است. این بود خواص پاره‌ای از مواردی که به آنها اشاره شد.

این را باید گفت که این مواردی از زمان انبیاء تاکنون از گزند حوادث مصون مانده و طبیعت و گذشت زمان هیچ گونه ضایعه‌ای در آنها وارد نکرده است چون این مواردی به خواست خدا باید بماند تا به دست مهدی روحیافته برسد بنابراین خواست خدا شدنی است و این مواردی کلاً زیر نظر مستقیم خدا و بیمه الهی است.

### دوم - جفر سرخ یا سلاح گرم امام مهدی (ع)

مهدی (ع) برای تسخیر جهان و استقرار حکومت واحد جهانی به فرمان پروردگار از یکایک مواردی که با خود دارد احتجاجاً علیه دشمن استفاده کرده، سرانجام زمین را از لوث وجود آنان پاک خواهد کرد.

اما باید دانسته شود که سلاح امام (ع) منحصر به اینها نیست. امام (ع) سلاحها و تاکتیکها و



دستور العمل‌های نظامی جدیدی هم دارد که پس از ظهور به کار خواهد بست. و آن قسمت از تاکتیکها که از آن به جفر سرخ تعبیر فرموده‌اند برنامه منحصر به فردی است که امام صادق (ع) درباره آن می‌فرماید:

اگر چه جفر سرخ نزد من است اما بازگشایی و به کارگیری آن ویژه قائم (ع) است ملاحظه بفرمائید، حسین بن ابی‌العلا گوید: شنیدم امام صادق (ع) می‌فرمود:

همانا جفر سفید نزد من است عرض کردم در آن چیست؟ فرمود: زبور داود و تورات موسی و انجیل عیسی و صحف ابراهیم و حلال و حرام و مصحف فاطمه و معتقد نیستم که در مصحف چیزی از قرآن باشد.

در آن است، آنچه مردم به ما احتیاج دارند و ما به کسی احتیاج نداریم حتی مجازات یک تازیانه و نصف تازیانه و <sup>۱</sup> تازیانه و جریمه خراش در آن است.

و جفر سرخ هم نزد من است، عرض کردم در جفر سرخ چیست؟ فرمود: اسلحه است و آن تنها برای خونخواهی گشوده می‌شود و صاحب شمشیر (امام قائم (ع)) آن را برای کشتن باز می‌کند.....<sup>(۱)</sup>

امام صادق (ع) جفر سرخ و معنای واقعی آن را به منظور تفهیم همگانی عملاً با کشیدن انگشت به گلوی مبارکش مجسم کرده و در پاسخ رُفید که سؤال کرده بود، آیا قائم (ع) به روش حضرت علی (ع) در میان مردم عراق رفتار می‌کند یا نه؟ فرمود: ای رُفید، علی بن ابیطالب (ع) مطابق آنچه در جفر سفید بود عمل می‌نمود ولی قائم (ع) در میان عرب طبق آنچه در جفر سرخ است عمل می‌نماید رُفید می‌گوید: عرض کردم قربانت گردم جفر سرخ چیست؟ حضرت انگشت مبارک را به گلوی خود کشید و فرمود:

این چنین، یعنی کشتن دشمنان خدا<sup>(۲)</sup>

### سوم - باد یا سلاح سرد در تسخیر امام مهدی (ع)

از جمله سلاح‌های امام (ع) تسخیر باد است که خدای متعال وعده آن را به طور قطع داده و فرموده: **وَ لَأَسْخَرَنَّ لَهُ الرِّیَاحَ...**<sup>(۳)</sup>

بادها را مسخر او خواهم کرد، به طوری که ملاحظه می‌فرمائید:

باد این قدرتمند سرد در اختیار امام (ع) است به فرمان امام (ع) حرکت کرده و آنجایی که امام (ع) اراده کند با سرعتی فوق تصور، آنچه بر سر راه دارد برداشته و حتی ممکن است موجودیت یک شهر و یک کشور را از صفحه تاریخ محو سازد.

مانند باد وحشتناک و سردی که در یک روز شوم بر قوم عاد وزید و آنها را همچون تنه‌های درخت نخل ریشه کن شده از جا برکند. (سوره قمر آیات ۱۸ تا ۲۰)

ناگفته نماند که: این باد در تسخیر حضرت سلیمان (ع) هم بود و وی از این نیروی غیبی و عظیم الهی بهره‌های فراوانی برده و به وسیله آن مسیر و مسافت یک ماه را می‌پیمود. قرآن در سوره سبا آیه ۱۲ می‌فرماید:

وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوها شَهْرٌ وَ رَوَاحُها شَهْرٌ...

و برای سلیمان باد را مسخر ساختیم که صبح گاهان مسیر یک ماه را می‌پیمود و عصر گاهان مسیر یک ماه را...

به هر حال این باد و این سلاح نادیدنی مرموز با همه صلابت و سختی که دارد از جنود غیبی الهی است و به امر پروردگار متعال به فرموده و لَأَسْخَرَنَّ لَهُ الرِّيحَ هم اکنون در مشیت قدرتمند مهدی روحیفداه است، هر وقت امام (ع) اراده بفرماید که از این سلاح سرد نیرومند علیه دشمن استفاده شود قطعاً نه فقط دستهای ناپاک دشمنان خدا روی ماشه‌های سلاح یخ بسته و لاشه بیجان آنان به مجسمه خشکی تبدیل خواهد شد، بلکه این باد به امر امام (ع) با «دشمن» آن کند که با قوم «عاد» کرده است.

### چهارم - مرکب فضایی امام مهدی (ع)

از جمله سلاح یا وسیله مدرنی که امام (ع) دارد مرکب فضایی بسیار سریع السیری است که به وسیله آن آسمان و زمین هفت گانه را می‌پیماید، پیمودن آسمانهای هفت‌گانه به شرحی که در اخبار و روایات ما هست قطعاً با سرعتی فوق سرعت نور است. این نوید را خدای قادر متعال در حدیث معراجیه که از قبل گذشت به رسول اکرم (ص) داده و فرمود و لَأَرْقِیْنَهُ فِی الْأَسْبَابِ...<sup>(۱)</sup> یعنی او را از طریق اسبابی برای سفر کردن به آسمانها موفق خواهم کرد. به آسمانها سفر کردن بدون مرکب ممکن نیست که معراج پیغمبر (ص) به آسمانها هم با براق بود در این صورت برای اینکه به گوشه‌ای از ویژگیهای مرکب فضایی امام (ع) راه یابیم به حدیث زیر توجه فرمائید.

حضرت امام باقر (ع) حدود ۱۳۰۰ سال قبل در این باره فرمودند:

همانا ذوالقرنین میان دو ابر که یکی سرکش و ناآرام و دیگری آرام بود مخیر شد و او ابر آرام و رام را برگزید و آن وسیله سرکش و ناآرام را برای صاحب شما یعنی صاحب الزمان مهدی (ع) نگه داشت. (راوی حدیث می‌گوید): گفتم:

منظور از ابر و وسیله سرکش و نا آرام چیست؟ حضرت فرمود:

ابری است که در آن غرش رعد و نیروی شدید و مهیب صاعقه یا برق است صاحب شما بر این ابر و بر این وسیله سوار می‌شود، آگاه باشید او به زودی بر ابرها سوار شده و به آسمانها و زمینهای هفت گانه صعود خواهد کرد که پنج زمین آباد و دو زمین خرابه است.<sup>(۲)</sup> شگفت آور اینکه:

امام صادق (ع) راز دیگری را افشا کرده، فرمودند:

خدا ذوالقرنین را در انتخاب دو ابر (ذلول) و (صعب) مخیر گردانید و ذوالقرنین ابر آرام و ذلول را انتخاب کرد که رعد و برقی در آن نبود او اگر ابر سرکش و ناآرام یعنی صعب را انتخاب می کرد نصیب وی نمی شد زیرا خداوند آن را برای قائم (ع) ذخیره فرموده است.<sup>(۱)</sup>

توضیح اینکه ابر ذلول که خالی از رعد و برق و رام است حوزه مأموریتش کره زمین بوده و ابر صعب که سرکش و پر از رعد و برق و صاعقه است حوزه مأموریتی به وسعت هفت آسمان و زمین دارد.

### بَراقِ مرکبِی که پیغمبر (ص) را به معراج برد

روایات ما می گوید: براق وسیله ای بوده که در اختیار همه پیامبران قرار داشته است روایت شده وسیله ای که حضرت ابراهیم (ع) و هاجر و کودک خردسالش اسماعیل را از فلسطین به مکه آورد همان براق بوده و در تاریخ ابن ازرق روایت می کند:

که حضرت ابراهیم (ع) همه ساله با براق از فلسطین برای حج به مکه می آمد.

شیخ فخرالدین در مجمع البحرین ذیل ماده (برق) می نویسد:

براق به ضم با، جنبنده ای بوده که پیغمبر (ص) در شب معراج سوار آن شد. اینکه براق (یعنی دارنده برق) گفته اند، به خاطر آنست که دارای رنگی درخشان و روشنی زیاد بوده است بعضی هم گفته اند به واسطه سرعت حرکتش که مانند برق می رفت آن را براق نامیدند، گامهای او به اندازه دیدگاهش بود هنگامی که به کوهی می رسید دستهایش کوتاه می شد و پاهایش طولانی می گردید و چون فرود می آمد دستهایش بلند و پاهایش کوتاه می گردید و در پشت خود دو بال داشت.

ابن منیر می گوید: بنابراین پیمودن زمین تا آسمان در برداشتن یک گام انجام گرفته است، زیرا چشمی که در زمین است آسمان را می بیند پس براق با هفت گام به بالاترین آسمانها رسیده است.<sup>(۲)</sup>

### پنجم - قدرت امام مهدی (ع)

امام (ع) علاوه بر تصرف و ولایت تکوینی که شرحش گذشت از معجزات و کارهای خارق العاده، آنچه از آدم تا خاتم پیامبران داشتند همه را در حیطة قدرت دارد و از آن برای اتمام حجّت و قدرت نمایی به هنگام ظهور استفاده خواهد کرد.

قدرت امام (ع) چون نشأت گرفته از قدرت لایزال خدا است از این جهت وصف ناشدنی است، اینک برای آگاهی شما به نمونه هایی از قدرت امام (ع) اشاره می کنیم.

۱ - چگونگی احضار یاران از گوشه و کنار جهان:

۱ - همان مدرک

۲ - تاریخ اسلام از آغاز تا هجرت نوشته علی دوانی ص ۳۰۱ و ۳۰۰ با تلخیص

در کتب روایی ما آمده است که امام (ع) هنگام ظهور به تنهایی وارد کعبه شده و پس از ورود چون اراده می‌فرماید یارانش را که در اطراف و اکناف شرق و غرب عالم پراکنده‌اند بخواند. بین رکن و مقام بابانگی رسا می‌فرماید:

ای کسانی که خداوند شما را برای نصرت و یاری من بر روی زمین ذخیره کرده است مطیعانه نزد من حاضر شوید. (۱)

این فریاد ملکوتی همزمان در شرق و غرب عالم به گوش یارانش می‌رسد و آنان به طی الارض در یک چشم بر هم زدن در خانه کعبه حاضر می‌شوند.

ملاحظه کنید اولاً امام (ع) برای رسانیدن پیام خود به یارانش در شرق و غرب عالم از پیک و پست و تلفن و تلگراف و سایر وسائل ارتباط جمعی استفاده نکرده و تنها از قدرت معنوی و ملکوتی و تصرف در طبیعت مدد خواهد گرفت و پیامش را با سرعتی غیر قابل تصور آنهم همزمان به گوش آنان می‌رساند.

ثانیاً اگر کسی بخواهد از شرق و غرب عالم به قصد کعبه معظمه حرکت کند به چه مقدار از زمان نیازمند است که امام (ع) آن را با قدرت ولایت در یک چشم برهم زدن انجام خواهد داد.

ثالثاً مرکبی که اینان را از شرق و غرب عالم به مکه معظمه می‌آورد چیست؟ و این چگونه مرکبی هست که سرنشینانش را با سرعتی فوق سرعت نور حرکت داده و آنان را در یک چشم بر هم زدن به مقصد می‌رساند اینها تمام، قابل تأمل و دقت است که کلید آن را باید در سایه قدرت معنوی و ملکوتی امام (ع) جستجو کرد.

۲- در رکاب امام (ع) حمل غذا ممنوع است.

یکی دیگر از قدرتمندی‌های امام (ع) مسئله تأمین غذا و آب برای افراد سپاه، آنهم هنگام جنگ و ستیز با دشمنان خداست. واضح است که تأمین غذا و آب آنهم برای سپاهی با آن عظمت و تعداد کار بسیار مشکلی است خوشبختانه این مشکل در زمان ظهور از سر راه امام (ع) برداشته می‌شود و امام (ع) به قدرت ولایت و تصرف در طبیعت، غذا و آب کلیه افراد سپاه حتی چهار پایان را در طول سفر تأمین می‌فرمایند.

آری؛ دیگر لازم نیست که سپاه گرانقدر اسلام متحمل هزینه‌ای سخت و فراوان گشته و با خود آشپز و آشپزخانه حمل کند!

حضرت امام باقر (ع) در این باره می‌فرماید:

هنگامی که قائم (ع) ظهور کند با پرچم رسول خدا (ص) و انگشتر سلیمان و حجر و عصای موسی ظاهر می‌شود سپس به منادیان خود امر می‌کند که در میان سپاه فریاد کشیده، بگویند که: ای سپاهیان آگاه باشید در این سفر (حمل غذا ممنوع است) هیچ کس حق ندارد با خودش خوردنی و آشامیدنی و حتی علف برای چهارپایش بردارد.

امام صادق (ع) راز دیگری را افشا کرده، فرمودند:

خدا ذوالقرنین را در انتخاب دو ابر (ذلول) و (صعب) مخیر گردانید و ذوالقرنین ابر آرام و ذلول را انتخاب کرد که رعد و برقی در آن نبود او اگر ابر سرکش و ناآرام یعنی صعب را انتخاب می کرد نصیب وی نمی شد زیرا خداوند آن را برای قائم (ع) ذخیره فرموده است.<sup>(۱)</sup>

توضیح اینکه ابر ذلول که خالی از رعد و برق و رام است حوزه مأموریتش کره زمین بوده و ابر صعب که سرکش و پراز رعد و برق و صاعقه است حوزه مأموریتی به وسعت هفت آسمان و زمین دارد.

### بَراقِ مرکبی که پیغمبر (ص) را به معراج برد

روایات ما می گوید: براق وسیله ای بوده که در اختیار همه پیامبران قرار داشته است روایت شده وسیله ای که حضرت ابراهیم (ع) و هاجر و کودک خردسالش اسماعیل را از فلسطین به مکه آورد همان براق بوده و در تاریخ ابن ازرق روایت می کند:

که حضرت ابراهیم (ع) همه ساله با براق از فلسطین برای حج به مکه می آمد.

شیخ فخرالدین در مجمع البحرین ذیل ماده (برق) می نویسد:

براق به ضم با، جنبنده ای بوده که پیغمبر (ص) در شب معراج سوار آن شد. اینکه براق (یعنی دارنده برق) گفته اند، به خاطر آنست که دارای رنگی درخشان و روشنی زیاد بوده است بعضی هم گفته اند به واسطه سرعت حرکتش که مانند برق می رفت آن را براق نامیدند، گامهای او به اندازه دیدگاهش بود هنگامی که به کوهی می رسید دستهایش کوتاه می شد و پاهایش طولانی می گردید و چون فرود می آمد دستهایش بلند و پاهایش کوتاه می گردید و در پشت خود دو بال داشت.

ابن منیر می گوید: بنابراین پیمودن زمین تا آسمان در برداشتن یک گام انجام گرفته است، زیرا چشمی که در زمین است آسمان را می بیند پس براق با هفت گام به بالاترین آسمانها رسیده است.<sup>(۲)</sup>

### پنجم - قدرت امام مهدی (ع)

امام (ع) علاوه بر تصرف و ولایت تکوینی که شرحش گذشت از معجزات و کارهای خارق العاده، آنچه از آدم تا خاتم پیامبران داشتند همه را در حیطة قدرت دارد و از آن برای اتمام حجّت و قدرت نمایی به هنگام ظهور استفاده خواهد کرد.

قدرت امام (ع) چون نشأت گرفته از قدرت لایزال خدا است از این جهت وصف ناشدنی است، اینک برای آگاهی شما به نمونه هایی از قدرت امام (ع) اشاره می کنیم.

۱ - چگونگی احضار یاران از گوشه و کنار جهان:

۱ - همان مدرک

۲ - تاریخ اسلام از آغاز تا هجرت نوشته علی دوانی ص ۳۰۱ و ۳۰۲ با تلخیص

در کتب روایی ما آمده است که امام(ع) هنگام ظهور به تنهایی وارد کعبه شده و پس از ورود چون اراده می‌فرماید یارانش را که در اطراف و اکناف شرق و غرب عالم پراکنده‌اند بخواند. بین رکن و مقام بابانگی رسا می‌فرماید:

ای کسانی که خداوند شما را برای نصرت و یاری من بر روی زمین ذخیره کرده است مطیعانه نزد من حاضر شوید. (۱)

این فریاد ملکوتی همزمان در شرق و غرب عالم به گوش یارانش می‌رسد و آنان به طی الارض در یک چشم بر هم زدن در خانه کعبه حاضر می‌شوند.

ملاحظه کنید اولاً امام(ع) برای رسانیدن پیام خود به یارانش در شرق و غرب عالم از پیک و پست و تلفن و تلگراف و سایر وسائل ارتباط جمعی استفاده نکرده و تنها از قدرت معنوی و ملکوتی و تصرف در طبیعت مدد خواهد گرفت و پیامش را با سرعتی غیر قابل تصور آنهم همزمان به گوش آنان می‌رساند.

ثانیاً اگر کسی بخواهد از شرق و غرب عالم به قصد کعبه معظمه حرکت کند به چه مقدار از زمان نیازمند است که امام(ع) آن را با قدرت ولایت در یک چشم برهم زدن انجام خواهد داد. ثالثاً مرکبی که اینان را از شرق و غرب عالم به مکه معظمه می‌آورد چیست؟ و این چگونه مرکبی هست که سر نشینانش را با سرعتی فوق سرعت نور حرکت داده و آنان را در یک چشم بر هم زدن به مقصد می‌رساند اینها تمام، قابل تأمل و دقت است که کلید آن را باید در سایه قدرت معنوی و ملکوتی امام(ع) جستجو کرد.

۲ - در رکاب امام(ع) حمل غذا ممنوع است.

یکی دیگر از قدرتمایی‌های امام(ع) مسئله تأمین غذا و آب برای افراد سپاه، آنهم هنگام جنگ و ستیز با دشمنان خداست. واضح است که تأمین غذا و آب آنهم برای سپاهی با آن عظمت و تعداد کار بسیار مشکلی است خوشبختانه این مشکل در زمان ظهور از سر راه امام(ع) برداشته می‌شود و امام(ع) به قدرت ولایت و تصرف در طبیعت، غذا و آب کلیه افراد سپاه حتی چهار پایان را در طول سفر تأمین می‌فرمایند.

آری؛ دیگر لازم نیست که سپاه گرانقدر اسلام متحمل هزینه‌ای سخت و فراوان گشته و با خود آشپز و آشپزخانه حمل کند!

حضرت امام باقر(ع) در این باره می‌فرماید:

هنگامی که قائم(ع) ظهور کند با پرچم رسول خدا(ص) و انگشتر سلیمان و حجر و عصای موسی ظاهر می‌شود سپس به منادیان خود امر می‌کند که در میان سپاه فریاد کشیده، بگویند که: ای سپاهیان آگاه باشید در این سفر (حمل غذا ممنوع است) هیچ کس حق ندارد با خودش خوردنی و آشامیدنی و حتی علف برای چهارپایش بردارد.



با شنیدن این ندا پاره‌ای از یاران ساده لوح می‌گویند:

امام (ع) (با اجرای این دستور) می‌خواهد ما و چهارپایان ما را از گرسنگی و تشنگی بکشد! پس امام (ع) حرکت کرده و سپاه نیز در معیت امام (ع) حرکت می‌کنند در اولین منزلی که برای استراحت فرود می‌آیند (به خلاف تصور می‌بنند که) امام (ع) (با آن عصا) به حجری که همراه دارد می‌زند از درون حجر غذا و آب و علف بیرون آمده همه لشکر و چهارپایان از آن می‌خورند و می‌آشامند تا اینکه در نجف به پشت کوفه فرود می‌آیند.<sup>(۱)</sup>

۳- امام (ع) در هنگام ظهور برای همه حاضر است.

قائم (ع) بنا به نقل همه روایات معتبر هنگام ظهور، در کعبه، خانه خدا ظاهر می‌شود و از آنجا برای فتح عالم برنامه ریزی کرده، یاران خویش را تجهیز می‌کند. اما این ظهور به این معنا نیست که جهانیان به علت بعد مسافت از ظهور امام (ع) بی‌خبر مانده و تنها مردم حاضر در مکه او را می‌بینند و بقیه مردم در سایر شهرها و کشورها از دیدار امام (ع) محروم می‌شوند. بلکه ظهور امام (ع) ظهوری جهانی و عام است و پس از ظهور نه فقط مکیان بلکه همه افراد جهان یعنی هر که در هر کجای عالم هست مهدی (ع) را می‌بیند و سخن آن حضرت را می‌شنود.

امام صادق (ع) در این باره فرمود:

لَا يَبْقَى أَهْلٌ بِأَرْضٍ إِلَّا وَهُمْ يَرَوْنَ أَنَّهُ مَعَهُمْ فِي بِلَادِهِمْ<sup>(۲)</sup>

مردمان هر شهری می‌بینند که قائم (ع) با آنها در شهر آنها و در میان آنهاست.  
آن حضرت در بیانی دیگر فرمود:

هنگامی که قائم ما قیام کند خداوند شعاع دید و شنوایی پیروان ما را آنقدر امتداد می‌دهد تا در مکالمه بین آنان و امام، به پیک و پست احتیاجی نباشد او را می‌بینند و سخنان آن حضرت را می‌شنوند در حالیکه او در جایگاه خویش قرار دارد.<sup>(۳)</sup>

۴- نیروی جسمانی امام مهدی (ع)

مهدی (ع) از نیروی جسمانی فوق العاده قدرتمندی برخوردار است به طوریکه گذشت زمان و حوادث طبیعی کمترین تأثیری در بدن امام (ع) نداشته و آن حضرت همچنان سالم و نیرومند در مقابل امواج خروشان طبیعت ایستاده است و امام (ع) پس از ۱۱۶۷ سال که از عمر شریفش تاکنون می‌گذرد آنچنان شاداب است که هر کس امام (ع) را دیده و می‌بیند وی را جوانی چهل ساله یا کمتر از آن پنداشته و کمترین آثار پیری و فرسودگی در وی مشاهده نمی‌کند.

حضرت امام رضا (ع) در وصف قائم (ع) و قدرت دست و ابهت فریادش می‌فرماید:

إِنَّ الْقَائِمَ هُوَ الَّذِي إِذَا خَرَجَ كَانَ فِي سِنِّ الشُّيُوخِ وَ مَنْظَرِ الشَّبَابِ قَوِيًّا فِي بَدَنِهِ حَتَّى لَوْ مَدَّ يَدَهُ إِلَى أَكْثَرِ شَجَرَةٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَقَلَعَهَا وَ لَوَضَّاحَ بَيْنَ الْجِبَالِ لَتَدَكَّدَتْ صُخُورُهَا...<sup>(۴)</sup>

۱- بحار الانوار ج ۵۲ صفحات ۳۲۴ و ۳۳۵ و ۳۵۱ و اصول کافی ج ۱ ص ۲۳۱

۲- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۲۸

۳- بحار الانوار- ج ۵۲ ص ۳۳۶ و منتخب الاثر ص ۴۸۳

۴- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۲۲ و منتخب الاثر ص ۲۲۱



قائم کسی است که چون ظاهر شود از نظر سن پیر است اما از لحاظ قیافه و صورت جوان است از لحاظ جسمانی و بدنی آنچنان قوی و نیرومند است که اگر دست به سوی بزرگترین درخت روی زمین دراز کند آن را از ریشه می‌کند و اگر بین کوهها فریاد کشد کوهها از هم می‌پاشند و سنگهای سخت آنها متلاشی شوند!...

### ششم - ویژگیهای یاران مهدی (ع)

در این قسمت برای اینکه با کاروان مهدی (ع) بهتر آشنا شویم شایسته است که: از قدرت ایمان و صفات برجسته ابر مردانی که برای تحقق بخشیدن حکومت واحد جهانی در رکاب امام (ع) خواهند بود اطلاعی حاصل کرده و درباره آنان معرفت بیشتری پیدا کنیم.

الف - رسول اکرم (صلی الله علیه و اله) فرمود:

إِذَا كَانَ عِنْدَ خُرُوجِ الْقَائِمِ يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: أَيُّهَا النَّاسُ قَطَعَ عَنْكُمْ مِدَّةَ الْجَبَّارِينَ، وَ وُلِيَّ الْأَمْرِ خَيْرُ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ فَالْحِقُوا بِمَكَّةَ. فَيَخْرُجُ النَّجْبَاءُ مِنْ مِصْرَ وَ الْأَبْدَالُ مِنَ الشَّامِ وَ عَصَائِبُ الْعِرَاقِ رُهْبَانُ بِاللَّيْلِ لِيُوثُّ بِالنَّهَارِ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ فَيُبَا يَعُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ<sup>(۱)</sup>

هنگام ظهور قائم (ع) گوینده‌ای از آسمان بانگ می‌زند، ای مردم، زمان حکومت جباران به پایان رسید و ولی امر بهترین امت محمد (ص) قیام کرده، در مکه به وی ملحق شوید.

آنگاه نجباء از مصر و ابدال از شام و گروههایی از عراق بیرون می‌آیند که راهبان شب و شیران روز هستند، دلهایشان مانند پاره‌های آهن سخت است اینان با امام (ع) بین رکن و مقام بیعت می‌کنند.

ب - مولا علی ابن ابیطالب (علیه السلام) می‌فرماید:

كُلُّهُمْ لِيُوثُّ قَدْ خَرَجُوا مِنْ غَابَاتِهِمْ مِثْلَ زُبُرِ الْحَدِيدِ لَوْ أَنَّهُمْ هَمُّوا بِإِزَالَةِ الْجِبَالِ الرَّوَاسِي لَأَزَالُوهَا عَنْ مَوَاضِعِهَا...<sup>(۲)</sup>

همگی آنان شیرهای ژبانی هستند که از جنگلهای خود بیرون آمده‌اند، اینان اگر اراده کنند که کوههای بسیار بلند را از جای برکنند، قطعاً خواهند توانست. و نیز می‌فرماید:

إِنَّ أَهْلَ الْكَهْفِ كُلَّهُمْ أَعْجَامٌ وَ لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا بِالْعَرَبِيَّةِ وَ إِنَّهُمْ يَكُونُونَ وَرِثَاءَ الْمَهْدِيِّ<sup>(۳)</sup>

اصحاب کهف همه شان عجم هستند و جز بعربی سخن نمی‌گویند، و اینان وراثت مهدی (ع) هستند.

و در بیانی دیگر فرمود:

يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ فِي اثْنَيْ عَشَرَ أَلْفًا إِنْ قَلُوا وَ خَمْسَةَ عَشَرَ أَلْفًا إِنْ كَثُرُوا وَ يَسِيرُ الرَّعْبَ بَيْنَ يَدَيْهِ لَأَ يَلْقَاهُ عَدُوُّ إِلَّا هَزَمَهُمْ، شَعَارُهُمْ، أَمِتْ أَمِتْ لَأَيُّبَالُونَ فِي اللَّهِ لَوَمَّةً لَائِمٌ<sup>(۴)</sup>

یاران امام (ع) هنگام خروج مهدی (ع) بین ۱۲ تا ۱۵ هزار نفرند ترس و وحشت پیشاپیش مهدی (ع)

۲ - الزام الناصب ص ۱۹۹

۴ - منتخب الاثر ص ۴۸۶

۱ - بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۰۴

۳ - منتخب الاثر ص ۴۸۵

در حرکت است. هیچ دشمنی مقابل حضرت قرار نمی‌گیرد مگر اینکه نابود می‌شود. شعار یاران امام (ع) اَمِت، اَمِت (بمیران - بمیران) است، اینان به خاطر خدا به ملامت ملامت کنندگان توجهی ندارند!

ج - حضرت امام صادق (ع) در وصف یاران امام فرمودند:

يَكُونُ شِيعَتُنَا فِي دَوْلَةِ الْقَائِمِ (ع) سَنَامَ الْأَرْضِ وَ حُكَامَهَا، يُعْطَى كُلُّ رَجُلٍ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا. وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع) أَلْقَى الرَّعْبُ فِي قُلُوبِ شِيعَتِنَا مِنْ عَدُوِّنَا. فَإِذَا وَقَعَ أَمْرُنَا وَ خَرَجَ مَهْدِيُنَا كَانَ أَحَدُهُمْ أَجْرِي مِنَ اللَّيْثِ وَ أَمْضَى مِنَ السَّنَانِ يَطَأُ عَدُوَّنَا بِقَدَمَيْهِ وَ يَقْتُلُهُ بِكَفَّيهِ. (۱)

یعنی شیعیان ما در دولت قائم (ع) رؤسای روی زمین و حکمرانان آن هستند، به هر مردی از آنها قوت و نیروی چهل مرد داده می‌شود.

پس فرمود: که امام محمد باقر (ع) فرمودند:

پیش از قیام قائم (ع) وحشت دشمنان در دل شیعیان ما جای می‌گیرد، اما وقتی امر ما واقع شود و مهدی ظاهر گردد هر یک از آنها از شیر دلیرتر و از نیزه چابک‌ترند به طوریکه دشمن ما را زیر پاهای خود له کرده و با کف دست به قتل می‌رسانند!

حضرت امام باقر (ع) در بیانی دیگر در وصف یاران امام (ع) فرمودند:

أَصْحَابُ الْقَائِمِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ، أَوْلَادُ الْعَجَمِ، بَعْضُهُمْ يُحْمَلُ فِي السَّحَابِ نَهَارًا يُعْرَفُ بِاسْمِهِ وَ اسْمِ أَبِيهِ وَ نَسَبِهِ وَ حَلِيَّتِهِ وَ بَعْضُهُمْ نَائِمٌ عَلَى فِرَاشِهِ فَيُرَى فِي مَكَّةَ عَلَى غَيْرِ مِيغَادٍ. (۲)

یاران قائم (ع) ۳۱۳ نفر از فرزندان عجم هستند، پاره‌ای از آنان که در روز به وسیله ابر (به طرف مکه) حمل می‌شوند به نام و نام پدر و حسب و نسب و زیور شناخته شده‌اند، دسته دیگر در حالی که در رختخواب خود خوابیده‌اند (صبح) در مکه بدون وعده و قرار قبلی دیده شده (و در رکاب امام (ع) حاضر می‌شوند).

حضرت امام صادق (ع) در حدیث مفصلی ویژگیهای دیگری از یاران حضرت مهدی (ع) را بیان فرموده که ما در اینجا خلاصه آن را می‌آوریم:

برای او گنجی در طالقان است که از طلا و نقره نیست و همچنین پرچمی است از روزی که آن را پیچیده‌اند برافراشته نشده است.

یاران مهدی (ع) مردان پولادینی هستند و همه وجودشان یقین به خداست، مردانی سخت‌تر از سنگ که اگر به کوهها حمله کنند آنها را از جای برکنند، با پرچم پیروزگر خود به هر کشوری روی آورند آنجا را فتح خواهند نمود و در میادین جنگ امام (ع) را در میان گرفته و جان خود را پناه او می‌نمایند و هر چه او اراده کند با جان و دل انجام می‌دهند.

۱ - بحارالانوار ج ۵۲ ص ۳۷۲ و معجم احادیث الامام المهدی ج ۳ ص ۲۸۵

۲ - بحارالانوار ج ۵۲ ص ۳۷۱

این شب زنده‌داران شبها نمی‌خوابند و تا بامداد به نماز و مناجات و عبادت مشغولند. اینها فقط از خدا می‌ترسند و فریاد شهادتین آنها به گوش رسیده همواره آرزو دارند که در راه خدا شهید شوند، شعارشان (يَا لَثَارَاتِ الْحُسَيْنِ) است یعنی بیایید به طلب خون حسین(ع)... و خداوند به وسیله این دلاور مردان امام حق را یاری می‌فرماید.<sup>(۱)</sup>

### کف دست و کف پا کلید رمز قضا و عبور از روی آب دریا

امام صادق(ع) در رابطه با چگونگی موفقیت‌های شگرف یاران مهدی(ع) فرمود:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ بَعَثَ فِي أَقَالِيمِ الْأَرْضِ فِي كُلِّ إِقْلِيمٍ رَجُلًا يَقُولُ عَهْدُكَ فِي كَفِّكَ فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ أَمْرٌ لَا تَفْهَمُهُ وَلَا تَعْرِفُ الْقَضَاءَ فِيهِ فَانظُرْ إِلَى كَفِّكَ وَاعْمَلْ بِمَا فِيهَا قَالَ: وَ يَبْعَثُ جُنْدًا إِلَى الْقُسْطَنْطِينِيَّةِ، فَإِذَا بَلَغُوا الْخَلِيجَ كَتَبُوا عَلَى أقدامِهِمْ شَيْئًا وَ مَشَوْا عَلَى الْمَاءِ فَإِذَا نَظَرَ إِلَيْهِمُ الرُّومُ يَمْشُونَ عَلَى الْمَاءِ، قَالُوا:

هُؤُلَاءِ أَصْحَابُهُ يَمْشُونَ عَلَى الْمَاءِ، فَكَيْفَ هُوَ؟ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَفْتَحُونَ لَهُمْ أَبْوَابَ الْمَدِينَةِ فَيَدْخُلُونَهَا، فَيَحْكُمُونَ فِيهَا مَا يَشَاؤُونَ.<sup>(۲)</sup>

هنگامی که قائم(ع) قیام می‌کند برای هر کشوری از کشورهای جهان نماینده و امیری تعیین کرده، به او می‌فرماید:

دستورالعمل و برنامه قضائی تو در کف دست تو است، هر وقت برای تو از نظر قضا و داوری مشکلی پیش آید که حکم آن را ندانی، به کف دست نگاه کن آنچه در آن می‌بینی همان تکلیف تو است و طبق آن عمل کن. و هم چنین فرمود:

آنگاه مهدی(ع) لشکری را به قسطنطنیه می‌فرستد تا آنرا فتح کنند این لشکر در مسیر خود وقتی به دریا (خلیج) می‌رسند چیزی به کف پاهای خود نوشته همگی روی آب دریا راه می‌روند، مردم شهر که این منظره عجیب را مشاهده می‌کنند به حالت تعجب می‌گویند:

اینها که اصحاب قائمند روی آب راه می‌روند در این صورت خود او (قائم) چه خواهد بود! (یعنی جائیکه اینها بتوانند این چنین قدرت نمائی کرده و با نوشتن رمزی به کف پا روی آب راه بروند، دیگر معلوم است که قدرت و صلابت فرمانده و رهبر آنان تا چه اندازه خواهد بود) اینست که با این حساب تمام شهر یکپارچه تسلیم شده دروازه‌های شهر را برای آنها گشوده یاران امام(ع) همگی وارد شهر می‌شوند و زمام امور را به دست گرفته هر طور بخواهند فرمانروایی می‌نمایند.

فرود آمدن شمشیرها از آسمان:

حضرت امام صادق(ع) برای نمایاندن عظمت ظهور، پرده از اسواری دیگر برگرفت و فرمود: هنگامی که قائم(ع) قیام کند شمشیرهای نبرد از آسمان فرود می‌آید، که روی هر شمشیری نام

یک مرد و نام پدرش نوشته شده است. (۱)

### هفتم - جنود غیبی امام مهدی (ع)

عده‌ای از ساده لوحان و بدخواهان به منظور منحرف کردن افکار مسلمین می‌گویند:

یک تن هر چقدر قدرتمند هم باشد چگونه می‌تواند بر جهان استکبار غلبه کند؟!

اینان با این عقیده باطل گمراهیها آفریدند و با الفاظ فریبنده ساده لوحان را به ضلالت سوق داده و می‌دهند!

این زمزمه‌های ناموزون، ناشی از عدم معرفت به امام (ع) و نمایندگان قدرتمند الهی است.

اینان اگر امام شناس بودند چنین سخنان پوچی را ادا نمی‌کردند، این افراد باید بدانند که: همه نمایندگان خدا تنها بودند و به امر خدا به تنهایی با استکبار جنگیدند.

موسی (ع) تنها بود و لشکری نداشت و دیدیم که چگونه بر فرعون زمان خویش پیروز شد و بنی اسرائیل را از چنگ او و جلادانش نجات داد.

بر این اساس مهدی (ع) نیز اگر تنها است آن قدرت خدادادی را دارد که به تنهایی بر جهان پیروز شود و حکومت واحد جهانی را ایجاد نماید.

و اما برای اینکه واژه (تنهایی) برای (تنها ترسان) اسباب وحشت و اضطراب و احیاناً باعث استبعاد نشود می‌گوئیم که:

اگر چه مهدی (ع) با قدرت امامت و ولایت تکوینی و تصرف و داشتن تمام معجزات پیامبران و میراث انبیاء و تراث رسول الله (ص) و علم لدنی و ... که به همراه دارد به کمک کسی جز الله نیازمند نیست ولی از باب تیمن و تبرک و کسب فیض و ارتقاء مقام و شاید هم برای نشان دادن شوکت و عظمت و اقتدار ظهور، خدای قادر متعال جمعی از فرشتگان مخصوص و مقرب خود را همراه کاروان مهدی (ع) کرده که گوش به فرمان در التزام رکاب حضرت باشند تا هر جا حضرت اراده فتح بلاد کند آنان نیز به امر امام (ع) در این فتوحات سهیم شده و از این راه به مقام والای ذات احدیت تقرب بیشتری حاصل کنند و گرنه چنانچه گفتیم امام (ع) جز به الله به احدی نیازمند نبوده و نیست، امام با داشتن همه امکانات، نماینده تام‌الاختیار خدا است و خدا او را تا به امروز برای همین کار زنده نگه داشته و آنروز که امر به ظهورش می‌دهد قدرتی آنچنان به وی داده و خواهد داد که بتواند به تنهایی جهان هستی را از حضيض ذلت به اوج عزت برده، طومار استکبار را در هم پیچیده و برای همیشه ریشه ستم را بخشکاند.

ابراهیم خلیل (ع) را هنگامی که با منجنیق برای افکندن در آتش بالا می‌بردند جمعی از فرشتگان مقرب الهی به کمک او شتافته و به وی گفتند: حاجتی داری؟

ابراهیم (ع) گفت: آری دارم اما با شما نه. بلکه فقط با خدا

با این بیان دست رد به سینه یکایک آنها زد و چون به این مقام والا و مقدس و به این درجه از

ایمان و خلوص رسید خدای سبب ساز و سبب سوز به فرمان:

يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلٰى اِبْرَاهِيْمَ (انبیاء - ۶۹)

«آن آتش وسیع و پهناور جهنمی را برای ابراهیم (ع) گلستان کرد» فراموش نشود که: مهدی (ع) نیز فرزند همین ابراهیم (ع) است او همانند ابراهیم (ع) به کمک کسی جز خدا نیازمند نیست آنهایی که به اصطلاح به کمک می آیند آنها نیازمند به تقرب و مقامات برترند که دور شمع وجود مقدس مهدی (ع) جمع می شوند همانطوری که در اخبار و روایات معتبر آمده فرشتگان الهی که در جنگ بدر و حنین به فرموده:

وَ اَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا (توبه - ۲۶) به کمک مسلمانان صدر اسلام شتافتند هنگام ظهور نیز گروه گروه به یاری مهدی (ع) می شتابند و ما از میان بسیاری از روایات به تعدادی از آنها اشاره می کنیم.

الف - حضرت امام صادق (ع) در تفسیر آیه اول سوره نحل فرمود:

يُؤَيِّدُهُ بِثَلَاثَةِ اَجْنَادٍ: بِالمَلَائِكَةِ، وَ بِالمُؤْمِنِيْنَ وَ بِالرَّعْبِ<sup>(۱)</sup>

یعنی انقلاب مهدی (ع) با سه سپاه یاری می شود سپاهی از فرشتگان و سپاهی از مؤمنان و سپاهی از رعب.

شرح سپاه مؤمنان در شماره ششم (ویژگیهای یاران مهدی (ع)) گذشت و مسئله سپاه رعب در بحثهای آینده می آید و اما سپاه فرشتگان در اینجا ذکر می شود:

ب - حضرت امام باقر (ع) در این رابطه می فرماید:

هنگامی که قائم آل محمد (ص) قیام کند خداوند او را به وسیله فرشتگان مسومین و مردفین و منزلین و کزوبین یاری خواهد کرد، جبرئیل پیشاپیش وی و میکائیل طرف راست او و اسرافیل طرف چپ او بوده و فرشتگان مقرب خدا نیز در برابر حضرت حرکت می کنند، ترس و وحشت تا مسیر یک ماه از چهار طرف او در دل دشمنان وارد خواهد شد.<sup>(۲)</sup>

ج - امام صادق (ع) نیز در این رابطه فرمودند:

قائم (ع) را در بیرون نجف می بینم که بر اسبی تیره رنگ ابلق که میان پیشانی تا گلویش سفید است سوار شده، سپس اسبش را به حرکت در آورد به طوری که مردم هر شهری خیال می کنند که قائم (ع) در میان آنها است (حضرت به دنبال این مطلب می افزاید) سیزده هزار و سیصد و سیزده نفر از فرشتگان بر آن حضرت نازل می شوند.

ابان بن تغلب که از شاگردان خاص حضرت است می گوید:

به امام عرض کردم: همه اینها فرشته اند؟ حضرت فرمود: آری

۱ - تمام فرشتگانی که با حضرت نوح (ع) در کشتی بودند.

۱ - بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۳۹ و الزام الناصب ص ۲۳

۲ - بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۴۸

- ۲ - تمام فرشتگانی که هنگام افکندن ابراهیم (ع) در میان آتش با او بودند.  
 ۳ - تمام فرشتگانی که هنگام شکافتن دریا برای بنی اسرائیل یا موسی (ع) بودند.  
 ۴ - تمام فرشتگانی که هنگام عروج عیسی (ع) با او بودند.  
 ۵ - و چهار هزار فرشته (مسومین) و هزار فرشته (مردفین) رسول اکرم (ص).  
 ۶ - و سیصد و سیزده فرشته‌ای که در جنگ بدر حضور داشتند.  
 ۷ - و همچنین چهار هزار فرشته‌ای که روز عاشورا برای یاری امام حسین (ع) از آسمان فرود آمده و اجازه پیکار نیافتند.

تمامی این فرشتگان هم اکنون در روی زمین **يَنْتَظِرُونَ قِيَامَ الْقَائِمِ (ع) إِلَى وَقْتِ خُرُوجِهِ** در انتظار قیام قائم تا روز ظهور هستند.<sup>(۱)</sup>

د - جن و فرشتگان در رکاب حضرت مهدی (ع)

مُفَضَّل بن عمر از امام صادق (ع) می‌پرسد:

آیا جن و فرشتگان برای بشر آشکار می‌شوند؟

حضرت فرمود: آری قسم به خدا آشکار می‌شوند و با آنها سخن می‌گویند مانند یک نفر آدمی که با بستگانش سخن بگوید. و باز می‌گوید عرض کردم: آقا آیا فرشتگان و طایفه جن همه جا همراه قائم (ع) هستند؟

حضرت فرمود: آری، والله آنها در زمین هجرت، ما بین کوفه و نجف فرود می‌آیند و عدد یاران امام (ع) در آن موقع ۴۶ هزار فرشته و ۶ هزار جن است (و به روایتی ۴۶ هزار جن است) خداوند به وسیله اینها قائم (ع) را یاری داده و پیروز می‌کند.<sup>(۲)</sup> اینهایی که بر شمردیم تفسیری از:

**وَلَا نُصْرَتُهُ بِجُنْدِيٍّ وَلَا مِدْنَتُهُ بِمَلَائِكَتِي.**<sup>(۳)</sup>

است که وعده آن را خدای متعال در شب معراج به رسول اکرم (ص) داده است.

### هشتم - سپاه رُعب امام مهدی (ع)

در بحث قبل گفتیم که امام (ع) با سه سپاه یاری می‌شود دو قسم آن را که سپاه مؤمنین و سپاه فرشتگان بود شرح دادیم. اینک به شرح سومین ابزار کار و سپاه امام (ع) که (رُعب) است می‌پردازیم:

حضرت امام باقر (ع) سالها قبل از تولد امام زمان (ع) این نوید روح‌بخش را داده و فرمودند:

**الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ مُؤَيَّدٌ بِالنُّصْرِ، تَطْوِي لَهُ الْأَرْضُ، وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ وَ يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ.**<sup>(۴)</sup>

قائم ما با رُعب و وحشتی که در دل دشمن می‌افتد، تأیید می‌شود و با نصرت خداوند تقویت می‌گردد زمین در زیر پاهایش طی شده، گنجینه‌های زمین برای او آشکار گشته و سلطنتش به

۱ - بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۲۸

۲ - بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۰

۳ - بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۹۱ و منتخب الاثر ص ۲۹۲

۴ - کمال الدین ص ۲۵۶



شرق و غرب جهان می‌رسد.

و در بیانی دیگر می‌فرماید:

لَا يَقُومُ الْقَائِمُ إِلَّا عَلَى خَوْفٍ شَدِيدٍ وَ زَلْزَلٍ وَ فِتْنَةٍ وَ بَلَاءٍ يُصِيبُ النَّاسَ وَ طَاعُونَ قَبْلَ ذَلِكَ... (۱)

یعنی قائم قیام نمی‌کند مگر پس از وحشت شدید، و زلزله‌ها و فتنه و بلاهایی که دامنگیر همه مردم گشته و پیش از آنها هم طاعون در میان مردم شایع می‌شود...

حضرت امام صادق (ع) هم در تأیید این مطلب می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ نَزَعَ الْخَوْفَ مِنْ قُلُوبِ شِيعَتِنَا وَ أَسَكَّنَهُ قُلُوبَ أَعْدَائِنَا... (۲)

خداوند ترس را از دل‌های شیعیان ما برداشته و در دل‌های دشمنان ما می‌افکند...

### ترس و وحشت، سلاح پیروزی

ترس و وحشت یکی از عوامل بزرگ شکست و نابودی است تجربه و تاریخ نشان داده است که هرگز سلاح هر چه قدر مدرن و قدرتمند باشد نمی‌تواند برای سپاه، پیروزی بیاورد! وقتی سپاه موفق است که کمترین خوفی در دل خود راه نداده و بی باکانه تا قلب دشمن رخنه کند و «عامل پیروزی» را روحیه نیرومند و شکست‌ناپذیر سپاه دانسته به کم و کیف سلاح مغرور نشود. این مطلب بدیهی است که اگر دست سرباز روی ماشه سلاح بلرزد دیگر از سلاح کاری ساخته نیست!

در داستان جنگ بدر خدای متعال برای تقویت روحیه مسلمانان فرمود:

سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ... (۳)

به زودی در دل‌های کافران ترس و وحشت می‌افکنیم.

این وعده الهی تحقق یافت، ترس و وحشت عجیبی در دل ارتش نیرومند قریش افتاد و آنان که تعدادشان سه برابر نفرات مسلمانان بود آنچنان روحیه خود را باخته و با ترس و لرز دست به گریبان شدند که بعضی به هم می‌گفتند:

مسلمانان مرگ را بر شترهای خود حمل کرده و از یثرب (مدینه) برایتان سوغات آورده‌اند! که سرانجام همین ترس، اسباب شکست آنان شد.

آری، خدا این لشکر نامرئی یعنی ترس را در اغلب جنگها به یاری مسلمانان می‌فرستاد با توجه به آیات قرآنی و نمونه‌های قطعی تاریخی، مهدی (ع) نیز از این سپاه نامرئی بهره‌مند است و چنانچه در احادیث ملاحظه فرمودید ترس و وحشت زاید الوصفی از امام (ع) در دل دشمنان خواهد افتاد و آن وقت افراد نادان و آنانکه پشتوانه معنوی ندارند به زودی تسلیم خواهند شد. اکنون این مطلب ضروری است که بدانیم:

چه چیزی موجب ترس دشمن است و چه چیزی مایه ضعف و زبونی و شکست! و خلاصه چه

۱ - بحارالانوار ج ۵۲ ص ۲۳۱ و ۳۴۸ و مستخب الاثر ص ۴۳۴

۳ - انفال - آیه ۱۲

۲ - بحارالانوار ج ۵۲ ص ۳۳۶



عواملی سبب می‌شود

که انسان یا انسانها از انسانی بترسند؟!

مثلاً اینکه کفار و مشرکین از پیغمبر (ص) می‌ترسیدند، برای چه می‌ترسیدند؟

چون آن حضرت مردی با ایمان و خداپرست و درست کردار و شجاع بود و در همه غزوات حضور داشت و در میادین نبرد به فرموده علی بن ابیطالب (ع) به قلب دشمن تاخته و از تمام افراد سپاه به دشمن نزدیکتر بود. قدرتش مافوق قدرت بشر، قدرتی آنچنان با صلابت و مهیب که با اشاره انگشت کره ماه را دو نیم کرد و یک شبه راه آسمان و کهکشانها را پیموده تا بِقَابِ قَوْسَيْنِ اُوَادْنِي رسید.

و خلاصه هزاران خرق عادت‌ها و معجزات که از او دیدند همه اینها دست به دست هم داده و برای کفار و مشرکین ترس آفرین شد!

اینک باید ببینیم از مهدی (ع) چه شگفتی‌هایی در علائم ظهور می‌بینند که از او ترسیده و تسلیم می‌شوند.

برای دریافت این مطلب اگر کتب روایی معتبر شیعه و سنی را ورق بزنیم علل و اسباب ترس و وحشت دشمن را در هنگام ظهور پیدا کرده و به زودی می‌فهمیم که با بودن این عوامل باید فاتحه سلاحهای روز را بخوانیم و برای همیشه با قدرتهای پوشالی وداع کنیم.

ملاحظه فرمائید: حضرت امام صادق (ع) در اینباره می‌فرماید:

لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى يَذْهَبَ تِسْعَةُ أَغْشَارِ النَّاسِ. (۱)

یعنی، این امر (ظهور) واقع نخواهد شد مگر اینکه ۹ مردم جهان از بین بروند.

با توجه دقیق به این خبر غیبی و قطعی و معجزه آفرین، قشریون و کوتاه نظران درباره صاحبان سلاح به ویژه سلاحهای مرگبار چگونه می‌اندیشند؟! و چه می‌گویند؟! ما نمی‌دانیم که ۱/۱۰ جمعیت باقیمانده در کدام بخش از جهان قرار خواهد داشت و تنها خدا عالم است.

این بهترین پاسخی است که می‌شود بیان کرد. و اینک نمونه‌هایی چند از:

## اسباب و علل ترس

۱ - صیحه و حشتناک آسمانی شب جمعه ۲۳ رمضان در معرفی امام (ع) که همه جهان می‌شنوند.

۲ - منادی آسمانی، امام (ع) را به نام و نام پدرش معرفی می‌کند.

۳ - فریادی جهانی در معرفی امام (ع) که هر کس آنرا به زبان خود خواهد شنید.

۴ - شنیده شدن ندای غیبی در ماه محرم که می‌گوید: برگزیده خدا در میان خلقش (فلانی) است از او اطاعت کنید.

۵ - منادی آسمانی می‌گوید: حجت خدا در کنار خانه خدا ظاهر شده از او پیروی کنید که حق با

اوست.

۶- هنگام ظهور در بالای سر امام (ع) ابری است که فرشته‌ای از میان آن بانگ می‌زند این مهدی خلیفه خدا است از او پیروی کنید.

۷- مهدی (ع) را هنگام ظهور، همه عالم می‌بینند.

۸- خسوف ماه در پنجم و کسوف شمس در پانزدهم رمضان که در عالم بی سابقه است.

۹- ظاهر شدن بدنی در کرانه خورشید و فریاد منادی آسمانی که می‌گوید: اینست امیرالمؤمنین (ع) که برای هلاک ستمگران به دنیا برگشته است.

۱۰- رجعت و بازگشت رسول اکرم (ص) و علی (ع) به دنیا.

۱۱- رجعت و بازگشت همه پیامبران و رسولان خدا به دنیا.

۱۲- رجعت امام حسین (ع) با ۷۵ هزار از شیعیان به دنیا.

۱۳- فریاد شمشیر حضرت که می‌گوید: ای ولی خدا برخیز و دشمنان خدا را بکش.

۱۴- فریاد مهدی روحیفداه به هنگام ظهور که می‌فرماید: هر که می‌خواهد آدم و نوح و ابراهیم و اسماعیل و موسی و عیسی و رسول اکرم و امامان را ببیند، من همان پیامبران و امامان هستم.

۱۵- فریاد دیگرش که هر که می‌خواهد درباره خدا و پیامبران و کتاب خدا مجادله کند من از همه شما به آنها نزدیکترم.

و خلاصه:

۱۶- وقتی مردم ببینند که مهدی (ع) شنبه روز عاشورا در مکه ظهور کرده و بین رکن و مقام ایستاده است.

۱۷- وقتی مردم ببینند که مسجدالحرام را خراب کرده و دستهای طایفه بنی شیبه را به جرم سارقین کعبه بریده و بر کعبه آویزان کرده است.

۱۸- وقتی مردم ببینند که عیسی (ع) از آسمان فرود آمده اذان گفته و به مهدی (ع) در نماز اقتدا می‌کند.

۱۹- وقتی مردم ببینند که ۸۰ هزار لشکر سفیانی که برای خراب کردن کعبه می‌آمدند در (بیداء) به زمین فرو رفتند.

۲۰- وقتی مردم ببینند که یاران امام (ع) سوار بر ابر به مکه می‌روند تا در رکاب امام (ع) باشند.

۲۱- وقتی مردم ببینند که یاران امام (ع) شعار مرگ سر داده و (امت - امت) بمیران - بمیران می‌گویند.

۲۲- وقتی مردم ببینند که یاران مهدی (ع) رمزی کف پای خود نوشته روی آب راه می‌روند.

۲۳- وقتی مردم ببینند نیروی بدنی هر یک از یاران امام (ع) برابر نیروی چهل نفر است.

۲۴- وقتی مردم ببینند که سنگ فریاد می‌زند کافری در درونم پنهانست بگیرید و بکشید.

۲۵- وقتی مردم ببینند که امام (ع) عصای اژدهایی موسی (ع) را به دست گرفته است.

- ۲۶ - وقتی مردم ببینند که امام (ع) در مسجد کوفه شیطان را اعدام می‌کند.
- ۲۷ - وقتی مردم ببینند که امام (ع) سفیانی را کنار دریاچه طبریّه دمشق اعدام می‌کند.
- ۲۸ - وقتی مردم ببینند که امام (ع) با یک حرکت، کهنسالترین درختان را از ریشه می‌کند.
- ۲۹ - وقتی مردم ببینند که از سنگ و گل حجاز آتش برمی‌خیزد.
- ۳۰ - وقتی مردم ببینند که با افزایش پرچم از جلو و راست و چپ تا مسافت یک ماه را ترس فرا گرفته.
- ۳۱ - وقتی مردم ببینند ستاره‌ای در مشرق مانند ماه می‌درخشد سپس دنباله‌اش برگشته نزدیک می‌شود که دو سرش به یکدیگر برسد.
- ۳۲ - وقتی مردم ببینند که در مشرق آتشی شبیه بوته زعفران ۲ تا ۷ روز زبانه می‌کشد.
- ۳۳ - وقتی مردم ببینند که خورشید که از موقع زوال تا وقت عصر همچنان وسط آسمان مانده.
- ۳۴ - وقتی مردم ببینند که سرخی در آسمان پدید آمده و همه آفاق عالم را فرا گرفته.
- ۳۵ - وقتی مردم ببینند که اصحاب کهف همراه با سگشان از غار بیرون آمدند.
- ۳۶ - وقتی مردم ببینند که اول صبح باد سیاه و زلزله‌ای، قسمت اعظم بغداد را خراب کرده.
- ۳۷ - وقتی مردم ببینند که جبرئیل در بیت المقدس برفراز سنگی فریاد جاء الحق و زهق الباطل سر می‌دهد.
- ۳۸ - وقتی مردم ببینند کف دستی در آسمان ظاهر شده و منادی آسمانی بانگ می‌زند که امیر شما فلانی است.
- ۳۹ - وقتی مردم ببینند که صورت و سینه شناخته شده‌ای در قرص خورشید ظاهر شده.
- ۴۰ - وقتی مردم خرابی بصره را از عراق و خرابی مصر را از خشک شدن رود نیل ببینند.
- ۴۱ - وقتی مردم خرابی مکه را از حبشه و خرابی مدینه را از سیل و خرابی چین را از بلخ ببینند.
- ۴۲ - وقتی مردم خرابی فارس را از راهزنهاي دیلم و خرابی دیلم را از ارمنی‌ها ببینند.
- ۴۳ - وقتی مردم خرابی ارمنستان را از خزر و خرابی خزر را از ترکها و خرابی ترکستان را از صاعقه‌ها ببینند.
- ۴۴ - وقتی مردم خرابی سند را از هند و خرابی هند را از چین و خرابی چین را از شن و (طوفان) ببینند.
- ۴۵ - وقتی مردم خرابی حبشه را از زلزله و خرابی بغداد را از سفیانی و خرابی عراق را از قحطی ببینند.
- ۴۶ - وقتی مردم ببینند که  $\frac{2}{3}$  مردم کره زمین از بین رفته و  $\frac{1}{3}$  مانده‌اند.
- ۴۷ - وقتی مردم ببینند که مرگ سرخ و سفید از هر ۷ نفر ۵ نفر را از بین برده است.
- ۴۸ - وقتی مردم ببینند که جن و فرشتگان آسمان به یاری امام (ع) آمده‌اند.
- ۴۹ - وقتی مردم ببینند که شمشیر از آسمان می‌بارد و نام افراد روی آن نوشته شده است.

- ۵۰ - وقتی مردم ببینند که خدا بادها را برای امام (ع) مسخر کرده است.
- ۵۱ - وقتی مردم ببینند که امام (ع) (جفر سرخ) آن سلاح مخصوص را به همراه دارد.
- ۵۲ - وقتی مردم ببینند که امام (ع) تابوت سکینه را به همراه آورده است.
- ۵۳ - وقتی مردم ببینند که امام (ع) همه معجزات انبیاء را در کف با کفایت خود دارد.
- ۵۴ - وقتی مردم ببینند که امام (ع) تمام مواریث انبیاء را با خود دارد.
- ۵۵ - وقتی مردم ببینند که امام (ع) با گذشت سالیانی دراز به صورت جوانی چهل ساله ظاهر شده.
- ۵۶ - وقتی مردم ببینند که امام (ع) اگر بر کوه بانگ زند سنگهای کوه فرو ریزند.
- ۵۷ - وقتی مردم ببینند که امام (ع) با مرکب فضائی ویژه‌ای از کهکشان می‌گذرد.
- ۵۸ - وقتی مردم ببینند که امام (ع) دستور ساختن چهار صد کشتی را در ساحل «عکا» می‌دهد.
- ۵۹ - وقتی مردم ببینند که امام (ع) دشمنان خدا را آنچنان می‌کشد که مردم می‌گویند اگر وی از خاندان نبوت است چرا رحم نمی‌کند.
- ۶۰ - و سرانجام وقتی مردم ببینند که: لاشه ستمگران و جبّاران عالم رویهم انباشته شده و منادی الهی فریاد می‌زند:
- ای پرندگان آسمان و درندگان بیابان بیائید، شکم خود را از گوشت اینها پر کنید و انتقام محرومان و مستضعفان جهان را از این جنایتکاران بگیرید.<sup>(۱)</sup>
- آری:
- آنوقت است که جنایتکاران و دژخیمان عالم از خواب غفلت بیدار شده و زود می‌فهمند با که طرفند و با چه شخصیت والایی روبرو هستند، اینجا است که به قول مثل معروف: (ماستها را کیسه کرده) دیگر مجال حرکت و مخالفتی برای استکبار جهانی و دشمن باقی نمانده غیر از تسلیم و رضا، چاره‌ای نخواهند داشت!

### نهم - سازمان اطلاعاتی امام مهدی (ع)

در یک حکومت اسلامی، مصالح کشور و جامعه، اقتضا می‌کند که تحقیق و تجسس و استخبار به منظور آگاهی کامل از توطئه دشمن صورت گیرد تا اطلاعات لازم توسط افراد با تقوا و کارآزموده حاصل شود و از این طریق توطئه دشمن در نطفه خفه شده و نقشه خائنانه منافقین و دشمنان اسلام نقش بر آب گردد.

گفتنی است که سازمان اطلاعاتی حکومت اسلامی با آنچه را که سازمان سیا و سازمان امنیت و دیگر سازمانهای جاسوسی در حکومتهای طاغوتی جهان با تشکیلات جهنمی برای حفظ تاج و

۱ - موارد ۱ تا ۶۰ از کتابهای معتبر بحارالانوار ج ۵۲ - ۵۳ و منتخب الاثر و کمال الدین ج اول و الزام الناصب و بشاره الاسلام جمع آوری گردیده است.

تخت و سرکوبی و نابودی ملتها به وجود آورده‌اند متفاوت است.

اینک با الهام از اخبار و روایات با سیستم کار سازمان اطلاعاتی زمان ظهور آشنا می‌شویم و کیفیت و چگونگی آن را در مقایسه با دستگاههای روز آرزیابی کرده، قدرت و تسلط و احاطه و اشراف امام مهدی (ع) را در پهنه گیتی با چشم سر می‌بینیم.

زمان ظهور عصر ترقی و جهش علم و صنعت و تکنولوژی است، با نصب افراد موثق اگر چه به هزاران فرد مؤمن و کار آمد هم باشد نمی‌توان اطلاعات لازم روز را از شرق به غرب عالم داده و فوراً برای آن برنامه ریزی کرد. چون موفقیت دولتها و حکومتها هم مرهون احاطه و اشرافی است که در حوزه حکومتی دارند بنابراین بدیهی است که سلطه اطلاعاتی بر کره زمین بدون داشتن یک سیستم نیرومند و مجهز اطلاعاتی برای انتقال صدا و سیما و گزارشهای سری و غیره، ممکن نیست و همچنین آن سیستم نیرومند اطلاعاتی باید آنقدر پیشرفته و مدرن باشد تا بتواند کمترین حرکتی را در شرق و غرب عالم کنترل کند.

خوشبختانه این مسئله به دست قدرت الهی حل شده که گوشه‌ای از آن را ائمه معصومین (علیهم السلام) با الهام از مصادر وحی با جملاتی بسیار شیوا و شیرین بیان فرموده‌اند که با هم می‌خوانیم:

حضرت امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید:

إِذَا تَنَاهَتِ الْأُمُورُ إِلَى صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ رَفَعَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَهُ كُلُّ مُنْخَفِضٍ مِنَ الْأَرْضِ وَ خَفَضَ لَهُ كُلُّ مُرْتَفِعٍ حَتَّى تَكُونَ الدُّنْيَا عِنْدَهُ بِمَنْزِلَةِ رَاحَتِهِ، فَأَيُّكُمْ لَوْ كَانَتْ فِي رَاحَتِهِ شَعْرَةٌ لَمْ يُبْصِرْهَا؟! (۱)

هنگامی که کارها به صاحب اصلی ولایت (مهدی (ع)) برسد خداوند تبارک و تعالی هر نقطه فرو رفته‌ای از زمین را برای او مرتفع و هر نقطه مرتفعی را پائین می‌برد. به طوری که تمام دنیا نزد او به منزله کف دستش خواهد بود! کدامیک از شما اگر مویی در کف دستش باشد می‌شود که آن را نبیند؟

پیشرفت علوم مادی و معنوی در همه زمینه‌ها با ظهور مهدی (ع) که زیر نظر خدای متعال به دست حضرت پیاده می‌شوند آنچنان محیر العقول و تحسین آفرین است که صنایع و تکنولوژیهای روز در مقابل آن بسیار ناتوان و ضعیف و در حکم اسباب بازی است.

گفتنی است که: در این بخش از روایت دو نکته بسیار دقیق نهفته است که سزاوار است از آن پرده برداری شود و آن دو عبارتند از:

نکته اول - (واژه تمام دنیا)

نکته دوم - مثال (مویی در کف دست)

در مورد نکته اول که واژه تمام دنیا است ملاحظه بفرمائید، فرمود:  
(تمام دنیا نزد او به منزله کف دستش خواهد بود) یعنی سازمان اطلاعاتی امام (ع) فقط روی کره زمین کاربرد ندارد بلکه این سیستم اطلاعاتی به قدری قدرتمند و قوی است که اشراف و احاطه‌اش بر تمام دنیا است.

نکته دوم - مسئله ظرافت و دقت و سرعت انتقال است، سیستم اطلاعاتی امام (ع) به قدری دقیق و باریک و تیز بین است که حتی از ذره مویی هم غافل نیست یعنی کمترین حرکت و کوچکترین جهش از نظر حضرت، پنهان نخواهد بود که فرمود:

(کدامیک از شما اگر مویی در کف دستش باشد می‌شود که آن را نبیند)؟!)

با این حساب اگر بگوئیم که در حکومت واحد جهانی امام (ع) حجابها برداشته شده و حتی دیوارها هم برای امام (ع) حجاب نیست، غلو نکرده و سخن به گزاف نگفته‌ایم.

وسعت این اطلاعات تا آنجایی است که مردم در درون خانه‌های خود آنچه می‌گویند، می‌ترسند که در و دیوار بر ضد آنها شهادت دهد و حکومت را از توطئه آنان با خبر سازد.

آری؛ در همین راستا است که امام عصر (ع) به شیخ مفید علیه الرحمه می‌نویسد:

قطعاً علم ما بر اوضاع شما احاطه دارد و هیچ چیز از احوال شما بر ما پوشیده نیست. (۱)

افزون بر این، همانطوری که در (بخش چهارم - فایده امام غایب) مشروحاً آوردیم خدای متعال به منظور سهولت امر ارتباطات و سرعت در دریافت اطلاعات مدرنترین و عظیمترین دستگاههای اطلاعاتی به نامهای:

عمود و منار و مصباح نور که کیفیت آنها بر ما مجهول است برای امام (ع) نصب فرموده و امام (ع) از این ابزارهای مدرن اطلاعاتی بهره‌ها برده و همه رویدادهای جهان را در آنها می‌بیند و به وسیله آنها کمترین حرکتی را کاملاً زیر نظر داشته و برای پیشبرد اهداف مقدس حکومت واحد جهانی برنامه ریزی می‌کند.

حضرت امیر مؤمنان علی (ع) می‌فرماید:

وَ يُنْصَبُ لَهُ عُمُودٌ مِنْ نُورٍ مِنَ الْأَرْضِ إِلَى السَّمَاءِ يَرَى فِيهِ أَعْمَالَ الْعِبَادِ. (۲)

برای امام (ع) عمودی از نور از زمین تا آسمان نصب می‌شود که اعمال بندگان را در آن می‌بیند. و در بیانی دیگر فرمودند:

السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ عِنْدَ الْإِمَامِ كَيْدِهِ مِنْ زَاخَتِهِ يَعْرِفُ ظَاهِرَهَا مِنْ بَاطِنِهَا وَ يَعْلَمُ بِرَّهَا مِنْ فَاجِرِهَا وَ رَطْبَهَا وَ يَابِسَهَا. (۳)

آسمانها و زمین در نزد امام (ع) همانند کف دست او است ظاهر و باطن آنها را می‌فهمد، نیک و بد آنان را می‌شناسد وتر و خشک آنها را می‌داند.

حضرت امام صادق (ع) نیز در این رابطه می‌فرماید:

الف - همه دنیا همانند یک گردو در برابر امام (ع) نمایان می‌شود. (۱)

ب - خداوند قدرت شناخت دشمنان ما را به او می‌دهد. (۲)

ج - احدی در جلوی او قرار نمی‌گیرد جز اینکه امام (ع) او را می‌شناسد. (۳)

د - و بالاخره به قضاتی که در ولایات منصوب کرده می‌فرماید: برنامه قضایی تو در کف دست تو است هر وقت مشکلی برایت پیدا شود که حکم آن را ندانی به کف دست نگاه کن و آن چه در آن دیدی به آن عمل کن. (۴)

«تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل»

### دهم - علم امام مهدی (ع)

مهدی روحیفداه سزاگبر و ذخیره الهی است همه تجلیات جلال و جمال در وجود مقدس او خلاصه شده است، او عصاره انبیاء و اولیاء و محصول همه پیامبران و ائمه طاهرین است. علوم و اسرار که خداوند متعال به آدم تا خاتم و از علی (ع) تا به امام عسکری (ع) افاضه فرموده تماماً در سینه مبارک مهدی ارواحنا فداه قرار گرفته است.

و خلاصه مهدی روحیفداه وارث علوم انبیاء و اولیاء و وارث علوم و اسرار رسول اکرم (ص) و ائمه طاهرین (علیهم السلام) و کتاب آسمانی است.

اینها که بر شمرديم تماماً مستند به دلایل عقلی و نقلی معتبر است و ریشه در کتاب و سنت دارد. ملاحظه بفرمایید:

شخصی به امام موسی کاظم (ع) گفت: قربانت کردم به من بفرمائید که:

آیا پیغمبر ما (صلی الله علیه و آله) وارث تمام پیامبران است؟ حضرت فرمود: آری او گفت: از زمان آدم تا به خود آن حضرت برسد؟ حضرت فرمود:

خدا هیچ پیغمبری را مبعوث نفرمود جز اینکه محمد (صلی الله علیه و آله) از او اعلم بود، او گفت: عیسی بن مریم مردگان را به ان خدا زنده می‌کرد. حضرت فرمود: راست گفتی، سلیمان هم نطق پرندگان را می‌فهمید و رسول اکرم (ص) هم بر این مراتب توانایی داشت... (۵)

ابن کثیر می‌گوید: امام صادق (ع) درباره این آیه شریفه:

قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ. کسی که (یعنی آصف بن برخیا) دانشی از کتاب آسمانی داشت، گفت من آن تخت را پیش از آنکه چشم بر هم زنی نزد تو خواهم آورد، حضرت انگشتانش را باز کرد و بر سینه‌اش گذاشت و سپس فرمود:

عِنْدَنَا وَاللَّهِ عِلْمُ الْكِتَابِ كُلُّهُ بِهِ خُدا قسم که همه علم کتاب نزد ماست. (۶)

ابو سعید خدری می‌گوید: از رسول خدا (ص) پرسیدم (الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ) کیست؟

۲ - نورالثقلین ج ۵ ص ۱۹۶  
۴ - بحارالانوار ج ۵۲ ص ۳۶۵  
۶ - اصول کافی ج ۱ ص ۲۲۹

۱ - روزگار رهایی ج ۲ ص ۶۲۹  
۳ - بحارالانوار ج ۵۲ ص ۳۲۵ و ۳۸۹  
۵ - اصول کافی ج ۱ ص ۲۲۶



حضرت فرمود: او وصی برادریم سلیمان بن داوود بود. عرض کردم:

(وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) کیست و از چه کسی سخن می‌گوید؟

حضرت فرمود: ذَاكَ أَخِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ. او برادریم علی بن ابیطالب است. (۱)

اینک باید دید که آصف از کتاب چه داشت که به کمک آن توانست تخت بلقیس را در یک چشم بر هم زدن از یمن به فلسطین بیاورد و در برابر سلیمان (ع) قرار دهد.

حضرت امام باقر (ع) در این باره فرمودند:

اسم اعظم خدا ۷۲ حرف است و تنها یک حرف آن نزد آصف بود. آصف آن یک حرف را گفت و زمین میان او و تخت بلقیس در هم نوردید تا او تخت را به دست گرفت سپس زمین به حالت اول بازگشت، این عمل در کمتر از یک چشم برهم زدن انجام شد و ما ۷۲ حرف از اسم اعظم را داریم و یک حرف هم نزد خداست که آن را در علم غیب برای خود مخصوص ساخته است. (۲)

حضرت امام باقر (ع) فرمود:

مردم رطوبت را می‌کنند و نهر بزرگ را رها می‌کنند، عرض شد نهر بزرگ چیست؟

حضرت فرمود: رسول خداست و علمی که خدا به او عطا فرموده است.

همانا خدای عزوجل سنتهای تمام پیغمبران را از آدم تا برسد به خود محمد (ص) برای او گرد آورد، عرض شد آن سنتها چه بود؟ فرمود: علم و دانش همه پیامبران، و رسول اکرم (ص) تمام آن علوم را به امیرالمؤمنین علی (ع) تحویل داد. مردی عرض کرد، ای پسر پیغمبر امیرالمؤمنین اعلم است یا بعضی از پیغمبران؟

حضرت امام باقر (ع) فرمود:

گوش دهید این مرد چه می‌گوید؟! همانا خدا گوشهای هر که را خواهد باز می‌کند من به او می‌گویم خدا علم تمام پیامبران را جمع کرد برای رسول خدا و پیامبر نیز همه را به امیرالمؤمنین تحویل داد، باز او از من می‌پرسد که علی اعلم است یا بعضی از پیامبران!!

(یعنی نمی‌فهمد که معنی سخن من این است که آنچه همه پیامبران می‌دانستند علی (ع) به تنهایی می‌دانست.) (۳)

بدیهی است که چون ائمه (علیهم السلام) وارث علوم پیامبران و رسول اکرمند در این صورت مهدی روحیفدها نیز نمونه بارز و مصداق کامل (مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) است.

به هر حال به فرموده قرآن جایی که (آصف) با داشتن (عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ) اندک دانشی از کتاب و یک حرف از اسم اعظم آنچنان قدرت نمایی کرده و تخت عظیم بلقیس را در یک چشم بر هم زدن از یمن به فلسطین بیاورد، آن وقت قدرت حضرت بقیةالله الأعظم مهدی روحیفدها که (مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) (دارنده علم همه کتاب) و صاحب ۷۲ حرف از اسم اعظم است چه خواهد بود.

آری مهدی روحیفداه که مسلح به ۷۲ حرف اسم اعظم و علم الکتاب است اگر در روز ظهور اراده کند که زمین دشمن را با آنچه همراه دارد بلعیده و در کام خود فرو برد قطعاً بأذن خداوند قادر بر انجام آن بوده و خواهد بود.

موضوع دیگری که به مناسبت بحث، شرح آن ضروری است فرمایش امام صادق (ع) درباره علم امام عصر (ع) است که فرمود: حضرت با (۲۵) رشته از علوم جدید می آید.

اگر چه پس از شرح و شناسایی (من عنده علم الکتاب) دیگر نیازی به معرفی (۲۵) رشته از علوم جدید نیست و علم به کتاب در برگیرنده همه آنهاست و (۲۵) رشته از علوم به فرموده قرآن:

و نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ (۱)

(ما این کتاب آسمانی را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز است) خارج از محدوده علم کتاب نیست اما مع الوصف برای بصیرت بیشتر علاقمندان و مناسبت بحث به توضیح مختصری درباره آن می پردازیم.

متن حدیث را در گذشته به مناسبتی در بخش چهارم (فایده امام غایب) آوردیم، اینک فقط به ترجمه آن اکتفا می نمائیم. حضرت امام صادق (ع) فرمود:

علم ۲۷ حرف (یا ۲۷ شاخه) است تمام آنچه را که پیامبران الهی برای مردم آوردند ۲ حرف بیش نبود و مردم تا کنون جز آن ۲ حرف را نشناخته اند اما هنگامی که قائم ما قیام کند (۲۵ حرف) دیگر را آشکار می سازد و در میان مردم منتشر می کند و ۲ حرف دیگر را به آن ضمیمه می سازد تا ۲۷ حرف کامل و منتشر گردد. (۲)

در این حدیث علم و دانشی که باید در دسترس مردم قرار گیرد ۲۷ رشته است که جهان تا به امروز ۲ قسمت از ۲۷ قسمت از علوم را به دست آورده و ۲۵ رشته از علوم همچنان دور از دسترس بشر قرار دارد که در حکومت مهدی (ع) و تنها به دست آن حضرت آشکار می شود. ملاحظه کنید:

اکنون در سایه تنها (۲ رشته) از علوم، بشر تا بدانجا پیشروی کرده که پایش به کره ماه رسیده و در صدد فرود آمدن به کره مریخ و اقمار دیگر است با ساختن هواپیماهایی با سرعت مافوق صوت، فاصله زمانی و مکانی را به حداقل رسانده و با اختراع وسایل فوق پیشرفته مخابراتی از قبیل اینترنت و ماهواره و... توانسته تصویر و صدا و اطلاعات را از شرق به غرب دنیا و بالعکس انتقال دهد و هزاران صنعت و تکنیک محیرالعقول دیگر به جهان عرضه داشته و از نظر نظامی هم سر از سلاحهای اتمی و دیگر سلاحهای مرگبار درآورده است!

بنابراین وقتی محصول ۲ قسمت از ۲۷ رشته از علوم تا این اندازه شگفت انگیز و وحشتناک باشد واضح است که فرآورده های ۲۵ رشته از علوم در عصر ظهور مهدی (ع) چه خواهد بود؟!

در سایه حکومت مهدی (ع) با پیاده شدن ۲۵ رشته از علوم، آن حضرت در اوج قدرت و عظمت و افتخار قرار می‌گیرد و این خبر آنقدر غرور آفرین و هیجان انگیز است که تصویر و تصور آن اینک برای ما غیر ممکن است.

### یازدهم - ویژگیها و اوصاف امام مهدی (ع)

اوصاف امام (ع) را باید از امام شنید و کسی جز پیامبر (ص) و امام (ع) جرأت نمی‌کند که قلم در وصف امام (ع) برگردد و حقّ مطلب را ادا نماید. شخصیتی که عصاره انبیاء و ائمه و آئینه تام و تمام رسول اکرم (ص) است آن قدر عظیم‌الشان است که بیان اوصافش، کار هر کسی نیست، در عظمت مقام والای حضرت این بس که:

حضرت امام باقر (ع) درباره آن حضرت می‌فرماید:

أَمَا إِنِّي لَوْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَسْتَبَقِيْتُ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ. <sup>(۱)</sup>

قطعاً اگر من آن روز را درک می‌کردم می‌خواستم زنده بمانم تا جانم را برای حضرت صاحب الامر فدا کنم.

و همچنین حضرت امام صادق (ع) فرمودند:

لَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي <sup>(۲)</sup>

اگر من زمان او را درک می‌کردم تمام عمر خود را در خدمت او سپری می‌کردم

حضرت علی (ع) در پاسخ مردی که گفت مهدی (ع) از چه طایفه‌ای است فرمود:

مهدی (ع) از بنی هاشم، اوج قلّه شامخ نژاد عرب، اقیانوس بی‌کران و مصب نهرهای فضیلت و پناه پناهندگان است، او معدن صفا است هنگامی که همه آلوده شوند در مقابل هیولای مرگ کمترین هراسی نداشته و اگر مؤمنین در محاصره دشمن قرار گیرند ضعف و زبونی به خود راه ندهد و هنگام پیکار شجاعان عقب نشینی نمی‌کند، سلحشور همیشه پیروز و شجاع و شیر ژبانی است که ریشه ستمگران را درو کرده، زخمهای گران بر پیکر آنان وارد می‌سازد شمشیر برندهای از شمشیرهای خدا است، دست بخشنده خدا و اوج قلّه شرافت است، بزرگواری او بر بهترین اصول استوار است، هیچ فتنه انگیزی تو را از پیروی او منصرف نکند فتنه جویانی که اگر سخن بگویند بدترین گوینده و اگر ساکت نشینند حامل همه پلیدیهایند <sup>(۳)</sup>

حضرت آنگاه به ذکر اوصاف مهدی (ع) پرداخت و فرمود:

دژی محکم و پناهگاهی وسیع و دانشش از همه افزونتر و جهدش در صله ارحام از همه بیشتر است بار الها بیعتش را پایان بخش همه دردها قرار بده، به وسیله او پراکندگی و شکافها را برطرف فرما و اگر خدا چنین روزی را نصیبت کرده به او رسیدی از او روی متاب. آه، چقدر مشتاق دیدار اویم! <sup>(۴)</sup>

۲ - بحار الانوار ج ۵۱ ص ۱۴۸

۱ - بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۴۳

۳ - بحار الانوار ج ۵۱ ص ۱۱۵

۴ - بحار الانوار ج ۵۱ ص ۱۱۵ - بخش نهم از مهدی (ع) آخرین سفیر انقلاب ج ۲ ص ۲۵۱ تا ۳۲۷ با تلخیص و تصرف

کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست که تر کنند سر انگشت و صفحه بشمارند  
بار الها، رحمت‌های پیایی و دروهای خویش را ارزانی دار بر امام بزرگواری که: صاحب دعوت  
محمدی است و صولت حیدری و عصمت فاطمی و حلم حسنی و شجاعت حسینی و عبادت  
سجّادی و مفاخر باقری و آثار جعفری و علوم کاظمی و حجج رضوی و جود تقوی و نقاوت  
نقوی و هیبت عسکری و غیبت الهی.

## بخش دهم - انتظار

انتظار در لغت به معنی چشم براه بودن است و منتظر به کسی گفته می‌شود که در انتظار کسی یا چیزی است و به تعبیری دیگر انتظار به معنی ناراضی بودن از وضع موجود و به امید رسیدن به آینده‌ای بهتر است.

اکنون باید مفهوم صحیح انتظار را شرح دهیم تا معلوم شود که چه کسی در انتظار واقعی به سر می‌برد.

کیست که در انتظار طلوع خورشید حق و عدالت لحظه شماری می‌کند؟ و کیست که مشتاقانه در انتظار حاکمیت قرآن و اصلاح جامعه است؟ سست عنصرانی که حوصله مبارزه با باطل را ندارند و آن را تماماً به مهدی (ع) واگذار می‌کنند از مفهوم حقیقی انتظار فرسنگها فاصله دارند. انتظاری که حاصلی جز تنبلی و راحت طلبی ندارد انتظاری ویرانگر است و روح اسلام از آن بی‌زاری می‌جوید.

منتظران واقعی در جستجوی حقیقت و عدالتند و برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند. منطق انتظار حرکت و جنبش، مقاومت و حماسه، پاکی و درستی و آمادگی رزمی در هر شرایط است.

انتظار\* یعنی اطاعت از ولایت

انتظار\* یعنی عمل به امر به معروف و نهی از منکر

انتظار\* یعنی استقامت و پایداری و مبارزه با طاغوت و تواضع در برابر حق و تکبر در برابر باطل

انتظار\* یعنی خروش علی (ع) و خون عاشورا

و در یک کلام: انتظار یعنی الهی شدن و در راه حق حرکت کردن.

این نوع انتظار است که در اخبار و روایات ما از آن به (افضل الاعمال) تعبیر شده و منتظران واقعی را در ردیف شمشیرزنان در راه خدا قرار داده است. باید بدانیم که برای ظهور مهدی (ع) زمینه سازی لازم است و اگر زمینه و شرایط ظهور مناسب باشد، امام (ع) حتماً از پس پرده غیبت خارج شده و در میان مردم ظاهر خواهد شد.

در روایات اسلامی نیز این مطلب به وضوح بیان شده که سبب محرومیت از دیدار امام (ع) خود مردم هستند. این محرومیت به طور قطع از جانب خداوند تبارک و تعالی و یا از جانب امام (ع) نیست، زیرا خداوند هیچگاه از بذل فیض و رحمت به بندگان خویش دریغ نمی‌ورزد و امام (ع) هم که مظهر رحمت خداست هرگز منشأ محرومیت مردم نمی‌شود. پس اگر شرایط لازم در جامعه «مناسب» باشد و شایستگی درک حضور امام (ع) حاصل آید امام (ع) حتماً در میان مردم حاضر می‌شود، و عده الهی تحقق می‌یابد و مستضعفان و محرومان جهان به آرزوی دیرینه خود دست می‌یابند. خداوند در (قصص آیه - ۵) می‌فرماید:

و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ.

ما اراده کرده‌ایم بر آنهایی که در روی زمین به ضعف و زبونی کشیده شده‌اند، منت نهاده آنها را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم. در این آیه خداوند پرده از روی اراده و مشیت خود برداشته و مژده می‌دهد که سرانجام:

مستضعفان و مظلومان، که همیشه مورد تحقیر و استهزاء بوده‌اند، پیشوا و وارث حکومت جباران خواهند شد و به وسیله حضرت مهدی (ع) حکومت حق و عدالت در تمام کره زمین برقرار خواهد گردید.

اکنون برای آشنایی بیشتر با فضیلت انتظار به سراغ اخبار و روایات رسیده از ائمه معصومین (علیهم السلام) می‌رویم و از آن سرچشمه زلال توشه برمی‌داریم.

۱- کسی از امام صادق (ع) پرسید:

چه می‌گوئید درباره کسی که دارای ولایت پیشوایان است و انتظار ظهور حکومت حق را می‌کشد و در این حال از دنیا می‌رود؟ امام (ع) در پاسخ فرمود:

هُوَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ - ثُمَّ سَكَتَ هَبِيئَةً - ثُمَّ قَالَ هُوَ كَمَنْ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ.  
او همانند کسی است که با قائم و در خیمه او بوده باشد سپس کمی سکوت کرد و فرمود: مانند کسی است که با پیامبر اسلام در مبارزاتش همراه بوده است.

عین این مضمون در روایات زیادی با تعبیرات مختلفی نقل شده است:

۲- در بعضی بِمَنْزِلَةِ الضَّارِبِ بِسَيْفِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ - همانند شمشیر زنی در راه خدا  
۳- و در بعضی دیگر بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ قَاعِدًا تَحْتَ لُؤَاءِ الْقَائِمِ همانند کسی که زیر پرچم قائم بوده باشد.

۴- و بعضی دیگر - بِمَنْزِلَةِ مَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ - همانند کسی است که با پیامبر (ص) شهید شود.

این تشبیهات که در مورد انتظار مهدی (ع) وارد شده روشنگر این واقعیت است که یک نوع رابطه و تشابه میان مسئله انتظار از یک سو و جهاد و مبارزه با دشمن در آخرین شکل خود از سوی دیگر وجود دارد.

۵- در روایات متعددی نیز انتظار چنین حکومتی را داشتن به عنوان بالاترین عبادت معرفی شده است، در حدیثی می‌خوانیم که پیامبر (ص) فرمود:

أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - بالاترین اعمال امت من انتظار فرج از ناحیه خدا کشیدن است.

این تعبیرات همگی حاکی از این است که انتظار چنان انقلابی داشتن همیشه توأم با یک جهاد وسیع و دامنه‌دار است. زیرا کسی که در خیمه رهبر چنین حکومتی قرار گرفته و با آن حضرت همراه می‌گردد نمی‌تواند یک فرد غافل و بی‌خبر و بی‌تفاوت باشد آنجا جای هرکس نیست، جای افرادی است که به حق شایستگی چنان موقعیت و اهمیتی را دارند. همچنین کسی که در رکاب

آن حضرت با مخالفان حکومت جهانی می‌جنگد باید آمادگی فراوان روحی و فکری و رزمی داشته باشد.

برای آگاهی بیشتر از اثرات و برکات واقعی انتظار ظهور مهدی (ع) دو نمونه از آن را ذکر می‌کنیم

## اول - خودسازی

(الف) - خودسازی فردی

اولین اثر سازنده انتظار، خودسازی فردی است بدین معنا که منتظر واقعی باید برای تصفیه روح و فکر و شستشوی جسم و جان خود از لوث آلودگیها تلاش نماید.

کسی که آلوده و ناپاک است چگونه می‌تواند منتظر انقلابی باشد که شعله اولش دامان آلودگان را می‌گیرد؟ کسی که ظالم و ستمگر است چگونه می‌تواند در انتظار کسی باشد که طعمه شمشیرش گردن ستمگران است؟ کسی که پیرو حق نیست چگونه می‌تواند در انتظار پیروزی حق باشد؟ کسی که در برابر حق و باطل بی‌تفاوت است آیا می‌تواند منتظر حکومت حق باشد؟ در حکومت مهدی (ع) افراد فاسد و ناپاک هیچ‌گونه نقشی ندارند بلکه مطرود و منفور خواهند بود.

آئینه شو جمال پری طلعتان طلب  
چاروب کن تو خانه و پس میهمان طلب  
ارتشی که در انتظار یک جهاد بزرگ است آمادگی روحی و رزمی نفرات خود را بالا می‌برد و نقاط ضعف را اصلاح می‌کند تا بتواند بر دشمن غلبه کند.

کسانی که در انتظار قیام یک مصلح بزرگ جهانی هستند در واقع انتظار دگرگونی و تحوّل را دارند که وسیعترین و اساسی‌ترین انقلابهای انسانی در طول تاریخ بشر است. انقلابی که جنبه منطقه‌ای نداشته، بلکه جهانی و همگانی است و تمام شئون و جوانب زندگی انسانها را شامل می‌شود، انقلابی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اخلاقی. واضح است که چنین تحوّل قبل از هر چیز نیازمند به عناصر آماده و با ارزش انسانی است که بتوانند بار سنگین چنان اصلاحات وسیعی را در جهان بدوش بکشند و در پیاده کردن آن برنامه عظیم، سهیم باشند.

تنگ نظریها و کج رویها و به طور کلی هر گونه آلودگی و نفاق با موقعیت منتظران واقعی سازگار نیست!

نکته مهم اینست که منتظر واقعی برای چنان برنامه مهمی هرگز نمی‌تواند نقش تماشاچی را داشته باشد باید از هم اکنون حتماً در صف انقلابیون قرار گیرد و قرار گرفتن در این صف نیز محتاج به داشتن اعمالی پاک و روحی پاکتر و برخورداری از شهامت و آگاهی است.

انتظار یک مصلح جهانی به معنی آماده باش کامل فکری و اخلاقی، مادی و معنوی برای اصلاح



همه جهان است و کسی که چنین آمادگی را ندارد هرگز در انتظار به سر نمی‌برد و اگر بگوید دروغ می‌گوید.

اصلاح همه مظالم و نابسامانیهای روی زمین و پایان دادن به فسادها کار ساده‌ای نمی‌تواند باشد، برای تحقق بخشیدن به چنین انقلاب و اصلاحی مردانی بسیار بزرگ و مصمم و نیرومند و شکست‌ناپذیر و فوق‌العاده پاک و کاملاً آماده و دارای بینش عمیق لازم است.

(ب) خودسازی اجتماعی

منتظران واقعی وظیفه دارند تنها به خویش نپردازند بلکه علاوه بر خودسازی مراقب حال یکدیگر نیز باشند و در اصلاح دیگران تلاش کنند زیرا برنامه عظیم و سنگینی که انتظارش را می‌کشند یک برنامه فردی نیست، برنامه‌ای است که تمام عناصر انقلاب باید در آن شرکت جویند. باید کار به صورت دسته جمعی و همگانی باشد و کوششها و تلاشها هماهنگ گردد.

در یک میدان مبارزه هیچ فردی نمی‌تواند از حال دیگران غافل بماند بلکه موظف است در هر نقطه، ضعفی ببیند آنرا اصلاح کند و هر موضع آسیب‌پذیری را ترمیم نماید و هر قسمت ضعیف و ناتوانی را تقویت کند زیرا بدون شرکت فعالانه و هماهنگ تمام مبارزین، پیاده‌کردن چنان برنامه‌ای امکان‌پذیر نیست.

## دوم - ذوب نشدن در فساد محیط

یکی دیگر از آثار مهم و سازنده انتظار مهدی (ع) ذوب نشدن در فساد محیط و عدم تسلیم در برابر آلودگیهاست.

توضیح اینکه هنگامی که فساد در جامعه فراگیر شود، اکثریت یا جمع کثیری را به آلودگی می‌کشاند. در این موقع حتی افراد پاک هم ممکن است در یک فشار روحی و روانی قرار بگیرند و یأس و ناامیدی بر آنها مستولی شود.

گاهی آنها فکر می‌کنند که دیگر کار از کار گذشته و امیدی به اصلاح نیست و هر تلاش و کوششی برای پاک نگاه داشتن خویش بیهوده است، این یأس و ناامیدی ممکن است آنها را تدریجاً به سوی فساد و همرنگی با محیط بکشاند و نتوانند خود را به صورت یک اقلیت صالح در برابر اکثریت ناسالم حفظ کنند و همرنگ جماعت نشدن را موجب رسوایی بدانند!

تنها چیزی که می‌تواند به آنها امید بدهد و به مقاومت و خویشتنداری دعوت کند و نگذارد در محیط فاسد ذوب شوند امید به اصلاح نهایی است، تنها در این صورت است که آنها دست از تلاش و کوشش برای حفظ پاکی خویش و اصلاح دیگران بر نخواهند داشت.

و اگر می‌بینیم در دستورات اسلامی «یأس از آمرزش» یکی از بزرگترین گناهان شمرده شده است و ممکن است افراد ناوارد تعجب کنند که چرا یأس از رحمت خدا اینقدر مهم تلقی شده، حتی

مهمتر از بسیاری از گناهان، فلسفه‌اش در حقیقت همین است که گناهکار مایوس از رحمت خدا، هیچ دلیلی نمی‌بیند که به فکر جبران بیفتد و یا لااقل دست از ادامه گناه بردارد و منطق او این است اکنون که آب از سر من گذشته چه یک وجب چه صد وجب! و مانند این حرفها...

اما هنگامی که روزنه امید برای او گشوده شود، امید به عفو پروردگار و تغییر وضع موجود نقطه عطفی در زندگی او خواهد شد و او را به توقف کردن در مسیر گناه و بازگشت به سوی پاکی و اصلاح دعوت می‌کند.

به همین دلیل امید را می‌توان همواره به عنوان یک عامل مهم و مؤثر تربیتی در مورد افراد فاسد شناخت. همچنین افراد صالحی که در محیطهای فاسد گرفتارند بدون امید نمی‌توانند خویشتن را حفظ کنند نتیجه اینکه انتظار ظهور مصلحی که هر قدر دنیا فاسد تر می‌شود، امید ظهورش بیشتر می‌گردد، اثر فزاینده روانی در معتقدان دارد و آنها را در برابر امواج نیرومند فساد بیمه می‌کند.<sup>(۱)</sup>

از جمله آیات قرآنی که انتظار را توصیف می‌کند آیه ۵۵ از سوره مبارکه نور است که می‌فرماید:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...

خداوند به آنها که ایمان دارند و عمل صالح انجام می‌دهند وعده داده است که حکومت روی زمین را در اختیارشان بگذارد.

از پیشوایان بزرگ اسلام نقل شده است که منظور از این آیه (هُوَ الْقَائِمُ وَأَصْحَابُهُ) مهدی (ع) و یاران او هستند.

و در حدیث دیگری می‌خوانیم (نزلت فی المهدی) این آیه درباره مهدی (ع) نازل شده است. در این آیه مهدی (ع) و یارانش به عنوان (الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ) آنها که ایمان و عمل صالحی دارند معرفی شده‌اند، بنابراین تحقق این انقلاب جهانی بدون یک ایمان مستحکم که هر گونه ضعف و زبونی و ناتوانی را دور سازد و بدون عمل صالحی که راه را برای اصلاح جهان بگشاید امکان پذیر نیست و آنها که در انتظار چنین برنامه‌ای هستند هم باید سطح آگاهی و ایمان خود را بالا ببرند و هم در اصلاح اعمال خویش بکوشند.

تنها چنین کسانی هستند که می‌توانند نوید همگانی در حکومت او را به خود دهند نه آنها که با ظلم و ستم همکاری دارند و نه آنها که از ایمان و عمل صالح بیگانه‌اند، نه افراد ترسو و زبونی که بر اثر ضعف ایمان از همه چیز حتی از سایه خود می‌ترسند، و نه افراد سست و بی‌حال و بی‌کاره‌ای که دست روی دست گذارده و در برابر مفسد محیط و جامعه‌شان سکوت اختیار کرده و کمترین تلاش و کوششی در راه مبارزه با فساد ندارند!

این است اثر سازنده قیام مهدی (ع) در جامعه اسلامی.<sup>(۱)</sup>  
از پیشوایان ما در معرفی منتظرین عصر غیبت و اوصافشان روایات فراوانی نقل شده است که برای حسن ختام این گفتار به سه نمونه اشاره می‌کنیم.

۱- حضرت رسول اکرم (ص) می‌فرماید:

خوشا به حال منتظرانی که به حضور قائم (ع) برسند، آنانکه پیش از قیام او نیز پیرو اویند با دوست او عاشقانه دوستند و موافق، و با دشمن او خصمانه دشمن‌اند و مخالف<sup>(۲)</sup>

۲- حضرت امام صادق (ع) می‌فرماید:

هر کس خوش دارد در شمار اصحاب قائم (ع) باشد، در عصر انتظار باید تقوی پیشه کند و مظهر اخلاق نیک اسلامی باشد (چنین کسی) منتظر است<sup>(۳)</sup>

۳- امام صادق (ع) در بیانی دیگر فرمودند:

باید هر یک از شما برای ظهور قائم (ع) اسلحه تهیه کنید اگر چه یک نیزه و یک تیر باشد. چون وقتی خدا ببیند کسی به نیت یاری رساندن به مهدی (ع) اسلحه تهیه کرده است، امید است عمر او را دراز کند تا ظهور را درک نماید و از یاوران مهدی (ع) باشد.<sup>(۴)</sup>

آری، این گونه بودن و این امید به منتظرین ظهور این اجازه را می‌دهد که با خدای خود اینچنین راز و نیاز کرده، بگویند:

پروردگارا، اگر مرا پیش از ظهور بمیرانی از تو می‌خواهم مرا از کسانی قرار دهی که در ظهورش رجعت کرده، در طول حکومت مهدی (ع) نیرومند و صاحب همه چیز شده، و در سایه پرچم او و محشور در زمره او است، آنکه دیدگانش به دیدار جمالش روشن می‌شود.<sup>(۵)</sup>

به هر حال منتظرین واقعی آنهایی هستند که چون اوضاع فلاکت بار جهان را ببینند ساکت ننشینند و در برابر حق کشیها و هتاکیها و ناسزاهای و ظلم‌ها قیام کنند. چرا که در مکتب مهدی (ع) ستمگری و ستم‌پذیری هر دو حرام و از گناهان کبیره است. مکتبی که در ذکر صلوات بر آن حضرت به ما می‌آموزد که بگوئیم:

وَأَقِمَّ بِهِ الْحَرْبَ. خدایا آتش جنگ با دشمنان خود را به دست مهدی (ع) شعله ور ساز.

مکتبی که امر به معروف و نهی از منکر دارد و می‌گوید وَأُمُرٌ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ<sup>(۶)</sup>

مکتبی که شعارش هَيْهَاتَ مِّنَّا الذَّلَّةُ است و همه گاه از ذلت نفرت داشته چگونه می‌تواند به نام منتظرالظهور، مهر سکوت بر لب زده تماشاگر صحنه‌های خونین و جنایات جنایتکاران باشد.

منتظر واقعی، همیشه در جوشش و جنبش و حرکت و قیام است و از این نظر است که چون نام مهدی و قائم (ع) می‌شنود بر می‌خیزد و با این قیام و برخاستن اعلام آمادگی می‌کند که قطعاً

۱- تفسیر نمونه ج ۷ ص ۳۷۹ تا ۳۸۹ با تلخیص و تصرف

۲- بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۳۰

۳- بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۴۰

۴- همان مدرک ص ۳۶۶

۵- بحارالانوار ج ۱۰۲ ص ۸۸ قسمتی از زیارت سرد آب

۶- لقمان - ۱۷

فلسفه این قیام اعلام آمادگی و هم آماده باش دادن به دیگران است نه احترام، زیرا اگر مراد از این قیام احترام باشد لازم است به شنیدن نام خدا و پیامبر و ائمه دین هم برخیزیم و احترام کنیم در حالیکه چنین نیست و این همان اعتقاد درونی ماست که می‌گوئیم:

دوست دارنده شما و دوستان شمایم از دشمنان شما متنفرم و آنها را دشمن می‌دارم، در صلح با کسانی که با شما در صلح‌اند و در جنگ با کسانی که با شما بجنگند...

قلبم تسلیم شما و رأیم تابع نظر شما است، یاریم آماده برای شما است تا خدا دینش را به وسیله شما زنده کرده و شما را در روزهایش برگردانده و شما را برای اجرای عدالتش ظاهر ساخته و (سر انجام) شما را در مسند حکومت جهانی‌اش پا بر جا کند...<sup>(۱)</sup>

پس انتظار مترقی و حقیقی یعنی قیام و حرکت و جنبش، و این همان است که حضرت امام سجّاد(ع) به ابو خالد کابلی می‌فرماید: ای ابو خالد بی تردید مردم زمان غیبت مهدی(عج) که امامت او را باور دارند و منتظر ظهور اویند از مردمان همه زمانها افضل‌اند، زیرا که خدای متعال به آنان خرد و فهم و معرفتی داده است که غیبت امام(ع) برای آنان مانند حضور است (یعنی تو گویی امام را می‌بینند) این مردم را خداوند همپایه مجاهدان شمشیر زن زمان پیامبر(ص) قرار داده است. آنانند اخلاص پیشه‌گان حقیقی، آنانند شیعیان واقعی و آنانند که در نهان و عیان، مردم را به دین خدا دعوت می‌کنند<sup>(۲)</sup> و خلاصه کسی که به فرموده امام سجّاد(ع) همپایه مجاهدان شمشیر زن زمان پیغمبر(ص) قرار دارد نمی‌توانند خانه نشین و بی حرکت و منجمد باشد.

در پایان به جاست که زبان حال منتظرین را چنین آورده بگوئیم:

تو را غایب نامیده‌اند، چون (ظاهر) نیستی، نه اینکه (حاضر) نباشی، غیبت به معنی (حاضر نبودن) تهمت ناروایی است که به تو زده‌اند، و آنان که بر این پندارند، فرق میان (ظهور) و (حضور) را نمی‌دانند، آمدنت که در انتظار آنیم به معنای (ظهور) است نه (حضور) و دلشدگان که هر صبح و شام تو را می‌خوانند (ظهورت) را از خدا می‌طلبند نه (حضورت) را، وقتی ظاهر می‌شوی، همه انگشت حیرت به دندان می‌گزند و با تعجب می‌گویند که تو را پیش از این هم دیده‌اند و راست می‌گویند، چرا که در میان مایی، زیرا امام مایی  
بار الها:

از اینکه توفیق عنایت فرمودی تا آنچه را مورد علاقه عاشقان مهدی(ع) است به قلم در آورم شکرگزار تو هستم و حمد و ستایش بی‌پایان خود را به پیشگاه کبریاییات معروض می‌دارم باشد که این کوشش ناچیز مرضی درگاه تو و مقبول نظر مهدی تو و مورد عنایت اولیاء محبوبت قرار گیرد.

کتاب: با کاروان مهدی(عج)

در روز یکشنبه بیست و دوم خردادماه سال ۱۳۷۹ شمسی برابر با هشتم ربیع الاول سال ۱۴۲۱ هجری قمری سالروز شهادت امام حسن عسکری (ع) و آغاز امامت حضرت بقیة الله صاحب الزمان (عج) به پایان رسید.

«والسلام»

قزوین - علی کیالها

روز و شب مشتاق دیدار توایم  
سر شود آن لحظه‌های انتظار

مهدیا ما جمله بیمار توایم  
کی شود بی پرده آیی آشکار

## اهمّ منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه - ترجمه فیض الاسلام
- ۳- مفاتیح الجنان - حاج شیخ عباس قمی
- ۴- اصول کافی - محمد بن یعقوب کلینی - متوفای ۳۲۹ (ه ق) - چاپ حیدری تهران
- ۵- بحار الانوار - علامه محمد باقر مجلسی - متوفای ۱۱۱۰ (ه ق)
- ۶- مهدی (ع) آخرین سفیرانقلاب - ذبیح الله محسنی کبیر - چاپ اول ۱۳۷۶ شمسی
- ۷- خورشید مغرب - محمد رضا حکیمی - چاپ هفتم - ۱۳۷۱ تهران
- ۸- حضرت مهدی (ع) فروغ تابان ولایت - محمد محمدی اشتهاردی - چاپ ۱۳۷۶ شمسی
- ۹- منتهی الامال - حاج شیخ عباس قمی - چاپ تهران - ۱۳۳۱ شمسی
- ۱۰- برگزیدگان جلد چهاردهم حضرت امام مهدی (ع) - عبدالله طاهرخانی - چاپ ۱۳۷۴ شمسی
- ۱۱- کمال الدین - مرحوم شیخ صدوق - متوفای ۳۸۱ (ه ق) - چاپ ۱۳۹۵ (ه ق) - تهران
- ۱۲- ملاقات با امام زمان (ع) - سید حسن ابطحی - ۱۴۰۴ (ه ق)
- ۱۳- منتخب الاثر - لطف الله صافی گلپایگانی - طبع دوم - مکتبه البوذر جمهری - تهران
- ۱۴- معجم احادیث الامام المهدی - نشر مؤسسه معارف اسلامی - قم طبع اول ۱۴۱۱ (ه ق)
- ۱۵- مجموعه زندگانی چهارده معصوم (ع) - حسین عمادزاده - سال ۱۳۷۶ شمسی
- ۱۶- الزام الناصب - شیخ علی یزدی حائری - طبع اصفهان - ۱۳۵۱ (ه ق)
- ۱۷- تفسیر نمونه - جمعی از نویسندگان - چاپ دارالکتب الاسلامیه تهران
- ۱۸- روزگار رهایی - علی اکبر مهدی پور - چاپ اول ۱۴۰۵ (ه ق) تهران